

بسمه تعالی

گزارش تحقیق :

مؤلفه ها و الگوی مدیریت راهبردی اقتصاد کشور  
در راستای چشم انداز ۲۰ ساله ج.ا.ایران

کارفرما :

دانشگاه امام حسین (ع) - معاونت تحقیقات غیر صنعتی

مجری : دکتر اله مراد سیف

ناظر علمی : دکتر محسن رضایی

آبان ماه ۱۳۸۸



## فهرست مطالب

۸.....	چکیده
	<b>بخش اول : مفهوم شناسی و آسیب شناسی توسعه</b>
	<b>۱۲</b>
۱۲.....	۱-۱ : مفهوم شناسی توسعه.....
۱۲.....	توسعه چیست؟.....
۱۳.....	توسعه اقتصادی چیست؟.....
۱۴.....	تفاوت تئوری توسعه با ایدئولوژی توسعه.....
۱۴.....	رابطه ایدئولوژی توسعه و استراتژی توسعه.....
۱۵.....	ویژگی های نوسازی و توسعه.....
۱۶.....	بی نظمی و اغتشاش بحث در مورد توسعه.....
۱۷.....	۲-۱ : تئوری های توسعه.....
۱۷.....	عام نبودن تئوری توسعه.....
۱۷.....	بعد اثباتی - هنجاری توسعه.....
۱۸.....	بعد صوری - ماهوی توسعه.....
۱۸.....	۳-۱ : الگوهای توسعه.....
۱۸.....	دسته بندی الگوهای توسعه.....
۲۰.....	مدل لیبرال.....
۲۰.....	مدل کینزی.....
۲۱.....	۴-۱ : راهبرد های توسعه.....
۲۱.....	استراتژی توسعه از تئوری تا عمل.....
۲۱.....	طبقه بندی استراتژی های توسعه.....
۲۲.....	راهبرد توسعه صادرات یا جایگزینی واردات.....
۲۳.....	توسعه عادلانه.....
۲۳.....	توسعه بدیل.....
۲۴.....	توسعه بومی در مقابل توسعه برونزا.....
۲۵.....	وابستگی متقابل.....

۲۵.....	خوداتکایی
۲۸.....	۵-۱: آسیب های عملی توسعه در جهان
۲۸.....	اقتصاد جهانی یا امپراطوری جهانی
۲۹.....	عمومیت بخشی به تئوری غربی توسعه یک استعمار فرهنگی
۳۰.....	عوارض منفی توسعه در کشورهای توسعه یافته
۳۲.....	آسیب شناسی برنامه ریزی توسعه در جهان سوم
۳۴.....	ناپایداری سیاسی در جریان توسعه
۳۵.....	گسترش فساد اقتصادی
۳۶.....	بحران مشروعیت در توسعه
۳۷.....	سیاست تعدیل اقتصادی
۳۹.....	۶-۱: آسیب های عملی توسعه در ایران
۳۹.....	آسیب توسعه در ایران
۴۱.....	۷-۱: راه کار های اصلاح فرایند توسعه
۴۱.....	نغمه های جدایی از الگوهای غربی توسعه
۴۱.....	قالب فکری جدید توسعه
۴۵.....	از صخره خودبسندگی تا گرداب یکپارچگی
۴۵.....	راهبردهای بومی محبوب الحق برای توسعه
۴۶.....	۸-۱: نتیجه گیری بخش اول

## بخش دوم: آرمان ها ، اهداف و چشم انداز نظام ج.ا.ایران

### ۵۱

۵۱.....	۱-۲: آرمان ها و اهداف اقتصادی ج.ا.ایران در قانون اساسی
۵۱.....	مقدمه
۵۱.....	الگوی اقتصادی ملی
۵۳.....	۲-۲: آرمان های اقتصادی نظام اسلامی در دیدگاه امام راحل (ره)
۵۳.....	نفی نظام های اقتصادی حاکم بر جهان
۵۴.....	اجتناب از باغ سبز دنیای غرب
۵۴.....	لزوم تلاش برای پیاده سازی اقتصاد اسلامی
۵۵.....	ویژگی نظام اقتصاد اسلامی
۵۷.....	جهت گیری سیاست های اقتصادی اسلام
۵۷.....	نفی فرهنگ مصرفی
۵۷.....	خودکفایی در کشاورزی
۵۸.....	۳-۲: آرمان ها و پیشرفت در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی
۵۸.....	هدف انقلاب
۵۹.....	دیدگاههای مقام معظم رهبری در باب پیشرفت و توسعه
۶۵.....	جمع بندی شاخص های پیشرفت

- ۶۷..... چشم انداز بیست ساله ..... ۴-۲
- ۶۷..... ۱. مقدمه ..... ۱
- ۶۸..... ۲. چشم انداز ۲۰ ساله کشور ..... ۲
- ۷۱..... ۳. اهمیت سند چشم انداز از نگاه رهبر معظم انقلاب ..... ۳
- ۷۵..... ۵-۲: نتیجه گیری بخش دوم ..... ۵

### بخش سوم: ارزیابی اقتصاد ملی

۸۰

- ۸۰..... ۱-۳. مقدمه ..... ۱
- ۸۰..... ۲-۳: رتبه بندی ایران در کشورهای منطقه ..... ۲
- ۸۱..... ۱-۲-۳. رتبه تولید ناخالص داخلی ..... ۳
- ۸۳..... ۲-۲-۳. رتبه تولید ناخالص داخلی سرانه ..... ۳
- ۸۵..... ۳-۲-۳. رتبه نرخ تورم کمتر ..... ۳
- ۸۷..... ۴-۲-۳. آزادی اقتصادی ..... ۳
- ۸۸..... ۵-۲-۳. نرخ رشد واقعی اقتصاد ..... ۳
- ۸۹..... ۶-۲-۳. جمعیت زیر خط فقر ..... ۳
- ۹۰..... ۷-۲-۳. نرخ بیکاری ..... ۳
- ۹۰..... ۸-۲-۳. میزان صادرات ..... ۳
- ۹۱..... ۹-۲-۳. شاخص توسعه انسانی ..... ۳
- ۹۲..... ۱۰-۲-۳. بازبودن اقتصاد ..... ۳
- ۹۲..... ۱۱-۲-۳. شاخص زیرساخت ..... ۳
- ۹۴..... ۱۲-۲-۳. فضای کسب و کار ..... ۳
- ۹۶..... ۳-۳. نتیجه گیری بخش سوم ..... ۳

### بخش چهارم: الگوی مدیریت راهبردی اقتصاد ملی

۱۰۰

- ۱۰۰..... ۱-۴. مقدمه ..... ۴
- ۱۰۲..... ۲-۴. تجربیات کشورهای موفق در شرق آسیا ..... ۴
- ۱۰۲..... ۱-۲-۴. مدیریت اقتصاد کلان در چند کشور موفق ..... ۴
- ۱۰۳..... ۲-۲-۴. اقدامات کلیدی در کشورهای موفق ..... ۴
- ۱۰۷..... ۳-۲-۴. نتایج قابل استفاده در دیگر کشورهای در حال توسعه ..... ۴
- ۱۰۹..... ۳-۴: برنامه ریزی توسعه در ایران ..... ۴
- ۱۰۹..... ۱-۳-۴. سابقه برنامه ریزی توسعه در ایران ..... ۴
- ۱۱۲..... ۲-۳-۴. ساختار نهاد برنامه ریزی در ایران ..... ۴
- ۱۱۴..... ۳-۳-۴. سلسله مراتب برنامه ریزی راهبردی توسعه در ایران ..... ۴
- ۱۱۷..... ۴-۴. آسیب شناسی نظام برنامه ریزی در ایران ..... ۴
- ۱۱۷..... ۱-۴-۴. آسیب شناسی برنامه ریزی کلان راهبردی در ایران ..... ۴

- ۱۱۸ ..... ۲-۴-۴. آسیب شناسی اجرایی نظام برنامه ریزی
- ۱۲۱ ..... ۳-۴-۴. آسیب شناسی حقوقی نظام برنامه ریزی
- ۱۲۳ ..... ۴-۴-۴. آسیب شناسی محیط سازمانی نظام برنامه ریزی
- ۱۲۴ ..... ۵-۴-۴. آسیب شناسی ارکان نظام برنامه ریزی
- ۱۲۶ ..... ۶-۴-۴. آسیب شناسی نظارت و ارزیابی نظام برنامه ریزی
- ۱۲۷ ..... ۷-۴-۴. آسیب شناسی ساختاری نظام برنامه ریزی
- ۱۲۹ ..... ۸-۴-۴. آسیب شناسی نظری نظام برنامه ریزی
- ۱۳۱ ..... ۹-۴-۴. آسیب شناسی جایگاه دولت در نظام برنامه ریزی
- ۱۳۴ ..... ۵-۴. ساختار پیشنهادی نظارت راهبردی بر مبنای چشم انداز
- ۱۳۴ ..... ۱-۵-۴. راهکارهای اصلاح نظام برنامه ریزی توسعه در ایران
- ۱۳۵ ..... ۲-۵-۴. اولویت های استراتژیک اقتصادی برنامه های توسعه
- ۱۳۷ ..... ۳-۵-۴. الگوی کنترل و ارزیابی راهبردی برنامه : (مورد مطالعاتی برنامه چهارم)
- ۱۵۶ ..... ۴-۵-۴. ارزیابی راهبردی عملکرد برنامه
- ۱۵۶ ..... ۶-۴. نتیجه گیری بخش چهارم

## فهرست منابع

۱۵۹

- ۱۵۹ ..... الف) منابع فارسی
- ۱۶۱ ..... ب) منابع انگلیسی

## فهرست شکل ها

- شکل شماره (۱). رابطه میان ایدئولوژی توسعه و استراتژی توسعه
- شکل شماره (۲). یک طبقه بندی استراتژی های توسعه از نظر دادلی سیرز
- شکل شماره (۳). عمومیت بخشی به تئوری توسعه
- شکل شماره (۴). شاخص های بومی پیشرفت
- شکل شماره (۵). مدیریت احتیاطی اقتصاد کلان در تایلند
- شکل شماره (۶). مدیریت متوازن اقتصاد کلان در مالزی
- شکل شماره (۷). مکانیزم همکاری اقتصاد کلان در فیلیپین
- شکل شماره (۸). ساسله مراتب برنامه ریزی راهبردی توسعه در ایران

## فهرست جداول

- جدول شماره (۱): الگوهای توسعه
- جدول شماره (۳): رتبه تولید ناخالص داخلی ایران در میان کشورهای برتر منطقه
- جدول شماره (۴): رتبه تولید ناخالص داخلی سرانه ایران در میان کشورهای برتر منطقه
- جدول شماره (۵): رتبه منطقه ای تورم کمتر داشتن
- جدول شماره (۶): شاخص آزادی اقتصادی در سال ۲۰۰۸
- جدول شماره (۷): رتبه منطقه ای رشد اقتصادی واقعی ایران

- جدول شماره (۸) :: جمعیت زیر خط فقر (۲۰۰۴)
- جدول شماره (۹) :: نرخ بیکاری (۲۰۰۴)
- جدول شماره (۱۰) :: میزان صادرات (۲۰۰۴)
- جدول شماره (۱۱) :: شاخص توسعه انسانی (۲۰۰۵)
- جدول شماره (۱۲) :: بازبودن اقتصاد
- جدول شماره (۱۳) :: شاخص زیرساخت
- جدول شماره (۱۴) :: مقایسه تطبیقی وضعیت کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا (۲۰۰۶) : ماخذ: WDI
- جدول شماره (۱۵) :: رتبه منطقه ای کسب و کار ایران
- جدول شماره (۱۶) :: رتبه و میانگین رتبه های محاسبه شده در تمامی شاخص ها
- جدول شماره (۱۷) :: دورنمایی از جایگاه کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی تا سال ۲۰۱۰ میلادی
- جدول شماره (۱۸) :: نتایج تجربه مدیریت توسعه در چند کشور موفق
- جدول شماره (۱۹) :: زمینه های مهم کشورها در مدیریت کلان اقتصادی
- جدول شماره (۲۰) :: نوع مدیریت های اقتصادی و خصوصیت های کارکردهای مراکز اقتصادی مرکزی
- جدول شماره (۲۱) :: کلیاتی از ۱۱ برنامه عمرانی و توسعه کشور
- جدول شماره (۲۲) :: موانع و بسترهای ساختاری نیل به توسعه همه جانبه
- جدول شماره (۲۳) :: چالش های نظری برنامه های توسعه در ایران
- جدول شماره (۲۴) :: شاخصه های نظریه توسعه بومی
- جدول شماره (۲۵) :: چرخشهای کارکردی دولت در اقتصاد ایران طی سالهای اجرای برنامه های توسعه
- جدول شماره (۲۶) :: دل مشغولی های دولت در طی دوران حضور نظام برنامه ریزی توسعه
- جدول شماره (۲۷) :: طیف بندی درجه تمرکز
- جدول شماره (۲۸) :: میزان تمرکز مواد برنامه چهارم بر اولویت های استراتژیک رشد در سیاست های کلی برنامه
- جدول شماره (۲۹) :: میزان تمرکز مواد برنامه چهارم بر اولویت های استراتژیک تثبیت در سیاست های کلی برنامه
- جدول شماره (۳۰) :: میزان تمرکز مواد برنامه چهارم بر اولویت های استراتژیک توزیع در سیاست های کلی برنامه
- جدول شماره (۳۱) :: اهمیت درصدی مواد برنامه در هر یک از اولویت های استراتژیک رشد در مواد برنامه چهارم
- جدول شماره (۳۲) :: اهمیت درصدی مواد برنامه در هر یک از اولویت های استراتژیک تثبیت در برنامه چهارم
- جدول شماره (۳۳) :: اهمیت درصدی مواد برنامه در هر یک از اولویت های استراتژیک توزیع در برنامه چهارم
- جدول شماره (۳۴) :: اهمیت درصدی مواد برنامه در هر یک از اهداف راهبردی برنامه
- جدول شماره (۳۵) :: ترتیب اهمیت کلی اولویت اهداف استراتژیک در برنامه چهارم
- جدول شماره (۳۶) :: ترتیب اهمیت کلی اولویت مولفه های استراتژیک در برنامه چهارم

## چکیده

شکاف بین وعده و عمل نوسازی و توسعه، طی سه دهه گذشته، ناامیدی شدیدی را دامن زده که به نوبه خود به درون‌نگری و خودیابی منجر شده است. در خود کشورهای صنعتی نیز با ثروت و وفور حاصل از نرخهای اعجاب آور بالای رشد GNP، همه چیز به خوبی پیش نرفته است. ناتوانی آنها در حل تناقضات درونی جامعه، ناهماهنگی و عدم تعامل رقت‌انگیز است. برای کشورهای در حال گذار نیز سیاستهای تعدیل اقتصادی در قالب الگوهای توسعه عموماً به ناپایداری و بی‌ثباتی سیاسی منجر گردیده است. اگر چه همه می‌پذیرند که هدف اساسی توسعه، انسانها هستند و برنامه‌های توسعه برای بهبود فضای زندگی مردم تنظیم می‌شوند، اما بسیار دیده شده است که در عمل، مردم فراموش می‌شوند. خلاصه این که الگوهای رایج توسعه اساساً نتوانسته است مسائل توسعه نیافتگی را در جهان سوم به سرانجام مطلوبی برساند. تفکر جدید توسعه با جهت‌گیری به سوی نیازهای مادی و غیر مادی، بومی، خوداتکا، از نظر بوم‌شناختی سالم و بی‌خطر، مدیریت خودگردان و مشارکت در تصمیم‌گیری، راه تازه‌ای را پیش آورده است. فرایند بومی‌سازی علوم اجتماعی در جوامع غیر غربی حاکی از یک رهایی و آزادسازی فکری و نیز یک ارزیابی مجدد بنیادی پارادایم غربی است.

آرمان‌ها و اهداف غایی از اساسی‌ترین عناصر هر نظام اقتصادی است. در کشور ما این آرمان‌ها در قانون اساسی آورده شده است. در نظریات امام راحل (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز اهداف و آرمان‌های انقلاب در زمینه‌های اقتصادی به تفصیل بیان شده‌اند که در میان آنها عدالت اجتماعی توأم با معنویت و اخلاق از برجستگی ویژه‌ای برخوردار است.

آرمان‌ها و اهداف بیان شده مبنای تدوین سند چشم‌انداز ۲۰ ساله بوده است. در این چشم‌انداز ایران در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی (۲۰۲۵ میلادی) به کشوری توسعه‌یافته و دارای جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، توأم با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام همراه با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌المللی تبدیل می‌گردد.

کشور ما در حال حاضر با مشکلات اقتصادی بزرگی مانند تورم و بیکاری دو رقمی، نرخ رشد واقعی پایین، نوسان نرخ رشد اقتصاد و ... روبرو می‌باشد که در مجموع رتبه پایینی را برای ایران در منطقه رقم زده است. از جمله رقبای ایران بترتیب کشورهای امارات، ترکیه، عربستان، فلسطین اشغالی، مصر و پاکستان می‌باشند. نتیجه کلی این که با اطلاعات ارائه شده در می‌یابیم که رسیدن به اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله بویژه کسب جایگاه اول اقتصادی در سطح منطقه تا چه حد مشکل است و با اصلاحات جزئی و محدود در ساختارها و سیاست‌ها میسر نمی‌باشد.

بررسی تجربیات کشورهای موفق شرق آسیا و بویژه کشورهای تایلند، مالزی، و فیلیپین حاکی از آن است که می باید میان دست اندرکاران امر توسعه هماهنگی کاملی وجود داشته باشد، از تطبیق سیاست ها با اولویت های توسعه باید اطمینان حاصل کرد، محیط سیاسی بشدت بر توان عاملان کلیدی اثرگذار است و کارگزاری های اقتصادی مرکزی می باید برای اموری همچون طرحریزی، هماهنگی و نظارت بکار گرفته شوند.

آسیب شناسی اجرایی نظام برنامه ریزی در ایران نشان می دهد که تعریف روشنی از مفهوم توسعه وجود ندارد، برنامه ها فاقد رویکرد سیستمی، جامع و کل نگر بوده و نظام برنامه ریزی ایران همواره با درجه بسیار بالایی از تمرکز، همراه با بی توجهی به نقش نهادهای مدنی و سیاسی، بخش خصوصی و عموم مردم تعریف گردیده است. فقدان همسازی و هماهنگی میان بخشها و مناطق و فقدان برنامه ریزی منطقه ای از یک سو به تشدید عدم توازن های منطقه ای منجر گردیده و از سوی دیگر مطالبات و فشارهای منطقه ای را در پی داشته است.

نظام برنامه ریزی ایران در مقوله ارزیابی، با موانع جدی ساختاری و نهادی روبه روست که در نهایت موجبات عدم توفیق نظام برنامه ریزی را فراهم می آورد و از جمله نمودهای آن، گسست ایده های برنامه در مرحله طراحی و تدوین با آنچه به عنوان سند مورد تصویب قرار گرفته و بالاتر از آن گسست این دو با آنچه اجرا شده و در عینیت تحقق یافته، می باشد.

بررسی ها نشان می دهد نظام برنامه ریزی ایران دچار ضعف تئوریک نیز می باشد که موجب انقطاع عناصر اجتماعی - اقتصادی و سیاسی برنامه از یکدیگر و بروز انحرافات اجتماعی گردیده، به طوری که بخش زیادی از مشکلات کنونی جامعه ما معلول چنین واقعیتی است. دولت نیز طی این سالها، هر چند دیر هنگام و اغلب منفعلانه، تلاش نموده است تا تمام توان و انرژی خود را جهت ساماندهی بحرانها و به تعبیری عدم تعادل های حادّ و خطرناک حاصله، صرف نماید.

از آنجا که در فرایند برنامه ریزی توسعه و با سازوکار های موجود، تورش میان سیاست های کلی با برنامه تهیه شده (تورش تدوین)، تورش میان برنامه تهیه شده با برنامه تصویب شده (تورش تصویب) و در نهایت تورش میان برنامه تصویب شده با برنامه اجرا شده (تورش اجرا) بسیار محتمل است، نظارت راهبردی بر فرایند برنامه ریزی توسعه برای ترمیم مسیر در جهت تحقق چشم انداز ضروری و لازم است. در نظارت راهبردی بر مبنای چشم انداز تمرکز بر اولویت های استراتژیک انجام می شود. در این تحقیق الگوی کنترل راهبردی مبتنی بر اولویت های استراتژیک ارائه و برنامه چهارم توسعه مورد تحلیل قرار گرفت. از تحلیل انجام شده در قالب پیشنهادی مشخص شد که برنامه چهارم برنامه ای رشد محور بوده است.

از جمله قابلیت های الگوی پیشنهادی آن است که با داشتن عملکرد برنامه در هر یک از مواد آن براحتی عملکرد کلی برنامه از جهت تحقق اولویت های استراتژیک مطرح در سیاست های کلی به صورت درصدی مشخص خواهد شد. به عبارت دیگر جمع درصدی هر سه تورش محتمل در فرایند برنامه ریزی که قبلا ذکر آن رفت یکجا معلوم خواهد شد و از این نظر می توان در تهیه سیاست های کلی برنامه بعدی (در این مثال برنامه پنجم) جهت گیری را اصلاح و تعدیل نمود.

عنوان تحقیق حاضر «مؤلفه ها و الگوی مدیریت راهبردی اقتصاد کشور» انتخاب شده است. همان طور که می دانیم فرایند مدیریت استراتژیک در برگیرنده سه مرحله تدوین راهبردها، اجرای راهبردها و ارزیابی و کنترل راهبردی است. این تحقیق بر ارزیابی و کنترل راهبردی که از اهمیت ویژه ای در مدیریت توسعه به سمت چشم انداز برخوردار است متمرکز شده است. بدین ترتیب، گزارش حاضر در چهار بخش سازماندهی شده است. بخش اول، مفهوم شناسی و نیز آسیب شناسی توسعه را بررسی می کند تا اهمیت کلی توسعه مبتنی بر الگوی بومی آشکار شود. بخش دوم، به آرمان ها، اهداف و چشم انداز بیست ساله خواهد پرداخت تا آنچه قرار است از وضعیت مطلوب در یک افق ۲۰ ساله بدست آید روشن شود. در بخش سوم، به ارزیابی اقتصاد ملی می پردازیم تا وضعیت موجود بهتر نمایان شود و در بخش چهارم، الگوی مدیریت راهبردی اقتصاد ملی بحث خواهد شد.

مؤلفه ها و الگوی  
مدیریت راهبردی اقتصاد  
کشور  
در راستای  
چشم انداز  
۲۰ ساله

بخش اول : مفهوم شناسی و آسیب شناسی توسعه

## بخش اول : مفهوم شناسی و آسیب شناسی توسعه

### ۱-۱ : مفهوم شناسی توسعه

#### توسعه چیست؟

”توسعه“ در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ تر شدن است (فرهنگ لغات آکسفورد، ۲۰۰۱). ادبیات توسعه در جهان بعد از جنگ جهانی دوم مطرح و مورد تکامل قرار گرفت. هدف، کشف چگونگی بهبود شرایط کشورهای عقب مانده (یا جهان سوم) تا رسیدن به شرایط مناسبی همچون کشورهای پیشرفته و توسعه یافته بوده است.

طبق تعریف، توسعه کوششی است برای ایجاد تعادلی تحقق نیافته یا راه حلی است در جهت رفع فشارها و مشکلاتی که پیوسته بین بخش های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی وجود دارد. به عنوان مثال، حتی در کشورهای پیشرفته نیز، پیشرفت فکری و اخلاقی انسان با پیشرفت های فنی (و فناورانه) همسانی ندارد، و یا اینکه فرهنگ عامه با تکنیک های وسایل ارتباط جمعی هماهنگی ندارد.

برو کفلید در تعریف توسعه می گوید: توسعه را باید برحسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری و نابرابری تعریف کنیم. به طور کلی توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را دربردارد، شامل دگرگونی های اساسی در ساخت های نهادی، اجتماعی-اداری و همچنین ایستارها و دیدگاه های عمومی مردم است. توسعه در بسیاری از موارد، حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز دربرمی گیرد.

مصطفی از کیا در نتیجه گیری خود از بحث توسعه، توسعه را به معنای کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، صنعتی شدن بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری تعریف می کند.

زنده یاد حسین عظیمی از مجموع نظرات علمای توسعه، ”توسعه“ را به معنای بازسازی جامعه بر اساس اندیشه ها و بصیرت های تازه تعبیر می نماید. این اندیشه ها و بصیرت های تازه در دوران مدرن، شامل سه اندیشه ”علم باوری“، ”انسان باوری“ و ”آینده باوری“ است. به همین منظور باید برای نیل به توسعه، سه اقدام اساسی درک و هضم اندیشه های جدید، تشریح و تفضیل این اندیشه ها، و ایجاد نهادهای جدید برای تحقق عملی این اندیشه ها صورت پذیرد.

به هر تقدیر، امروز تلقی ما از مفهوم توسعه، فرآیندی همه‌جانبه است (نه فقط توسعه اقتصادی) که معطوف به بهبود تمامی ابعاد زندگی مردم یک جامعه (به عنوان لازم و ملزوم) است. ابعاد مختلف توسعه ملی عبارتند از: توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و اجتماعی، و توسعه امنیتی (دفاعی). مناسب نیست بدون توجه به کلیه ابعاد توسعه، صرفاً به یک جنبه اولویت بخشید و دیگر بخش‌ها را در دستور کار آینده قرار داد.

### توسعه اقتصادی چیست؟

باید بین دو مفهوم "رشد اقتصادی" و "توسعه اقتصادی" تمایز قایل شد. رشد اقتصادی، مفهومی کمی است در حالیکه توسعه اقتصادی، مفهومی کیفی است. "رشد اقتصادی" به تعبیر ساده عبارتست از افزایش تولید (کشور) در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال موردنیاز به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می‌شود که باید برای دستیابی به عدد رشد واقعی، تغییر قیمت‌ها (بخاطر تورم) و استهلاك تجهیزات و کالاهای سرمایه‌ای را نیز از آن کسر نمود.

منابع مختلف رشد اقتصادی عبارتند از افزایش بکارگیری نهاده‌ها (افزایش سرمایه یا نیروی کار)، افزایش کارآیی اقتصاد (افزایش بهره‌وری عوامل تولید)، و بکارگیری ظرفیت‌های احتمالی خالی در اقتصاد.

"توسعه اقتصادی" عبارتست از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. بعلاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرآیند تولید تغییر می‌کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی‌تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه بدلیل وابستگی آن به انسان، پدیده‌ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) که هیچ محدودیتی ندارد.

توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد: اول، افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه‌کنی فقر)، و دوم، ایجاد اشتغال، که هر دوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. نگاه به توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه‌نیافته متفاوت است. در کشورهای توسعه‌یافته، هدف اصلی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالیکه در کشورهای عقب‌مانده، بیشتر ریشه‌کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است.

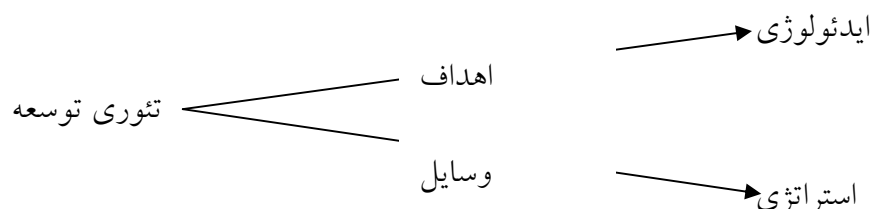
### تفاوت تئوری توسعه با ایدئولوژی توسعه

چون تئوری توسعه در اصل و منشأ خود به واسطه نگرانی نسبت به کشورهای توسعه نیافته با این فرضیه ضمنی که شرایط در این جوامع رضایتبخش نیست و باید تغییر نماید، رشد کرد، به طور کلی نسبت به علوم اجتماعی به نحو صریح تری هنجاری است. از این جهت، تفکیک و تمایز میان تئوری و استراتژی به آسانی محو می شود.

تئوری توسعه عمدتاً به گردآوری اطلاعات آکادمیک یا «علمی» دانش برمی گردد، در حالیکه ما تفکر توسعه را به عنوان مفهومی فراگیرتر به کار خواهیم برد که نه تنها به محققان علمی و دانشگاهی مربوط بوده، بلکه به ایده‌ها و آراء و نظرات برنامه‌ریزان، مدیران، سیاستمداران و غیره نیز اشاره دارد. دست‌اندرکاران امر توسعه اغلب سیاستهای خود را برحسب تئوری‌های کم و بیش کهنه و منسوخ، عقلانی‌سازی و مشروعیت‌بخشی می‌کنند که در آن حالت باید از ایدئولوژی توسعه (نه از تئوری توسعه) سخن گفت. همین اصطلاح و تعبیر در مورد یک تئوری خاص (و استراتژی برخاسته از آن) که توسط نیروهای خارجی قوی، بدون توجه چندانی به قابلیت کاربرد آن بر جامعه‌ای تحمیل می‌شود نیز مناسب است و صدق می‌کند. به این ترتیب، مجموعه معینی از ایده‌ها و آراء در یک عرصه و بستر، می‌تواند نقش تئوری، و در عرصه و بستری دیگر نقش ایدئولوژی را ایفا کند. در نتیجه، تفکیک و تمایز میان «تئوری» و «استراتژی» و «ایدئولوژی» در موقعیت‌های واقعی به آسانی قابل استنباط نیستند.<sup>۱</sup>

### رابطه ایدئولوژی توسعه و استراتژی توسعه

یک استراتژی توسعه آشکارا استراتژی‌ای برای بهبود و ارتقاء یک فرآیند توسعه می‌باشد و به این ترتیب دو جزء ترکیبی اهداف (توسعه) و وسایل (استراتژی) را دربر می‌گیرد. این دو جزء را می‌توان جداگانه مورد بحث قرار داد، اما معمولاً آنها به هم آمیخته هستند (به شکل ۱ نگاه کنید).



شکل شماره (۱). رابطه میان ایدئولوژی توسعه و استراتژی توسعه

۱- ر.ک. بژورن هتته، تئوری توسعه و سه جهان، مترجم: احمد موثقی، تهران، نشر قومس، چاپ دوم ۱۳۸۸، ص ۱۹.

تئوری مُدرن توسعه، برخلاف تئوری تکاملی کلاسیک، از آغاز هم هنجاری و هم ابزاری بوده است. به همین دلیل است که:

\* نظریه پردازان به خود اجازه می دهند آراء و عقایدی پیرامون آنچه که توسعه باید باشد داشته باشند - و لذا، این آراء و عقاید اغلب متفاوت از هم هستند.

\* این تصوّر ایجاد شده که توسعه فرآیندی است که می تواند توسط عاملین آن (که به طور معمول دولت است)، کنترل و هدایت شود.

این امر توضیح می دهد که چرا توسعه مفهومی مجادله آمیز، و تئوری توسعه حوزه مکاتب متضاد، بوده است.

استراتژی توسعه اساساً مفهومی تجربی است که بلافاصله با رفتار دولت ارتباط دارد. استراتژی توسعه را کم و بیش می توان به عنوان برنامه آشکاری دید که یک دولت - ملت برای مسأله باز تولید مادی جمعیت و منابع خود و در ارتباط با دنیای خارج، اجرا می کند. لذا، استراتژی توسعه بخشی از ملت سازی را تشکیل می دهد.

استراتژی های توسعه کارهایی هستند که عاملان مربوطه (تاکنون عمدتاً دولت) برای ارتقاء آنچه آنها به عنوان توسعه تعریف می کنند انجام می دهند. این مفهوم یک ظرفیت و توانایی برای عمل کردن را می رساند. بدون چنین ظرفیتی این مفهوم هیچ معنی ندارد. به همین دلیل است که یک بحران برای دولت - ملت همچنین حاکی از بحران برای استراتژی توسعه می باشد.<sup>۱</sup>

### ویژگی های نوسازی<sup>۲</sup> و توسعه

ساموئل هانتینگتون در مقاله هوشمندانه خود «تغییر در تغییر: نوسازی، توسعه و سیاست»، ۹ ویژگی روند نوسازی را برمی شمارد که به گفته او مورد توافق محققان است. این ویژگی ها به اختصار شامل انقلابی بودن روند آنها، پیچیده و چند بعدی بودن، سیستمی بودن، جهانی بودن، بلندمدت بودن، مرحله ای بودن، همگون ساز بودن (یعنی تفاوت جوامع را کاهش می دهند)، غیر قابل برگشت بودن، و تکاملی بودن است.<sup>۳</sup>

با نگاهی به گذشته، سه ویژگی و خصوصیت دیگر نوسازی و توسعه را می توان تشخیص داد. اول، باید پذیرفت که آنها روندهایی دردناک و محنت زا هستند. نوسازی و توسعه بر استثمار قابل توجه بخشهای

۱- ر.ک. همان، صص ۱۹۰-۱۸۸.

2-Modernization

۳- ر.ک. اس.سی.دیوب، نوسازی و توسعه در جستجوی قالبهای فکری بدیل، مترجم: احمد موثقی، تهران، نشر قومس، چاپ دوم ۱۳۸۶، صص ۱۶-۱۵.

معینی از جامعه بنا شده‌اند و با درجه‌ای از شقاوت و بی‌رحمی همراه بوده‌اند. امپریالیسم به طور اساسی به آنها کمک نمود. دستاوردهای متحیرکننده آنها آسیب‌های اجتماعی قابل توجهی را بوجود آورده و هنوز هم می‌آورد. نوسازی و توسعه به دوگانگی بین‌المللی و نیز دوگانگی در درون ملل منجر شده است. ملل جهان را می‌توان به برخوردار و محروم تقسیم کرد که تعداد اولی‌ها خیلی کمتر است. در داخل کشورها دوگانگی مشابهی حاکم است. در اکثر کشورها، گروه کوچکی مرفه و برخوردار وجود دارد که بوسیله توده انبوهی از مردم محروم محاصره شده است. در مراحل اولیه، توجیهاتی در مورد گریزناپذیری این بعد آسیب‌رسان نوسازی و توسعه ارائه شد، هر چند که ضرورتاً توسط آسیب‌دیده‌ها نبود. این استدلال اکنون آشکارا به مبارزه طلبیده می‌شود و قابل دفاع نیست. دوم، نوسازی و توسعه روندهایی چندخطی یا چند مسیری‌اند. تجربه تاریخی اخیر نشان می‌دهد که همه جوامع لزوماً مسیر یکسان و واحدی را به سوی نوسازی و توسعه طی نمی‌کنند؛ مسیرهای بدیل را می‌توان دنبال نمود.

سوم، نوسازی و توسعه را نمی‌توان به عنوان روندهای مداوم و بی‌پایان دانست. آنها به قیدهای «بیرونی»<sup>۱</sup> و «درونی»<sup>۲</sup> محدوداند. دیدگاه‌های بشر می‌تواند فرجام، جهت و جریان نوسازی و توسعه را تغییر دهد که در حال تغییر دادن هم هست.<sup>۳</sup>

### بی‌نظمی و اغتشاش بحث در مورد توسعه

شکاف بین وعده و عمل نوسازی و توسعه طی سه دهه گذشته، ناامیدی شدیدی را دامن زده که به نوبه خود، به درون‌نگری و خودیابی<sup>۴</sup> منجر گردیده است. بیماری شناسیهای متفاوت بسیاری صورت گرفته و به همراه آن، درمانهای گیج‌کننده و متنوعی نیز پیشنهاد شده است. نه تنها توسعه، بلکه بحث در مورد توسعه نیز در حالت بی‌نظمی و اغتشاش قرار دارد. جهان سوم در میان صداهای ناهنجار و بدآهنگ عقاید و استراتژیها گم شده است. هنوز رهیافت مناسب و پایداری به چشم نمی‌خورد. با این وجود، بحث باید ادامه یابد.<sup>۵</sup>

---

1- Outer

2- Inner

۳- اس.سی.دیوب، پیشین، صص ۱۷-۱۸.

4- Heaart searching

۵- اس.سی.دیوب، پیشین، ص ۱۸ ..

## ۲-۱: تئوری های توسعه

### عام نبودن تئوری توسعه

تئوری توسعه مجموعه‌ای نامنسجم از رهیافت‌های مخالف هم است که علی‌رغم رد و انکار یکدیگر، همدیگر را مفروض نیز می‌گیرند. باید تأکید نمود که من تئوری توسعه را به عنوان مجموعه خاصی از تفکری که به طور بی‌نظیری قابل کاربرد درباره جهان سوم است نمی‌شناسم. تنوع و گوناگونی موقعیت‌های جهان سوم چالشی را پیش روی علوم اجتماعی در برخوردش با تغییر و دگرگونی می‌گذارد، که در نهایت آنرا عام و جهانی می‌سازد... با این وجود، قصدم پیشنهاد تعاریف جدید نیست بلکه فقط تأکید بر یک نکته مهم است: هیچ تعریف قطعی و نهایی از توسعه نمی‌توان ارائه داد، تنها می‌توان پیشنهاداتی درباره آنچه توسعه باید در بسترهای خاص بر آنها دلالت کند، ارائه نمود.

بدین طریق تا اندازه زیادی توسعه به طور زمینه‌ای و در بسترهای خاص خود تعریف می‌شود، و باید مفهومی باز و پایان‌نیافته تلقی شود و دائماً زمانی که درک ما از این فرآیند عمیق‌تر می‌شود و مسائل جدیدی که باید از طریق «توسعه» حل شود ظهور می‌کنند، مجدداً تعریف گردد. همان‌طور که پل استریتن<sup>۱</sup> توجه نموده است، برای هر مسأله‌ای یک راه‌حلی وجود دارد، ولی همچنین یک مسأله‌ای برای هر راه‌حلی وجود دارد (استریتن، ۱۹۷۸: ۳۴). بنابراین نظریه‌پردازی درباره توسعه کاری بی‌پایان است.<sup>۲</sup>

### بعد اثباتی - هنجاری توسعه

از نظر نمونه آرمانی مطالعات اثباتی با جهان آن‌طور که هست سروکار دارد و مطالعات هنجاری با جهان آن‌طور که باید باشد. اکثر تحقیقات در واقع مقداری از هر دو را دربر دارد. آنچه اهمیت دارد رهیافت اساسی می‌باشد. تفکیک و تمایز میان تحلیل اثباتی و تحلیل هنجاری سنتی طولانی در تاریخ فکری غرب دارد و در اقتصاد به خوبی استقرار یافته است... این ایده که افراد تمایل دارند تحت هدایت منافع (مادی)‌شان باشند در مفهوم انسان اقتصادی، که مبنایی برای یک علم اقتصاد اثباتی فراهم کرد، به اوج خود رسید. ایده آل یک علوم اجتماعی اثباتی و آزاد از ارزشها از حملات جان سالم بدر بُرد و پس از جنگ جهانی دوم حاکمیت عالیه یافت.

1- Paul Streeten

۲- بژورن هنته، پیشین، صص ۱۸-۱۷.

تئوری توسعه، که یک پدیده پس از جنگ بود، ماهیتاً به طور ضمنی هنجاری است، اما تنها در دهه ۱۹۷۰ به طور صریح و روشن هنجاری شد. این معمولاً همان چیزی است که به عنوان هنجارگرایی<sup>۱</sup> مورد اشاره قرار می‌گیرد.

از یک نقطه نظر دیالکتیکی هیچ دلیلی برای اظهار نظر و قضاوتها درباره هر رهیافت به مثابه ذاتاً خوب یا بد وجود ندارد. موج هنجارگرایی در مطالعات توسعه تا حدودی به سبب اثبات‌گرایی افراطی پیشین، متهم به جزیبی‌نگری و عدم ربط و مناسبت، بود. مثلاً این نظر که توسعه امری ذاتی در همه جوامع است و از طریق مراحل قابل پیش‌بینی سیر می‌کند هم جزئی و بی‌اهمیت و هم فاقد ربط و مناسبت بود، چراکه پیش شرط‌های خاص برای توسعه در مناطق گوناگون هرگز به شیوه‌ای بدون تعصب کاوش نشده بود. به این ترتیب، تنشی مکرر بین گرایش به مطالعه توسعه آن طور که واقعاً در پرتو تئوری‌های از پیش مفروض رخ می‌دهد، و گرایش به نظریه‌پردازی درباره آنچه که باید دال بر توسعه طبق ارزشهای اعلام شده باشد، وجود داشته است.<sup>۲</sup>

تئوری‌هایی که صراحتاً هنجاری هستند اهمیتشان به هیچ وجه کمتر از تحلیلهای اثباتی نیست، چون نگرش‌ها نسبت به جامعه خوب بر توسعه واقعی، به اندازه‌ی که توسعه متأثر از گنشه‌های سیاسی و اراده انسانی می‌باشد تأثیر می‌گذارد.<sup>۳</sup>

### **بعد صوری - ماهوی توسعه**

بعد روش‌شناختی دوم، رهیافت صوری و شکلی را که در آن توسعه برحسب تعداد محدودی از اهداف عام و شاخص‌های کمیّت پذیر قابل ترکیب در مدلی پیش‌بینی کننده، تعریف می‌شود، در مقابل رهیافت ماهوی، که در آن توسعه دربرگیرنده تغییر تاریخی دارای ماهیتی جامع‌تر، کیفی و کمتر قابل پیش‌بینی می‌باشد، قرار می‌دهد.<sup>۴</sup>

### **۱-۳: الگوهای توسعه**

#### **دسته بندی الگوهای توسعه**

به منظور داشتن چارچوبی ارتباط‌دهنده رهیافت‌های نظری گوناگون و اغلب متضاد به یکدیگر اجازه دهید دو بعد مورد بحث در فوق را با هم ترکیب نماییم. بدین طریق چهار جهت نظری اصلی استقرار می‌یابند:

---

1- normativism

۲- بزورن هتته، پیشین، صص ۳۱۱-۳۱۲.

۳- همان، ص ۲۱۰.

۴- همان، صص ۳۱۳-۳۱۴.

جدول شماره (۱): الگوهای توسعه

الگوهای هنجاری	الگوهای اثباتی	الگوهای صوری (شکلی)
الگوهای نئو کلاسیک رشد	مدل کلاسیک مارکسیستی	
مکتب بدیل و نظریه وابستگی	الگوهای نوسازی	الگوهای ماهوی

مدل انباشت مارکسیستی کلاسیک، و اخیراً مطالعات پیرامون «منطق سرمایه» به طور خاص، رهیافت اثباتی - صوری یا شکلی را نشان می‌دهد، در حالی که تحلیل شیوه تولید، آن طور که توسط دانش پژوهان مارکسیست جهان توسعه یافته به نحو قابل توجهی ماهوی تر است.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر مکتب نئومارکسیستی و نیز نظریه رادیکال وابستگی نمایانگر حرکتی در جهت هنجاری - ماهوی بود. هنجارگرایی نه تنها از اراده و اختیارگرایی سیاسی، که ویژگی اکثر طرفداران مکتب وابستگی بود، آشکار بود، بلکه همچنین از تأکید آنان روی توسعه خوداتکا به عنوان یک ایده آل مشهود بود. محتوی گرایی نوعاً در رهیافت گسترده ساختاری - تاریخی وابستگی نشان داده شده بود.<sup>۲</sup>

تئوری‌های رشد نئو کلاسیک، مشتق از مدل هارود - دومار به روشنی شکلی هستند و - به میزانی که آنها به جای توصیف یک راه توسعه آنرا تجویز می‌کنند - هنجاری می‌باشند، مثلاً هنگامی که آنها به عنوان ابزارهای برنامه‌ریزی در کشورهای در حال توسعه بکار می‌روند. این هنجارگرایی معمولاً ضمنی بود. بحث پیرامون توزیع مجدد، همراه با رشد و رهیافت نیازهای اساسی در دهه ۱۹۷۰ گامی در یک جهت ماهوی بود، در حالی که هنجارگرایی صریح‌تر شده بود.<sup>۳</sup>

تئوری نوسازی در مقایسه با تئوری متعارف رشد از نظر قلمرو وسیعتر و هنجارگرایی آن کمتر آشکار بود. این امر مطمئناً مورد بحث و مجادله است، چون نوسازی به طور مشهود بر ایده آل‌های توسعه معینی که مشتق از تجربه غرب بود، دلالت داشت. با این وجود، نظریه پرداز نوسازی نوعاً ادعا می‌کرد که انگیزه نوسازی در همه جوامع امری ذاتی است. موضع گیری «ملایم» متأخرتر نوسازی، که نوسازی را به عنوان مرحله‌ای در تاریخ به جای صفتی از آن می‌پندارد، اثباتی تر است و از برخی جهات نزدیکی و پیوند خاصی با رهیافت نظام جهانی دارد. با این وجود، این موضع گیری خیلی بیشتر در طرف ماهوی قرار دارد تا در جانب صوری و شکلی.<sup>۴</sup>

۱- همان، ص ۳۱۶.

۲- همان، صص ۳۱۶-۳۱۷.

۳- همان، ص ۳۱۷.

۴- همان، صص ۳۱۷-۳۱۸.

«توسعه‌ای دیگر» که در تفسیر ارائه شده در این جا شامل مفاهیمی چون خوداتکایی، نیازهای اساسی انسانی، پایداری و توسعه قومی می‌شود، نمایانگر گرایشی مهم در جهت هنجاری - ماهوی می‌باشد. طبق نظر تئوریسین‌های مکتب بدیل، توسعه باید فرآیندی بومی باشد، که از این جهت شباهت خاصی با تئوری نوسازی کلاسیک دارد. از سوی دیگر، براساس مکتب بدیل، جوامع مختلف باید راه‌های توسعه خاص خودشان، که در ذات تاریخ، بوم‌شناسی و فرهنگ‌شان باشد، را دنبال کنند، فرضیه‌ای که کم و بیش تئوری پردازی شکلی در سطح بالایی از انتزاع را منتفی می‌داند. این دستگاه فکری تا حدودی در انزوا قرار می‌گیرد، که آن طور که من می‌بینم، به علت سنت جریان مخالف «زیرزمینی» در تفکر توسعه غربی است. این جریان به طور دوره‌ای به عنوان یک جنبش اعتراض علیه «مدرنیته» (یا جریان اصلی) ظهور می‌کند.<sup>۱</sup>

### مدل لیبرال

مدل لیبرال به صورتی تعمیم یافته، تجربه توسعه انگلیس در عصر انقلاب صنعتی را تشکیل می‌دهد. این مدل دلالت دارد بر اتکا به نیروهای بازار، صنعتی شدن تدریجی، با شروع از صنایع سبک، یک سطح مناسب و کافی از سرمایه‌گذاری خصوصی مشتق از سودهای بالا و سطح پایینی از دستمزدها، و تأکیدی بر پیشرفت تکنولوژیکی، که انباشت سرمایه و بسط و گسترش بازارها را ضروری می‌سازد. تکرار این راه توسعه با ظهور یک اقتصاد جهانی کاپیتالیستی و تقسیم کار سازمان یافته و ساختاری بین کشورهای مشارکت‌جو، به طور فزاینده‌ای دشوار گردید. توسعه یافته شدن مثل انگلستان هنوز هدف بود، اما در پرتو تفوق آن کشور به عنوان «کارگاه جهان»، وسایل نیز ناگزیر باید مورد بازنگری قرار می‌گرفت.<sup>۲</sup>

### مدل کینزی

کینزگرایی، برخلاف استراتژی سرمایه‌داری دولتی، جلوه‌ای از سرمایه‌داری پیشرفته است. نقطه عزیمت آن از مدل اساسی لیبرال در اعطای مسئولیت ثبات و رشد مداوم نظام‌های کاپیتالیستی به دولت بود. روی هم رفته سخن گفتن درباره تئوری کینزی به عنوان یک تئوری توسعه صحیح نیست. ولی عناصری در انقلاب تئوریک کینزی وجود داشت که می‌توانست در یک استراتژی رشد درازمدت‌تر، با مشخصه مداخله دولت و سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده، یکپارچه شود. این نقطه عزیمتی مهم برای ظهور اقتصاد توسعه بود.<sup>۳</sup>

۱- همان، ص ۳۱۸.

۲- همان، ص ۷۰.

۳- همان، ص ۷۱.

## ۱-۴: راهبرد های توسعه

### استراتژی توسعه از تئوری تا عمل

ما نباید این طور فرض کنیم که همه کشورها استراتژی های توسعه متمایزی را دنبال می کنند. برعکس، همان طور که گریفین تأکید می کند، اکثر کشورها از یک استراتژی قابل شناسایی ای پیروی نمی کنند. این امر به علت ضعیف شدن دولت در جهان سوم، و نیز به علت بحران اقتصادی جهانی به طور فزاینده ای مورد دارد. به این ترتیب نقش استراتژی های توسعه برای بسیاری از کشورها امروزه متمایل به سوی مدیریت بحران است نه دگرگونی اقتصادی اجتماعی، که البته ربط و مناسبت تئوری توسعه را به طور عمده کاهش می دهد.<sup>۱</sup>

### طبقه بندی استراتژی های توسعه.

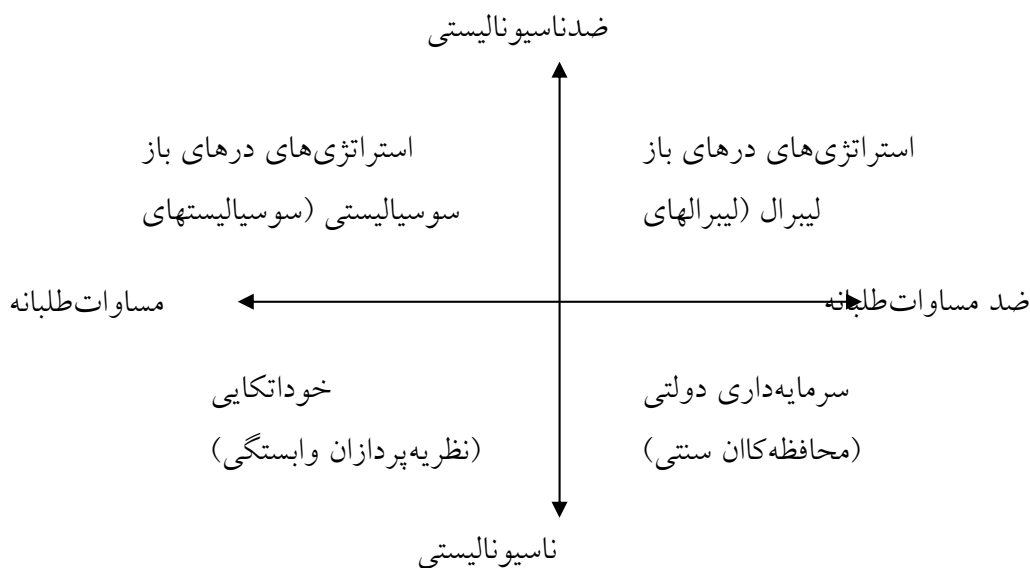
سیرز در کتابی که بعد از مرگش منتشر شد (۱۹۸۳) بعد داخلی/خارجی را (که او ناسیونالیستی و ضد ناسیونالیستی می نامد) با بعد دومی، بر مبنای درجه مساوات طلبی، ترکیب می کند. با ترکیب این دو بعد چهار موضع ایدئولوژیک مختلف شناسایی می گردد:<sup>۲</sup>

جدول شماره (۲): استراتژی های توسعه

ضد ناسیونالیستی	ناسیونالیستی	
استراتژی های درهای باز سوسیالیستی (سوسیالیستهای مارکسیست)	خوداتکایی (نظریه پردازان وابستگی)	مساوات طلبانه
استراتژی های درهای باز لیبرال (لیبرالهای نئوکلاسیک)	سرمایه داری دولتی (محافظه کاران سنتی)	ضد مساوات طلبانه

۱- همان، ص ۲۰۳.

۲- همان، ص ۲۰۷.



شکل شماره (۲). یک طبقه‌بندی استراتژی‌های توسعه از نظر دادلی سیرز (۱۹۸۳)

### راهبرد توسعه صادرات یا جایگزینی واردات

(کشورهای تازه صنعتی شده یا) <sup>1</sup>NIC ها بین صنعتی شدن با جایگزینی واردات و صنعتی شدن با جهت‌گیری صادراتی انتخابی به عمل نیاوردند. آنها هر دو را انجام دادند، و قاطعانه تأکید را در لحظه مناسب و زمان صحیح تغییر داده‌اند....مسأله انتخاب یک استراتژی نیست بلکه تعقیب آن به نحوی پایدار و تغییر آن در زمانی است که موقعیت این گونه بطلد. ضرورتها اغلب توسط شرایط خارجی تعیین می‌شوند و هیچ رژیم واحدی، هر قدر هم که قوت و توان داخلی داشته باشد، بر آن شرایط کنترل کامل ندارد. عرصه بین‌المللی دائماً در حال تغییر است و موانع و نیز امکانات جدیدی خلق می‌کند. به همین دلیل استخراج نتایج استراتژیک از یک دهه و انتظار معتبر بودن آنها را در دهه‌های دیگر داشتن مورد تردید است. به همان دلیل تئوری توسعه باید دارای انعطاف بوده و پاسخگوی استراتژی‌های عینی توسعه که در موقعیتهای دائماً در حال تغییر بکار می‌روند، باشد. این سرنوشت نظریه پردازان است که از استراتژیست‌ها عقب بمانند، اما این نقش نظریه پردازان است که عقل و آگاهی

1 -New Industrialized Countries

را انباشته و متراکم کنند تا استراتژیست - به شیوه‌ای انتقادی و گزینشی - از روی آن بتواند استراتژی‌اش را ترسیم و تنظیم نماید.<sup>۱</sup>

تضاد آشکاری میان توصیه‌هایی که اکنون عموماً به کشورهای در حال توسعه جهت انتخاب استراتژی‌های دارای جهت‌گیری صادراتی می‌شود و فقدان مشهودِ علاقه به خرید کالاهای مُتَّجِه، وجود دارد. شاخص‌های زیادی نشان می‌دهند که دورنماها برای صنعتی شدن با جهت‌گیری صادراتی امروز کاملاً متفاوت از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ هستند، که این مسأله و موضوع را برمی‌انگیزد که آیا پدیده NIC تکرارناپذیر است؟ آنچه قطعی به نظر می‌رسد این است که عرصه اقتصادی جهانی تسهیل‌کننده این پدیده در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ اگر بی‌نظیر نبود، دست‌کم متفاوت از دهه ۱۹۸۰ و نیز دهه ۱۹۹۰ بود. مسأله بدهیها همراه با آن شروط و تعهداتی که توسط نهادهای مالی عمده اعمال گردیده هنوز گریبانگیر آفریقا و آمریکای لاتین است. با وجود شوق و تمایل برای افزایش صادرات این شروط و تعهدات علیه صنعتی شدن تعصب و تبعیضی را روا می‌دارد، با توجه به اینکه این فرآیند در واقعیت به چیزهایی بسی فراتر از تأسیس کارخانجات شامل استقرار پایه و اساسی به صورت صنعتی شدن با جایگزینی واردات نقش فعال دولت نیاز دارد.<sup>۲</sup>

### توسعه عادلانه

هیچ استراتژی توسعه‌ای صراحتاً توسعه نابرابر و ناعادلانه را هدف قرار نمی‌دهد. اما استراتژی‌های متعارف به طور ضمنی نابرابری (اجتماعی یا منطقه‌ای) را به مثابه بهائی ضروری برای رشد تصور می‌کنند. برعکس، استراتژی‌های مساوات‌طلبانه اولویت بالاتری به توزیع مُجدِّد نسبت به رشد می‌دهند. یک نمونه آن «رهیافت نیازهای اساسی»<sup>۳</sup> می‌باشد. در اوایل دهه ۱۹۷۰ به طور گسترده‌ای پذیرفته شده بود که رشد اقتصادی ضرورتاً فقر را از بین نمی‌برد. به جای آن رشد اقتصادی که به طور واقعی در اکثر کشورهای در حال توسعه رُخ نمود با افزایش فقر مطلق همراه بود. در پاسخ به این وضع BNA از رهیافتی مستقیم‌جانبداری کرد، یعنی رابطه‌ای مستقیم بین استراتژی توسعه و محور فقر به جای منتظر ماندن برای تأثیرات «تراوش به پایین» رشد.<sup>۴</sup>

### توسعه بدیل

طبق تفکر توسعه بدیل (یا توسعه دیگر)، راکه توسط «بنیاد داگ هامر شولد» و مجله «گفتگوی توسعه» محبوبیت یافت، باید برحسب موارد زیر تعریف نمود:

۱- همان، صص ۲۰۸-۲۰۷.

۲- بژورن هتته، پیشین، ص ۱۶۸.

3-Basic Needs Approach (BNA)

۴- بژورن هتته، پیشین، صص ۲۲۸-۲۲۷.

\* دارای جهت گیری به سوی نیاز (گره خورده با تأمین نیازهای بشر، هم مادی و هم غیرمادی).  
 \* بومی (نشأت گرفته از قلب هر جامعه، که در حاکمیت ارزشهایش و بینش آن جامعه نسبت به آینده اش تعریف و تعیین می شود).  
 \* خوداتکا (دال بر این که هر جامعه ای عمدتاً روی توان و منابع خودش، از نظر انرژی های اعضای آن جامعه و محیط طبیعی و فرهنگی اش، تکیه می کند).  
 \* از نظر بوم شناختی سالم و بی خطر (با بهره گیری عقلایی از منابع حوزه زیست کره زمین در آگاهی کامل از پتانسیل اکوسیستم های محلی و نیز حدود بیرونی جهانی و محلی تحمیل شده بر نسل های کنونی و آتی).  
 \* مبتنی بر دگرگونی ساختاری (به منظور عینیت بخشیدن به شرایط مدیریت خودگردان و مشارکت در تصمیم گیری توسط همه کسانی که از آن متأثر می شوند، از اجتماعات روستایی یا شهری تا جهان به طور کل، که بدون آن اهداف فوق نمی تواند تحقق یابد.<sup>۱</sup>

### توسعه بومی<sup>۲</sup> در مقابل توسعه برونزا<sup>۳</sup>

یکی از تناقضهای<sup>۴</sup> دنیای نوین این است که در عین نزدیکی شدن جوامع تشکیل دهنده آن به یکدیگر، این تمایل به وسیله عملیات همزمان نیروهای گریز از مرکز ناشی از نژاد، مذهب، فرهنگ و زبان مسدود شده است. بنا بر یک تخمین، جهان به تازگی شاهد بیش از ۳۷۰ جنبش با توانهای مختلف ناشی از تفسیرهای گوناگون مفاهیم نژادی بوده است. واقعیت های فرهنگی جوامع در حال توسعه را نمی توان نادیده گرفت و محو نمود؛ همه تلاش های توسعه باید در مورد این واقعیتها حساس و پاسخگو باشند. اهداف توسعه به طور قابل توجهی تحت نفوذ عوامل بومی قرار می گیرند. به همین ترتیب، واقعیت تراوش ایده ها و نوآوری ها، به عنوان نیرویی موثر در توسعه فرهنگی بشریت، را نمی توان مورد انکار قرار داد. هر دو از مرزهای ملی فراتر می روند؛ ولی ایده ها، نهادها و تکنولوژی را باید با توجه به روحيات و خلییات بومی اقتباس نمود. هیچ جامعه ای نمی تواند در مقابل عوامل بیرونی و خارجی کاملاً نفوذناپذیر باقی بماند. اجبارهای محیطی، ترکیبی از این دو را ضروری می سازند.<sup>۵</sup>

۱- همان، ص ۲۱۱.

2- Endogenous  
 3- Exogenous  
 4- Paradoxes

۵- اس.سی.دیوب، پیشین، صص ۲۰-۱۹.

## وابستگی متقابل

در دنیای واقعی هیچ کشوری وجود ندارد که کاملاً مستقل و خود اتکا باشد، و هیچ کشوری نیز وجود ندارد که توسعه آنرا بتوان صرفاً انعکاسی از آنچه ورای مرزهای ملی اش جریان دارد دانست. همه کشورهای به یکدیگر و به سیستمی که خود بخشی از آنها تشکیل می دهند، وابسته هستند. اما گونه های مختلفی از وابستگی، هم در نوع و هم در درجه وجود دارد. این واقعیت اغلب به عنوان وابستگی متقابل توصیف شده است، مفهومی که خود در معرض تفسیرهای مختلف قرار دارد:

\* از نظر برخی افراد وابستگی متقابل یک مفهوم وابستگی پالایش یافته می باشد، که مدعی یک ساختار پیچیده تر از اقتصاد جهانی نسبت به دوگانگی ساده مرکز - پیرامون است. عناصر این پیچیدگی به عنوان مثال عبارتند از رقابت و هم چستی و تنش ها در درون مرکز («وابسته» تر بودن اروپای غربی نسبت به ایالات متحده و اروپای شرقی نسبت به اتحاد جماهیر شوروی [سابق])، صنعتی شدن پیرامون و صنعت زدایی در مرکز (همانطور که در مورد کره جنوبی و بریتانیای کبیر جلوه نموده است)، و ظهور قدرتهای منطقه ای (برزیل، هند، نیجریه).

\* از نظر افرادی دیگر مفهوم وابستگی متقابل بیانگر وضع نامساعد و مخاطره ای مشترک برای مردم و ملل جهان است («ما همگی در کشتی واحدی قرار داریم»). این تفسیر به راحتی از این واقعیت غفلت می کند که مسافران این کشتی (اگر این استعاره دریایی را ادامه دهیم) در طبقه واحد و یکسانی سفر نمی کنند، و دسترسی یکسانی نیز به قایقهای نجات ندارند.

به این ترتیب وابستگی متقابل نوآوری مفهومی مبهمی است که سودمندی نظری نسبتاً محدودی دارد. با این وجود این مفهوم نمایانگر چالشی برای تئوری های رایج است و لذا می تواند به عنوان نقطه عزیمتی برای کشف رهیافت های گوناگون در تحلیل توسعه در چشم اندازی جهانی عمل کند.<sup>1</sup>

## خودتکایی

نظریه خودتکایی<sup>2</sup> بر یک استراتژی توسعه دلالت دارد که آگاهانه برای ارتقاء نوع خاصی از توسعه اتخاذ شده است. این امر دربرگیرنده قطع پیوندها (قطع وابستگی) به سیستم بزرگتر تقسیم کار به منظور اجتناب از خودتکایی تحمیلی و یافتن چیزی بهتر از خودبسندگی<sup>3</sup> می باشد. در «اعلامیه کوکویوگ» ۱۹۷۴ آمده است:

«ما اعتقاد داریم که یک استراتژی اساسی توسعه ناگزیر باید خودتکایی ملی فزاینده باشد و آن به معنی خودبسندگی نیست. خودتکایی ملی بر منافع متقابل حاصله از تجارت و همکاری و یک توزیع مجدد عادلانه تر منابع تأمین کننده نیازهای اساسی دلالت دارد. آن به معنی اعتماد به نفس، اتکای عمده به

۱- بزورن هتته، پیشین، صص ۱۶۱-۱۶۰.

2 - Self Reliance (SR)

3 - Self Sufficiency

منابع خود، انسانی و طبیعی، و ظرفیت و توانایی تنظیم اهداف و تنظیم‌سازی، می‌باشد. خوداتکایی وابستگی به نفوذها و قدرتهای خارجی را که می‌تواند تبدیل به فشار سیاسی شود، رد می‌کند.» پایه و اساس نظریه خوداتکایی به عنوان یک استراتژی توسعه جامع‌تر توسط جان گالتونگ در فرضیه‌های زیر خلاصه شده است:

\* اولویتها به سوی تولید برای نیازهای اساسی کسانی که بیشترین نیاز را دارند تغییر خواهد کرد؛  
\* مشارکت توده‌ای تضمین می‌شود؛

\* از عوامل محلی خیلی بهتر بهره‌برداری می‌شود؛

\* خلاقیت برانگیخته می‌شود؛

\* انطباق و سازگاری بیشتری با شرایط محلی برقرار خواهد شد؛

\* تنوع خیلی بیشتری در توسعه وجود خواهد داشت؛

\* از خودبستگی کمتری در کار خواهد بود؛

\* تعادل بوم‌شناختی به نحوی آسان‌تر بدست خواهد آمد؛

\* رویکردهای مهم خارجی داخلی شده یا در همان سطح به همسایگان اختصاص داده می‌شود؛

\* همبستگی با دیگران در سطحی یکسان پایه و بنیانی محکم می‌یابد؛

\* توانایی مقاومت و ایستادگی در برابر دستکاری‌ها به علت وابستگی تجاری افزایش می‌یابد؛

\* قابلیت دفاع نظامی کشور افزایش پیدا می‌کند؛

\* مرکز و پیرامون امروز به وضع و موقعیتی برابرتر تبدیل می‌شود.

این لیست امتیازات خوداتکایی دربرگیرنده طعم و بوی خاصی از اتوپیاگرایی می‌باشد و گالتونگ رنج می‌برد از این که متذکر شود که این سیزده پایه و اساس را باید به عنوان فرضیه‌هایی درباره تأثیرات مثبت نگریست.

البته می‌توان به فرضیه‌هایی درباره تأثیرات منفی یا موارد عدم قابلیت کاربرد هم توجه کرد. به این ترتیب، مثلاً SR علاج و درمانی در برابر نابرابری تنها تا آنجایی است که این نابرابری از تعامل ناشی شده باشد. اگر نابرابری به تفاوتهای عظیم در موهبت منابع بستگی داشته باشد یا اگر فقدان توسعه ناشی از استثمار داخلی باشد، SR کمکی نخواهد کرد یا حتی ممکن است مضر باشد.<sup>۱</sup>

برای تغییر یک نظام اقتصادی از نظامی وابسته به نظامی خوداتکا تغییرات ساختاری عمیق ضرورت دارد و همان‌طور که زمانی سی.رایت میلز<sup>۲</sup> مورد تأکید قرار داد، همواره پیوند و ارتباطی بین تعدیلهای فردی و ساختای وجود دارد (میلز، ۱۹۵۹). بنابراین مهم است که فرد کاملاً درک کند چه چیزی در جریان

۱- بزورن هنته، پیشین، صص ۲۳۶-۲۳۴.

است. لذا در استراتژی‌های SR روی مشارکت و توزیع مُجدد تأکید می‌شود (روتس‌تین<sup>۱</sup>، ۱۹۷۶). این امر به عنوان یک نظارت و کنترل در برابر برنامه‌های افراطی خوداتکایی عمل می‌کند که اگر بر مردم تحمیل شود، برای حکومت عکس‌العمل سیاسی دارد.

همان‌طور که در گزارش داگ هامر شولد نیز تأکید شده است، یک استراتژی خوداتکا مشارکت‌گزینی در نظام بین‌المللی را ضرورت خواهد ساخت:

«مشارکت‌گزینی کشورهای جهان سوم در نظام بین‌الملل پیش‌نیازی برای کاربرد استراتژی‌های جدید توسعه جهت تقویت حاکمیت داخلی و خوداتکایی، می‌باشد.»

در این گزارش مُنعطف بودن مفهوم مشارکت‌گزینی بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. شرایط متفاوت در کشورهای جهان سوم طیفی از گزینش‌ها، نه فقط به وسیله کشورهای مختلف بلکه همچنین توسط هر کشور در زمانهای مختلف، را می‌طلبد. تنها رهنمودهای کلی و عمومی که می‌توان فرمول‌بندی کرد موارد زیر هستند:

\* یک درجه حاد از پیوندهای ضروری برای حفظ و تداوم فرآیند توسعه وجود دارد.

\* درجه حادتری از پیوندها که ورای آن هیچ حاکمیت مؤثری را نمی‌توان حفظ کرد، وجود دارد.

\* پیوندهای مثبتی وجود دارند که خوداتکایی را تقویت می‌کنند.

\* پیوندهای کاهنده و پَس‌روی<sup>۲</sup> وجود دارند که خوداتکایی را تضعیف می‌کنند.

فراهم کردن پایه نظری و تجربی لازم برای استراتژی مشارکت‌گزینی با هدف ارتقاء خوداتکایی در همه سطوح، یک وظیفه و کار مهم تئوری بدیل توسعه می‌باشد. این امر نیاز به دانش و شناخت نسبت فرآیند توسعه در تک‌تک کشورها و درباره عرصه بین‌المللی دارد، و نظریه‌ای درباره این که کدام پیوندها مولد هستند و کدام غیرمولد را می‌طلبد، و نیاز به مطالعات آینده‌شناسانه درباره پیامد و نتیجه احتمالی استراتژی‌های گوناگونی که آشکارا توسط مرکز اتخاذ خواهند شد، دارد. همان‌طور که مرکز را نباید بلوکی یکپارچه پنداشت، تحقیق درباره تضاد و همکاری در درون مرکز و پیامدها و ملزومات آن برای استراتژی‌های خوداتکا هم ضرورت دارد.<sup>۳</sup>

خوداتکایی<sup>۴</sup> در مقابل وابستگی متقابل، سومین معضل و مسئله دوگانه در توسعه است که در مباحث اخیر به عنوان توسعه درون‌نگر<sup>۵</sup> در مقابل توسعه برون‌نگر<sup>۶</sup> مطرح شده است. کشورها از نظر اندازه سرزمین و جمعیت و همچنین، نعمت و موهبت منابع مادی متفاوت‌اند. کشورهای بزرگی چون چین و هند می‌توانند درجه بالایی از خوداتکایی را هدف خود قرار دهند، همان‌طور که قرار داده بودند؛ ولی

1- Rothstein  
2- regressive

۳- بزورن هتته، پیشین، صص ۲۴۲-۲۴۱.

4- Self-reliance  
5- Inward-looking development  
6- Outward-looking development

حتی این کشورها هم نمی‌توانند امیدوار باشند که کاملاً خوداتکا شوند. کشورهای کوچکتر، به ویژه جزایر و ملل محصور در خشکی، نمی‌توانند به درجه یکسانی از خوداتکایی دست یابند. آنها مجبورند در کشورهای دیگر به دنبال سرمایه و تکنولوژی و همچنین، برخی منابع طبیعی باشند. در عین حال که رهیافت مبتنی بر خوداتکایی و درون‌نگرانه توسعه امتیازاتی دارد، ولی هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند در انزوا زندگی کند. الگوهای وابستگی متقابل (درون منطقه‌ای، منطقه‌ای و جهانی) باید توسعه یابد. در این وابستگی متقابل آنچه که باید پرهیز کرد و در برابر آن موضع گرفت، تبدیل شدن به رابطه رئیس و مرئوس یا قیم و تحت قیمومت<sup>۱</sup> است که به تسلیم و وابستگی کشورهای جهان سوم منجر می‌شود.<sup>۲</sup>

در مرحله کنونی نظام جهانی شکستن زنجیرهای وابستگی و آغاز یک فرآیند توسعه خوداتکا در سطح ملی آسان نیست. در واقع تجربیات اکثر کشورهای جهان سوم به این تر که آنها چه بخواهند یا نخواهند بخشی از «سیستم» هستند، و این که واقعاً «امکانات محدودی درباره دگرگونی و تحول در درون اقتصاد جهانی کاپیتالیستی» وجود دارد، اعتبار می‌بخشد. طبق نظر نظریه پردازان نظام جهانی، بنابراین توسعه اساساً امری مربوط به تغییر دادن جایگاه ساختاری از جایگاهی پیرامونی به یک جایگاه شبه پیرامونی است، امکانی که نسبتاً برای چند کشور محدود گشوده است. بنابراین تغییری اصیل و حقیقی مستلزم تحول نظام جهانی به یک حکومت جهانی سوسیالیستی - دورنمایی به راستی بسیار بعید - می‌باشد.<sup>۳</sup> (البته باید توجه داشت، چنین دیدگاهی در حالی که بخشی از واقعیت جهان معاصر را بویژه در مورد خاص کشورهای آفریقایی منعکس می‌سازد، نمی‌تواند همه حقیقت باشد. به عبارت دیگر پذیرش مطلق این دیدگاه دورنمایی ناامید کننده را القاء می‌نماید که خود می‌تواند از جمله تهدیدات نرم اقتصادی برای کشورهای جهان سوم باشد.)

## ۱-۵: آسیب‌های عملی توسعه در جهان

### اقتصاد جهانی یا امپراطوری جهانی

تفاوت عمده میان یک امپراتوری جهانی و یک اقتصاد جهانی (دو نگرش و قرائت مطرح شده از نظر تاریخی درباره یک نظام جهانی) در این واقعیت نهفته است که اقتصاد جهانی کارکردش بدون یک سیستم کنترل سیاسی عالی‌تر می‌باشد، که نشان می‌دهد اقتصاد جهانی دارای ساختاری پایدارتر و بادوام‌تر از امپراتوری‌های جهانی می‌باشد. قدرت فائقه و هژمونیک را می‌توان به عنوان جایگزینی برای کنترل سلطنتی و شاهانه دید که از طریق جاننشینی دولتهای مسلط مرکز اعمال می‌گردد. تعدادی از

1- Patron-client relationship

۲- اس.سی.دیوب، پیشین، ص ۲۰

۳- بژورن هتته، پیشین، ص ۱۷۷.

امپراتوری‌های جهانی به وجود آمده و از بین رفته‌اند. در حالی که اقتصاد جهانی، که از قرن شانزدهم تاکنون به تدریج و به طور مداوم بسط یافته است، امروزه اکثر مناطق دنیا را تحت پوشش دارد. به عبارت دیگر، آن یکه و تنها نظام جهانی است، و بنابراین به عنوان «سرمایه‌داری تاریخی» نیز مورد اشاره و ارجاع می‌باشد. صعود و زوال قدرتهای هژمونیک بخشی از حرکت‌های دورانی نظام جهانی را تشکیل می‌دهد، حرکت‌هایی که اساساً تحت تأثیر امواج طولانی اقتصادی قرار دارند.<sup>۱</sup>

### **عمومیت بخشی به تئوری غربی توسعه یک استعمار فرهنگی**

یک موضوع اصلی این مطالعه دگرگونی و تحول تئوری توسعه از محلی و محدوداندیشی<sup>۲</sup> غربی اولیه آن به طیف کاملی از تئوری‌های مرتبط با هم، منعکس‌کننده تجربیات در سطح جهانی درباره انواع مختلف مسائل توسعه، می‌باشد. هیچ «تئوری کلی» توسعه ظاهر نشده و شاید هرگز ظهور نکند. آنچه این مطالعه نشان داده است عبارتند از:

\* علوم اجتماعی غربی در مجموع کمتر از آنچه که به طور معمول توسط سنگربانان عقل و دانایی متعارف ادعا می‌شود عام و همگانی هستند. این امر به ویژه زمانی که تفکر توسعه به عنوان جریان اصلی در سایر حوزه‌های فرهنگی نشر می‌یابد روشن شده است.

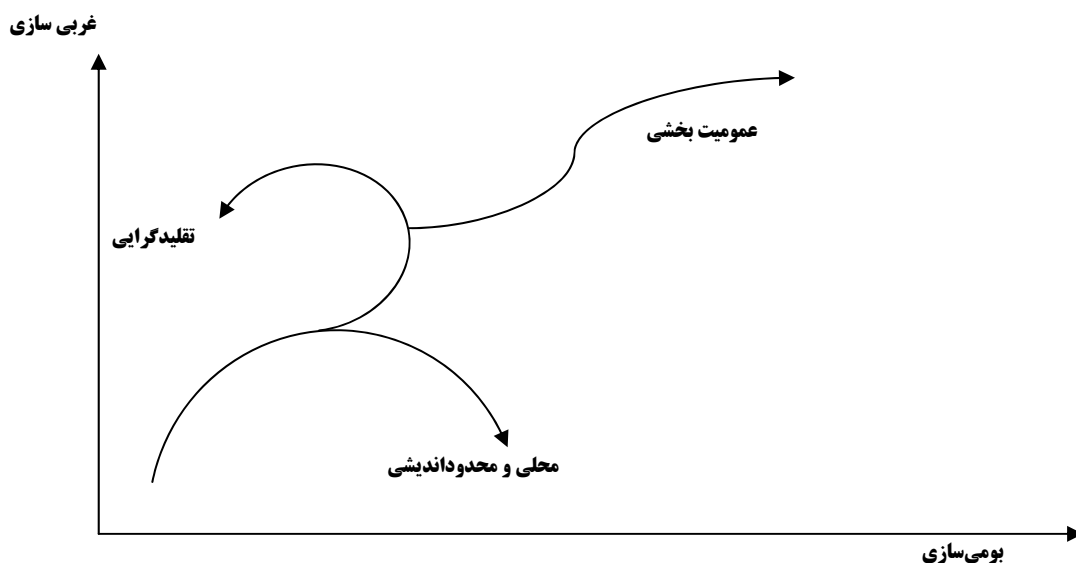
\* فرآیند بومی‌سازی علوم اجتماعی در جوامع غیرغربی حاکی از یک رهایی و آزادسازی فکری و نیز یک ارزیابی مجدد بنیادین پارادایم غربی می‌باشد. این امر به نوبه خود، سبب ظهور ایستاری خودسنجانه‌تر در میان بسیاری از محققان غربی شده، که به واسطه مسائل توسعه در حال ظهور در خود کشورهای صنعتی بیشتر تقویت شده است.

\* فرآیندهای دوقلوی بازنگری در پارادایم‌های استقرار یافته در درون غرب از یک سو، و بومی‌سازی تفکر توسعه در کشورهای جهان سوم از سوی دیگر، نقطه عزیمت‌های اساسی برای ظهور برداشتی حقیقتاً عام و همگانی از توسعه را تشکیل می‌دهند.

این خط سیر فکری ممکن را می‌توان برحسب تز، آنتی‌تز و سنتز دوباره ادا نمود. در نتیجه به عنوان تز می‌توانیم پخش و تراوش جهانی تئوری غربی توسعه را به مثابه شکلی مدرن از استعمار فرهنگی در نظر بگیریم. تلاشها در جهت بومی‌سازی یک آنتی‌تز را تشکیل می‌دهد، که سپس طبق فرمول دیالکتیکی بخوبی مشهور، سنتز در پیش خواهد بود: مفهومی عام از توسعه. اگر فرآیند نخست مورد اشاره به عنوان غربی‌سازی، و دومی به عنوان بومی‌سازی، باشد، ما می‌توانیم سومی را عمومیت بخشی و

۱- همان، صص ۱۷۴-۱۷۵.

همگانی سازی بخوانیم، یک فرآیند فائق آمدن بر علوم اجتماعی جریان اصلی غربی و بیان و انعکاس تجربیات متنوع تر (نگاه کنید به شکل ۴):<sup>۱</sup>



شکل شماره (۳): عمومیت بخشی به تئوری توسعه

### عوارض منفی توسعه در کشورهای توسعه یافته

با ثروت و وفور حاصل از نرخهای اعجاب آور بالای رشد GNP، همه چیز به خوبی پیش نرفته است. حتی برخی از توسعه یافته ترین کشورها در میان کشورهای توسعه یافته تر، به طور دائم با مسائل دوره های<sup>۲</sup> رکود و بحران اقتصادی، تورم فزاینده و بیکاری رو به رشد مواجه اند. ناتوانی آنها در حل تناقضات درونی جامعه، ناهماهنگی و عدم تعامل رقت انگیز است. جوانان در شورش و عصیان اند و با توجه به اهدافی و رای کامیابی مادی، گاهی ضد فرهنگهایی را گسترش می دهند که حاکی از اشکال خاصی از بیماریهای سرایت کرده به این جوامع است. جستجو برای سبکهای بدیل زندگی و انواع دیگرگونی از تجربه، آنها را مجذوب مکاتب فکری و آئین های عجیب و غریب وارداتی یا ابداعی داخلی می سازد. عقلانیت نظام به وسیله جنبش آزادی زنان زیر سؤال رفته است که در نظم اجتماعی

۱- بزورن هنته، پیشین، صص ۳۲۱-۳۲۰.

موجود، تنها به عنوان پاره شخص<sup>۱</sup>، اگر نه غیر شخص<sup>۲</sup> دیده شده‌اند و به طور نمادین<sup>۳</sup>، به عنوان شیء و کالا استفاده شده‌اند.

حفره‌های فقر مزمن حتی در توسعه یافته‌ترین جوامع پابرجا هستند. خشونت همچنان رو به افزایش است و تخریب ارزشهای اخلاقی دیگر بیش از این موجب تنفر و انزجار نمی‌گردد. فساد، یک شیوه زندگی شده و در حال عقلانی شدن است. اگر این موارد از جنبه‌های گریزناپذیر نوسازی باشند، جهان سوم باید بیشتر از آن اجتناب ورزد؛ ولی این کار در سخن آسانتر از عمل است. آنچه در کشورهای غنی و برخوردار<sup>۴</sup> رخ می‌دهد، نفوذ و تأثیری قوی بر کشورهای کمتر توسعه یافته دارد. سبک‌های زندگی کشورهای غنی اغلب به طور تقلیدی و غیرنقادانه پذیرفته می‌شوند. این تغییر که جهت‌گیری‌های معکوس یافته است، با هنجارها و سنتهای جامعه سازگار نیست. به همین دلیل، فروپاشیها و شکستهای<sup>۵</sup> نوسازی پدید می‌آید، سنت دوباره به دفاع از خود برمی‌خیزد و حتی اشکال افراطی بنیادگرایی، هواخواهان مشتاق و فداکاری را مجذوب خود می‌نماید. بسیاری از دستاوردهای نوسازی حیرت‌آوراند، ولی شکستهای آن در مهندسی انسانی هم گیج‌کننده و معماآمیز است. رشد یک سوبه<sup>۶</sup> به همان میزانی که مسائلی را حل می‌کند، مسائلی دیگر را نیز به وجود می‌آورد.<sup>۷</sup>

در عصر حاضر برای کشورهایی مانند ایران که در زمره کشورهای جهان سوم محسوب می‌شوند قدم گذاشتن در مسیر توسعه و به طور خاص توسعه اقتصادی به سرنوشتی محتوم تبدیل شده است. وجود مشکلات معیشتی و پایین بودن نسبی طول عمر در این کشورها از یک طرف و موفقیت‌های بدست آمده در فرایند مدرنیزه شدن برای کشورهای به اصطلاح توسعه یافته از طرف دیگر که جاذبه زیادی را پیش چشم ملت‌های جهان قرار داده بود موجب تن دادن همه کشورها به سرنوشت توسعه یافتگی گردیده است. توسعه به آرمانی تبدیل شده که همه کشورها خواهان آن هستند و دین تازه ای است که پیامبران دروغین آن یعنی نظریه پردازان توسعه برای ملت‌های فقیر و توسعه نیافته آورده اند. تبدیل توسعه به یک آرمان مشترک خود ناشی از تصویر سازی غرب و نخبگان غرب گرا از مفهوم توسعه بوده است. شهید مرتضی آوینی در این باره معتقد است:

[در غرب همواره برای تفهیم ضرورت توسعه، دو تصویر برای انسان می‌سازند و او را می‌دارند که این دو تصویر را با یکدیگر قیاس کند:

- 
- 1- Part-person
  - 2- Non-Person
  - 3- Symbolically
  - 4- Affluent countries
  - 5- Breakdowns
  - 6- Lopsided growth

تصویر اول جامعه‌ای انسانی را نمایش می‌دهد که در محیط‌های روستایی کثیف، بدون بهداشت و لوازم اولیه زندگی، در جنگ با عوامل ناسازگار طبیعی مثل سیل و قحطی و فرسایش خاک و اسیر امراضی مثل مالاریا، سل، تراخم و سیاه زخم، همراه با فقر غذایی و بی‌سوادی و جهالت و بلاهت، در خوف دائم از عواملی که علل آنها را نمی‌شناسد و بر سبیل خرافه‌پرستی ریشه‌ی آنها را در مبادی غیبی جست و جو می‌کند، به سر می‌برد .

تصویر دوم جامعه‌ی انسانی دیگری را نشان می‌دهد که در شهری صنعتی یا نیمه‌صنعتی، برخوردار از بهداشت و ارتباط فردی و جمعی - که از غلبه‌ی او بر طبیعت و تسخیر آن حکایت دارد - در وضعیتی مطلوب که بر طبق بیان آمارهای رسمی مرگ و میر در آن به حداقل رسیده و دیگر نشانی از مالاریا، سل، تراخم، سیاه زخم و فقر ویتامین و پروتئین بر جای نمانده، هوشیار و آگاه، بهره‌مند از همه‌ی امکانات آموزشی، بدون ترس و خوف، مطمئن و متکی به نفس در جهانی که همه‌ی قوانین آن را و علل حوادث آن را می‌شناسد، زندگی می‌کند.<sup>۱</sup>

صرف نظر از این که این تصویرسازی چه اندازه با واقعیت و نیز تجربه تاریخی توسعه انطباق دارد اما در این نکته تردیدی نیست که هر کشوری به نوعی درصدد کاهش فاصله خود با کشورهای پیشرفته می‌باشد . البته تجربه‌های تلخ و شیرین بسیار متفاوت ملت‌ها در دست‌یابی به توسعه این حقیقت را برای همه به اثبات رسانیده است که هیچ‌الگوی کامل و یکسانی برای طی این مسیر وجود ندارد . اگرچه در ابتدا نظریه‌های توسعه در پی ارائه نسخه واحدی برای همه کشورها بودند که نمونه آن را در مراحل رشد روستو ، الگوی رشد متوازن و الگوی رشد نامتوازن می‌توان سراغ گرفت ، امروزه کمتر نظریه پردازی است که بر اهمیت ملاحظات مرتبط با شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص هر کشور توجه نداده باشد .

در این مسیر انتخاب الگوی توسعه اولین مساله مهم برای این کشورها می‌باشد که در صورت غفلت می‌تواند منشا مشکلات بسیاری برای آنها شود . برخی از مشکلاتی که در پی می‌آید از جمله مواردی است که خود حاکی از حساسیت و اهمیت توجه به بومی‌سازی الگوی توسعه متناسب با شرایط خاص در هر منطقه و ملت است .

### **آسیب شناسی برنامه ریزی توسعه در جهان سوم**

اندیشیدن در مورد تجربه عملی نوسازی، هوشیارکننده<sup>۲</sup> و تعمق در آینده آن، مایوس‌کننده<sup>۳</sup> است. هر قدر که به قرن بیست و یکم نزدیکتر می‌شویم جنبه‌های مهیب آینده رخ می‌نمایند و یادآور این نکته می‌شوند که علیرغم همه چیز، انسان اندیشه‌ورز<sup>۴</sup> خیلی هم عاقل و باهوش نبوده است. معمار تمدن با شکوه و مقتدر و مجری و نمایشگر شاهکارهای مهیج در علم و تکنولوژی، حیوانی انسانی است که

۱- مرتضی آوینی ، در معنی توسعه ، مرکز اطلاع رسانی موسسه فرهنگی هنری شهید آوینی، برگرفته از سایت AVINY.COM

2- Sobering  
3- Chilling  
4- Homo sapiens

درمانده و ناامیدانه در جستجوی علاج و درمان برای بیماریهایی است که نظم اجتماعی را بر هم زده است.<sup>۱</sup>

اگرچه نیاز به قالب فکری جدید توسعه، که اکثر عناصر بالا را یکپارچه سازد، عمیقاً احساس و به وضوح ابراز می‌گردد، عمل و اجرای توسعه حاکی از تأثیر اندک این تفکر نو است. برنامه‌ریزی همچنان به نفع نخبگان است؛ بخش کوچکی تعیین می‌کند که چه چیزی برای جامعه خوب است و در این روند، اولویت بالا را به آنچه که برای خود و منافع طبقاتی خود خوب است، می‌دهد. فقر به عنوان مسئله‌ای عمده شناخته شده است، ولی این شناسایی تقریباً تشریفاتی است. صحبت کردن به نام مردم عادی کاملاً رایج است؛ ولی آنچه در عمل به آنان می‌رسد، خرده‌نانه‌های توسعه است. در انجام اصلاحات ساختاری معنی‌دار و گسترده، بی‌میلی و اکراه وجود دارد. بسیاری از به اصطلاح اصلاحات، بی‌معنی هستند و پیچیدگی‌ها و گریزگاه‌های تعبیه شده در آنها به قدری زیاد و متنوع است که اکثریت مردم در بهترین حالت تنها اندکی از آن بهره می‌برند. بخش عمده‌ای از فعالیت توسعه، علی‌رغم ظاهرسازیها و موضعگیریهای عوام‌پسندانه، همچنان به نفع اقلیت متمکن کوچکی سنگینی می‌نماید که ماهرانه اهرمهای قدرت را دستکاری می‌کند. به طور کلی، اهداف و فرآیندهای برنامه‌ریزی همچنان تقلیدی و برون‌زا و لذا، فاقد جهت‌گیری صحیح هستند. این فرآیندها مشارکت‌آمیز نبوده و حساسیت کمی نسبت به محیط زیست نشان می‌دهند و در اکثر موارد، ناپایدار هستند. آرمان خوداتکایی، در غیاب اراده سیاسی لازم و به علت فشارها و جو بین‌المللی تباهی‌گرا، تنها در لفظ و بیان ادا می‌شود؛ در عمل و واقعیت، الگوهای وابستگی همچنان رواج دارد. شکاف گسترده‌ای میان تفکر جدید و عمل و تجربه جاری وجود دارد.

چرا این تضاد خیره‌کننده بین اندیشه و عمل وجود دارد؟ مسلماً، قدرت صاحبان منافع و گروه‌های همسود مستقر عاملی در مخالفت با آن است. فشار رو به گسترش از ناحیه مردم نیز امتیازات اندکی را از آنها در مناطق و مقاطعی بدست می‌آورد. در پی آن، جهان سوم عموماً درگیر تناقض میان بیداری فکری و احساسی نسبت به مسائل اکثریت جامعه است، آن هم در حالی که تقریباً به طور کلی فاقد حساسیت و اراده سیاسی قاطع برای انجام کاری در این مورد است. سیاست عمل‌گرایی به یک سری عملیات اطفای حریق تبدیل می‌شود. استعمال داروی مسکن و آرامش‌بخش هم مصلحتی موقتی است که علاج و درمانی برای بیماری عمیق و دیرینه فراهم نمی‌کند. مردم همچنان به نحوی مفرط به حکومت متکی می‌شوند که قابلیت اجرایی و صلاحیت ایفای نقش آن با گذر هر دهه فرساییده شده و تحلیل می‌رود. در مواردی که اکثر حکومتها بواسطه ناتوانی در برخورد با مسائل مربوط به پیچیدگی و وسعت فزاینده، گیج و درمانده می‌شوند، وضعیت به نقطه‌ای می‌رسد که یک نوع عجز و رخوت و از

۱- اس.سی.دیوب، پیشین، ص ۲۷

کار افتادگی در حکومتها بوجود می‌آید. نتیجه اجتناب‌ناپذیر این اوضاع و شرایط این است که تحقق و عملی ساختن قالب فکری جدید، نظم داخلی و همین‌طور نظم بین‌المللی جدیدی را می‌طلبد. تا زمانی که ارتباط و پیوندهای زیان‌آور و غالب بین این دو نظم سنتی قطع و شکسته نشود، هیچگونه تغییر اساسی ممکن نیست، زیرا چیزی به غیر از تغییرات اساسی نمی‌تواند تقاضاهای الزام‌آور مدل جایگزین توسعه را برآورده سازد.<sup>۱</sup>

### ناپایداری سیاسی در جریان توسعه

برخی متفکران اعتقاد دارند که فرایند توسعه اقتصادی نه تنها ثبات را افزایش نمی‌دهد بلکه عموماً به آشکار کردن تضادهای نهفته جامعه منجر می‌شود و از این جهت بی‌ثبات کننده است.<sup>۲</sup> رشد اقتصادی رابطه مستقیمی با تضادهای سیاسی دارد. این امر توسط بسیاری از نظریه پردازان از جمله هانتینگتون مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. وی بحران‌های سیاسی را بر اساس پویایی‌های ساختار اقتصادی مورد ارزیابی قرار می‌دهد و بین توسعه اقتصادی و افزایش ناپایداری سیاسی در کشورهای مختلف رابطه مستقیم برقرار می‌کند. هانتینگتون عمدتاً از آراء آلکسی دو توکویل و همچنین کرین بریتون الهام گرفته است. توکویل بر این امر تأکید دارد که توسعه اقتصادی بجای آنکه منجر به افزایش ثبات سیاسی گردد، ایجادکننده جلوه‌هایی از ناپایداری و بی‌ثباتی سیاسی خواهد بود، زیرا هر پدیده و فرایند ساختاری دارای نتایج مربوط به خود می‌باشد.<sup>۳</sup> نتایج توسعه اقتصادی و رشد شتابان اقتصادی را می‌توان در فرایندهایی مورد ملاحظه قرار داد که مبتنی بر آشکارسازی تضادهای نهفته جامعه است. این روند در دوران انقلاب فرانسه از عینیت خاصی برخوردار گردید.<sup>۴</sup>

به‌طور کلی، مرتن اعتقاد دارد که در شرایط رشد اقتصادی، انتظارات افراد برای حداکثرسازی درآمد اقتصادی و تأمین نیازهای نهفته افزایش می‌یابد. این امر به همراه محدود بودن و کمیابی منابع اقتصادی منجر به افزایش خشونت در جامعه می‌شود. زیرا هرگاه افراد منطقی که دارای اهداف یکسانی برای

۱- همان، صص ۱۱۴-۱۱۳.

۲- غلامعباس مصلی نژاد، «آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران»، تهران، نشر قومس، چاپ اول ۱۳۸۴، ص ۱۵.

۳- سوال اساسی این است که اگر توسعه فرایندی برای بهبود و اصلاح وضع عمومی یک جامعه بوده و در این فرایند ملاحظات خاص جامعه هدف مورد مذاقه قرار گرفته باشد و طراحی مسیر فرایند توسعه کاملاً منطبق بر شرایط خاص کشورها انجام شده باشد، در این صورت (حداقل در بلند مدت) می‌باید بی‌ثباتی را کاهش داده باشد. لذا، در صورت تشدید بی‌ثباتی علت را باید از جمله در این واقعیت تلخ جستجو کرد که سیاست‌گذاران کشورها بدون توجه به محیط خاص اجتماعی فرهنگی کشور خود، بسته‌سیاستی توسعه پیچیده شده توسط متفکران غربی را نسخه شفاف‌بخش واحدی برای خود تصور کرده و فکر می‌کنند باید همان را پیاده کنند. در این حال، و به هنگام ظهور نتایج منفی برای توجیه آن نتایج به جای آسیب‌شناسی درست به مواردی اشاره می‌کنند که خود معلول بکار بستن سیاست‌های نابهنجار توسعه بوده است. برای مثال، محدود بودن فرصت‌ها برای حداکثرسازی درآمد افراد را عامل توسل آنها به رفتارهای غیر قانونی معرفی می‌کنند که این رفتار در شرایط تشدید نابرابری‌های اجتماعی بیشتر ظهور و بروز دارد. حال آنکه می‌توان سوال کرد، آیا تشدید نابرابری‌های اجتماعی همان آسیب‌بزرگ الگوی توسعه نیست که از بومی نشدن الگوهای غربی توسعه در جهان سوم زاییده می‌شود؟

۴- آلکسی دو توکویل، انقلاب فرانسه و تحلیل رژیم پیشین، ترجمه محسن ثلاثی، (تهران: نشر نقره، ۱۳۶۶).

کسب موفقیت می‌باشند، در کنار یکدیگر قرار گیرند، اما فرصت‌های قانونی برای نیل به این اهداف به طور برابر ایجاد نشده باشد، آنان از روش‌های غیرقانونی برای برآورد انتظارات خود بهره خواهند گرفت. چنین روندی بیانگر آنست که در شرایط رشد اقتصادی، افرادی که دارای فرصت محدودی برای حداکثرسازی درآمد خود می‌باشند، ضمن مقایسه خود با افراد خاص، تلاش دارند تا مطلوبیت‌های مورد نظر خود را از طریق انجام کارهای غیرقانونی پیگیری نمایند و از این طریق به اهداف مورد نظر خود دست یابند.

به هر میزان که شکاف اقتصادی بیشتر باشد و یا اینکه افراد احساس نابرابری بیشتری داشته باشند، از انگیزه بیشتری نیز برای پیگیری اهداف غیرقانونی خود برخوردار می‌شوند. به این ترتیب، انگیزه جرم در شرایط رشد اقتصادی بیش از دوران‌هایی می‌باشد که جامعه در وضعیت انسجام سیاسی یا محدودیت اقتصادی قرار دارد. این امر بیانگر آنست که امکان ایجاد خشونت اجتماعی، خشونت اقتصادی و همچنین خشونت سیاسی در دوران‌های رونق اقتصادی بیش از شرایط رکود می‌باشد.<sup>۱</sup>

نظریه پردازان نهادگرا و همچنین آن گروه از تئوریسین‌های توسعه اقتصادی که بر توسعه متوازن و هم‌فاز تأکید دارند، تلاش قابل توجهی را برای به حداقل رساندن مخاطرات توسعه به انجام می‌رسانند. آنان بر این اعتقادند که توسعه غیرمتوازن و همچنین الگوهایی که مبتنی بر ضرورت‌های بین‌المللی می‌باشد، مشکلات و مخاطرات کشورهای جهان سوم را در روند توسعه افزایش می‌دهد. در این ارتباط، کشورهای که برنامه‌های توسعه اقتصادی را در دستور کار خود قرار داده‌اند، عموماً با ناپایداری و بی‌ثباتی سیاسی روبرو شده‌اند. این امر در بسیاری از کشورها شکل گرفته و زمینه بی‌ثباتی سیاسی و ساختاری را بوجود آورده است.<sup>۲</sup>

### گسترش فساد اقتصادی

یکی از نتایج اجتناب ناپذیر رشد نامتوازن اقتصادی را می‌توان ظهور جلوه‌هایی از فساد اقتصادی دانست. در شرایطی که دولت به عنوان اصلی‌ترین بازیگر اقتصادی تلقی می‌شود، طبعاً امکان ضابطه زدایی اقتصادی از سوی نیروهای دولتی افزایش می‌یابد. این امر منجر به فساد اقتصادی گردیده و زمینه را برای ظهور جلوه‌هایی از رضایت محدود و ناپایدار فراهم می‌سازد. بطور کلی، فساد اقتصادی در شرایطی شکل می‌گیرد که کارگزاران اجرایی و اداری، ضوابط پذیرفته شده قانونی را نادیده انگاشته و منافع اقتصادی خود را بر منافع عمومی و حکومتی ترجیح دهند. اگرچه فساد اقتصادی در تمامی جوامع وجود دارد، اما در جوامع در حال گذار از فراگیری و تنوع بیشتری برخوردار است.<sup>۳</sup>

1- Merton, "Property Crime and Economic Behaviour: Some Empirical Results", Economic Bulletin, 1973.

۲- غلامعباس مصلی نژاد، پیشین، صص ۱۳-۱۲.

۳- همان، ص ۱۵.

انواع مختلفی از فساد اقتصادی می تواند وجود داشته باشد. نفوذ شرکت ها در دولت برای گرفتن مجوزهای خاص و یا برای اثرگذاری بر قوانین و مقررات و نیز سواستفاده از امکانات عمومی (دولتی) در جهت کسب منافع شخصی از جمله اقدامات مقرون به فساد مالی و اقتصادی در کشورها می باشد.

در تعامل شرکت ها با دولت سه نوع فساد به شرح زیر مورد شناسایی قرار گرفته است:

فساد اداری: عبارت است از میزان پرداخت های غیر آشکار و غیر شفاف خصوصی شرکت ها به مقامات دولتی، به منظور تغییر اجرای مقررات اداری برقرار شده از سوی دولت درباره فعالیت شرکت ها.

تسخیر دولت: عبارت است از میزان پرداخت های غیر آشکار و غیر شفاف شرکت ها به مقامات دولتی، برای تاثیر گذاری بر شکل دهی قوانین، مقررات یا دستورالعمل های دولتی.

نفوذ: عبارت است از میزان تاثیر شرکت ها بر شکل دادن قوانین، مقررات و دستورالعمل های دولتی، بدون توسل به پرداخت های خصوصی به مقامات دولتی.

تمایز اساسی بین این سه نوع تعامل، منبع ایجاد رانت و توزیع رانت های موجود در هر رابطه است. رانتی که از طریق فساد اداری بوجود می آید، ناشی از توانایی دولت در تنظیم فعالیت شرکت هاست. این رانت به مقامات دولتی رشوه گیر تعلق میگیرد و نزدیکترین معادل فساد حاصل از «دست زورگیر» دولت است. رانتی که از طریق تسخیر دولت به وجود می آید، ناشی از توانایی شرکت ها برای در نظر گرفتن مزایایی به نفع خود در مقررات تعیین شده و در نتیجه رشوه دادن به مقامات دولتی است. این رانت بین شرکت و مقام رشوه گیر تقسیم می گردد. رانت ایجاد شده از طریق نفوذ، ناشی از توانایی شرکت ها برای در نظر گرفتن منافع خود در مقررات اساسی بازی، در نتیجه قدرت آنهاست. این رانت به شرکت ها تعلق می گیرد.<sup>۱</sup>

ریشه همه انواع رانت را باید تمرکز اختیارات وسیع در دست مقامات دولتی و در کنار آن، عدم شفافیت امور دانست. لذا، وجود فساد اقتصادی در کشورهای در حال گذار یک پدیده طبیعی نیست و کاملاً قابل اجتناب است. صرف نظر از این که چه راه کارهایی برای این معضل وجود دارد، قدر مسلم آن است که الگوی توسعه نقش و دخالت مستقیم در این خصوص دارد.

### **بحران مشروعیت در توسعه**

اگرچه همه می پذیرند که هدف اساسی توسعه انسان ها هستند و برنامه های توسعه برای بهبود فضای زندگی مردم تنظیم می شوند اما بسیار دیده شده است که در عمل مردم فراموش می شوند و از این طریق نظام حاکم نیز با مشکل بحران مشروعیت روبرو می شود.

۱- نفوذ شرکت ها در سیاست های دولت، روشی برای گسترش فساد، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ساساه گزارش های بررسی موضوع فساد اقتصادی، گزارش شماره ۷، دی ۱۳۸۷، صص ۱۵-۱۴.

سیاست آزادسازی اقتصادی و همچنین اجرای سیاست تعدیل، مخاطرات و مشکلات خاصی را برای کشورها ایجاد می‌کند. زیرا قواعد حاکم بر نظام اقتصادی بین‌المللی نمی‌تواند مسائل بومی کشورها را مورد توجه قرار داده و از سوی دیگر، زمینه را برای رشد اقتصادی و فرایندهای توسعه گرا بوجود آورد. در شرایط تعدیل اقتصادی، کشورها عموماً دچار تورم می‌شوند. به موازات تورم، زمینه‌های گسترش بیکاری و همچنین جلوه‌هایی از رکورد تورمی حاصل می‌گردد. این امر مخاطرات سیاسی و امنیتی برای کشورها بوجود می‌آورد. در چنین شرایطی، میزان مشروعیت دولت کاهش می‌یابد و از سوی دیگر، تمایلی به انجام کنش‌های معطوف به همکاری از سوی مردم، گروه‌های سیاسی و همچنین گروه‌های اجتماعی با حکومت بوجود نمی‌آید. این امر منجر به شکل‌گیری بحران مشروعیت خواهد شد. چنین روندی در بسیاری از کشورهای آمریکایی لاتین و همچنین واحدهای آسیایی شکل گرفته است. کشورهایی که مجری برنامه‌های اقتصادی نهادهای بین‌المللی بوده‌اند، عموماً با رفتارهای برگشت‌پذیر و بحران‌های مخاطره‌آمیز روبرو شده‌اند (بحران اقتصادی ۱۹۹۷ شرق آسیا). این امر نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی با مخاطرات پیش‌بینی نشده همراه بوده و بسیاری از کشورها را در شرایط اقتصادی و سیاسی مبهم قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

اکثر کشورهای جهان سوم درگیر بی‌اعتمادی‌های عمومی جامعه نسبت به ساختار حکومتی خود می‌باشند. این امر منجر به عدم توفیق برنامه‌های توسعه اقتصادی می‌شود. زیرا توسعه در شرایطی شکل می‌گیرد که نیروهای اجتماعی در فضای مبتنی بر انسجام قرار گیرند. دانیل لرنر بر این اعتقاد است که نوسازی از طریق همدلی و هماهنگی جامعه با برنامه‌های تنظیم شده و قواعد حاکم بر آن تحقق می‌یابد. این امر را می‌توان به عنوان نمادی از ضرورت‌های درون‌ساختاری در تحقق برنامه‌های اقتصادی و فرایندهایی دانست که منجر به نوسازی جامعه می‌شود.<sup>۲</sup>

### سیاست تعدیل اقتصادی

از جمله سیاست‌هایی که در دهه‌های پایانی قرن بیستم بویژه برای کشورهای در حال گذار مقبولیتی فراگیر پیدا کرد سیاست‌های تعدیل اقتصادی در قالب الگوهای توسعه بود. یکی از توصیه‌های اصلی نهادهای بین‌المللی نظام سرمایه‌داری برای توسعه در کشورهای جهان سوم را باید سیاست تعدیل اقتصادی دانست. کشورهایی که قادر به ایجاد تغییر در ساختار اقتصادی خود نباشند، مورد حمایت نهادهای بین‌المللی اقتصاد سرمایه‌داری قرار نمی‌گیرند. در این ارتباط، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در تنظیم ساخت‌های داخلی کشورهای جهان سوم از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.<sup>۳</sup>

۱- غلامعباس مصلی نژاد، پیشین، صص ۲۹-۳۲.

۲- همان، ص ۱۰.

۳- همان، صص ۲۷-۲۸.

یکی از جلوه‌های اصلی سیاست تعدیل اقتصادی را باید آزادسازی اقتصادی دانست. این امر به مفهوم حذف مداخله دولت در بازارهای مالی و بازار سرمایه و رفع موانع تجاری می‌باشد. آزادسازی تجاری با هدف تخصیص منابع جدید برای اقتصاد کشورهای در حال توسعه آغاز می‌شود، اما نمی‌تواند در طولانی مدت مطلوبیت مؤثری را برای کشورها ایجاد کند. آزادسازی تجاری حتی برای آمریکا که دارای اقتصادی گسترده و سازمان یافته است، مخاطرات قابل توجهی را بوجود می‌آورد. به همین دلیل است که در جریان برگزاری اجلاس‌های اقتصادی بین‌المللی، تظاهرات گسترده‌ای علیه آزادسازی اقتصادی و گسترش تجارت خصوصی صورت گرفت. به طور مثال، در اجلاس سیاتل که در ایالت واشینگتن برگزار گردید، بسیاری از تظاهرکنندگان مخالفت خود را با سیاست‌های اقتصادی بازار آزاد و آنچه که منجر به تجارت بدون کنترل می‌شود، اعلام داشتند.

در کشورهای جهان سوم، مقررات زدایی از بازار آزاد اقتصادی، مخاطرات گسترده تری را ایجاد می‌کند. نهادهای بین‌المللی اقتصادی بر این اعتقادند که بازار آزاد از کارآیی بیشتری برخوردار بوده و در نتیجه کشورها نمی‌توانند بدون رعایت مقررات بازار آزاد اقتصادی، سرمایه خارجی را جذب نمایند. در حالی که منتقدان آزادسازی تجاری رویکرد دیگری را ارائه می‌دهند. آنان اعتقاد دارند که در شرایط آزادسازی زودرس، زمینه برای سوء مدیریت در فرایندهای تجاری بوجود می‌آید. بنابراین، آزادسازی بازار سرمایه منجر به حذف مقرراتی می‌شود که هدفش کنترل جریان پولهای سوزان از داخل به خارج و بالعکس می‌باشد. این امر کنترل نهادهای داخلی بر اقتصاد ملی را کاهش می‌دهد. ۱

سیاست تعدیل در بسیاری از کشورها منجر به گسترش فقر و نابرابری گردیده است. در این شرایط، مردم تمایلی به مردم‌سالاری و آزادی ندارند. آنان ترجیح می‌دهند تا شرایط اقتصادی خود را بازسازی کنند و انتظارات ایجاد شده را با حداقل‌های ممکن تعدیل نمایند. در مرحله گذار، تعدیل کسانی که در فقر بسر می‌برند، افزایش می‌یابد. اما صرفاً افراد محدودی که دارای قدرت سیاسی هستند، قابلیت‌های اقتصادی گسترده‌ای را به دست می‌آورند. در این شرایط، طبقه متوسط بیش از سایر طبقات اقتصادی دچار مخاطرات اجتماعی و اقتصادی می‌شود، زیرا جامعه می‌بایست هزینه‌های ناشی از افزایش تورم را پرداخت کند.

در روند اجرای سیاست‌های تعدیل، ابتدا تورم به گونه گسترده‌ای ایجاد می‌شود. این امر پس‌اندازهای محدود طبقات اقتصادی فرودست را نابود می‌کند. از بین رفتن پس‌انداز منجر به کاهش شرایط مطلوب زندگی گردیده و زمینه برای مهاجرت در داخل و خارج از کشور فراهم می‌شود. در این شرایط، سیاست‌های دیکته شده از سوی نهادهای اقتصادی بین‌المللی به مرحله اجرا گذاشته می‌شود، بدون آنکه منجر به مطلوبیت اقتصادی عینی و فراگیر برای گروه‌های اجتماعی گردد. در اکثر کشورهایی که

تجربه تعدیل اقتصادی را دارا هستند، موضوع تورم به عنوان عامل مخاطره آمیزی تلقی می‌شود که بحران‌های اجتماعی و اقتصادی جدیدی را برای جامعه بوجود می‌آورد. از سوی دیگر خصوصی سازی منجر به افزایش تولید نمی‌شود، بلکه در نتیجه چنین فرایند، مکانیزم توزیع ثروت تغییر پیدا کرده و گروه‌های اجتماعی جدیدی به موقعیت اقتصادی نائل می‌گردند. به همین دلیل است که سیاست شوک درمانی با مخالفت گروه‌های مختلفی روبرو می‌شود. گروه‌های منتقد بر ضرورت اجرای فرایند آرام خصوصی سازی تأکید دارند. راهبرد کشورهای همانند ایران، روسیه و واحدهای اروپای شرقی بیانگر آنست که سیاست شوک درمانی، مخاطرات اجتماعی را افزایش داده و بی ثباتی در فضای سیاسی و اجتماعی را بوجود می‌آورد. بنابراین راهبرد تثبیت شرایط اجتماعی و اقتصادی می‌تواند جایگزین فضای مبتنی بر اصلاحات سریع در کشورهای مختلف شود.<sup>۱</sup>

## ۱-۶: آسیب‌های عملی توسعه در ایران

### آسیب توسعه در ایران<sup>۲</sup>

در موج اول اجرایی‌سازی برنامه‌های توسعه اقتصادی در ایران، شاهد ظهور قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ می‌باشیم. بعد از آن زمینه برای شکل‌گیری اعتراضات اجتماعی و جنبش‌های مسلحانه فراهم گردید. نیروهای اجتماعی ایران در شرایط جدید با مقوله افزایش انتظارات روبرو شدند. بطور کلی، برنامه اقتصادی رشد محور منجر به افزایش شکاف اقتصادی می‌شود. به هر میزان که شکاف اقتصادی افزایش یابد، زمینه برای واکنش افراطی گروه‌های اجتماعی بوجود خواهد آمد. این امر بیانگر آنست که توسعه اقتصادی منجر به ایجاد انتظارات جدید گردیده و در نهایت بحران دولت - جامعه را افزایش خواهد داد. این موضوع به عنوان تناقض در توسعه تلقی گردیده و زمینه را برای افزایش تضادهای درون ساختاری فراهم می‌آورد. روند یاد شده تضاد دولت و نیروهای سیاسی در ایران را افزایش داده و منجر به ظهور انقلاب اسلامی گردید.<sup>۳</sup>

موج دوم برنامه‌های توسعه اقتصادی ایران در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفت. این روند را می‌توان بازتاب نیازهای جدید جامعه ایران دانست. افزایش جمعیت، نتایج حاصل از جنگ تحمیلی، خروج سرمایه و نیروهای کارشناس از کشور، محدودیت‌های قابل توجهی را برای اقتصاد و ساختار سیاسی ایران بوجود آورد. در چنین شرایطی بود که برنامه‌های توسعه اقتصادی به عنوان نمادی

۱- همان، صص ۲۹-۳۲.

۲- همان، ص ۱۴.

۳- البته آنچه گفته شد بدان معنی نیست که قیام ۱۵ خرداد و یا انقلاب اسلامی علت تام اقتصادی داشته است بلکه برنامه‌های توسعه غیر متجانس می‌تواند تشدید کننده تضادها بوده باشد.

از عملگرایی در جامعه ایران تلقی گردیده و منجر به اجرای سیاست‌هایی شد که بستر لازم برای افزایش تولید اقتصادی را فراهم می‌ساخت. این امر بازتاب مربوط به خود را در عرصه سیاسی ایجاد نمود و در نتیجه فضای لازم برای حداکثرسازی انتظارات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران بوجود آمد. انتظارات جدید را می‌توان ناشی از عدم تطابق برنامه‌های اقتصادی با ساختار قدرت سیاسی در ایران دانست. بطور کلی، رشد اقتصادی منجر به افزایش انتظارات عمومی گروه‌های سیاسی و اجتماعی گردید. از سوی دیگر عدم قابلیت و توانایی ساخت‌های سیاسی حکومت برای تأمین نیازهای جامعه جلوه‌هایی از بی‌اعتمادی و سرخوردگی نیروهای اجتماعی را بوجود آورد. این روند را در سال‌های اولیه دهه ۱۳۷۰ می‌توان مورد مشاهده قرار داد.

در این دوران، جلوه‌های دوگانه‌ای از تحرک سیاسی و توسعه اقتصادی ظهور یافت. در حالیکه، فرایند اجرایی سازی برنامه دوم با موفقیت پیش می‌رفت، اما به موازات روند یاد شده، هیچگونه نشانه‌ای از گسترش مشارکت سیاسی و ایجاد فضای مبتنی بر همدلی دیده نشده و منجر به شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی و اعتراضات سازمان یافته نسبت به ساختار قدرت سیاسی در ایران گردید.

در این دوران، شاهد ظهور بحران‌های سیاسی و امنیتی در برخی از مراکز استانی می‌باشیم. از جمله این موارد می‌توان به بحران مشهد، بحران قزوین، بحران اسلامشهر و همچنین جدال‌های پایان ناپذیر گروه‌های دانشجویی با معیارهای کنترل اجتماعی اشاره داشت.

ساختار اقتصادی ایران در دوران بعد از برنامه توسعه اقتصادی، زمینه را برای افزایش فساد نیز فراهم آورد. این امر را می‌توان ناشی از تغییر در هنجارهای اقتصادی جدید در ایران دانست. در روند خصوصی سازی، بخش عمده‌ای از امکانات دولتی در اختیار گروه‌های جدید قرار گرفت. گروه‌هایی که به عنوان عناصر جدید اقتصاد کشور ایفای نقش می‌کردند، قدرت‌شان را از طریق جایگاه و موقعیت سیاسی خود بدست آورده بودند. بنابراین، طیف گسترده‌ای از کارخانجات که در فضای آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی قرار گرفته بودند، به عنوان موضوع اصلی رانت دولتی تلقی می‌شدند. چنین روندی در سایر کشورهایی که با آزادسازی سریع روبرو هستند، قابل مشاهده می‌باشد.<sup>۱</sup>

اجرای سیاست توسعه اقتصادی در چارچوب برنامه اول و دوم از سوی دولت در کنار تحمیل هزینه‌های مادی - معنوی سنگین بر مردم، موجب بزرگتر شدن حجم دولت و افزایش انحصار اقتصادی آن، خصوصی سازی ناقص و ناسالم، سیاست‌های پولی و مالی غیر علمی و غیر اقتصادی گردید. افزایش روزافزون تورم و گسترش بیکاری، ناتوانی دولت در حل بحران توزیع درآمدها، گسترش فقر و محرومیت، رشد مقطعی تولید ناخالص ملی و کاهش سرمایه‌گذاری، ناکارآمدی سیاست صنعتی را افزایش داد. این امر به موازات فساد گسترده مالی - اداری، عدم امنیت و فرار مغزها و

۱- غلامعباس مصلی نژاد، پیشین، صص ۲۳-۲۲.

سرمایه‌ها انجام گرفت. طی این دوران، سهم نابرابری زنان در توسعه و نیز کسری موازنه تجاری قابل مشاهده است. همه اینها شاخص‌های توسعه نیافتگی اقتصادی است.<sup>۱</sup>

## ۷-۱: راه کار های اصلاح فرایند توسعه

### نغمه‌های جدایی از الگوهای غربی توسعه

توسعه‌گرایان نمایندگان جریان فکری لیبرال غربی، دیگر بیش از این با سکوت توأم با ترس و احترام در جهان سوم مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند. با آنها به عنوان پیامبران دروغینی برخورد می‌شود که قالبهای فکری ناقصشان به تلاشی بی‌جهت و گمراهی عظیم منتهی شده است. نغمه‌های جدایی و اختلاف عقیده که با زمزمه‌های به زحمت قابل شنیدن آغاز شد، اکنون توان و داعیه کسب نموده است. اصولاً، پشت سر این جدایی و اختلاف عقیده گوناگون؛ شکست این قالب فکری قرار داشت. کسانی که ابتدا از حامیان پرحرارت آن بودند، نسبت به آن بی‌علاقه شده و شروع به تفکر درباره استراتژی‌های جایگزین نمودند. اندیشه مائو و مخصوصاً کاربست عملی جمهوری خلق چین، الهام‌بخش بسیاری افراد، از جمله کسانی گردید که قبلاً آن را به مسخره می‌گرفتند. همچنین، بازیابی دیر هنگام فلسفه اقتصادی گاندی در زمینه تمرکز بر فقر و در بحث از بحران تمدن صنعتی صورت گرفت. جریان و مسیر سومی هم توسط محققان و دانشمندان مستقل و آزاداندیش جهان سوم معرفی شد که به کمک برخی از همکاران غربی همفکر، نارساییهای قالب فکری حاکم را کشف کرده و انتقادات روشن‌بینانه‌ای را مطرح کرده و مدلهای جایگزین را توسعه داده‌اند.<sup>۲</sup>

### قالب فکری جدید توسعه<sup>۳</sup>

به نظر می‌رسد توافق نظر عامی درباره قالب فکری جدید در حال ظهور باشد.

۱- رشد اقتصادی به مثابه ابزاری برای توسعه انسانی :

رشد اقتصادی اگرچه ضروری است، ولی به خودی خود توسعه را نمی‌رساند. رشد اقتصادی باید به مجموعه‌ای از اهداف به خوبی تعریف شده انسانی - فرهنگی و اجتماعی - پیوند زده شود. به رشد

۱- همان، صص ۶۰-۵۹.

۲- اس.سی. دیوب، پیشین، ص ۷۵.

۳- همان، صص ۱۱۳-۱۰۹.

اقتصادی باید به عنوان یک ابزار توسعه انسانی نگریست که ابتدا قادر به تأمین نیازهای اساسی مردم می‌شود و سپس، در جهت ارتقا و غنی‌سازی کیفیت زندگی آنان شتاب می‌گیرد.

۲- هدفمندی توسعه بر محور مردم:

رشد اقتصادی را دیگر نمی‌توان تنها از طریق افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) و درآمد سرانه تعریف نمود. هر دو ضروری هستند، ولی بدون جهت‌گیری هدفمند، می‌توانند اهداف توسعه را به شکست بکشانند. سهم عمده‌ای از منافع حاصله از رشد همواره در انحصار قشر بالای کوچکی از جامعه قرار گرفته است و توده‌ها در همان وضع یا بدتر از آن، رها می‌شوند. مسیرهای توسعه در اکثر کشورهای جهان سوم، کوچه‌های بن‌بست بوده است. تمرکز باید روی مردم و جامعه باشد و منظور، توزیع عادلانه‌تر کالاها و خدمات است. تجربه نشان می‌دهد این امر سبب شتاب گرفتن رشد می‌شود. بدین طریق، سرمایه‌گذاری نباید تنها به بهبود وضع فرد منجر شود، بلکه باید سبب گسترش و تقویت صلاحیت و قابلیت جامعه در برخورد با مسایل و یافتن راه‌حلهای مؤثر و مناسب هم شود.

۳- تغییرات ساختاری عدالت محور

تغییر اساسی ساختاری برای کسب توانایی نیل به این اهداف ضروری است. این ضرورت چندبار تصریح و تکرار شده است، ولی در اکثر کشورهای جهان سوم تلاش در جهت دگرگونی ساختاری، ضعیف‌تر و بسیار نارساتر از حد لازم بوده است. سمت و سوی تغییر نظام شخصیتی، نظام ایستار ارزشی و نظام اجتماعی با دقت و ظرافت زیادی تشریح شده‌اند، ولی اینکه جوامع چگونه باید دستیابی به این تغییرات را تدارک ببینند، چندان روشن نیست. آموزش، رسانه‌های جمعی و شهرنشینی فقط تا حدی مفید بوده‌اند. ساختار فرصت‌های اقتصادی باید باز شود و تلاش‌های مبتکرانه‌ای باید برای جبران بی‌عدالتی‌های گذشته به عمل آید. این امر بدون تغییر و اصلاح عمده روابط تولید، سیاست آگاهانه «تبعیض اثباتی»<sup>۱</sup> و باطنی و وجدانی‌سازی توده‌ها، عملی نیست.

۴- مردم سالاری بومی

تلاش‌های توسعه سه دهه گذشته به طور وسیعی تقلیدآمیز و بنابراین، در بسیاری موارد گمراه کننده بوده‌اند. البته، امتیازات تشریفاتی به تاریخ و سنت داده شده است، ولی خلاقیت بومی همواره تحت کنترل نگهداشته شده است. گروه نخبه کوچکی (اغلب با جهت‌گیری غربی) تصمیمات عمده حال و آینده را اتخاذ کرده است؛ مردم خود نقش و رأی اندکی در آن تصمیمات دارند. ساختار نهادی جامعه، آزادی محدودی را در تعیین سرنوشت خود به آنها می‌دهد. بسیاری از کشورهای جهان سوم تحت سلطه حکومت‌های اقتدارگرا و ظالم هستند، برخی تنها نمایی ظاهری از دموکراسی دارند؛ در کشورهایی که هنوز دموکراسی به معنای سیاسی آن برقرار است، انتخاب مردم محدود و منحصر به

---

1 - positive discrimination

یک حزب سیاسی یا حزب سیاسی دیگری تحت رهبری نخبگان است که جهت‌گیریهای آنان تنها در جزئیات و فرعیات با هم تفاوت دارد. برای تضمین رشد بومی، چارچوب نهادی جدید، واگذاری نقشهای قاطع‌تر به مردم و انجمن‌ها و اجتماعات آنان ضروری است.

۵- مشارکت حداکثری مردم در فرایند توسعه

برای مشارکت‌آمیز کردن فرآیند توسعه باید گامهایی برداشته شود. این امر تنها زمانی قابل حصول است که مردم دسترسی واقعی و نه خیالی، به قدرت و منابع داشته باشند. دموکراسی‌ای که تنها بوسیله انتخابات دوره‌ای مشخص می‌شود، در واقع مشارکت‌آمیز نیست. ابتکار و ذوق مردم را نباید خنثی نمود و بسیج توده‌ای نباید تنها بر حسب قبول و اجابت توده مردم در مورد تصمیمات اتخاذ شده در مراکز قدرت تحت سلطه نخبگان، درک و تصور شود. به عبارت دیگر، مردم نه تنها باید برای خودشان در مورد آنچه که به حال و آینده‌شان مربوط است، تصمیم بگیرند، بلکه باید در اجرای برنامه‌های توسعه دست بالا را داشته باشند.

۶- ارتقاء آگاهی زیست محیطی

فرآیند توسعه، تقریباً در سطح جهانی، حساسیتی در برابر محیط زیست نشان نداده است. این امر آثار مهلکی داشته است. تاریخ گواه این واقعیت است که برخی از تمدنها به علت استثمار بی‌پروای محیط زیست از بین رفته‌اند. غرب در مورد ضرورت رسیدگی دقیق‌تر به آن دیر بیدار شده است. تصور خطاآمیز رایج در اکثر کشورهای جهان سوم این است که آنها به علت سطوح پایین صنعتی شدن، با هیچگونه خطرات زیست محیطی عمده‌ای مواجه نیستند. این مطلب حقیقت ندارد. آگاهی زیست محیطی در جوامع در حال توسعه هم باید ارتقاء یابد تا بتوانند به موقع، گامهایی در جهت حفظ و بهبود محیط زیست برداشت.

۷- پی‌ریزی توسعه پایدار به شکل آگاهانه

عنصر مهمی که غالباً در برنامه‌ریزی و توسعه نادیده گرفته شده، پایداری آن است. اکثر کشورهای در حال توسعه آگاهانه یا ناآگاهانه سعی دارند از غرب، بدون هیچگونه آگاهی از منابع و محدودیتهای خود نسخه‌برداری کنند. بدیهی است حتی کشورهای غنی به نقطه‌ای رسیده‌اند که توسعه آنها، حداقل از جهاتی، غیر قابل دوام و ناپایدار است و به بحرانهای رو به گسترشی نزدیک می‌شود. رکود، تورم، بیکاری، خطرات زیست محیطی و موارد دیگر شاهد این مدعا هستند. کشورهای جهان سوم باید توسعه خود را آگاهانه پایدار سازند؛ جاه‌طلبی نباید بیش از اندازه اوج بگیرد. با این وجود، منظور این نیست که باید اولویت کمی به علم و تکنولوژی دهند. پیشرفتهای علمی و تکنولوژیکی نقش تعیین‌کننده و عمده‌ای در توسعه پایدار دارند.

۸- خوداتکایی نسبی

کشورهای جهان سوم باید تلاش کنند توسعه خود را تا آنجا که ممکن است، خوداتکا سازند. ایده‌ اساسی در اینجا عبور از سد وابستگی و شکستن رابطه ارباب و رعیتی یا رئیسی - مرئوسی با کشورهای توسعه یافته تر است. با این وجود، خوداتکایی مفهومی نسبی است. محدودیتهای مربوط به منابع، معادله‌های جمعیت‌شناختی و مراحل پیشرفت علمی/تکنولوژیکی، متغیرهای مهم حاکم بر درجات ممکن خوداتکایی هستند. کشورهای بزرگ و پرجمعیت نظیر چین و هند می‌توانند خوداتکاتر از کشورهای جزیره‌ای باشند. بنابراین، باید بر درجات قابل حصول خوداتکایی تأکید کرد.

#### ۹- وابستگی متقابل در شرایط برابر

علیرغم اینکه خوداتکایی نسبی یک آرمان است، وابستگی متقابل جهانی را نمی‌توان نادیده گرفت. کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه وابسته بوده‌اند و هنوز هم وابستگی دارند. این وابستگی متقابل تنها محدود به مواد خام و نیمه تمام نیست؛ غرب به توان مغزی<sup>۱</sup> و صلاحیت اکتسابی و آموزشی<sup>۲</sup> جهان سوم نیز بسیار وابسته بوده است. مسأله نگران‌کننده این است که این وابستگی متقابل، در شرایطی نابرابر عمل می‌کند. این همان تقاضای ایجاد نظم اقتصادی بین‌المللی جدید است. کشورهای جهان سوم باید با اشتراک مساعی و روی هم گذاشتن منابع و امکانات، در اندیشه یافتن پاسخهایی برای مسائل خود باشند. این همکاری و وابستگی متقابل را می‌توان در چند سطح تصور نمود، به نحوی که دربرگیرنده گروه‌بندیهای درون منطقه‌ای و منطقه‌ای، و نیز گروه‌بندی تمام جهان سوم باشد. این الگوها باید در توافق و سازگاری با عزت و شرافت و شأن و عظم ملی، و نیز در توافق و سازگاری با نیازها و عقلانیت اقتصادی باشند. در عین حال، الگوهای همکاری و وابستگی متقابل جهانی نیز باید عملی و برقرار شود. نفع‌طلبی از روی بصیرت برای خود، همراه با ضرورتها و الزامات بقا و ترقی و نیز اقبال، به ظهور برابری و مساوات منجر خواهد شد.

#### ۱۰- جهت‌گیری توسعه به سوی آینده

وجه مشخصه دیگر برنامه‌ریزی و توسعه جهان سوم، توجه مفرط به حال و فقدان برنامه‌ریزی برای آینده است. درست است که نیازهای فعلی گسترده و پیچیده هستند، ولی غفلت از آینده خطرناک است. مسائلی را که در آینده ممکن است ابعاد هولناکی به خود گیرند، نباید به نام عمل‌گرایی<sup>۳</sup> نادیده بگیریم. جهت‌گیری به سوی آینده را در فرآیند توسعه وارد ساختن اساسی است.

---

1- brain power

2- trained compctence

3- pragmatism

## از صخره<sup>۱</sup> خودبستگی تا گرداب<sup>۲</sup> یکپارچگی

قطع وابستگی رادیکال اکنون توسط همه جریانها به عنوان امری کم و بیش غیر عملی رد می‌شود. از سوی دیگر استدلالهای اولیه علیه یکپارچگی کامل در اقتصاد جهانی ربط و مناسبتشان را از دست نداده‌اند، صرفاً به این علت که علاج و درمانها به غایت ساده‌اندیشانه هستند. نه استراتژی بسته و نه استراتژی باز هیچ یک برنامه کاری توسعه را تشکیل نمی‌دهند. بنابراین تئوری توسعه با چالش جدیدی مواجه است.

اقتصادهای توسعه نیافته مقوله‌ای به غایت ناهمگون هستند. بنابراین برای چنین مقوله‌ای هیچ فرمول‌بندی نظری کلی از مسائل آنها، و هیچ علاج و درمان عامی نمی‌تواند اعتبار داشته باشد. بداهت این اظهار نظر در واقع نشان می‌دهد که چقدر ما از مراحل روستو دور شده و فاصله گرفته‌ایم. آنچه تئوری توسعه از نقطه نظر یک رهیافت وابستگی تعدیل شده باید متوجه آن باشد تعیین رابطه واقعی بین موقعیتهای ملی مختلف و یک عرصه بین‌المللی دائماً در حال تغییر به شیوه‌ای دقیق می‌باشد و این که وقتی محدودیتها و اجبارهای داخلی و خارجی هر دو مورد توجه قرار گیرند چه جای مانوری برای استراتژی‌های توسعه ملی باقی می‌ماند (سیرز، ۱۹۸۱). این آگاهی اساساً همان چیزی است که در رهیافت وابستگی کلاسیک یا «عامیانه»<sup>۳</sup> مفقود بود.<sup>۴</sup>

### راهبردهای بومی محبوب الحق برای توسعه

اقتصاددانان پاکستانی محبوب الحق<sup>۵</sup>، تحصیلکرده کمبریج و ییل و یک مقام بانک جهانی، نماینده جریان اول است. البته، افراد بسیار دیگری نظیر او هستند. کتاب تحسین برانگیز الحق، دیوار فقر<sup>۶</sup> (۱۹۷۶ م)، هم به دلیل چکیده‌نگاری‌های<sup>۷</sup> بیوگرافیکی فکری‌اش و هم به دلیل تحلیلها و مطالعه موردی عالی آن مهم است. او ابتدا بر مبنای مدل غربی از مورد بحث می‌کند (صفحات ۵-۳) و به تدریج با بکارگیری تجربه، و به عنوان چرخشی نهایی پیشنهاد می‌کند:<sup>۸</sup>

۱- رشد GNP غالباً راه را هموار نمی‌کنند: آنچه مورد نیاز است حمله‌ای مستقیم بر فقر انبوه<sup>۹</sup> است.

۲- مکانیسم بازار اغلب بوسیله نظام موجود توزیع درآمد و ثروت تحریف می‌شود و کلاً راهنمای غیر قابل اتکایی برای نیل به اهداف ملی است.

1- Scylla

2- Charybdis

3- vulgar

۴- بزورن هتته، پیشین، صص ۲۰۱-۲۰۰.

5- Mahbub ul Haq

6- The Poverty Curtain

7- Vignettes

۸- اس.سی.دیوب، پیشین، صص ۷۶-۷۵.

9- mass poverty

- ۳- برای شکل‌دهی به استراتژی‌های توسعه‌منا‌دار و مرتبط، اصلاحات نهادی معمولاً قاطع‌تر از شاخصها و علامت‌دهی مناسب‌قیمه‌است.
- ۴- استراتژی‌های جدید توسعه باید مبتنی بر تأمین نیازهای اساسی بشر باشد، نه مبتنی بر تقاضای بازار.
- ۵- شیوه‌ها و سبک‌هایی از توسعه باید در پیش گرفته شود که توسعه را حول محور مردم بنا کند، نه مردم را حول محور توسعه.
- ۶- سیاست‌های توزیع و اشتغال باید بخش اصلی و لاینفک هر گونه برنامه تولیدی باشد: به طور کلی ابتدا تولید و سپس توزیع کردن ممکن نیست.
- ۷- یک عنصر اساسی در سیاست‌های توزیع، افزایش قابلیت تولید مردم فقیر از طریق تغییری رادیکال در جهت‌گیری سرمایه‌گذاری به سمت فقیرترین بخش‌های جامعه است.
- ۸- اگر قرار بر این باشد که توسعه به اکثریت وسیع توده مردم سرایت یابد، تجدید ساختار قوی و جدی روابط قدرت سیاسی و اقتصادی غالباً مورد نیاز است.
- بدیهی است که دیگران هم مثل محبوب الحق از جوش و خروش و اضطراب درونی در رنج و عذاب بوده‌اند، ولی ترجیح داده‌اند که در مورد آن خیلی صریح نباشند.

### ۱-۸: نتیجه‌گیری بخش اول

در بررسی مفاهیم مرتبط با توسعه، می‌باید میان مفاهیم نظریه توسعه (به معنی دانش توسعه)، تفکر توسعه (به معنی ایده‌ها و آرا و نظرات برنامه‌ریزان، مدیران، سیاستمداران)، ایدئولوژی توسعه (به معنی عقلانی‌سازی و مشروعیت‌بخشی سیاست‌های توسعه) و راهبرد توسعه (برنامه آشکاری که یک دولت - ملت برای مسئله باز تولید خود استفاده می‌کند) تمیز قابل شویم. توسعه، مفهومی مجادله‌آمیز و نظریه توسعه، حوزه مکاتب متضاد بوده است. در بطن مفهوم توسعه، جنبه‌های هنجاری و نیز علمی ابزاری همزمان نهفته است که هر یک را باید در جای ویژه خود مورد ملاحظه قرار داد.

نظریه پردازان توسعه همواره بر اهمیت عوامل «غیراقتصادی» تأکید کرده‌اند؛ به ویژه نقش فرهنگ که شرط اساسی برای موجودیت جمعی است، آشکارا در مباحث توسعه حضور دارد. اندیشه نوسازی نیز از مفاهیم شایسته توجه است که با مفهوم توسعه، مشترکات تاریخی زیادی دارد که از آن جمله با نگاهی به گذشته، سه ویژگی و خصوصیت دیگر نوسازی و توسعه را می‌توان تشخیص داد. اول، باید پذیرفت که آنها روندهایی دردناک و محنت‌زا هستند. نوسازی و توسعه با استثمار، امپریالیسم، آسیب‌های اجتماعی قابل توجه، دوگانگی بین‌المللی و نیز دوگانگی درون ملل منجر شده است. دوم، نوسازی و توسعه روندهایی چندخطی یا چند مسیری‌اند. تجربه تاریخی اخیر نشان می‌دهد که همه جوامع لزوماً مسیر یکسان و واحدی را به سوی نوسازی و توسعه طی نمی‌کنند. سوم، نوسازی و توسعه

دارای روندهای پیوسته دائمی نیستند، بلکه بر اساس محدودیتهای داخلی و خارجی کشورها می‌توان فرجام، جهت و جریان نوسازی و توسعه را تغییر داد.

شکاف بین وعده و عمل نوسازی و توسعه، طی سه دهه گذشته، ناامیدی شدیدی را دامن زده که به نوبه خود به درون‌نگری و خودیابی منجر شده است؛ در عین حال، هنوز رهیافت مناسب و پایداری به چشم نمی‌خورد. نظریه توسعه به مجموعه‌ای نامنسجم از رهیافتهای مخالف هم تبدیل شده و تنوع و گوناگونی موقعیتهای جهان سوم نیز علوم اجتماعی و از جمله مباحث توسعه را به چالش کشیده است. نظریه توسعه، که یک پدیده پس از جنگ بود، ماهیتاً به طور ضمنی هنجاری است، اما تنها در دهه ۱۹۷۰ به طور صریح و روشن هنجاری شد. این معمولاً همان چیزی است که به عنوان هنجارگرایی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

تضاد آشکاری میان توصیه‌هایی که اکنون عموماً به کشورهای در حال توسعه جهت انتخاب راهبردهای دارای جهت‌گیری صادراتی می‌شود و فقدان مشهودِ علاقه به خرید کالاهای مُنتَجه، وجود دارد. اگر چه هیچ راهبرد توسعه‌ای به صراحت، توسعه نابرابر و ناعادلانه را هدف قرار نمی‌دهد، اما راهبردهای متعارف به طور ضمنی، نابرابری (اجتماعی یا منطقه‌ای) را به مثابه بهایی ضروری برای رشد تصور می‌کنند. بر عکس، راهبردهای مساوات‌طلبانه اولویت بالاتری به توزیع مجدد نسبت به رشد می‌دهند. یک نمونه آن «رهیافت نیازهای اساسی» (BNA) است که از رهیافتی مستقیم در ریشه‌کنی فقر جانبداری می‌کند.

تفکر توسعه بدیل با جهت‌گیری به سوی نیازهای مادی و غیر مادی، بومی، خوداتکا، از نظر بوم‌شناختی سالم و بی‌خطر، مدیریت خودگردان و مشارکت در تصمیم‌گیری، راه جدیدی را پیش آورده است. تجربه کشورهای تازه صنعتی‌شده (NIC) هم از این جهت جالب است که بین صنعتی شدن با جایگزینی واردات و صنعتی شدن با جهت‌گیری صادراتی، انتخابی به عمل نیاوردند. آنها هر دو را انجام دادند.

در دنیای واقعی هیچ کشوری وجود ندارد که کاملاً مستقل و خود اتکا باشد، بلکه گونه‌های مختلفی از وابستگی، هم در نوع و هم در درجه وجود دارد. این واقعیت، اغلب به عنوان وابستگی متقابل توصیف شده است؛ مفهومی که خود در معرض تفسیرهای مختلف قرار دارد. در مجموع، وابستگی متقابل، نوآوری مفهومی مبهمی است که سودمندی نظری نسبتاً محدودی دارد. نظریه خوداتکایی نیز به یک راهبرد توسعه دلالت دارد که آگاهانه برای ارتقای نوع خاصی از توسعه اتخاذ شده است. این امر در برگیرنده قطع پیوندها (قطع وابستگی) به سیستم بزرگ‌تر، تقسیم کار به منظور اجتناب از خوداتکایی تحمیلی و یافتن چیزی بهتر از خودبستگی است. خوداتکایی ملی بر منافع

متقابل حاصله از تجارت و همکاری و یک توزیع مجدد عادلانه تر منابع تأمین کننده نیازهای اساسی دلالت دارد. خوداتکایی، وابستگی به نفوذها و قدرتهای خارجی را که می تواند تبدیل به فشار سیاسی شود، رد می کند.

در نزد مدافعان، نظریه خوداتکایی به عنوان یک راهبرد توسعه جامع تر، اولویتها را به سوی تولید برای نیازهای اساسی کسانی که بیشترین نیاز را دارند تغییر خواهد داد؛ مشارکت توده‌ای را تضمین می کند؛ از عوامل محلی، خیلی بهتر بهره‌برداری می کند؛ خلاقیت برانگیخته می شود؛ انطباق و سازگاری بیشتری با شرایط محلی برقرار خواهد شد؛ تنوع خیلی بیشتری در توسعه وجود خواهد داشت؛ از خودیگانگی کمتری در کار خواهد بود؛ تعادل بوم‌شناختی به نحوی آسان تر به دست خواهد آمد؛ همبستگی با دیگران محکم می شود؛ توانایی مقاومت و ایستادگی افزایش می یابد؛ قابلیت دفاع نظامی کشور افزایش پیدا می کند و رابطه مرکز و پیرامون امروز به وضع و موقعیتی برابرتر تبدیل می شود.

صرف نظر از اینکه این مزیتها تا چه اندازه واقعیت دارند، برای تغییر یک نظام اقتصادی از نظامی وابسته به نظامی خوداتکا، تغییرات ساختاری عمیق ضرورت دارد و اگر بر مردم تحمیل شود، برای حکومت عکس‌العمل سیاسی دارد. در مرحله کنونی نظام جهانی، شکستن زنجیرهای وابستگی و آغاز یک فرایند توسعه خوداتکا در سطح ملی آسان نیست.

در مجموع، علوم اجتماعی غربی کمتر از آنچه به طور معمول توسط سنگربانان عقل و دانایی متعارف ادعا می شود، عام و همگانی هستند. فرایند بومی سازی علوم اجتماعی در جوامع غیر غربی حاکی از یک رهایی و آزادسازی فکری و نیز یک ارزیابی مجدد بنیادی پارادایم غربی است. این امر به نوبه خود، سبب ظهور ایستاری خودسنجانه تر در میان بسیاری از محققان غربی شده که به واسطه مسائل توسعه در حال ظهور، در خود کشورهای صنعتی بیشتر تقویت شده است.

با ثروت و وفور حاصل از نرخهای اعجاب آور بالای رشد GNP، همه چیز به خوبی پیش نرفته است. ناتوانی آنها در حل تناقضات درونی جامعه، ناهماهنگی و عدم تعامل رقت‌انگیز است. حفره‌های فقر مزمن پابرجا هستند. خشونت همچنان رو به افزایش است و تخریب ارزشهای اخلاقی دیگر بیش از این موجب تنفر و انزجار نمی شود. فساد، یک شیوه زندگی شده و در حال عقلانی شدن است.

برنامه‌ریزی توسعه در جهان سوم همچنان به نفع نخبگان است. بخش عمده‌ای از فعالیت توسعه، همچنان به نفع اقلیت متمکن کوچکی سنگینی می کند. اهداف و فرایندهای برنامه‌ریزی همچنان تقلیدی و برون‌زا و لذا، فاقد جهت‌گیری صحیح هستند.

از جمله سیاستهایی که در دهه‌های پایانی قرن بیستم به ویژه برای کشورهای در حال گذار، مقبولیتی فراگیر پیدا کرد، سیاستهای تعدیل اقتصادی در قالب الگوهای توسعه بود. کشورهای که

برنامه‌های توسعه اقتصادی را در دستور کار خود قرار داده‌اند، عموماً با ناپایداری و بی‌ثباتی سیاسی روبه‌رو شده‌اند. از جمله آفتهای دیگر فرایند توسعه در کشورهای به اصطلاح در حال گذار که در عمل مشاهده شده است، گسترش پدیده فساد اقتصادی است. اگر چه همه می‌پذیرند که هدف اساسی توسعه، انسانها هستند و برنامه‌های توسعه برای بهبود فضای زندگی مردم تنظیم می‌شوند، اما بسیار دیده شده است که در عمل، مردم فراموش می‌شوند و از این طریق، نظام حاکم با مشکل بحران مشروعیت روبه‌رو می‌شود. سیاست آزادسازی اقتصادی و همچنین اجرای سیاست تعدیل، مخاطرات و مشکلات خاصی را برای کشورها ایجاد می‌کند. از نظر اجتماعی، رشد اقتصادی به تنهایی کافی نیست. هنوز راه‌حلی برای مسئله نابرابری پیدا نشده و سیاست تعدیل در بسیاری از کشورها منجر به گسترش فقر و نابرابری شده است. طبقه متوسط بیش از سایر طبقات می‌بایست هزینه‌های ناشی از افزایش تورم را پرداخت کند. از سوی دیگر، خصوصی‌سازی منجر به افزایش تولید نشده، بلکه در نتیجه آن، مکانیزم توزیع ثروت تغییر پیدا کرده و گروههای اجتماعی جدیدی به موقعیت اقتصادی نایل شده‌اند.

ساختار اقتصادی ایران در دوران توسعه اقتصادی، زمینه را برای افزایش فساد فراهم آورد. در روند خصوصی‌سازی، بخش عمده‌ای از امکانات دولتی در اختیار گروههای جدید قرار گرفت. افزایش روزافزون تورم و گسترش بیکاری، ناتوانی دولت در حل بحران توزیع درآمدها، گسترش فقر و محرومیت، رشد مقطعی تولید ناخالص ملی و کاهش سرمایه‌گذاری، ناکارآمدی سیاست صنعتی را افزایش داد.

همه آنچه که بیان شد این نتیجه را عاید می‌سازد که الگوهای رایج توسعه اساساً نتوانسته است مسائل توسعه نیافتگی را در جهان سوم به سرانجام مطلوبی برساند. در ایران نیز تجربه برنامه‌های توسعه این نتیجه‌گیری را تقویت می‌کند و لذا پرداختن به مبحث مهم الگوی بومی توسعه جایگاه ویژه خود را نشان می‌دهد. اگرچه این تحقیق به طور خاص به این بحث نخواهد پرداخت لیکن در همین جهت، ضرورت توجه به چشم انداز و نیز اولویت‌های راهبردی در مسیر تحقق چشم انداز نیز به همان اندازه مهم است و ما تلاش خواهیم کرد الگویی راهبردی برای رصد کردن این اولویت‌های راهبردی در برنامه‌های توسعه ج.ا. ایران را معرفی کنیم.<sup>۱</sup>

---

۱- ناظر محترم این تحقیق در یادداشتی بر نتیجه‌گیری فصل اول این نتیجه‌گیری را بسیار بدبینانه دانسته‌اند و مرقوم داشته‌اند: «توسعه در شرق آسیا از ژاپن و چین گرفته تا مالزی همراه با فرهنگ و فساد زدایی و فقر زدایی است. لذا باید بین توسعه معطوف به استثمار و امپریالیسم با توسعه معطوف به برابری تفاوت قایل شد».

مولفه ها و الگوی  
مدیریت راهبردی اقتصاد  
کشور  
در راستای  
چشم انداز  
۲۰ ساله

بخش دوم: آرمان ها ، اهداف و چشم انداز نظام ج.ا. ایران

## بخش دوم: آرمان ها ، اهداف و چشم انداز نظام ج.ا.ایران

### ۱-۲: آرمان ها و اهداف اقتصادی ج.ا.ایران در قانون اساسی

#### مقدمه

آرمان ها و اهداف نهایی از اساسی ترین عناصر هر نظام اقتصادی است . جمهوری اسلامی ایران نیز که مبتنی بر مکتب اسلام و به دست توانای بزرگ اسلام شناس زمان، امام خمینی پایه ریزی شده است نیز برای خود آرمان ها و اهداف نهایی منحصر بفردی دارد که شناخت آنها از اهمیت زیادی برای هر گونه برنامه ریی و نیز سیاست گذاری اقتصادی برخوردار است . مجموعه آرمان ها و اهداف اقتصادی را می توانیم به الگوی اقتصاد ملی جمهوری اسلامی ایران تعبیر کنیم . در اینجا به استناد به اسناد بالادستی و معتبر جمهوری اسلامی ایران شامل قانون اساسی جمهوری اسلامی، سیاست های کلی و چشم انداز ۲۰ ساله ، نظام الگوی اقتصاد ملی را معرفی کنیم .

#### الگوی اقتصادی ملی

الگوی اقتصاد ملی را می توان به معنای شاخص ها، ویژگی ها و پارادایم خاص حاکم بر اقتصاد ملی دانست که موجب می شود مجموعه این اقتصاد در عمل بستر مناسبی برای رشد و تعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در جهت دستیابی به اهداف بلند آن فراهم آورد.

الگوی اقتصادی ملی در قانون اساسی<sup>۱</sup> در مقدمه قانون اساسی بر اینکه اقتصاد وسیله است نه هدف تأکید شده و در بخشی از آن آمده است «در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه اصول رسیدن به هدف نمی توان داشت با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت های متفاوت انسان است.» با بررسی اصول مختلف قانون اساسی می توان شاخص های اصلی الگوی اقتصاد ملی را به شرح زیر برشمرد:

۱. در اصل سوم بند ۱۲ بر پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی تأکید دارد و ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه را مطرح نموده است. همچنین در بند ۱۳ همین اصل بر تأمین خود کفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها اشاره دارد.

۱. حسینی نیک سیدعباس، قانون اساسی و مدنی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد تهران ۱۳۶۸.

۲. اصل بیست و سوم بر مصونیت حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض تأکید دارد.
۳. اصل سی و یکم، داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.
۴. در اصل چهل و سوم برای ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادی او بر موارد رفاه عمومی زیر اشاره دارد؛
- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.
  - تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.
  - تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.
  - رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.
  - منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.
  - منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.
۵. در اصل ۴۳ برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه بر محورهای زیر تأکید می‌ورزد؛
- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.
  - جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.
  - تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

۶. بر طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی اسلامی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.
۷. بر اساس اصول ۴۶ و ۴۷ مالکیت شخصی؛ هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت امکان کسب و کار را از دیگری سلب نماید.
۸. در اصل چهل و هشتم برای توزیع عادلانه امکانات ملی در سطح کشور تأکید شده است که در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.
۹. در اصل ۴۹ برای جلوگیری از مفاسد اقتصادی و ثروت‌های بادآورده دولت موظف ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.
۱۰. اصل ۸۱ برای جلوگیری از نفوذ بیگانگان در نظام اقتصادی کشور اشعار می‌دارد که «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و ... به خارجی‌ان مطلقاً ممنوع است».
۱۱. در اصل ۱۰۰ برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم در قالب شوراهای مشاوره‌ای مشخص کرده است. که حاکی از دخالت وسیع مردم در امور اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، آموزشی خودشان می‌باشد.
۱۲. اصل ۱۰۴ به منظور تأمین قسط و عدل اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی شوراهای مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می‌شود.

## ۲-۲: آرمان‌های اقتصادی نظام اسلامی در دیدگاه امام راحل (ره)

### نفی نظام‌های اقتصادی حاکم بر جهان

یکی از مسائل بسیار مهمی که به عهده علما و فقها و روحانیت است، مقابله جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاستهای اقتصاد سرمایه داری و اشتراکی در جامعه است،

هرچند که این بلیه دامنگیر همه ملت‌های جهان گردیده است و عملاً بردگی جدیدی بر همه ملت‌ها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زر و زور پیوند خورده اند و حق تصمیم‌گیری در مسائل اقتصاد جهان از آنان سلب شده است و علی‌رغم منابع سرشار طبیعت و سرزمین‌های حاصلخیز جهان و آب‌ها و دریاها و جنگل‌ها و ذخایر، به فقر و درماندگی گرفتار آمده اند و کمونیست‌ها و زراندوزان و سرمایه داران با ایجاد روابط گرم با جهان‌خواران، حق حیات و ابتکار عمل را از عامه مردم سلب کرده اند و با ایجاد مراکز انحصاری و چند ملیتی، عملاً نبض اقتصاد جهان را در دست گرفته و همه راه‌های صدور و استخراج و توزیع و عرضه و تقاضا و حتی نرخ‌گذاری و بانکداری را به خود منتهی نموده اند و با القای تفکرات و تحقیقات خود ساخته، به توده های محروم باورانده اند که باید تحت نفوذ ما زندگی کرده و الا راهی برای ادامه حیات پابرنه ها، جز تن دادن به فقر باقی نمانده است و این مقتضای خلقت و جامعه انسانی است که اکثریت قریب به اتفاق گرسنگان در حسرت یک لقمه نان بسوزند و بمیرند و گروهی اندک هم از پرخوری و اسراف و تعیش‌ها جان‌شان به لب آید.<sup>۱</sup>

### **اجتناب از باغ سبز دنیای غرب**

ممکن است از شیوه های ناصحیح و عملکرد غلط قدرتمندان پیشین کمونیسم در زمینه اقتصاد، باغ سبز دنیای غرب رخ بنماید، ولی حقیقت جای دیگری است... شما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه خویش را دوا نکرده اید، که دیگران باید بیایند و اشتباهات شما راه جبران کنند، چرا که امروز اگر مارکسیسم در روش‌های اقتصادی و اجتماعی به بنبست رسیده است، دنیای غرب هم در همین مسائل، البته به شکل دیگر، و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است.<sup>۲</sup>

### **لزوم تلاش برای پیاده سازی اقتصاد اسلامی**

به هر حال این مصیبتی است که جهان‌خواران بر بشریت تحمیل کرده اند و کشورهای اسلامی به واسطه ضعف مدیریت‌ها و وابستگی، به وضعیت اسفبار گرفتار شده اند که این به عهده علمای اسلام و محققین

---

۱- ۶ مرداد ۱۳۶۶ / ۱ ذی الحجه ۱۴۰۷، تهران، جماران، برائت از مشرکان و تبیین وظایف مسلمین و مشکلات جهان اسلام  
۲- ۱۱ دی ۱۳۶۷ / ۲۲ جمادی الاول ۱۴۰۹، تهران، جماران، پیام به میخائیل گورباچف (صدر هیات رئیسه اتحاد جماهیر شوروی)

و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرحها و برنامه های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرنه ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به درآورند.<sup>۱</sup>

## ویژگی نظام اقتصاد اسلامی<sup>۲</sup>

البته پیاده کردن مقاصد اسلام در جهان و خصوصا برنامه های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه داری غرب و اشتراکی شرق، بدون حاکمیت همه جانبه اسلام میسر نیست و ریشه کن شدن آثار سوء و مخرب آن، چه بسا بعد از استقرار نظام عدل و حکومت اسلامی همچون جمهوری اسلامی ایران نیازمند به زمان باشد، ولی ارائه طرحها و اصولا تبیین جهتگیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان، بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می رود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیاز و برتری ای از این جهت بر فقرا ندارند و ابدا اولویتی به آنان تعلق نخواهد گرفت، مسلم راه شکوفایی و پرورش استعدادهای خفته و سرکوب شده پابرنگان را فراهم می کند.

و تذکر این مطلب که ثروتمندان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نباید در حکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند و مال و ثروت خود را به بهانه فخرفروشی و مباهات قرار بدهند و به فقرا و مستمندان و زحمتکشانشان، افکار و خواسته های خود را تحمیل کنند، این خود بزرگترین عامل تعاون و دخالت دادن مردم در امور و گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزشهای متعالی و فرار از تملقگوییها می گردد و حتی بعض ثروتمندان را از اینکه تصور کنند که مال و امکاناتشان دلیل اعتبار آنان در پیشگاه خداست متنبه می کند.

خلاصه کلام اینکه بیان این واقعیت که در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فزونتر از آن کسی است که تقوا داشته باشد، نه ثروت و مال و قدرت و همه مدیران و کار گزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابرنه ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکنین و مرفهین، و در کنار مستمندان و پابرنه ها بودن و خود را در عرض

۱- ۶ مرداد ۱۳۶۶ / ۱ ذی الحجه ۱۴۰۷، تهران، جماران، برائت از مشرکان و تبیین وظایف مسلمین و مشکلات جهان اسلام

۲- ۶ مرداد ۱۳۶۶ / ۱ ذی الحجه ۱۴۰۷، تهران، جماران، برائت از مشرکان و تبیین وظایف مسلمین و مشکلات جهان اسلام

آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده و عملاً به شبهات و القائات خاتمه می دهد، که بحمدالله در جمهوری اسلامی ایران، اساس این تفکر و بینش در حال پیاده شدن است.

و همچنین مسئولین محترم کشور ایران علی‌رغم محاصرات شدید اقتصادی و کمبود درآمدها، تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقرزدایی جامعه کرده اند و همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ما است که روزی فقر و تهیدستی از جامعه ما رخت بر بندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند.

خدا نیلورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند.

معاذالله که این با سیره و روش انبیا و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین - علیهم السلام - سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزّه است، تا ابد هم باید منزّه باشد و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ما است که به حمایت از پابرهنگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است.

از آنجا که محرومیتزدایی، عقیده و راه و رسم زندگی ما است، جهانخواران در این مورد هم ما را آرام نگذاشته اند و برای ناتوان ساختن دولت و دستاندرکاران کشور ما حلقه های محاصره را تنگتر کرده اند و بغض و کینه و ترس و وحشت خود را در این حرکت مردمی و تاریخی تا مرز هزاران توطئه سیاسی - اقتصادی ظاهر ساخته اند و بدون شک جهانخواران به همان میزان که از شهادتطلبی و سایر ارزشهای ایثارگرانه ملت ما واهمه دارند، از گرایش و روح اقتصاد اسلام به طرف حمایت از پابرهنگان در هراسند و مسلم هر قدر کشور ما به طرف فقرزدایی و دفاع از محرومان حرکت کند، امید جهانخواران از ما منقطع و گرایش ملتهای جهان به اسلام زیادتر می شود و روحانیت عزیز باید به این اصل توجه عمیق داشته باشند و افتخار تاریخی و بیش از هزار ساله پناهگاهی محرومان را برای خود حفظ کنند و به سایر مسئولین و مردم توصیه نمایند که ما نباید گرایش و توجه بی شائبه محرومین را به انقلاب و حمایت بیدریغ آنان را از اسلام فراموش کنیم و بدون جواب بگذاریم.

البته پرواضح است که همه اقشار کشور ما در انقلاب سهیم و شریکند و همه برای خدا و انجام وظیفه الهی خود وارد صحنه ها شده اند و مقصد خدا است و هرگز آمال بلند و الهی خود را به مسائل مادی آلوده نمی کنند و با کمبودها از میدان به در نمی روند، چرا که کسی که برای خدا جان و مال فدا می

کند، به خاطر شکم و دنیا از پا در نمی آید، ولی وظیفه ما و همه دستاوردکاران است که به این مردم خدمت کنیم و در غم و شادی و مشکلات آنان شریک باشیم که گمان نمی کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد.

راستی وقتی که پابرهنه ها و گودنشینان و طبقات کمدرآمد جامعه ما امتحان و تقید خود را به احکام اسلامی تا سر حد قربانی نمودن چندین عزیز و جوان و بذل همه هستی خود داده اند و در همه صحنه ها بوده اند - و انشاءالله خواهند بود - و سر و جان را در راه خدا می دهند، چرا ما از خدمت به این بندگان خالص حق و این رادمردان شجاع تاریخ بشریت افتخار نکنیم! ما مجددا می گوئیم که یک موی سر این کوخشینان و شهیددادگان به همه کاخ و کاخ نشینان جهان شرف و برتری دارد.

### جهت گیری سیاست های اقتصادی اسلام

نمایندگان محترم مجلس قبل از پرداختن به لوایح و تبصره ها و مواد غیر ضروری به فکر مسائل اصلی و کلیدی کشور باشند و بر اساس اسلام عزیز در کمیسیونها با طرح قوانین و لوایح به سمتی حرکت کنند که مشکلات اساسی کشور مرتفع و سیاستهای زیر بنایی کشور در امور فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در راستای کمک به محرومین و رفع استضعاف، مدون و به مورد اجرا درآید.<sup>۱</sup>

### نفی فرهنگ مصرفی

برنامه ریزی در جهت رفاه متناسب با وضع عامه مردم توأم با حفظ شعائر و ارزشهای کامل اسلامی و پرهیز از تنگنظریها و افراط گرایها و نیز مبارزه با فرهنگ مصرفی که بزرگترین آفت یک جامعه انقلابی است و تشویق به تولیدات داخلی و برنامه ریزی در جهت توسعه صادرات و گسترش مبادی صدور کالا و خروج از تکیه به صادرات نفت و نیز آزادی صادرات و واردات و به طور کلی تجارت بر اساس قانون و با نظارت دولت در نوع و قیمت.<sup>۲</sup>

### خودکفایی در کشاورزی

توجه به بازسازی مراکز صنعتی نباید کوچکترین خللی بر ضرورت رسیدن به امر خودکفایی کشاورزی وارد آورد، بلکه اولویت و تقدم این امر باید محفوظ بماند و مسئولین بیشتر از گذشته خود را مکلف

۱- ۷ خرداد ۱۳۶۷ / ۱۲ شوال ۱۴۰۸ تهران، جماران گشایش سومین دوره مجلس شورای اسلامی

۲- ۱۱ مهر ۱۳۶۷ / ۲۱ صفر ۱۴۰۹، تهران، جماران، موضوع: سیاستهای کلی نظام اسلامی در دوران بازسازی کشور

به اجرای آن سازند و در امر احیای اراضی و مهار آبها و ایجاد سدها و تشویق کشاورزان و دامداران و استفاده هر چه بیشتر از نعمتهای بیکران الهی تلاش نمایند که مطمئنا خود کفایی در کشاورزی مقدمه ای است برای استقلال و خود کفایی در زمینه های دیگر.<sup>۱</sup>

## ۳-۲: آرمان ها و پیشرفت در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

### هدف انقلاب

هدف انقلاب عبارت بود از ساختن یک ایرانی با این خصوصیات که عرض میکنم: مستقل، آزاد، برخوردار از ثروت و امنیت، متدین و بهره‌مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه‌ی جامعه‌ی عظیم بشری در علم و بقیه‌ی دستاوردها - که از اول و ازل بین آحاد بشر یک مسابقه است در دستاوردهای بشری، در علم و در بقیه‌ی خواسته‌ها و دستاوردهای بشری - برخوردار از آزادی با همه‌ی معانی آزادی. آزادی فقط آزادی اجتماعی نیست - اگرچه آزادی اجتماعی، یکی از مصادیق مهم آزادی است - هم آزادی اجتماعی مورد نظر است، هم آزادی به معنای رها بودن و آسوده بودن و آزاد بودن کشور از دست‌اندازی بیگانگان و استیلاي آنها - که گاهی کشور بظاهر مستقل هم هست، اما زیر نفوذ است - و هم آزادی معنوی، که آن رستگاری انسان و تعالی اخلاقی انسان و عروج معنوی انسان است، که هدف اعلی، این است. همه‌ی کارها مقدمه برای تکامل انسان و عروج انسانی است. این باید در جامعه‌ی اسلامی خود را نشان بدهد.<sup>۲</sup>

هدف انقلاب در درجه‌ی اول این بود که نظامی در داخل کشور به وجود بیاورد که وابسته نباشد؛ بلکه مستقل باشد. وابستگی برای یک کشور و ملت، آفت بزرگی است و همه‌ی آفتهای دیگر، بر آن مترتب می‌شود. ملتی که به یک قدرت خارج از خود وابسته است، خیرات، استعدادها و منابع عظیم انسانی و مادی‌اش در جهت خواست آن قدرت خارجی مصرف می‌شود، نه در راه خیر ملت. شخصیتها و افرادِ دلسوز و علاقه‌مند این ملتها، یا منزوی می‌شوند، یا به وسیله نظام و رژیم وابسته، نابود می‌گردند. منابع نفت، گاز و معادن زیرزمینی دیگرش اگر استخراج شود، به صلاح و خیر قدرتی که به آن وابسته است، مصرف می‌شود. دوستی، دشمنی و موضعگیری جهانی‌اش، به تبع میل و خواست قدرتی است که به آن وابسته است. مذهب، اخلاق، فرهنگ و آدابش، آن‌طوری است که آن قدرت خارجی می‌خواهد، انتخاب می‌کند و تشخیص می‌دهد. میل خودش و ایمان، اراده، خواست و نظر مردمش، مورد اعتنا قرار نمی‌گیرد. لذا، در یک نظام وابسته، مردم و مغزهای متفکر، هیچ کاره می‌شوند. اداره‌ی حقیقی کشور

۱ - ۱۱ مهر ۱۳۶۷ / ۲۱ صفر ۱۴۰۹، تهران، جماران، موضوع: سیاستهای کلی نظام اسلامی در دوران بازسازی کشور

۲ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز (۱۴/۰۲/۱۳۸۷ - ۱۵:۱۵)

وابسته، نه به دست دولت خودش، بلکه در واقع به دست دولتی است که به آن وابسته شده است. برای یک ملت، بدبختی‌ای از این بالاتر نیست. مادر همه‌ی آفتهای ملی، وابستگی است.<sup>۱</sup>

### دیدگاههای مقام معظم رهبری در باب پیشرفت و توسعه

نه با توقف در گذشته و سرکوب نوآوری می‌توان به جایی رسید، نه با رهاسازی و شالوده‌شکنی و هرج و مرج اقتصادی و عقیدتی و فرهنگی می‌توان به جایی رسید؛ هر دو غلط است.<sup>۲</sup> ریشه‌ها و اصالتها را حفظ کنیم و شالوده‌شکنی نکنیم؛ هویت ملی را بشدت مورد ملاحظه قرار دهیم و ارج بنهیم. هویت جمعی یک ملت، جزو آن چیزهایی است که در تحولات باید دست نخورد. در کنار هویت ملی، پویایی، نشاط، برخورداری از آزادی تحرک و روح رقابت در میان جمع خود را باید بشدت ارج بنهیم و به آن اهمیت بدهیم.<sup>۳</sup>

می‌خواهیم مشخص کنیم که پیشرفت چیست؟ تعریفهایی برای پیشرفت و کشور پیشرفته در دنیا معمول است؛ ما اغلب اینها را قبول داریم و رد نمی‌کنیم؛ مثلاً صنعتی شدن و فرا صنعتی شدن کشور؛ اینها دلیل پیشرفت است. خودکفایی؛ کشور در مسائل حیاتی و اساسی باید خودکفا باشد. نه اینکه از دیگران بکلی بی‌نیاز باشد، نه؛ اما اگر به کسی یا کشوری، در چیزی احتیاج دارد، طوری روابطش را تنظیم کند که اگر خواست آن را به دست آورد، دچار مشکل نشود؛ او هم چیزی داشته باشد که مورد نیاز آن کشور است؛ خودکفایی یعنی این. وفور تولیدات، وفور صادرات، افزایش بهره‌وری، ارتقاء سطح سواد، ارتقاء سطح معلومات عمومی مردم، ارتقاء خدمات شهروندی، خدمت دادن به شهروندان، رشد نرخ عمر متوسط - به قول تعبیرات اخیر، امید به زندگی - اینها جزو نشانه‌های پیشرفت است و درست است. کاهش مرگ و میر کودکان، ریشه‌کنی بیماریهای گوناگون در کشور، رشد ارتباطات و امثال اینها، شاخصهایی است که در دنیا برای یک کشور پیشرفته ذکر می‌کنند و ما این شاخصها را رد نمی‌کنیم و قبول داریم. منتها توجه داشته باشید این شاخصها را وقتی که به ما تحویل می‌دهند - به ما که تشکیل‌دهنده‌ی این شاخصها نیستیم - در لابه‌لای آن، چیزهایی است که دیگر آنها جزو شاخصهای

<sup>۱</sup> - بیانان در مراسم سالگرد امام راحل در مرقده مطهر ۷۴/۰۳/۱۴

<sup>۲</sup> - بیانان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان سمنان (۱۳۸۵/۰۸/۱۸)

<sup>۳</sup> - همان.

پیشرفت و توسعه نیست؛ چیزهایی را به میان می‌آورند که این صادر کردن فرهنگ مخالف با هویت و شخصیت ملی و میل برای وابسته کردن کشورهاست.<sup>۱</sup>

اساس تحول باید بر «ملاحظه‌ی عناصر اصلی هویت ملی» قرار داده شود، که آرمانهای اساسی و اصولی مهمترین آنهاست. هویت ملی، اساس هر پیشرفتی است.

آنچه که ما در تحول، تحولی که با پیشرفت همراه است، مورد نظرمان است - که جا دارد که این جزو آرمانهای ما باشد - مبارزه‌ی با فقر، مبارزه‌ی با تبعیض، مبارزه‌ی با بیماری، مبارزه‌ی با جهل، مبارزه‌ی با ناامنی، مبارزه‌ی با بی‌قانونی، مدیریتهای را به سطح علمی تر ارتقاء دادن، رفتار شهروندان را به سطوح منضبط ارتقاء دادن و انضباط اجتماعی، رشد امنیت، رشد ثروت ملی، رشد علم، رشد اقتدار ملی، رشد اخلاق و رشد عزت ملی است؛ همه‌ی اینها در این تحول و پیشرفت، به معنای صحیح دخالت دارند و ما اینها را پایه‌های اصلی می‌دانیم. در کنار اینها، عشق به معنویت و ارتباط با خدا، مهمترین عاملی است که پیشرفت یک ملت را به معنای واقعی خودش تضمین می‌کند خداپرستی، عشق به معنویت، عاطفه‌ی انسانی در هر تحولی، و عواطف و محبت در انسانها باید تقویت بشود، همه‌ی افراد جامعه نسبت به همدیگر احساس مسئولیت کنند.<sup>۲</sup>

پیشرفتی که بر فردمحوری و اباحه‌ی لذاتی که انسان به طور مطلق دوست می‌دارد، مبتنی باشد، پیشرفت نیست. دنیای صنعتی غرب امروز بر این پایه استوار است: اباحه‌ی لذات؛ ما این را پیشرفت نمی‌دانیم. اقتداری که مبتنی بر ظلم به ملت‌های دیگر و به بهای پسرفت ملت‌های دیگر باشد، پیشرفت و تحولی که در خدمت یک طبقه‌ی خاص - طبقه‌ی سرمایه‌دار - باشد، که امروز در کشورهای غربی این طور است، مورد نظر ما نیست. پیشرفتی که با باختن هویت مستقل ملی همراه باشد و انسان خودش را از دست بدهد، پیشرفت نیست. تقلید، رایج شدن و پیشرفت تقلید، پیشرفت نیست. وابسته کردن اقتصاد، تقلیدی کردن علم، ترجمه‌گرایی در دانشگاه؛ پیشرفت نیست و ما این را پیشرفت نمی‌دانیم.<sup>۳</sup>

دو گرایش غلط همیشه درباره‌ی پیشرفت و تحول منتهی به پیشرفت وجود داشته است. یک گرایش عبارت است از خیانت‌هایی که به نام پیشرفت و تحول انجام گرفته؛ ضربه‌هایی که به نام خدمت و زیر پرچم اصلاحگری بر پیکر ملت ما وارد شده است... از یک طرف هم در نقطه‌ی مقابل، کسانی بوده‌اند و هستند که با هر نوع نوآوری و تحولی مخالفت کرده‌اند... ما باید پیشرفت و آن چیزی را که از تحول اراده می‌کنیم و می‌خواهیم، درست برای خودمان معنا کنیم و بفهمیم دنبال چه هستیم، تا نه آن سوء استفاده انجام بگیرد، نه این مخالفت و ضدیت.<sup>۴</sup>

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان.

۴- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۸۶/۰۲/۲۵)

البته این به معنای این نیست که ما تازه می‌خواهیم پیشرفت را شروع کنیم... خود تشکیل نظام جمهوری اسلامی یک تحول بزرگ، یک پیشرفت شگفت‌آور و عظیم بود که یک حکومت موروثی کودتائی فاسد وابسته را یک ملتی بتواند تبدیل کند به یک حکومت مردمی، که هیچ تحولی از این بالاتر نیست و خود این، بزرگترین تحول و بزرگترین پیشرفت بود، بعد از انقلاب هم تا کنون، ما هم در زمینه‌ی علمی، هم در زمینه‌ی اجتماعی، هم در زمینه‌ی سیاسی، هم در زمینه‌ی بین‌المللی، هم در زمینه‌های اقتصادی و عمرانی پیشرفتهایی که کرده‌ایم، بهت آور است.<sup>۱</sup>

بحثی که برای الگوی پیشرفت می‌کنیم، برای این نیست که می‌خواهیم پیشرفت را شروع کنیم؛ پیشرفت از انقلاب شروع شده، بلکه به این معناست که با بحث نظری و تعریف شفاف و ضابطه‌مند از پیشرفت، قصد داریم یک باور همگانی در درجه‌ی اول در بین نخبگان، بعد در همه‌ی مردم به وجود بیاید که بدانند دنبال چه هستیم و به کجا می‌خواهیم برسیم و بخشهای گوناگون نظام بدانند چه کار باید بکنند. مدل‌سازی و الگوسازی، کار خود شماست؛ یعنی کار نخبگان ماست. در تحقیقات دانشگاهی باید دنبالش بروند، بحث کنند و در نهایت مدل پیشرفت را برای ایران اسلامی، برای این جغرافیا، با این تاریخ، با این ملت، با این امکانات، با این آرمانها ترسیم و تعیین کنند و بر اساس او، حرکت عمومی کشور به سوی پیشرفت در بخشهای مختلف شکل بگیرد.<sup>۲</sup>

امروز در چشم بسیاری از نخبگان ما، بسیاری از کارگزاران ما، مدل پیشرفت صرفاً مدل‌های غربی است؛ توسعه و پیشرفت را باید از روی مدل‌هایی که غربی‌ها برای ما درست کرده‌اند، دنبال و تعقیب کنیم. امروز در چشم کارگزاران ما این است و این چیز خطرناکی است؛ چیز غلطی است؛ هم غلط است، خطاست، هم خطرناک است.<sup>۳</sup>

الگوهای غربی با شرائط خودشان، با مبانی ذهنی خودشان، با اصول خودشان شکل پیدا کرده؛ بعلاوه ناموفق بوده. بنده به طور قاطع این را می‌گویم: الگوی پیشرفت غربی، یک الگوی ناموفق است. درست است که به قدرت رسیده‌اند، به ثروت رسیده‌اند؛ اما بشریت را دچار فاجعه کرده‌اند... گروه‌های معدود و انگشت‌شماری از خانواده‌های ثروت را به ثروت برساند؛ اما ملت‌های دیگر را دچار اسارت و تحقیر و استعمار کرده؛ جنگ به وجود آورده و حکومت تحمیل کرده است و در داخل خود آن کشورها هم اخلاق فاسد، دوری از معنویت، فحشا، فساد، سکس، ویرانی خانواده و این چیزها را رواج داده. بنابراین، موفق نیست.<sup>۴</sup>

---

۱ - همان.

۲ - همان.

۳ - همان.

۴ - همان.

ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامی - ایرانی پیدا کنیم. این برای ما حیاتی است. چرا میگوئیم اسلامی و چرا میگوئیم ایرانی؟ اسلامی به خاطر اینکه بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار است. چرا میگوئیم ایرانی؟ چون فکر و ابتکار ایرانی، این را به دست آورده؛ اسلام در اختیار ملتهای دیگر هم بود. این ملت ما بوده است که توانسته است یا میتواند این الگو را تهیه و فراهم کند. پس الگوی اسلامی ایرانی است.<sup>۱</sup>

آنچه که موجب میشود ما الگوی غربی را برای پیشرفت جامعه‌ی خودمان ناکافی بدانیم، در درجه‌ی اول این است که نگاه جامعه‌ی غربی و فلسفه‌های غربی به انسان - البته فلسفه‌های غربی مختلفند؛ اما برآیند همه‌ی آنها این است - با نگاه اسلام به انسان، بکلی متفاوت است؛ یک تفاوت بنیانی و ریشه‌ای دارد. لذا پیشرفت که برای انسان و به وسیله‌ی انسان است، در منطق فلسفه‌ی غرب معنای دیگری پیدا میکند، تا در منطق اسلام. پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است؛ محور، سود مادی است؛ هرچه سود مادی بیشتر شد، پیشرفت بیشتر شده است؛ افزایش ثروت و قدرت. این، معنای پیشرفتی است که غرب به دنبال اوست؛ منطق غربی و مدل غربی به دنبال اوست و همین را به همه توصیه میکنند. پیشرفت وقتی مادی شد، معنایش این است که اخلاق و معنویت را میشود در راه چنین پیشرفتی قربانی کرد. یک ملت به پیشرفت دست پیدا کند؛ ولی اخلاق و معنویت در او وجود نداشته باشد. اما از نظر اسلام، پیشرفت این نیست. البته پیشرفت مادی مطلوب است، اما به عنوان وسیله. هدف، رشد و تعالی انسان است.<sup>۲</sup>

آن چیزی که ما به آن نیاز داریم، این است که نقشه‌ی پیشرفت کشورمان را بر اساس جهان‌بینی اسلام برای این انسان، انسان در منطق اسلام، فراهم و تهیه کنیم. در این نقشه‌ی پیشرفت و تحول، دیگر معنا ندارد که پیشرفت با فحشا، با غوطه خوردن در منجلا ب فساد همراه باشد. معنویت، پایه‌ی اساسی این پیشرفت خواهد بود. پیشرفتی که محورش انسان است و انسانی که دارای بُعد معنوی قوی است و انسانی که علم و دنیا و ثروت و فعالیت زندگی را وسیله‌ای قرار می‌دهد برای تعالی روحی و رفتن به سوی خدای متعال، این پیشرفت با آن پیشرفت خیلی متفاوت است.<sup>۳</sup>

ما وقتی میگوئیم پیشرفت، نباید توسعه‌ی به مفهوم رائج غربی تداعی بشود. امروز توسعه، در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین‌المللی حرف رائجی است. ممکن است پیشرفتی که ما میگوئیم، با آن چه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده میشود، وجوه مشترکی داشته باشد - که حتماً دارد - اما در نظام واژگانی ما، کلمه‌ی پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد که با توسعه در نظام

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان.

واژگانی امروز غرب، نایستی اشتباه شود. آن چه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه‌ی غربی - با همان مختصات و با همان شاخصها - نیست.<sup>۱</sup>

مطلب دوم این است که پیشرفت برای همه‌ی کشورها و همه‌ی جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرائط گوناگون - شرائط تاریخی، شرائط جغرافیائی، شرائط جغرافیای سیاسی، شرائط طبیعی، شرائط انسانی و شرائط زمانی و مکانی - در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر میگذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد. بنابراین یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه‌ی اجزاء آن الگو را در خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما - با شرائط تاریخی ما، با شرائط جغرافیائی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما - الگوی ویژه‌ی خود را دارد؛ باید جستجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم. آن الگو ما را به پیشرفت خواهد رساند؛ نسخه‌های دیگر به درد ما نمیخورد.<sup>۲</sup>

مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد. هر جامعه و هر ملتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی‌ای دارد که آن مبانی تعیین کننده است و به ما میگوید چه نوع پیشرفتی مطلوب است، چه نوع پیشرفتی نامطلوب است.<sup>۳</sup>

مطلب بعدی این است که ما اگر نقاط افتراق پیشرفت با منطق اسلامی را با توسعه‌ی غربی می‌شماریم، نباید از نقاط اشتراک غفلت کنیم؛ یک نقاط اشتراکی هم وجود دارد که اینها در توسعه‌ی کشورهای توسعه یافته‌ی غربی کاملاً وجود داشته؛ روح خطرپذیری - که انصافاً جزو خلیقات و خصال خوب اروپائی‌هاست - روح ابتکار، اقدام و انضباط، چیزهای بسیار لازمی است؛ در هر جامعه‌ای که اینها نباشد، پیشرفت حاصل نخواهد شد. نکته‌ی بعدی مسئله‌ی پسوند عدالت است. ما گفتیم پیشرفت و عدالت.<sup>۴</sup>

یکی از الزامات ما این است: هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین کننده‌ی استقلال کشور باشد؛ این باید بعنوان یک شاخص به حساب بیاید. هر الگویی از الگوهای طراحی شونده‌ی برای پیشرفت که کشور را وابسته کند، ذلیل کند و دنباله‌رو کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی بکند، مردود است.<sup>۵</sup>

۱ - بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان : ۱۳۸۷/۰۲/۲۷

۲ - همان.

۳ - همان.

۴ - همان.

۵ - همان.

مقصود ما از پیشرفت چیست؟ پیشرفت در یک جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه جانبه است. از همه‌ی ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است: پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور - هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم - پیشرفت در ارتقای بهره‌وری. ارتقای بهره‌وری معنایش این است که ما بتوانیم از آنچه که داریم، بهترین استفاده را بکنیم. از نفت موجود، از گاز موجود، از کارخانه‌ی موجود، از راه موجود و از آنچه که در اختیار هست، بیشترین و بهترین استفاده را بکنیم. همچنین پیشرفت در قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی؛ که اگر ملتی دچار بی‌قانونی بشود، قانون‌شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد. پیشرفت در وحدت و انسجام ملی؛ چیزی که دشمنان از اول انقلاب سعی کرده‌اند آن را به هم بزنند؛ اما خوشبختانه ملت ما اتحاد و انسجام خود را با همه‌ی زمینه‌هایی که ممکن بود برای تفرقه مورد سوء استفاده قرار بگیرد، حفظ کرده است؛ این را ما باید هرچه بیشتر کنیم و ارتقاء ببخشیم. پیشرفت در رفاه عمومی؛ همه‌ی طبقات بتوانند از رفاه برخوردار شوند. پیشرفت در رشد سیاسی؛ که درک سیاسی، رشد سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی برای جمعیت عظیمی مانند جمعیت ملت ما، مثل یک حصار پولادین در مقابل بدخواهی‌های دشمنان است؛ لذا ما باید رشد سیاسی خود را بالا ببریم. مردم ما از لحاظ رشد سیاسی، امروز هم از بسیاری از ملتها جلوترند؛ اما باز در این جهت هم باید پیشرفت کنیم. مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده‌ی ملی؛ در همه‌ی این زمینه‌ها باید پیشرفت بشود. البته با حرف نمیشود، با الفاظ نمیتوان کاری انجام داد، نوشتن این چیزها روی کاغذ اثری ندارد؛ تحرک و برنامه‌ریزی لازم دارد.<sup>۱</sup>

پیشرفت اگر با عدالت همراه نباشد، پیشرفت مورد نظر اسلام نیست. اینی که ما تولید ناخالص ملی را، در آمد عمومی کشور را به یک رقم بالائی برسانیم، اما در داخل کشور تبعیض باشد، نابرابری باشد، عده‌ای آلاف و الوف برای خودشان داشته باشند، عده‌ای در فقر و محرومیت زندگی کنند، این آن چیزی نیست که اسلام میخواهد؛ این آن پیشرفتی نیست که مورد نظر اسلام باشد. باید عدالت تأمین بشود. عدالت هم یک واژه‌ی بسیار عمیق و وسیعی است که بایستی خطوط اصلی آن را جستجو و پیدا کرد. به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیائی است. اینجور نباشد که اگر یک مرکزی، یک استانی، یک شهری، یک کوره دهی از مرکز دور است، در یک نقطه‌ی دور جغرافیائی کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد؛ اما آنجائی که نزدیک است، برخوردار باشد؛ این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیائی باید برداشته شود، هم برابری در استفاده‌ی از امکانات و فرصتها باید به وجود بیاید. همه‌ی آحاد کشور، آن

۱ - بیانات در اجتماع بزرگ ائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) (۱۳۸۸/۰۱/۰۱)

کسانی که استعداد دارند، آن کسانی که امکان دارند، بتوانند از امکانات عمومی کشور استفاده کنند. اینچون نباشد که نورچشمی‌ها مقدم باشند و افراد متقلب و خدعه‌گر جلو بیفتند. کاری کنیم که افراد گوناگون کشور، همه بتوانند در برابر امکانات کشور، از فرصت برابر استفاده کنند. البته اینها آرزوهای بزرگی است، لیکن دست‌یافتنی است؛ دست‌نیافتنی نیست. اگر تلاش کنیم و کار کنیم، میتوانیم به آن برسیم. سخت است، اما شدنی است.<sup>۱</sup>

ما می‌خواهیم کشورمان از همه‌ی جهات - از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ فناوری، از لحاظ سیاسی - به پیشرفت برسد، مردم به رفاه دست پیدا کنند؛ اما در کنار پیشرفت، می‌خواهیم کشور عادلانه و با عدالت اداره بشود؛ این مهم است. نه عدالت بدون پیشرفت مطلوب است، نه پیشرفت بدون عدالت. عدالت بدون پیشرفت یعنی برابری در عقب‌ماندگی، برابری در فقر؛ این را نمی‌خواهیم. پیشرفت بدون عدالت را هم هرگز مطالبه نمی‌کنیم؛ پیشرفت، همراه با عدالت. باید فواصل طبقاتی کم بشود. باید آن کسانی که برای تحرک استعداد دارند، فرصتهای برابر دریافت کنند.<sup>۲</sup>

یکی از مصداقهای عدالت، مبارزه‌ی با فساد مالی و اقتصادی است که بایستی جدی گرفته شود.<sup>۳</sup>

### جمع‌بندی شاخص‌های پیشرفت

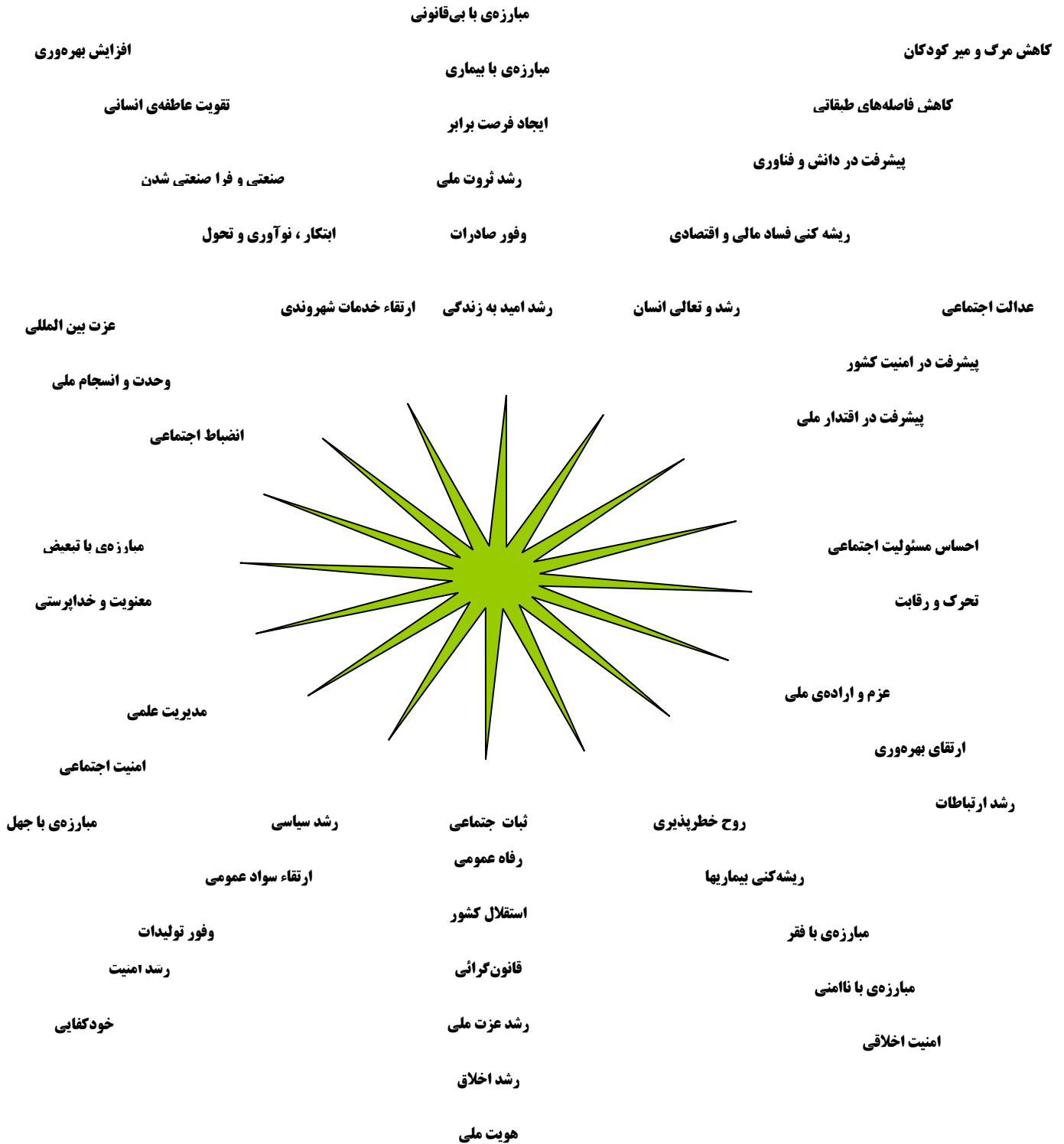
بر اساس تحلیل محتوی پیام‌ها و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری در باره پیشرفت بومی که بخشی از آن را در صفحات قبل آورده ایم، می‌توان شاخص‌های بومی پیشرفت را فهرست وار مشخص کرد که در شکل (۴) به صورت نموداری ملاحظه می‌شود.

۱- همان.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی (۱۳۸۷/۰۱/۰۱ - ۱۹:۳۹)

۳- همان.

## شاخص های بومی پیشرفت از نظر مقام معظم رهبری



شکل شماره (۴): شاخص های بومی پیشرفت

۱. مقدمه<sup>۱</sup>

همه افراد، سازمان‌ها و کشورها در حال حرکت به سمت تصورات خود از آینده هستند. این تصورات که برخاسته از نگرش‌ها، باورها، ارزش‌ها، توانایی‌ها، امکانات، ایمان و امید است خواسته یا ناخواسته، جهت حرکت فعلی را مشخص می‌نمایند. قطعاً کسانی که خود آگاهانه، چشم‌انداز روشنی را برای آینده خویش خلق می‌نمایند و می‌کوشند آینده بهتری را برای خود و دیگران رقم بزنند، برنده بازی فردا هستند.

به اعتقاد اندیشمندان، وجود یک چشم‌انداز بزرگ و پرشکوه در پیش رو، علاوه بر آنکه باعث انسجام امور و حرکت هدفمند می‌شود، افراد را نیز برانگیخته و "کششی خلاق و سازنده" ایجاد می‌نماید. لذا وجود یک چشم‌انداز در سطح ملی چنین نقشی را برای مجموعه یک ملت ایفا خواهد کرد.

روشن بودن چشم‌انداز ملی برای افراد جامعه، باعث حرکت سازنده و بانشاط آنان در جهت توسعه شخصی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی خواهد شد. در مقابل، بلا تکلیفی، سرگردانی و روزمرگی از مهمترین آسیب‌های شخصی و اجتماعی محسوب می‌شوند که همچون مانعی آشکار یا پنهان، فرد و جامعه را از حرکت مثبت باز می‌دارد.

مطالعه رویکردهای جهانی نشان می‌دهد که در شرایط فعلی، برخی جوامع در حال حرکت از جوامع صنعتی به سمت جوامع فراصنعتی یا جامعه اطلاعاتی و بالتبع آن شکل‌گیری یک جامعه دانش‌بنیان یا یادگیرنده هستند.

خاورمیانه، علیرغم آنکه همچون قلبی برای جهان است، اما به کندی مسیر رشد و توسعه خود از ابعاد گوناگون را می‌پیماید. بحران‌های مختلف امنیتی، سیاسی و اجتماعی و نبود همکاری‌های مناسب منطقه‌ای، باعث بروز شرایط ناپایدار در منطقه و عدم حرکت پویای این جوامع به سمت آینده‌ای باشکوه است. کشور عزیزمان ایران نیز می‌کوشد در جهت اهداف عالی جهانی خود، ضمن رسیدن به برتری در منطقه، حرکتی جدی را در جهت مشارکت و پیشبرد کمال و تعالی در سطح جهان آغاز نماید.

۱- میرزا امینی، محمدرضا، "چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور در حوزه اقتصاد و فناوری"، (اندیشگاه شریف)، آذرماه ۱۳۸۴

## ۲. چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور<sup>۱</sup>

خوشبختانه کشور ما نیز همسو با تحولات جهانی، چشم‌اندازی را در افق ۲۰ ساله برگزیده است تا در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی (۲۰۲۵ میلادی) به کشوری توسعه‌یافته و دارای جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، توأم با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام همراه با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌المللی تبدیل گردد. بنابراین ضروری است کشور بر اساس رویکرد توسعه‌دانایی محور به جامعه‌ای دانش‌بنیان مبدل گردد.

این چشم‌انداز بر اساس مطالعات مجمع تشخیص مصلحت نظام و اصول و جهت‌گیری‌های رهبر کشور تصویب و در آذرماه سال ۱۳۸۲ به قوای مختلف ابلاغ گردیده است (در ادامه به تشریح مختصر این چشم‌انداز بر اساس سند موجود می‌پردازیم).

### سند چشم‌انداز

«چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی» از سوی مقام معظم رهبری به رییس‌جمهور وقت ابلاغ شد. رهبر معظم انقلاب اسلامی با ابلاغ سند نهایی چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران به سران سه قوه و رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، افق روشن ایران را در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی را ترسیم کردند. در ابتدا سند چشم‌انداز را مورد ملاحظه قرار می‌دهیم:

«چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی»

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست ساله:

جامعه‌ی ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

• توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی، با تاکید بر: مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی.

• برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی.

• امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.

۱- همان.

- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تامین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهره مند از محیط زیست مطلوب.
  - فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مومن، رضایت مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظامی اسلامی و شکوفایی ایرانو مفتخر به ایرانی بودن.
  - دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تاکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.
  - الهام بخش، فعال و موثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تاثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه های امام خمینی (ره).
  - دارای تعامل سازنده و موثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.
- ملاحظه: در تهیه، تدوین و تصویب برنامه های توسعه و بودجه های سالیانه، این نکته مورد توجه قرار گیرد که شاخص های کمی کلان آنها از قبیل: نرخ سرمایه گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهک های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و تواناییهای دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاست های توسعه و اهداف و الزامات چشم انداز، تنظیم و تعیین گردد و این سیاست های و هدفها به صورت کامل مراعات شود.
- همان طور که ملاحظه می شود، جامعه ایرانی باید در این افق، کشوری توسعه یافته در الگویی متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش های اسلامی، ملی و انقلابی با تاکید بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان ها، و بهره مندی از امنیت اجتماعی و قضایی باشد.
- باید تولید ملی آن برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی باشد؛ یعنی اقتصادی دانش بنیان و فناوری محور شکل گیرد که بتواند با استفاده گسترده و بهره ور از منابع انسانی و اجتماعی، سطح رفاه ملی را تا حد یک کشور کاملاً توسعه یافته ارتقا بخشد. رفاه ملی ای که مستلزم برخورداری از سلامت، امنیت غذایی، تامین اجتماعی، فرصت های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهره مند از محیط زیستی مطلوب است.

در این چشم‌انداز، ویژگی‌های فرد ایرانی مطلوب نیز این‌گونه تعریف شده است: فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مومن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، دارای انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران، و مفتخر به ایرانی‌بودن خود.

از بعد امنیت ملی باید کشوری امن، مستقل و مقتدر مبتنی بر نظام دفاعی دارای بازدارندگی همه‌جانبه (و دارای پیوستگی مردم و حکومت) شکل گیرد. رسیدن به چنین چشم‌اندازی نیازمند هوشمندی امنیتی است که خود مستلزم هوشمندی سیاسی و هوشمندی دفاعی است؛ به عبارتی باید سیاست‌ها و استراتژی‌هایی دفاعی اتخاذ گردد، که منتج به توسعه توانمندی‌ها و قابلیت‌هایی در بخش دفاع کشور می‌شود که در راستای افزایش اقتدار دفاعی کشور و حرکت به سمت رفع تهدیدات امنیتی منطقه‌ای و جهانی و شکل‌گیری یک فضای امنیتی پایدار و قابل‌پیش‌بینی در جهت تامین منافع ملی باشد. هوشمندی امنیتی خود مستلزم آن است که بخش دفاع به سازمانی اطلاعاتی و دانش‌بنیان بدل گردد.

در زمینه تعاملات جهانی، باید در جهان اسلام، الهام‌بخش، فعال و موثر باشد. این امر از طریق تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، شکل‌گیری جامعه‌ای اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تاثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی میسر می‌گردد. در بعد روابط بین‌المللی نیز باید دارای تعاملی سازنده و موثر با جهان براساس سه اصل عزت، حکمت و مصلحت باشد.

لازم به ذکر است منطقه شامل ۲۰ کشور ایران، ترکیه، پاکستان، مصر، عربستان، اسرائیل، عراق، امارات، سوریه، کویت، عمان، آذربایجان، اردن، افغانستان، قطر، لبنان، یمن، بحرین، ترکمنستان و ارمنستان است.

نتیجه این که چشم‌انداز ۲۰ ساله اقتصاد کشور را می‌توان اینگونه تعریف نمود:

اقتصادی دانش‌بنیان و یادگیرنده که در منطقه‌ای شکوفا حائز برتری و رقابت‌پذیری است و کاملاً توسعه‌یافته محسوب می‌گردد و دارای ویژگی‌های ذیل است:

- همه مردم از رفاه بالایی برخوردارند (سرانه درآمد افراد بالای ۳۰ هزار دلار است)
- امن، پایدار، شکوفا، آزاد و جذاب است.
- دارای آزادی اقتصادی زیادی است و باز محسوب می‌شود.
- در تعامل با اقتصاد جهانی و منطقه‌ای است و از رقابت‌پذیری بالایی برخوردار است.
- صادرات محور بوده و بیشتر محصولات و خدمات دانشی و فناورانه را صادر می‌نماید.
- دارای قوانین و مقررات شفاف و اجرایی است که حمایت‌کننده هستند نه بازدارنده.
- دارای بهره‌وری ملی بسیار بالایی است (در تمامی ابعاد).
- مبتنی بر کارآفرینی و نوآوری است.

- نرخ بیکاری و اشتغال کاذب در آن اندک است (زیر ۵ درصد).
- دارای نظام ملی نوآوری منسجم و پویایی است که فناوری بنیان محسوب می‌شود.
- دارای نرخ تورم اندک و پایداری است و بهره در آن کم است.
- از زیرساخت‌هایی کامل و یکپارچه برخوردار است.
- مردم از سواد اقتصادی بالایی برخوردارند.
- تمامی مردم باسواد بوده و سرانه آموزش و یادگیری بسیار بالاست.

### ۳. اهمیت سند چشم‌انداز از نگاه رهبر معظم انقلاب

سند کارشناسی شده: این سند، یک سند کارشناسی شده است. هر کس از کارشناسان اقتصادی وابسته‌ی به بخش‌های مختلف راجع به این سند اظهار نظر کرده، ستایش‌آمیز اظهار نظر کرده است. در خارج هم ما بازتابش را در مذاکرات سیاسی، در اسناد سیاسی و در انطباق‌های سیاسی در ذهن مخاطبان، یافته‌ایم. جا دارد روی این سند کار کنید. در این سند، بخش‌هایی مربوط به دانشگاه‌هاست. جا دارد روی بخش‌های مختلف این سند تحقیق شود؛ پروژه‌های تحقیقی و علمی از این سند استخراج شود؛ بعد با پیشرفت کار در ظرف یک‌سال، دو سال، مقایسه شود. بالاخره بیست سال را که با یک قدم نمی‌شود برداشت؛ حرکت بیست‌ساله را در بیست سال می‌شود انجام داد؛ البته اگر خوب انجام بگیرد. بنابراین بعد از یک‌سال یا دو سال باید معلوم شود که ما در این بخش پیش رفته‌ایم یا نرفته‌ایم. این کار اساتید و دانشگاه‌هاست که بنشینند روی این سند کار کنند؛ موانع را بسنجند؛ مسئولان دولتی و مسئولان کشور را کمک و راهنمایی کنند تا موانع برداشته شود. این، یکی از کارهای بسیار مهم است.<sup>۱</sup>

زیربناها آماده است: آنچه این جرأت را به مسئولان کشور داد تا بتوانند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ای را تنظیم و این آینده را ترسیم کنند، این بود که بحمدالله زیربنای پیشرفت کشور آماده شده است. تلاش‌هایی که دولت‌ها به‌خصوص در ده دوازده سال اخیر کردند، توانسته است کشور را در وضعیتی قرار دهد که بتواند روی این زیرساخت‌ها یک بنای مطلوب را به‌وجود آورد. منظور از کارهای زیربنایی فقط چیزهایی نیست که به چشم می‌آید- مثل سد و سیلو و کارخانه و جاده و از این قبیل- بلکه مهم‌تر از این‌ها عبارت است از بروز استعدادهای جوانان کشور و رسیدن به این معنا که باید برای علم تلاش کنند؛ و تلاش می‌کنند و به مناطقی دسترسی پیدا می‌کنند که مژده‌بخش است؛ نشان‌دهنده‌ی

۱. سخنرانی در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها در تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۷

این است که این ملت در راه علم و فناوری حرکت کرده است و پیش می‌رود. اعتماد به نفسی که امروز در محیط تحقیق و علم در این کشور وجود دارد، بسیار باارزش است. این را نباید به هیچ قیمتی از دست داد و یا دست کم گرفت.<sup>۱</sup>

این آرزو نیست: آنچه مردم عزیز ما خوب است مطلع باشند و بدانند، این است که چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی ابلاغ شده به مسؤولان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، یک امر عملی و منطقی و قابل تحقق است. نباید تصور شود کلماتی که در چشم‌انداز بیست‌ساله پشت سر هم نوشته می‌شود، صرفاً یک آرزوست و بدون محاسبه‌ی عملی است. به فضل پروردگار، ملت ایران و کشور عزیز ما می‌تواند در طول بیست سال به این آینده برسد. این یک آینده‌ی مطلوب و یک گام بلند در راه رسیدن به آرمان‌های والای اسلامی است که در آن، پیشرفت مادی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت فرهنگی، تعالی معنوی و اخلاقی و هویت اسلامی وجود دارد.<sup>۲</sup>

توانایی‌های ما: کشور ما می‌تواند ملتی بزرگ‌تر از آمار کنونی ملت ما را هم اداره کند؛ می‌تواند خود را در سطح بالایی از پیشرفت و توسعه در میان ملت‌های عالم قرار دهد؛ و همچنان که در سند چشم‌انداز بیست‌ساله اعلام شده است، می‌تواند از جهات مختلف رتبه‌ی اول را در منطقه حائز شود. این‌ها توانایی‌های ملت ماست؛ این‌ها را ملت ما به برکت وحدت کلمه، به برکت پرچم برافراشته‌ی اسلام، و به برکت ایمان عمیقی که در دل‌های شماست، تا کنون به دست آورده است و باز هم می‌تواند پیش برود و به چشم‌انداز زیبا و شایسته‌ی ملت ایران دست پیدا کند.<sup>۳</sup>

علم، محور توسعه: افق کار در کشور، بسیار خوب است؛ استعدادها خوب است؛ امکانات موجود کشور، قابل قبول است؛ این امکانات را می‌شود افزایش داد. دستگاه‌های مسؤول دولتی و اجرایی علاقه‌مندند به علم اهمیت بدهند و این را قبول کرده‌اند که علم، محور توسعه‌ی حقیقی برای کشور است. ما بدون علم نمی‌توانیم به جایی برسیم؛ هم در سند چشم‌انداز بیست‌ساله این آمده، هم در مذاکراتی که حول و حوش این مسأله وجود دارد، این معنا به وضوح برای همه تبیین شده است. همت لازم است.<sup>۴</sup>

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در تاریخ ۱۳۸۲/۰۸/۲۳

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در تاریخ ۱۳۸۲/۰۸/۲۳

۳. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان در تاریخ ۱۳۸۴/۰۲/۱۸

۴. سخنرانی در دیدار اساتید دانشگاه‌ها در تاریخ ۱۳۸۳/۰۹/۲۶

نمی‌پسندند: روی این برنامه‌ی چشم‌انداز بیست‌ساله خیلی کار شد... برنامه‌ی چشم‌انداز، برنامه‌ای واقعی است؛ یعنی کاملاً حساب شده تعیین و ابلاغ شده است و در تنظیم آن هم همان دستگاه‌های عظیم دولتی و مجمع تشخیص و... به ما کمک کردند. به مجردی که ما این برنامه را اعلام کردیم، دستگاه‌های رسانه‌ای موذی دنیا که آن را نمی‌پسندیدند، شروع کردند به دست‌اندازی کردن؛ چون این برنامه به معنای امید و نشاط و عزم و اراده برای پیشرفت است و معلوم است که این برنامه را نسبت به کشورهایی که تحت اختیار آن‌ها نیستند، نمی‌پسندند و این نپسندیدن هم بیش از همه از طرف رادیوهای وابسته به آمریکا و صهیونیست‌ها بود. البته این کوچک‌ابدال‌ها و بچه‌درویش‌های آن‌ها هم در داخل جنجال‌هایی کردند!<sup>۱</sup>

به دست شما: شما جوان‌های عزیز این سند چشم‌انداز را مطالعه کنید. اگر کسی دقت نکند، ممکن است خیال کند افرادی نشسته‌اند و انشاء نوشته‌اند؛ ولی نه، بدانید انشاء نیست. کلمه کلمه‌ی این چشم‌انداز - با تأکید می‌گویم - محاسبه شده است. این که ما گفتیم در بیست سال آینده می‌خواهیم کشور اول منطقه در این خصوصیات باشیم و این شاخص‌ها را داشته باشیم - که در سند دو صفحه‌ای چشم‌انداز ذکر شده - کلمه کلمه‌ی این‌ها بررسی و محاسبه و کارشناسی شده است. ما می‌توانیم؛ منتها این توانستن شروطی دارد. همه‌ی شما مثل فرزندان من هستید. من یک‌یک شما جوان‌های عزیز را از ته دل دوست می‌دارم و معتقدم هر کاری در این مملکت باید بشود و بتوان کرد، باید به دست شماها انجام شود. البته هر کاری ساز و کار دارد. مایلیم صادقانه مطلب برای شما روشن شود. ما معتقدیم این چشم‌انداز، تحقق‌یافتنی است؛ اما باید برنامه‌ریزی و راه حرکت را پیدا کرد. کسی هم که عامل و مباشر این کار است، نسل جوان است.<sup>۲</sup>

نگاه کنید به آینده‌ی دور: فرض بفرمایید برای صدا و سیما وظایفی معین کرده‌اید که باید در صدا و سیما منعکس شود؛ برای آموزش و پرورش یا برای دانشگاه‌ها یا برای فرهنگ عمومی با ابزارهایی که دارد، وظایفی را معین کرده‌اید که بایستی تحقق پیدا کند؛ اما نگاه کنید به آینده‌ی دور؛ یعنی آینده‌ی معین شده در سند چشم‌انداز بیست‌ساله. کسانی که امروز وارد مدرسه می‌شوند، در پایان دوران بیست‌ساله، یک جوان بیست و شش، هفت ساله هستند. شما می‌خواهید این جوان بیست و شش، هفت ساله چه جور انسانی باشد؟ اگر می‌خواهید این جوان، یک جوان خلاق، دارای ابتکار، شجاع، آراسته از

۱. سخنرانی در دیدار استادان و دانشجویان قزوین در تاریخ ۱۳۸۲/۰۹/۲۶

۲. دیدار با جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان در تاریخ ۱۳۸۳/۰۴/۱۷

لحاظ اخلاقی، سالم از لحاظ جسمی و فکری و روانی، صاحب فکر و اندیشه، دارای احساس مسؤولیت نسبت به کشورش و ملتش و آینده‌اش باشد، امروز باید طرح صیوررت این کودک را به آن جوان این جا طراحی کنید؛ حاضر داشته باشید و به دستگاه‌ها ابلاغ کنید.<sup>۱</sup>

هدایت دین: ما امروز در چشم‌انداز بیست‌ساله گفته‌ایم که بیست سال دیگر کشور ما از لحاظ پیشرفت مادی، پیشرفت سیاسی و از لحاظ معنوی و فرهنگی باید به این نقطه برسد. با تلاش و مجاهدتی که پشت سر این گذاشته شود، رسیدن به این‌ها قطعی است؛ هیچ تردیدی در آن نیست؛ منتها- همان‌طور که عرض کردم- این حرکت می‌تواند همراه با هدایت الهی و هدایت دینی و هدایت روحانیت باشد؛ می‌تواند بدون آن باشد. اگر بدون آن باشد، ما در ذیل جدول کشورهای پیشرفته‌ی دنیا خواهیم بود. صد سال قبل از ما، دویست سال قبل از ما، دیگران هم به این پیشرفت‌ها دست پیدا کرده بودند؛ این هم آخرش! زندان ابوغریب و زندان‌های دیگر و دو جنگ بین‌الملل و چهره‌ی زشت استعمار در دنیا، آخر آن پیشرفت‌هاست. اما اگر این پیشرفت‌ها با هدایت دین همراه باشد، آن‌وقت چیزی است که در دنیا اتفاق نیفتاده و در تاریخ سابقه نداشته است.<sup>۲</sup>

مسابقه‌ی دو: ما آن دوندگی هستیم که باید برسیم به خط پایان؛ باید برسیم به خط برد. دائم باید بدویم. این جا شما روی پلاکارد نوشته‌اید در سال ۱۴۰۴ ایران کشوری است توسعه یافته. دنباله‌ی چشم‌انداز این است که از کشورهای دیگر در منطقه باید از لحاظ فن‌آوری و چه و چه و چه جلوتر باشد. شما خیال می‌کنید کشورهای دیگر همین‌طور ایستاده‌اند که ما جلو برویم؟ آن‌ها حرکت نمی‌کنند؟ آن‌ها هم دارند حرکت می‌کنند. مسابقه‌ی دوندگی است. مسابقه‌ی دو است. اگر وسط راه همت من و شما سست شود، اگر امیدمان کم شود، اگر خیال کنیم که آقا، فایده‌ای ندارد، خب نمی‌رسیم. من از این بیمناکم.<sup>۳</sup>

قله: چشم‌انداز بالای قله است، جاده‌ی اسفالتی نیست که انسان پایش را روی گاز بگذارد و به آن جا برسد؛ نه. حرکت کردن، عزم داشتن، فشار به خود آوردن و جریان سریع و سالم خون و تغذیه آن در رگ‌های این کالبد بزرگ، که اسمش ملت ایران است، و حرکت به سمت قله را لازم دارد. وقتی آن جا رسیدیم، دیگر بالای قله‌ایم. رسیدن به بالای قله برای یک ملت هم شرف و آبروست، هم

۱. سخنرانی در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۳

۲. دیدار با طلاب و اساتید مدرسه‌ی علمیه‌ی آیت‌الله مجتهدی در تاریخ ۱۳۸۳/۰۳/۲۱

۳. سخنان رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان استان یزد؛ دی‌ماه ۱۳۸۶

مصونیت و امنیت. آن وقت دیگر هیچ کس نمی تواند به ملت ایران تعرض و گستاخی کند و جلو منافعش را بگیرد.<sup>۱</sup>

روشن است که جهت تحقق این چشم انداز، الزامات زیر می باید مورد توجه قرار گیرند:

۱- تدوین سیاست های کلی نظام متناسب با چشم انداز

۲- تدوین و ابلاغ سیاست های برنامه های پنج ساله از جانب رهبری به رئیس جمهور

۳- تدوین و تصویب برنامه های پنج ساله

۴- اجرای برنامه های پنج ساله

۵- ارزیابی استراتژیک عملکرد برنامه های پنج ساله از منظر تحقق چشم انداز

از میان مراحل پنج گانه فوق چهار مرحله اول مطابق روال موجود انجام می گیرد و تنها مورد پنجم اخیر است که به رغم پیش بینی در برنامه چهارم هنوز انجام نگرفته است.

## ۲-۵: نتیجه گیری بخش دوم

آرمان ها و اهداف نهایی از اساسی ترین عناصر هر نظام اقتصادی است و الگوی اقتصاد ملی (به معنای شاخص ها، ویژگی ها و پارادایم خاص حاکم بر اقتصاد) بستر دستیابی به آن اهداف می باشد. در مقدمه قانون اساسی بر اینکه اقتصاد وسیله است نه هدف تأکید شده و در اصول متعدد آن پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه، ایجاد رفاه و رفع فقر، داشتن مسکن متناسب با نیاز، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه تأکید شده است. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که فرصت خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار با رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری و منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام و منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه گذاری، تولید، توزیع و خدمات تصریح شده است.

استفاده از علوم و فنون، جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه و تامین نیازهای عمومی تا مرحله خود کفایی، توزیع عادلانه امکانات ملی، جلوگیری از مفسد اقتصادی و ثروت های باد آورده،

۱. دیدار با استادان و دانشجویان قزوین در تاریخ ۱۳۸۲/۰۹/۲۶

جلوگیری از نفوذ بیگانگان در نظام اقتصادی کشور، تأمین قسط و عدل اسلامی نیز در قانون اساسی آورده شده است.

در نظریات امام راحل (ره) مقابله جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاستهای اقتصاد سرمایه داری و اشتراکی که عملاً بردگی جدیدی بر همه ملتها تحمیل کرده و حق تصمیمگیری در مسائل اقتصاد جهان را از آنان سلب و اکثریت قریب به اتفاق گرسنگان را در حسرت یک لقمه نان و گروهی اندک را به پرخوری و اسراف رسانیده مورد تاکید قرار گرفته است.

از نظر ایشان این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرحها و برنامه های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرنه ها را ارائه دهند و ارائه طرحها و اصولاً تبیین جهتگیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و مبارزه با زراندوزان را بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی می دانند و همه آرمان و آرزوی ملت و دولت را روزی میدانند که فقر و تهیدستی از جامعه رخت بریندد و مردم از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها در قاموس ایشان اساساً مطرود است و حرکت در جهت فقرزدایی و دفاع از محرومان را مایه منقطع شدن امید جهانخواران و گرایش ملتهای جهان به اسلام می شمردند و روحانیت را پناهگاهی هزار ساله برای محرومان می دانند.

. از نظر ایشان عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود ندارد و تاکید می کنند که یک موی سر این کوخ نشینان و شهیددادگان به همه کاخ و کاخ نشینان جهان شرف و برتری دارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز هدف انقلاب را ساختن ایرانی مستقل، آزاد، برخوردار از ثروت و امنیت، متدین و بهره مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه‌ی جامعه‌ی عظیم بشری در علم و بقیه‌ی دستاوردها و برخوردار از آزادی با همه‌ی معانی آزادی می دانند.

از نظر ایشان برای یک ملت، بدبختی‌ای از وابستگی بالاتر نیست. حفظ ریشه‌ها و اصالتها و هویت ملی را بشدت مورد ملاحظه قرار می دهند و در تعریف پیشرفت، خودکفایی کشور در مسائل حیاتی و اساسی، وفور تولیدات، وفور صادرات، افزایش بهره‌وری، ارتقاء سطح سواد، ارتقاء سطح معلومات عمومی مردم، ارتقاء خدمات شهروندی، خدمت دادن به شهروندان، رشد امید به زندگی را جزو نشانه‌های پیشرفت دانسته ولی اساس تحول را «ملاحظه‌ی عناصر اصلی هویت ملی» و هویت ملی را اساس هر پیشرفتی می دانند. مبارزه‌ی با فقر، مبارزه‌ی با تبعیض، مبارزه‌ی با بیماری، مبارزه‌ی با جهل، مبارزه‌ی با ناامنی، مبارزه‌ی با بی‌قانونی، مدیریتها را به سطح علمی‌تر ارتقاء دادن، رفتار شهروندان را به سطوح منضبط ارتقاء دادن و انضباط اجتماعی، رشد امنیت، رشد ثروت ملی، رشد علم، رشد اقتدار ملی، رشد اخلاق و رشد عزت ملی؛ همه‌ی اینها را در این تحول و پیشرفت دخیل دانسته اینها را

پایه‌های اصلی می‌دانند. در کنار اینها، عشق به معنویت و ارتباط با خدا را مهمترین عاملی که پیشرفت یک ملت را به معنای واقعی خودش تضمین می‌کند دانسته و خداپرستی، عشق به معنویت، عاطفه‌ی انسانی در هر تحولی، و این که عواطف و محبت در انسانها باید تقویت بشود و همه‌ی افراد جامعه نسبت به همدیگر احساس مسئولیت کنند را تاکید می‌کنند.

ایشان پیشرفت مبتنی بر فردمحوری و اباحه‌ی لذات را پیشرفت ندانسته، الگوهای غربی را به طور قاطع الگویی ناموفق می‌دانند که بشریت را دچار فاجعه کرده‌اند (ملتهای دیگر را دچار اسارت و تحقیر و استعمار کرده؛ جنگ به وجود آورده و حکومت تحمیل کرده است و در داخل خود آن کشورها هم اخلاق فاسد، دوری از معنویت، فحشا، فساد، سکس، ویرانی خانواده را رواج داده است). از نظر ایشان ما باید الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی را پیدا کنیم، این برای ما حیاتی است. این الگو بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام و مبتنی بر فکر و ابتکار ایرانی است. پیشرفت اگر با عدالت همراه نباشد، پیشرفت مورد نظر اسلام نیست. عدالت نیز کاهش فاصله‌های طبقاتی و جغرافیایی و برابری در استفاده‌ی از امکانات و فرصتها برای آحاد کشور است. از مصداقهای دیگر عدالت، مبارزه‌ی با فساد مالی و اقتصادی است که بایستی جدی گرفته شود.

آنچه در باب آرمان‌ها و اهداف بیان شد را باید در اولویت‌های راهبردی برنامه‌های توسعه کشور مشاهده کنیم. به لحاظ اهمیت ویژه و راهبردی این اولویت‌ها برای تحقق چشم‌انداز نیز می‌باید میزان تحقق آنها را در نظام برنامه‌ریزی به صورت نظام یافته و مستمر رصد و دیده بانی نمود.

کشور ما نیز همسو با تحولات جهانی، چشم‌اندازی را در افق ۲۰ ساله برگزیده است تا در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی (۲۰۲۵ میلادی) به کشوری توسعه‌یافته و دارای جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، توأم با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام همراه با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌المللی تبدیل گردد. از نظر مقام معظم رهبری آنچه این جرأت را به مسؤولان کشور داد تا بتوانند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ای را تنظیم و این آینده را ترسیم کنند، این بود که زیربنای پیشرفت کشور آماده شده است. از نظر ایشان، چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی ابلاغ شده یک امر عملی و منطقی و قابل تحقق است. و این‌ها توانایی‌های ملت که به برکت وحدت کلمه، به برکت پرچم برافراشته‌ی اسلام، و به برکت ایمان عمیق به‌دست آورده است و باز هم می‌تواند پیش‌برود و به چشم‌انداز زیبا و شایسته‌ی ملت ایران دست پیدا کند همچنین ایشان افق کار در کشور را بسیار خوب و امکانات موجود کشور را قابل قبول می‌دانند و در عین حال معتقدند ما بدون علم نمی‌توانیم به‌جایی برسیم. چشم‌انداز بالای قله است، و حرکت به سمت قله را لازم دارد. روشن است که جهت تحقق سند چشم‌انداز، قدم‌هایی مانند تدوین سیاست‌های کلی نظام متناسب با چشم‌انداز، تدوین و ابلاغ سیاست‌های برنامه‌های پنج‌ساله، تدوین و تصویب برنامه‌های پنج‌ساله، اجرای برنامه‌های پنج‌ساله

و در نهایت ارزیابی استراتژیک عملکرد برنامه های پنج ساله از منظر تحقق چشم انداز ضروری است که مرحله اخیر به رغم اهمیت کلیدی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در واقع آرمان ها و اهدافی که در اولویت های راهبردی برنامه های توسعه کشور آورده می شوند نقش و اهمیت ویژه ای در تحقق چشم انداز دارند و از این جهت می باید میزان تحقق آنها را در نظام برنامه ریزی به صورت نظام یافته و مستمر رصد و دیده بانی نمود ، این مهم تنها از طریق بکار گیری الگوی کنترل راهبردی میسر خواهد بود که در بخش چهارم این تحقیق مورد عنایت خاص قرار خواهد گرفت .

مؤلفه ها و الگوی  
مدیریت راهبردی اقتصاد  
کشور  
در راستای  
چشم انداز  
۲۰ ساله

بخش سوم: ارزیابی اقتصاد ملی

## بخش سوم: ارزیابی اقتصاد ملی

### ۳-۱. مقدمه

کشور ما در حال حاضر با مشکلات بزرگی در زمینه اقتصادی روبه‌رو است. تورم و بیکاری دو رقمی، نرخ رشد واقعی پایین، نوسان نرخ رشد اقتصاد، وابستگی درآمدهای نفتی و نیز درآمدهای عمومی به نفت، واردات بی‌رویه و تراز بازرگانی غیرنفتی شدیداً منفی، ناطمینانی فضای کسب و کار، وجود یارانه‌های گسترده غیر هدفمند در اقتصاد بهره‌وری پایین و نرخ رشد اندک آن، در حاشیه بودن و ضعف بخش خصوصی، نبود روحیه کارآفرینی، قاچاق گسترده کالا و سوخت، کسری‌های بودجه مداوم و ... از جمله این مشکلات هستند.

انباشت مشکلات امروزه وضعیتی را پدید آورده که تصمیم‌گیران نه تنها قادر به حل آنها نیستند؛ بلکه با چارچوب‌های ذهنی و اطلاعات در دسترس (آگاهی از این که درآمدهای نفتی همچنان ادامه خواهند داشت) فقط اقدام به اتخاذ تصمیم‌های کوتاه مدت و مقطعی برای رفع معضلات می‌کنند<sup>۱</sup> و اتخاذ و اجرای تصمیمات بلند مدت را به عهده تصمیم‌گیرندگان بعدی می‌گذارند.<sup>۲</sup>

در کنار این واقعیت‌ها چشم‌انداز تعریف شده توسط نظام رتبه اول در منطقه آسیای جنوب غربی را برای ایران در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی (۲۰۲۵ میلادی) ترسیم کرده است. لذا در قدم اول شناخت رتبه فعلی کشور در زمینه‌های مهم اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است که در این قسمت بدان می‌پردازیم.

### ۳-۲: رتبه بندی ایران در کشورهای منطقه

منطقه آسیای جنوبی غربی مورد نظر در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله متشکل از ۲۵ کشور در منطقه‌ی خلیج فارس (شامل: عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت، قطر، عمان، بحرین و یمن)، منطقه‌ی خاورمیانه کوچک (شامل: ایران، عراق، سوریه، مصر، ترکیه، قبرس، فلسطین و اسرائیل)، منطقه آسیای مرکزی (شامل: ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان)، منطقه قفقاز (شامل: آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) و منطقه‌ی غربی شبه‌قاره (شامل: افغانستان و پاکستان) می‌باشد.

۱- افزایش بی‌رویه واردات به منظور کنترل مقطعی تورم و بیماری هلندی شاهدهی بر این مدعا است.

۲- دولت رانتیر و انتخاب عقلانی، روزبه حاتمی روزنامه‌دنیای اقتصاد: شنبه ۱۵ دی ۱۳۸۶.

در این بخش جایگاه رتبه ای ایران در میان کشورهای برتر منطقه از نظر شاخص های مهم اقتصادی در یک دوره ۲۵ ساله شامل یک دوره ۱۸ ساله ۲۰۰۶-۱۹۸۹ مبتنی بر ارقام واقعی و یک دوره پیش بینی هفت ساله ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ بررسی خواهد شد. ارقام مورد نظر برای کشور اول منطقه و نیز ایران در جداول آمده است و از آوردن ارقام متعلق به سایر کشورها برای ساده کردن پرهیز شده است.

### ۳-۲-۱. رتبه تولید ناخالص داخلی

پنج کشور برتر منطقه از نظر تولید ناخالص داخلی بر اساس برابری قدرت خرید<sup>۱</sup> (ارقام به میلیارد دلار) در دوره ۲۰۱۳-۱۹۸۹ (ارقام سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ پیش بینی می باشند)

جدول شماره (۳): رتبه تولید ناخالص داخلی ایران در میان کشورهای برتر منطقه

رتبه	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴
۱	ترکیه ۲۵۷	ترکیه ۲۹۱	ترکیه ۳۰۴	ترکیه ۳۳۰	ترکیه ۳۶۴	ترکیه ۳۵۲
۲	ایران ۱۹۷	ایران ۲۴۵	ایران ۲۸۵	ایران ۳۰۴	ایران ۳۰۶	ایران ۳۱۱
۳	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان
۴	پاکستان	پاکستان	پاکستان	پاکستان	پاکستان	پاکستان
۵	مصر	مصر	مصر	مصر	مصر	مصر

ادامه جدول شماره (۳)

رتبه	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
۱	ترکیه ۳۸۵	ترکیه ۴۲۰	ترکیه ۴۵۹	ترکیه ۴۷۸	ترکیه ۴۶۹	ترکیه ۵۱۱
۲	ایران ۳۲۶	ایران ۳۵۶	ایران ۳۷۴	ایران ۳۸۹	ایران ۴۰۲	ایران ۴۳۲
۳	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان
۴	پاکستان	پاکستان	پاکستان	پاکستان	مصر	مصر
۵	مصر	مصر	مصر	مصر	پاکستان	پاکستان

1 - Gross domestic product based on purchasing-power-parity (PPP) valuation of country GDP Billions Current international dollar

ادامه جدول شماره (۳)

رتبه	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
۱	ترکیه ۴۹۴	ترکیه ۵۳۴	ترکیه ۵۷۴	ترکیه ۶۵۹	ترکیه ۷۴۷	ترکیه ۸۲۵
۲	ایران ۴۵۸	ایران ۵۰۱	ایران ۵۴۹	ایران ۵۹۲	ایران ۶۳۵	ایران ۶۹۳
۳	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان
۴	مصر	مصر	مصر	پاکستان	پاکستان	پاکستان
۵	پاکستان	پاکستان	پاکستان	مصر	مصر	مصر

ادامه جدول شماره (۳)

رتبه	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
۱	ترکیه ۸۸۶	ترکیه ۹۳۷	ترکیه ۹۸۱	ترکیه ۱۰۴۵	ترکیه ۱۱۲۳	ترکیه ۱۲۰۵	ترکیه ۱۲۹۰
۲	ایران ۷۵۷	ایران ۸۱۷	ایران ۸۷۲	ایران ۹۲۸	ایران ۹۹۱	ایران ۱۰۵۶	ایران ۱۱۲۴
۳	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان
۴	پاکستان	پاکستان	مصر	مصر	مصر	مصر	مصر
۵	مصر	مصر	پاکستان	پاکستان	پاکستان	پاکستان	پاکستان

کشور ایران از نظر تولید ناخالص داخلی (بر اساس معیار برابری قدرت خرید) در تمام سالهای ۲۰۰۶ - ۱۹۸۹ در رتبه دوم کشورهای منطقه بوده است. برای سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ نیز پیش بینی ها حاکی از حفظ همین موقعیت برای ایران یعنی رتبه دوم پس از کشور ترکیه می باشد.

### ۳-۲-۲. رتبه تولید ناخالص داخلی سرانه<sup>۱</sup>

تولید ناخالص داخلی سرانه (بر اساس معیار برابری قدرت خرید) ۱۰ کشور برتر منطقه به دلار به شرح زیر است:

جدول شماره (۴): رتبه تولید ناخالص داخلی سرانه ایران در میان کشورهای برتر منطقه

رتبه	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴
۱	قطر	قطر	قطر	قطر	کویت	کویت
	۳۹۴۲۱	۲۹۹۰۶	۲۹۲۵۶	۳۱۵۶۶	۳۸۰۲۳	۳۷۴۳۹
۲	کویت	امارات	امارات	کویت	قطر	قطر
۳	امارات	کویت	کویت	امارات	امارات	امارات
۴	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان	بحرین	بحرین
۵	بحرین	بحرین	بحرین	بحرین	عربستان	اسرائیل
۶	اسرائیل	اسرائیل	اسرائیل	اسرائیل	اسرائیل	عربستان
۷	عمان	عمان	عمان	عمان	عمان	عمان
۸	ترکیه	ترکیه	ترکیه	ترکیه	ترکیه	لبنان
۹	لبنان	ایران	لبنان	لبنان	لبنان	ترکیه
		۴۴۸۶				
۱۰	ایران	لبنان	ایران	ایران	ایران	ایران
	۳۷۰۰		۵۱۰۳	۴۹۳۶	۵۰۱۶	۵۰۳۲

ادامه جدول شماره (۴)

رتبه	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
۱	کویت	قطر	قطر	قطر	قطر	قطر
	۳۷۴۳۹	۳۵۷۷۲	۴۵۸۰۰	۴۹۲۸۶	۵۱۰۰۵	۵۵۲۴۸
۲	قطر	کویت	کویت	کویت	کویت	کویت
۳	امارات	امارات	امارات	امارات	امارات	امارات
۴	اسرائیل	اسرائیل	اسرائیل	اسرائیل	اسرائیل	اسرائیل
۵	بحرین	بحرین	بحرین	بحرین	بحرین	بحرین
۶	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان
۷	عمان	عمان	عمان	عمان	عمان	عمان
۸	لبنان	لبنان	لبنان	ترکیه	لبنان	لبنان
۹	ترکیه	ترکیه	ترکیه	لبنان	ترکیه	ترکیه
۱۰	ایران	ایران	ایران	ایران	ایران	ایران
	۵۰۸۹	۵۶۹۵	۶۱۴۱	۶۲۸۵	۶۴۳۰	۶۷۸۳

غیر از سال ۱۹۹۰ در بقیه سالهای دوره ۲۰۰۰-۱۹۸۹ کشور ایران در رتبه آخر در میان ده کشور برتر منطقه از نظر تولید ناخالص داخلی سرانه (بر اساس معیار برابری قدرت خرید) بوده است.

1 - Gross domestic product based on purchasing-power-parity (PPP) per capita GDP  
Current international dollar

ادامه جدول شماره (۴)

رتبه	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
۱	قطر ۵۶۲۰۸	قطر ۵۶۰۷۶	قطر ۵۷۹۳۲	قطر ۶۸۱۶۶	قطر ۷۰۷۷۲	قطر ۷۹۸۳۸
۲	کویت	کویت	کویت	کویت	کویت	کویت
۳	امارات	امارات	امارات	امارات	امارات	امارات
۴	اسرائیل	بحرین	بحرین	بحرین	بحرین	بحرین
۵	بحرین	اسرائیل	اسرائیل	اسرائیل	اسرائیل	اسرائیل
۶	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان	عمان
۷	عمان	عمان	عمان	عمان	عمان	عربستان
۸	لبنان	لبنان	لبنان	لبنان	ترکیه	ترکیه
۹	ترکیه	ترکیه	ترکیه	ترکیه	لبنان	لبنان
۱۰	ایران ۷۰۷۱	ایران ۷۶۴۷	ایران ۸۲۵۲	ایران ۸۷۶۷	ایران ۹۲۶۸	ایران ۹۸۳۸

ادامه جدول شماره (۴)

رتبه	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
۱	قطر ۸۵۶۳۸	قطر ۸۶۶۷۰	قطر ۹۶۲۷۵	قطر ۱۰۵۰۹۸	قطر ۱۰۲۸۳۹	قطر ۹۹۶۰۴	قطر ۹۵۶۲۲
۲	کویت	کویت	کویت	کویت	کویت	کویت	کویت
۳	امارات	امارات	امارات	امارات	امارات	بحرین	بحرین
۴	بحرین	بحرین	بحرین	بحرین	بحرین	امارات	امارات
۵	اسرائیل	اسرائیل	اسرائیل	اسرائیل	عمان	عمان	عمان
۶	عمان	عمان	عمان	عمان	اسرائیل	اسرائیل	اسرائیل
۷	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان	عربستان
۸	ترکیه	ترکیه	ترکیه	ترکیه	ترکیه	ترکیه	ترکیه
۹	لبنان	لبنان	لبنان	قزاقستان	قزاقستان	قزاقستان	قزاقستان
۱۰	قزاقستان	قزاقستان	قزاقستان	لبنان	لبنان	لبنان	لبنان
۱۱	ایران ۱۰۸۳۷	ایران ۱۱۵۶۳	ایران ۱۲۳۵۸	ایران ۱۳۳۴۶	ایران ۱۴۴۹۳	ایران ۱۵۷۴۷	ایران ۱۷۱۲۴

در سالهای دوره ۲۰۰۶-۲۰۰۱ کشور ایران در رتبه آخر در میان ده کشور برتر منطقه از نظر تولید ناخالص داخلی سرانه (بر اساس معیار برابری قدرت خرید) بوده است. همچنین ارقام پیش بینی شده برای دوره ۲۰۱۳-۲۰۰۷ نیز رتبه آخر را در میان یازده کشور برتر منطقه برای ایران انتظار دارد.

در سالهای دوره ۲۰۰۶-۲۰۰۱ کشور ایران در رتبه آخر در میان ده کشور برتر منطقه از نظر تولید ناخالص داخلی سرانه (بر اساس معیار برابری قدرت خرید) بوده است. همچنین ارقام پیش بینی شده برای دوره ۲۰۱۳-۲۰۰۷ نیز رتبه آخر را در میان یازده کشور برتر منطقه برای ایران انتظار دارد.

### ۳-۲-۳. رتبه نرخ تورم کمتر

سند چشم انداز ۲۰ ساله نظام مقرر کرده است کشورمان تا سال ۱۴۰۴ شمسی در میان ۲۴ کشور منطقه، به قدرت اول علمی، فن آوری و اقتصادی نایل شود.

تورم افزایش در سطح عمومی قیمت های کالاها و خدمات طی زمان، تعریف شده است. در عین حال می توان تورم را به عنوان کاهش در قدرت خرید یک واحد پول ملی هم تعریف کرد.

مقدار کمی از تورم در هر اقتصادی لازم است، چرا که اثری مثبت روی رشد و تولید اقتصادی می گذارد و قدرت مانور بانک مرکزی را در عرضه ی پول و کنترل سرعت پول افزایش می دهد.

اما در حالت کلی تورم بالا (یا حتی افسارگسیخته) و غیر قابل پیش بینی بدان علت که عدم قطعیت را در اقتصاد افزایش می دهد، سرمایه گذاری و پس انداز را دلسرد می کند و موجب باز توزیع درآمدها و افزایش شکاف طبقاتی می شود.

نرخ تورم پایین، شاخص اصلی ارزیابی قدرت اقتصادی محسوب نمی شود، اما در دهه های اخیر قدرت های اقتصادی جهانی همواره از نرخ تورم کنترل شده و تک رقمی برخوردار بوده اند. گزارش رتبه بندی کشورها از نظر نرخ تورم در سال ۲۰۰۷ میلادی همچنین نشان می دهد در میان ۲۲۵ کشور یا دولت احصا شده در این رتبه بندی جهانی، نرخ تورم در ایران با ۱۵/۸ درصد در رتبه ۲۱۹ جهان قرار دارد و تنها ۶ کشور زیمبابوه، عراق، گینه، برمه، افغانستان و ونزوئلا نرخ تورم بیشتر از ایران داشته اند. به دلیل آثار ناهنجار تورم در محدود کردن سرمایه گذاری، ایجاد بی ثباتی اقتصادی و گسترش شکاف طبقاتی و فقر، از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی اغلب کشورهای جهان سوم و در حال توسعه مهار تورم را در دستور کار خود قرار داده و نرخ تورم خود را تک رقمی کرده اند. در سال گذشته میلادی تنها ۱۱ کشور از ۲۲۵ کشور و دولت جهان نرخ تورم بالای ۱۵ درصد داشته اند.<sup>۱</sup> رتبه بندی کشورهای منطقه تا کشور ایران بر اساس نرخ کمتر تورم<sup>۲</sup> به شرح جدول (۵) است:

۱ - رتبه منطقه ای ایران از نظر نرخ تورم، دنیای اقتصاد - شماره روزنامه: ۱۴۲۸، یکشنبه ۱۶ دی ۱۳۸۶

<sup>۲</sup> - Inflation, average consumer prices. Annual percent change

جدول شماره (۵): رتبه منطقه ای تورم کمتر داشتن<sup>۱</sup>

رتبه منطقه ای در سال ۲۰۰۷	رتبه منطقه ای در سال ۲۰۰۴	کشور
۲۲	۱۴	۱- آذربایجان
۵	۱۷	۲- ارمنستان
۱۷	۱۳	۳- ازبکستان
۱۹	۲۲	۴- افغانستان
۱۶	۱۰	۵- امارات
۳	۶	۶- بحرین
۱۰	۹	۷- پاکستان
۲۰	۱۸	۸- تاجیکستان
۸	۱۲	۹- ترکمنستان
۱۱	۲۰	۱۰- ترکیه
۹	۸	۱۱- سوریه
۴	۲	۱۲- عربستان
۷	۳	۱۳- عمان
۱	۱	۱۴- فلسطین اشغالی
۲	۵	۱۵- قبرس
۱۳	۷	۱۶- قرقیزستان
۱۴	۱۶	۱۷- قزاقستان
۲۱	۱۵	۱۸- قطر
۶	۴	۱۹- کویت
۱۲	۱۱	۲۰- گرجستان
۱۵	۱۹	۲۱- مصر
۱۸	۲۱	۲۲- یمن
۲۳	۲۳	۲۳- ایران

مشاهده می شود که ایران در منطقه بیشترین نرخ تورم را داشته و از نظر نرخ تورم کمتر در رتبه پایانی در منطقه قرار داشته است .

۱- رویا طباطبایی یزدی و زینب ابوطالبی، «وضعیت اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با کلیه کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی»، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه پژوهشی اقتصاد، تیر ماه ۱۳۸۶.

### ۳-۲-۴. آزادی اقتصادی

شاخص آزادی اقتصادی که از ۱۰ شاخص آزادی کسب و کار، آزادی تجارت، آزادی مالی دولت، اندازه دولت، آزادی پولی، آزادی سرمایه گذاری، آزادی مالی، حقوق مالکیت، عاری بودن از فساد و آزادی کار تشکیل می شود.<sup>۱</sup>

جدول شماره (۶): شاخص آزادی اقتصادی در سال ۲۰۰۸<sup>۲</sup>

رتبه منطقه ای در سال ۲۰۰۸	رتبه جهانی در سال ۲۰۰۸	کشور
۱۶	۱۰۷	۱- آذربایجان
۳	۲۸	۲- ارمنستان
۱۹	۱۳۰	۳- ازبکستان
---	---	۴- افغانستان
۸	۶۳	۵- امارات
۱	۱۹	۶- بحرین
۱۵	۹۳	۷- پاکستان
۱۷	۱۱۴	۸- تاجیکستان
۲۲	۱۵۲	۹- ترکمنستان
۱۲	۷۴	۱۰- ترکیه
۲۰	۱۴۴	۱۱- سوریه
۸	۶۰	۱۲- عربستان
۶	۴۲	۱۳- عمان
۷	۴۶	۱۴- فلسطین اشغالی
۲	۲۲	۱۵- قبرس
۱۱	۷۰	۱۶- قرقیزستان
۱۳	۷۶	۱۷- قزاقستان
۱۰	۶۶	۱۸- قطر
۵	۳۹	۱۹- کویت
۴	۳۲	۲۰- گرجستان
۱۴	۸۵	۲۱- مصر
۱۸	۱۲۵	۲۲- یمن
۲۱	۱۵۱	۲۳- ایران

۱- رویا طباطبایی یزدی و همکاران، «شاخص ترکیبی رتبه اقتصادی کشورهای مهم منطقه آسیای جنوب غربی و دورنمای آن»، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه پژوهشی اقتصاد، آبان ماه ۱۳۸۷، ص ۶.

۲- رویا طباطبایی یزدی و فرزانه مافی، «وضعیت اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با کلیه کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی»، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت پژوهش های اقتصادی، بهمن ماه ۱۳۸۶، کد گزارش ۴۰-۴۰.

### ۳-۲-۵. نرخ رشد واقعی اقتصاد

براساس این شاخص، رشد واقعی اقتصاد (رشد تولید ناخالص داخلی برحسب قیمت های ثابت) نشان داده می شود.

جدول شماره (۷): رتبه منطقه ای رشد اقتصادی واقعی ایران<sup>۱</sup>

رتبه منطقه ای در سال ۲۰۰۷	رتبه منطقه ای در سال ۲۰۰۴	کشور
۱	۶	۱- آذربایجان
۳	۵	۲- ارمنستان
۷	۱۱	۳- ازبکستان
۴	۹	۴- افغانستان
۱۱	۷	۵- امارات
۱۳	۱۵	۶- بحرین
۱۴	۱۲	۷- پاکستان
۱۰	۴	۸- تاجیکستان
۶	۲	۹- ترکمنستان
۱۸	۱۰	۱۰- ترکیه
۲۲	۲۳	۱۱- سوریه
۲۱	۱۷	۱۲- عربستان
۱۵	۱۶	۱۳- عمان
۱۷	۱۸	۱۴- فلسطین اشغالی
۲۰	۲۰	۱۵- قبرس
۹	۱۳	۱۶- قرقیزستان
۸	۸	۱۷- قزاقستان
۲	۱	۱۸- قطر
۱۹	۳	۱۹- کویت
۵	۱۴	۲۰- گرجستان
۱۲	۲۱	۲۱- مصر
۲۳	۲۲	۲۲- یمن
۱۶	۱۹	۲۳- ایران

۱ - رویا طباطبایی یزدی و زینب ابوطالبی، پیشین.

### ۳-۲-۶. جمعیت زیر خط فقر

این شاخص مبین مقدار جمعیت زیر خط فقر کشور است. تعریف فقر بسیار مختلف است. اما دو شاخص ملی و بین‌المللی وجود دارد که شاخص بین‌المللی، خط فقر را درآمد روزانه زیر ۱ دلار تعریف می‌نماید. در این زمینه، آمارهای مختلفی وجود دارد که ما آمار سازمان اطلاعات و جاسوسی آمریکا (CIA) را استفاده نموده‌ایم.<sup>۱</sup>

جدول شماره (۸) :: جمعیت زیر خط فقر (۲۰۰۴)

رتبه	کشور	درصد جمعیت فقیر	رتبه	کشور	درصد جمعیت فقیر
۱	مصر	۱۶٫۷	۱۱	ارمنستان	۵۰
۲	اسرائیل	۱۸	۱۲	افغانستان	۵۳
۳	ترکیه	۲۰	۱۳	ترکمنستان	۵۸
۴	سوریه	۲۰	۱۴	عراق	
۵	لبنان	۲۸	۱۵	قطر	
۶	اردن	۳۰	۱۶	کویت	
۷	پاکستان	۳۲	۱۷	امارات	
۸	ایران	۴۰	۱۸	بحرین	
۹	یمن	۴۵	۱۹	عمان	
۱۰	آذربایجان	۴۹	۲۰	عربستان	

۱ - محمدرضا میرزامینی، "چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور در حوزه اقتصاد و فناوری"، (اندیشگاه شریف)، آذرماه ۱۳۸۴

### ۳-۲-۲. نرخ بیکاری

نرخ بیکاری، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی یک کشور است. اگرچه میزان بیکاری در این آمار، ۱۱,۲ درصد اعلام شده است اما بسیاری از آمارهای داخلی و خارجی، موید مقداری بین ۱۵ تا ۱۶ درصد می‌باشد.<sup>۱</sup>

جدول شماره (۹) :: نرخ بیکاری (۲۰۰۴)

رتبه	کشور	نرخ بیکاری (درصد)	رتبه	کشور	نرخ بیکاری (درصد)
۱	کویت	۲,۲	۱۱	ایران	۱۱,۲
۲	امارات	۲,۴	۱۲	بحرین	۱۵
۳	قطر	۲,۷	۱۳	اردن	۱۵
۴	مصر	۴,۵	۱۴	عمان	۱۵
۵	افغانستان	۷,۵	۱۵	لبنان	۱۸
۶	پاکستان	۸,۳	۱۶	سوریه	۲۰
۷	ارمنستان	۹	۱۷	عراق	۲۵
۸	ترکیه	۹,۳	۱۸	عربستان	۲۵
۹	آذربایجان	۹,۸	۱۹	یمن	۳۵
۱۰	اسرائیل	۱۰,۷	۲۰	ترکمنستان	۶۰

### ۳-۲-۸. میزان صادرات

میزان صادرات یک کشور، نشان‌دهنده قدرت اقتصادی یک کشور و توانایی آن در فروش کالاها و خدمات است. صادرات یکی از مهمترین شاخص‌های نشانگر قدرت اقتصادی یک کشور است.<sup>۲</sup>

جدول شماره (۱۰) : میزان صادرات (۲۰۰۴)

رتبه	کشور	میلیارد دلار	رتبه	کشور	میلیارد دلار
۱	عربستان	۱۱۳	۱۱	مصر	۱۱
۲	امارات	۶۹,۴	۱۲	عراق	۱۰,۱
۳	ترکیه	۶۹,۴	۱۳	بحرین	۸,۲
۴	ایران	۳۸,۷	۱۴	افغانستان	۷,۵
۵	اسرائیل	۳۴,۴	۱۵	سوریه	۶
۶	کویت	۲۷,۴	۱۶	یمن	۴,۵
۷	لبنان	۱۸	۱۷	ترکمنستان	۴
۸	قطر	۱۵	۱۸	آذربایجان	۳,۲
۹	پاکستان	۱۵	۱۹	اردن	۳,۲
۱۰	عمان	۱۳	۲۰	ارمنستان	۰,۸۵

۱- همان.

۲- همان.

### ۳-۲-۹. شاخص توسعه انسانی

در این جدول، رتبه کشورهای مختلف منطقه را در سطح جهان نشان داده‌ایم. نهاد "برنامه توسعه سازمان ملل متحد" (UNDP) هر سال وضعیت کشورهای مختلف را بررسی نموده و آنان را رتبه‌بندی می‌نماید. رتبه کشور ما در سال ۲۰۰۲، ۹۶ بوده است در حالیکه در سال ۲۰۰۳ به ۱۰۶ تنزل یافت. اما در سال ۲۰۰۴، به ۹۹ ارتقا یافت. از آنجاییکه نحوه محاسبه این شاخص در چند سال اخیر، تغییراتی داشته است، نمی‌توان با اطلاعات گذشته مقایسه مناسبی انجام داد.<sup>۱</sup>

جدول شماره (۱۱) :: شاخص توسعه انسانی (۲۰۰۵)

رتبه	کشور	رتبه	رتبه	کشور	رتبه
۹۴	ترکیه	۱۱	۲۳	اسرائیل	۱
۹۷	ترکمنستان	۱۲	۴۰	قطر	۲
۹۹	ایران	۱۳	۴۱	امارات	۳
۱۰۱	آذربایجان	۱۴	۴۳	بحرین	۴
۱۰۶	سوریه	۱۵	۴۴	کویت	۵
۱۱۹	مصر	۱۶	۷۱	عمان	۶
۱۳۵	پاکستان	۱۷	۷۷	عربستان	۷
۱۵۱	یمن	۱۸	۸۱	لبنان	۸
	عراق	۱۹	۸۳	ارمنستان	۹
	افغانستان	۲۰	۹۰	اردن	۱۰

۱- همان.

### ۳-۲-۱۰. بازبودن اقتصاد

شاخص "بازبودن"، نشان‌دهنده میزان بازبودن یک کشور در برابر تجارت بین‌المللی و بازدیدکنندگان خارجی است که هر سال توسط "شورای گردشگری جهانی" ارزیابی می‌گردد. این شاخص براساس عواملی همچون نحوه اعطای روادید، گردشگری، بازرگانی و میزان مالیات‌ها محاسبه می‌گردد. کشور ما از این بابت از جایگاه مناسبی برخوردار نیست.<sup>۱</sup>

جدول شماره (۱۲) :: بازبودن اقتصاد (۲۰۰۴)

رتبه	کشور	شاخص	رتبه	کشور	شاخص
۱	اسرائیل	۶۳,۹۹	۱۱	سوریه	۱۰,۶۱
۲	ترکیه	۵۸,۵۲	۱۲	ارمنستان	۹,۶۲
۳	لبنان	۵۳,۴۴	۱۳	آذربایجان	۹,۱۸
۴	بحرین	۴۵,۵۲	۱۴	عربستان	۸,۸۹
۵	مصر	۳۳,۹۹	۱۵	یمن	۵,۹۰
۶	عمان	۳۳,۸۳	۱۶	ایران	۵,۷۷
۷	اردن	۳۳,۴۱	۱۷	امارات	
۸	پاکستان	۳۱,۰۷	۱۸	عراق	
۹	ترکمنستان	۱۲,۸۶	۱۹	قطر	
۱۰	کویت	۱۲,۰۵	۲۰	افغانستان	

### ۳-۲-۱۱. شاخص زیرساخت

این شاخص براساس عواملی همچون کیفیت و کمیت جاده‌ها، بهداشت و درمان، آب، و راه‌آهن محاسبه می‌گردد.<sup>۲</sup>

جدول شماره (۱۳) : شاخص زیرساخت (۲۰۰۴)

رتبه	کشور	شاخص	رتبه	کشور	شاخص
۱	لبنان	۶۹,۱۹	۱۱	یمن	۳۴,۴۱
۲	عراق	۵۳,۰۵	۱۲	کویت	
۳	اردن	۴۸,۶۵	۱۳	قطر	
۴	عربستان	۴۸,۰۴	۱۴	امارات	
۵	مصر	۴۷,۲۸	۱۵	اسرائیل	
۶	ترکیه	۴۵,۶۹	۱۶	آذربایجان	
۷	ایران	۴۳,۶۳	۱۷	ارمنستان	
۸	سوریه	۴۳,۴۱	۱۸	ترکمنستان	
۹	عمان	۳۹,۹۴	۱۹	افغانستان	
۱۰	پاکستان	۳۸,۱۶	۲۰	بحرین	

۱- همان.

۲- همان.

جدول شماره (۱۴): مقایسه تطبیقی وضعیت کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا (۲۰۰۶)

کشورها منطقه	درصد جمعیت فقیر	سهم ۲۰ درصد فقیرترین از مخارج ملی	میلیون دلار GDP	نرخ رشد درصد	تورم درصد	درصد درآمد دولت از GDP	درصد کسری بودجه از GDP	درصد صادرات های تک از صادرات صنعتی	کل قرضه خارجی میلیون دلار	جمعیت میلیون نفر
افغانستان	-	-	۸۳۹۹	۵,۳	۹,۷	۷,۴	۱,۷	-	۱۸۰۰	-
ارمنستان	۵۱	-	۶۴۰۰	۱۳,۳	۴,۶	۱۸,۸	۰,۳	۱	۲۱۰۰	۳
آذربایجان	۵۰	-	۱۹۹۰۰	۳۴,۵	۵,۳	۱۷,۶	-	۲	۱۹۰۰	۸,۵
بحرین	-	-	۱۶۰۰۰	۷,۸	۳۳,۱	۲۷	۶,۳-	۰	-	۰,۷۳۹
بنگلادش	۵۰	۸,۸	۶۱۹۰۰	۶,۶	۵,۲	۱۰	۰,۷	۰	۲۱۰۰۰	۰,۱۵۶
مصر	۱۷	۸,۹	۱۰۷۵۰۰	۶,۸	۷,۴	۲۴,۱	۵,۸	۱	۲۹۰۰۰	۷۴
ایران	-	۶,۵	۲۱۷۹۰۰	۴,۶	۱۱	۳۶,۲	۳,۳-	۶	۲۰۱۰۰	۷۰
عراق	-	-	۲۵۹۰۰	۴۶,۵	-	-	-	-	-	-
اسرائیل	-	۵,۷	۱۴۰۵۰۰	۵,۱	۲,۳	۳۹,۹	۱,۶	۱۴	-	۷
اردن	۱۴	۶,۷	۱۴۱۰۰	۵,۷	۵,۸	۳۱,۷	۳,۹	۱	۶,۱	۵,۵
قزاقستان	۱۵	۸,۱	۸۱۰۰۰	۱۰,۷	۲۱,۶	۱۶,۸	۱,۶-	۲۱	۷۴۱۰۰	۱۵
کویت	-	-	۸۰۸۰۰	۸,۵	۲۴,۵	۳۷,۲	۸,۲-	۱	-	۲,۶
لبنان	-	-	۲۲۷۰۰	۰	۵,۶	۲۱,۶	۸,۵	۲	۲۴۰۰۰	۴,۱
عمان	-	-	۳۰۸۰۰	۵,۷	۱۷,۸	۲۳,۹	۴,۴	۱	۴۸۰۰	۲,۵
پاکستان	-	۹,۱	۱۲۶۸۰۰	۶,۹	۹,۳	۱۳,۵	۴,۲	۱	۳۶۰۰۰	۱۵۹
قطر	-	-	۴۲۵۰۰	۶,۱	۲۶,۲	۴۲	۹,۷-	۰	-	۰,۸۲۱
عربستان	-	-	۳۴۹۱۰۰	۴,۳	۶	-	-	۱	-	۲۴
سوریه	-	-	۳۳۴۰۰	۵,۱	۹,۱	۲۳,۹	-	۱	۶۵۰۰	۱۹
تاجیکستان	-	۷,۸	۲۸۰۰	۷	۲۰,۲	۱۳,۵	۶,۶	۴۲	۱۲۰۰	۶,۶
ترکیه	۲۷	۶	۴۰۲۷۰۰	۶,۱	۱۱,۵	۳۲,۹	۲,۵	-	۲۰۸۰۰۰	۷۳
ترکمنستان	-	۶,۱	۱۰۵۰۰	-	-	-	-	-	۹۰۰	۴,۹
امارات	-	-	۱۲۹۷۰۰	۸,۵	۱۴,۳	-	-	-	-	۴,۲
ازبکستان	۲۸	-	۱۷۲۰۰	۷,۳	۲۱,۵	-	-	-	۳۹۰۰	۲۷
یمن	-	۷,۲	۱۹۱۰۰	۳,۳	۱۳,۳	-	-	۵	۵۶۰۰	۲۲

ماخذ: WDI

جدول شماره (۱۵): رتبه منطقه ای کسب و کار ایران<sup>۱</sup>

رتبه منطقه ای در سال ۲۰۰۷	زمان لازم برای شروع یک کسب و کار تعداد روز در سال ۲۰۰۷	کشور
۱۱	۳۰	۱- آذربایجان
۷	۱۸	۲- ارمنستان
۵	۱۵	۳- ازبکستان
۲	۹	۴- افغانستان
۱۸	۶۲	۵- امارات
---	---	۶- بحرین
۱۰	۲۴	۷- پاکستان
۱۷	۴۹	۸- تاجیکستان
۱	۶	۹- ترکمنستان
۱۵	۴۳	۱۰- ترکیه
---	---	۱۱- سوریه
۵	۱۵	۱۲- عربستان
۱۲	۳۴	۱۳- عمان
۱۲	۳۴	۱۴- فلسطین اشغالی
---	---	۱۵- قبرس
۸	۲۱	۱۶- قرقیزستان
۸	۲۱	۱۷- قزاقستان
---	---	۱۸- قطر
۱۴	۳۵	۱۹- کویت
۴	۱۱	۲۰- گرجستان
۲	۹	۲۱- مصر
۱۹	۶۳	۲۲- یمن
۱۶	۴۷	۲۳- ایران
۲۰	۷۷	۲۴- عراق

۱- رویا طباطبایی یزدی و زینب ابوطالبی، پیشین.

از مقایسه ۱۱ کشور در بین ۲۵ کشور منطقه آسیای جنوب غربی و ارائه بیش از ۲۰ شاخص اقتصاد کلان دریافتیم که کشور ایران در بین ۱۱ کشور مورد بررسی از جمعیت قابل توجه، اندازه اقتصاد بزرگ، رشد اقتصادی پایین، تولید ناخالص داخلی سرانه نسبتاً نامطلوب، نرخ تورم بالا، بهره‌وری نیروی کار پایین، نسبت مجموع صادرات و واردات به GDP پایین، جریان ورود سرمایه مستقیم خارجی بسیار پایین، محیط کسب و کار نامناسب شاخص فقر انسانی متوسط، ضریب جینی نامناسب، شاخص توسعه انسانی نسبتاً نامناسب، امید به زندگی متوسط، نرخ باسوادی نسبتاً نامناسب، سهم مخارج تحقیق و توسعه در GDP نسبتاً مناسب، نرخ دسترسی به اینترنت مناسب، نسبت سرمایه‌گذاری به GDP قابل توجه، وام بلند مدت محدود و نتیجه رابطه مبادله بازرگانی مناسب برخوردار بوده است. لذا با اطلاعات ارائه شده در می‌یابیم که رسیدن به اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله بویژه کسب جایگاه اول اقتصادی در سطح منطقه تا چه حد مشکل است و با اصلاحات جزئی و محدود در ساختارها و سیاست‌ها میسر نمی‌باشد.<sup>۱</sup>

جدول شماره (۱۶): رتبه و میانگین رتبه‌های محاسبه شده در تمامی شاخص‌ها<sup>۲</sup>

ایران	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
جمعیت	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
تولید ناخالص داخلی (به قیمت جاری)	۴	۳	۳	۳	۳	۳	۳
رشد اقتصادی	۲	۲	۴	۷	۷	۶	۵
تولید ناخالص داخلی (به برابری قدرت خرید)	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
تولید ناخالص داخلی سرانه (به قیمت جاری)	۵	۵	۶	۶	۶	۶	۶
نرخ تورم	۷	۷	۷	۸	۸	۸	۸
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۸	۸	۷	۸	۸	۸	--
شاخص آزادی اقتصادی	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸
ارزش پول ملی	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
سهم مجموع صادرات و واردات از GDP	۷	۶	۶	۷	۵	۵	۶
نرخ دسترسی به اینترنت	۵	۵	۵	۳	۳	۳	۲
میانگین رتبه‌ها	۵,۲۷	۵,۰۹	۵,۲۷	۵,۶۴	۵,۴۵	۵,۳۶	۵

۱ - رویا طباطبایی یزدی و فرزانه مافی، پیشین، بهمن ماه ۱۳۸۶

۲ - همان، ص ۱۶.

جدول شماره (۱۷): دورنمایی از جایگاه کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی تا سال ۲۰۱۰ میلادی  
با استفاده از روش تحلیل پوششی داده ها<sup>۱</sup>

کشور	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	جمع رتبه ها
امارات	۱	۱	۱	۲	۲	۲	۲	۱۱
ترکیه	۳	۲	۴	۳	۱	۱	۱	۱۵
عربستان	۲	۳	۳	۴	۳	۳	۳	۲۱
فلسطین اشغالی	۴	۴	۲	۱	۴	۴	۴	۲۳
مصر	۵	۵	۸	۷	۵	۵	۵	۴۰
پاکستان	۶	۷	۷	۶	۶	۶	۶	۴۴
قزاقستان	۷	۸	۵	۵	۷	۷	۷	۴۶
ایران	۸	۶	۶	۸	۸	۸	۸	۵۲

### ۳-۳. نتیجه گیری بخش سوم

کشور ما در حال حاضر با مشکلات بزرگی مانند تورم و بیکاری دو رقمی، نرخ رشد واقعی پایین، نوسان نرخ رشد اقتصاد، وابستگی درآمدهای نفتی و نیز درآمدهای عمومی به نفت، واردات بی رویه و تراز بازرگانی غیرنفتی شدیداً منفی، نااطمینانی فضای کسب و کار، وجود یارانه های گسترده غیر هدفمند در اقتصاد بهره وری پایین و نرخ رشد اندک آن، ضعف بخش خصوصی، نبود روحیه کارآفرینی، قاچاق گسترده کالا و سوخت، کسری های بودجه مداوم روبرو می باشد. در کنار این واقعیت ها چشم انداز تعریف شده توسط نظام رتبه اول در منطقه آسیای جنوب غربی را برای ایران در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی (۲۰۲۵ میلادی) ترسیم کرده است. لذا در قدم اول شناخت رتبه فعلی کشور در زمینه های مهم اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است.

۱- همان، ص ۲۳.

کشور ایران از نظر تولید ناخالص داخلی (بر اساس معیار برابری قدرت خرید) در تمام سالهای ۲۰۰۶ - ۱۹۸۹ در رتبه دوم کشورهای منطقه بوده است. برای سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ نیز پیش بینی ها حاکی از حفظ همین موقعیت برای ایران یعنی رتبه دوم پس از کشور ترکیه می باشد.

غیر از سال ۱۹۹۰ در بقیه سالهای دوره ۲۰۰۰-۱۹۸۹ کشور ایران در رتبه آخر در میان ده کشور برتر منطقه از نظر تولید ناخالص داخلی سرانه (بر اساس معیار برابری قدرت خرید) بوده است.

در سالهای دوره ۲۰۰۶-۲۰۰۱ کشور ایران در رتبه آخر در میان ده کشور برتر منطقه از نظر تولید ناخالص داخلی سرانه (بر اساس معیار برابری قدرت خرید) بوده است. همچنین ارقام پیش بینی شده برای دوره ۲۰۱۳-۲۰۰۷ نیز رتبه آخر را در میان یازده کشور برتر منطقه برای ایران انتظار دارد.

نرخ تورم پایین، شاخص اصلی ارزیابی قدرت اقتصادی محسوب نمی شود، اما در دهه های اخیر قدرت های اقتصادی جهانی همواره از نرخ تورم کنترل شده و تک رقمی برخوردار بوده اند. گزارش رتبه بندی کشورها از نظر نرخ تورم در سال ۲۰۰۷ میلادی همچنین نشان می دهد در میان ۲۲۵ کشور یا دولت احصا شده در این رتبه بندی جهانی، نرخ تورم در ایران با ۱۵/۸ درصد در رتبه ۲۱۹ جهان قرار دارد و تنها ۶ کشور زیمبابوه، عراق، گینه، برمه، افغانستان و نوزونلا نرخ تورم بیشتر از ایران داشته اند. شواهد آماری حاکی از سقوط دائمی رتبه ایران از نظر نرخ کمتر تورم در سالهای ۲۰۰۰-۱۹۸۹ بوده است. در دوره ۲۰۰۶-۲۰۰۱ در منطقه تقریباً بیشترین نرخ تورم را داشته و از نظر نرخ تورم کمتر در رتبه های پایانی (در ردیف های ۱۹ و ۲۰) در منطقه قرار دارد. همچنین پیش بینی ها برای دوره ۲۰۱۳-۲۰۰۷ نیز حاکی از داشتن پایین ترین رتبه (در ردیف ۲۱) برای ایران از نظر نرخ کمتر تورم می باشد.

از نظر شاخص آزادی اقتصادی که از ۱۰ شاخص آزادی کسب و کار، آزادی تجارت، آزادی مالی دولت، اندازه دولت، آزادی پولی، آزادی سرمایه گذاری، آزادی مالی، حقوق مالکیت، عاری بودن از فساد و آزادی کار تشکیل می شود ایران در سال ۲۰۰۸ در رتبه پایینترین یعنی ۲۳ قرار داشته است.

بر اساس شاخص رشد واقعی اقتصاد (رشد تولید ناخالص داخلی بر حسب قدرت خرید متوازن) ایران در سال ۲۰۰۴ در رتبه ۹ در میان ۲۰ کشور منطقه قرار داشته است.

بررسی شاخص مبین مقدار جمعیت زیر خط فقر کشور (درآمد روزانه زیر ۱ دلار) نشان می دهد که ایران به لحاظ فقیر کمتر داشتن رتبه ۸ را در منطقه دارد.

از جهت نرخ بیکاری که از مهم ترین شاخص های نشان دهنده وضعیت اقتصادی یک کشور است ایران رتبه ۱۱ را به لحاظ نرخ کمتر بیکاری در منطقه در سال ۲۰۰۴ داشته است.

به لحاظ میزان صادرات که نشان‌دهنده قدرت اقتصادی یک کشور و توانایی آن در فروش کالاها و خدمات استایران رتبه چهارم منطقه را پس از عربستان، امارات و ترکیه (و البته با فاصله زیاد با آنها) در سال ۲۰۰۴ داشته است.

از نظر شاخص توسعه انسانی که مرکب از سه شاخص درآمد سرانه واقعی، امید به زندگی و آموزش است و به جهت اهمیت آن هر ساله رقم آن برای کشورهای جهان توسط نهاد "برنامه توسعه سازمان ملل متحد" (UNDP) منتشر می‌شود رتبه کشور ما در سال ۲۰۰۲، ۹۶ بوده است در حالیکه در سال ۲۰۰۳ به ۱۰۶ تنزل یافت. اما در سال ۲۰۰۴، به ۹۹ ارتقا یافت. جایگاه ایران در منطقه در رتبه ۱۳ قرار دارد.

شاخص "بازبودن" که نشان‌دهنده میزان بازبودن یک کشور در برابر تجارت بین‌المللی و بازدیدکنندگان خارجی است و هر سال توسط "شورای گردشگری جهانی" ارزیابی می‌گردد براساس عواملی همچون نحوه اعطای روادید، گردشگری، بازرگانی و میزان مالیات‌ها محاسبه می‌گردد کشور ما را در جایگاه مناسبی نشان نمی‌دهد و رتبه ۱۶ را در منطقه برای ایران قائل است.

شاخص زیر ساخت براساس عواملی همچون کیفیت و کمیت جاده‌ها، بهداشت و درمان، آب، و راه‌آهن محاسبه می‌گردد. از جهت این شاخص ایران در رتبه ۷ منطقه می‌باشد.

از نظر شاخص فضای کسب و کار که زمان لازم برای شروع یک کسب و کار را نشان می‌دهد ایران در رتبه ۱۶ منطقه قرار دارد.

اطلاعات مبتنی بر میانگین رتبه ای برای ۱۱ شاخص نیز حاکی از آن است که ایران در سالهای ۲۰۰۱-۲۰۰۷ در رتبه متوسط پنجم منطقه قرار داشته و پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که تا سال ۲۰۱۰ ایران رتبه هشتم را در منطقه خواهد داشت. رقبای ایران بترتیب کشورهای امارات، ترکیه، عربستان، فلسطین اشغالی، مصر، پاکستان و قزاقستان خواهند بود.

نتیجه کلی این که با اطلاعات ارائه شده در می‌یابیم که رسیدن به اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله بویژه کسب جایگاه اول اقتصادی در سطح منطقه تا چه حد مشکل است و با اصلاحات جزئی و محدود در ساختارها و سیاست‌ها میسر نمی‌باشد.

مؤلفه ها و الگوی  
مدیریت راهبردی اقتصاد  
کشور  
در راستای  
چشم انداز  
۲۰ ساله

بخش چهارم : الگوی مدیریت راهبردی اقتصاد کشور

## بخش چهارم: الگوی مدیریت راهبردی اقتصاد ملی

### ۴-۱. مقدمه

مدیریت راهبردی از جمله روش های پیشرفته مدیریت است که در حال حاضر استفاده از آن بسیار متداول گشته است. برنامه ریزی استراتژیک نوعی برنامه ریزی کلان است که عناصر آن آرمان ها، اهداف، منافع و ارزشها، سیاستها و استراتژیها می باشند. یک استراتژی اهداف مشخصی را پی جویی می کند، به محدودیتها و موانع موجود توجه دارد، به امکانات و مقدرات موجود توجه دارد و مجموعه ای از انتخاب هاست که با توجه به موارد فوق تدارک دیده می شود.<sup>۱</sup>

منافع ملی چارچوبها و راهنماهای دائمی برای حرکت هر سیستم هستند. بنابراین، حراست و مراقبت از آنها کاملاً ضروری است. منافع ملی را می توان از دیدگاههای دیگر نیز مورد بررسی قرارداد. از دیدگاه هنجاری و اصولی منافع ملی به عنوان مجموعه ایده آلها و آرمان هایی که یک کشور بایستی در مسیر هدایت سیاست خارجی خود دنبال کند نیز تعریف شده است.<sup>۲</sup>

قدرت ملی<sup>۳</sup> عبارت از مجموع و برآیند توانایی های یک نظام اعم از فیزیکی و غیر فیزیکی است. در یک بیان کلی عناصر قدرت ملی را ابزارهای خودی و ابزارهای هم پیمانان تشکیل می دهد.<sup>۴</sup> این ابزارها عبارتند از نیروی سیاسی مسلط بر اندیشه و عمل نفرت در داخل و خارج، قدرت وضعهای جغرافیایی و موقعیت ژئوپلیتیکی، نیروهای مسلح جمعیت، روحیه و بینش و منش، بنیان های علمی و تکنولوژیکی. روابط دیپلماتیک، اتحاد و ائتلاف با کشورهای دیگر، حضور در سازمانهای منطقه ای و بین الملل، اقتصاد قدرتمند، نداشتن اختلافات و بحرانهای شدید داخلی و برخورداری از نیروی انسانی ماهر و کارآمد و با انگیزه و نظایر اینها از عوامل سازنده قدرت ملی می باشد.<sup>۵</sup> قدرت ملی دراصل منابع یا ابزارهای اجرای یک استراتژی را در اختیار ما قرار می دهد، بر این اساس از اهمیت بیشتر بر خوردار می باشد.

۱- امیر حسین علی نقی. "جایگاه امنیت در استراتژی ملی" فصلنامه مطالعات راهبردی. سال پنجم شماره ۲ سال ۱۳۸۱ ص ۳۲۵.

۲- علی اصغر کاظمی. زنجیره تنازع در سیاست و روابط بین الملل. نشر قومس. ۱۳۷۰. ص ۱۰۷.

۳- National Power

۴- جان ام کالینز، استراتژی بزرگ، ترجمه کورش بایندر، تهران ۱۳۷۳، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ص ۲۸.

۵- رحمن قهرمان پور "مقدمه ای بر روش تدوین استراتژی امنیت ملی" فصلنامه راهبرد دفاعی سال دوم شماره ششم ۱۳۸۳ ص ۱۰۱.

توانایی یا قابلیت که تقویت کننده ضروری امنیت ملی است میزان ظرفیت داخلی یک کشور را جهت کسب اهداف امنیت ملی شامل می‌شود.<sup>۱</sup> بدیهی است که تمام پدیده‌های اجتماعی بدرجات مختلف در به وجود آمدن قدرت ملی نقش دارند. این نقش و تاثیر ضرورتاً مثبت نیست بلکه ممکن است برخی پدیده‌ها در جهت منفی سبب کاهش یا رکود قدرت ملی گردد.<sup>۲</sup>

آرمان‌ها<sup>۳</sup> عبارتند از بالاترین و مهم‌ترین اهداف سیستم که تمام اهداف، استراتژی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای دستیابی به آنها طراحی می‌شود.<sup>۴</sup> آرمان‌ها باید به گونه‌ای انتخاب شوند که دستیافتنی باشند نه اینکه فقط به صورت آرزوهای محقق ناشدنی باقی بمانند که در این صورت مشروعیت آن‌ها با مشکل مواجه شده و قابلیت ایجاد انگیزه در سیستم را برای بازنمایی و باز تعریف آرمان‌ها از دست خواهند داد.

هدف<sup>۵</sup> ملی وضع نوینی است که مطلوب اکثریت مردم می‌باشد و دولت آن را به دست می‌گیرد و برای وصول به آن از ملت یاری می‌طلبد. بنابراین، اولاً هدف ملی باید با یک نوع پذیرش و مقبولیت اکثریت آحاد یک جامعه توأم باشد، و ثانیاً، باید از رهگذر دستگاهی متمرکز و رسمی بنام دولت و به نمایندگی از سوی مردم تعقیب شود.<sup>۶</sup> تعیین اهداف علاوه بر اینکه به منابع قدرت جهت می‌دهد و درجه بهره‌وری آنها را بالا می‌برد، انسجام سیستم مفروض را نیز افزایش می‌دهد و هماهنگی بیشتر اجزای سیستم را نیز موجب می‌گردد. نکته دیگر اینکه پس از مشخص شدن اهداف در هر حوزه (به لحاظ پاره‌ای تعارضات و کمبود منابع) لازم است که ترتیب، تقدم و اولویت بندی هر هدف در مجموعه اهداف مختلف نسبت به هم مشخص باشد، نباید اهداف هم عرض یکدیگر باشند.

یکی از محورهای بسیار مهمی که در محیط داخلی در رابطه با تدوین استراتژی ایفای نقش می‌کند مشارکت پروری و حمایت عمومی احاد جامعه از استراتژی امنیت ملی است. مشارکت پروری قانونمند در جامعه‌ای که به حضور مردم در عرصه‌های سیاسی در چارچوب قانون پایبند است و در جامعه‌ای که به قانون احترام می‌گذارند شکل می‌گیرد. تدوین استراتژی در چنین فضایی می‌تواند به دلیل برخورداری از حمایت‌های مردمی از کارآمدی بیشتری برخوردار باشد.

۱- رابرت ماندل، چهره متغیر امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، ص ۶۲-۶۱.

۲- علی اصغر کاظمی، نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل، نشر قومس، ۱۳۶۹، صص ۱۳۶-۱۳۴.

3 - Ideals

۴- حسن ره پیک "هدف وهدف گذاری در برنامه ریزی ملی و راهبردی" فصلنامه مطالعات راهبردی سال هفتم شماره دوم تابستان ۱۳۸۳ ص ۲۲۲.

5- Objects

۶- محمد رضا تاجیک مقدمه‌ای بر استراتژی های امنیت ملی ج.ا.ا. تهران فرهنگ گفتمان ۱۳۸۰ ص ۱۷۰.

## ۲-۴. تجربیات کشورهای موفق در شرق آسیا

### ۱-۲-۴. مدیریت اقتصاد کلان در چند کشور موفق

دوره ده های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ از اهمیت ویژه ای در هر سه کشور برخوردار بود. همه این حکومت ها با چالش هایی برای پاسخ دادن به تقاضای توسعه مواجه شدند. در پاسخ، این کشورها سطح مخارج و استقراض را در جهت انتقال بخش بزرگی از منابع به توسعه مالی بویژه در اواخر دهه ۷۰ افزایش دادند. تحلیل های دقیق نشان می دهند که کارگزاری های اقتصادی مرکزی تایلند، مالزی و فیلیپین از رویکردهای متفاوتی در مدیریت کلان اقتصادی بهره گرفته اند. این تفاوت ها بویژه از جهت اندازه مخارج عمومی و سطح تامین مالی از طریق استقراض آشکار است.

یک خصوصیت ویژه مدیریت کلان اقتصادی تایلند صرفه جویی مالی قوی و مدیریت احتیاطی استقراض بوده است. محدودیت های قانونی برای کسری های مالی استقراض خارجی قویا برقرار شد. با این وجود، مخارج عمومی در اواسط دهه ۷۰ و در دهه ۸۰ رشد کرد، و استقراض دولتی شامل استقراض خارجی در خلال نیمه اول دهه ۸۰ شروع به افزایش کرد. مالزی را با عملگرایی مالی می شناسند. اندازه مخارج دولت مرکزی و استقراض خارجی آن، به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در مالزی از دو کشور دیگر بزرگتر بود. پذیرش سیاست اقتصادی جدید توسط دولت در سال ۱۹۷۱ موجب مخارج بزرگتر عمومی نسبت به قبل و تحمیل کسری های مالی قابل توجه به دولت مالزی مشمول در خلال دوره اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ گردید. دولت به صورت فعال منابع مختلف را اعم از داخلی و خارجی در دهه ۸۰ انتقال داد.

با عنایت به شتاب رشد که در اواخر دهه ۸۰ شروع شد، هر دو کشور تایلند و مالزی قادر بودند که کسری مالی را به مازاد تبدیل کنند و بدهی های معوقه را کاهش دهند.

در فیلیپین، سطح مخارج عمومی قابل مقایسه با تایلند بوده و بسیار کمتر از مالزی بوده است. اما، کشور مشکلاتی در کارآیی تخصیصی و بهره وری سرمایه گذاری عمومی داشت. در خلال دهه ۱۹۸۰، دولت استقراض داخلی و خارجی را برای تامین مالی برنامه های توسعه افزایش داد. فیلیپین به مواجهه بار سنگین مالی رفت، و از این جهت فضای مالی به دلیل بدهی های ایجاد شده تنگ شد.

جدول شماره (۱۸): نتایج تجربه مدیریت توسعه در چند کشور موفق

نسبت فقر متوسط دوره ۱۹۸۰-۹۰ به درصد	رشد سالانه تولید ناخالص ملی سرانه متوسط دوره ۱۹۶۵-۹۰ به درصد	تولید ملی سرانه به دلار		کشور
		سال ۱۹۹۰	سال ۱۹۷۶	
۱۶	۷/۱	۵۴۰۰	۶۷۰	کره جنوبی
۲۷	۴	۲۳۰۰	۸۶۰	مازی
۳۰	۴/۴	۱۴۲۰	۳۸۰	تایلند
۵۸	۱/۳	۷۳۰	۴۱۰	فیلیپین

ماخذ:

Managing the Development Process and Aid Outline of Presentation,  
www.grips.ac.jp/forum-e/pdf\_e03/seminar2006/nov06/ohno8.pdf

به نقل از:

World Development Report (1976, 92, 93) and Human Development Report (1992)

جدول شماره (۱۹): زمینه های مهم کشورها در مدیریت کلان اقتصادی

انضباط مالی قوی: مدیریت احتیاطی استقراض استفاده فعال اما گزینشی از کمک های خارجی	تایلند
عمل گرایی مالی برای حمایت از مخارج سنگین توسعه مدیریت فراگیر اقتصادی متوازن استفاده از کمک های خارجی	مازی
داشتن مشکلاتی در کارآیی تخصیصی بار سنگین استقراض محدود کننده مخارج توسعه استفاده فعال و مداوم از کمک ها (نه چندان گزینشی)	فیلیپین

ماخذ:

Managing the Development Process and Aid Outline of Presentation,  
www.grips.ac.jp/forum-e/pdf\_e03/seminar2006/nov06/ohno8.pdf

#### ۴-۲-۲. اقدامات کلیدی در کشورهای موفق

##### اقدامات کلیدی در تایلند

تمرکز قدرت در چهار کارکنار اقتصادی  
هیات امنای توسعه: اداره نخست وزیری  
دیوان بودجه: اداره نخست وزیری

اداره سیاست مالی : وزارت مالیه

بانک تایلند : بانک مرکزی

رهبری : دادن اختیار به تکنوکرات ها برای برنامه ریزی و اجرای سیاست های اقتصادی

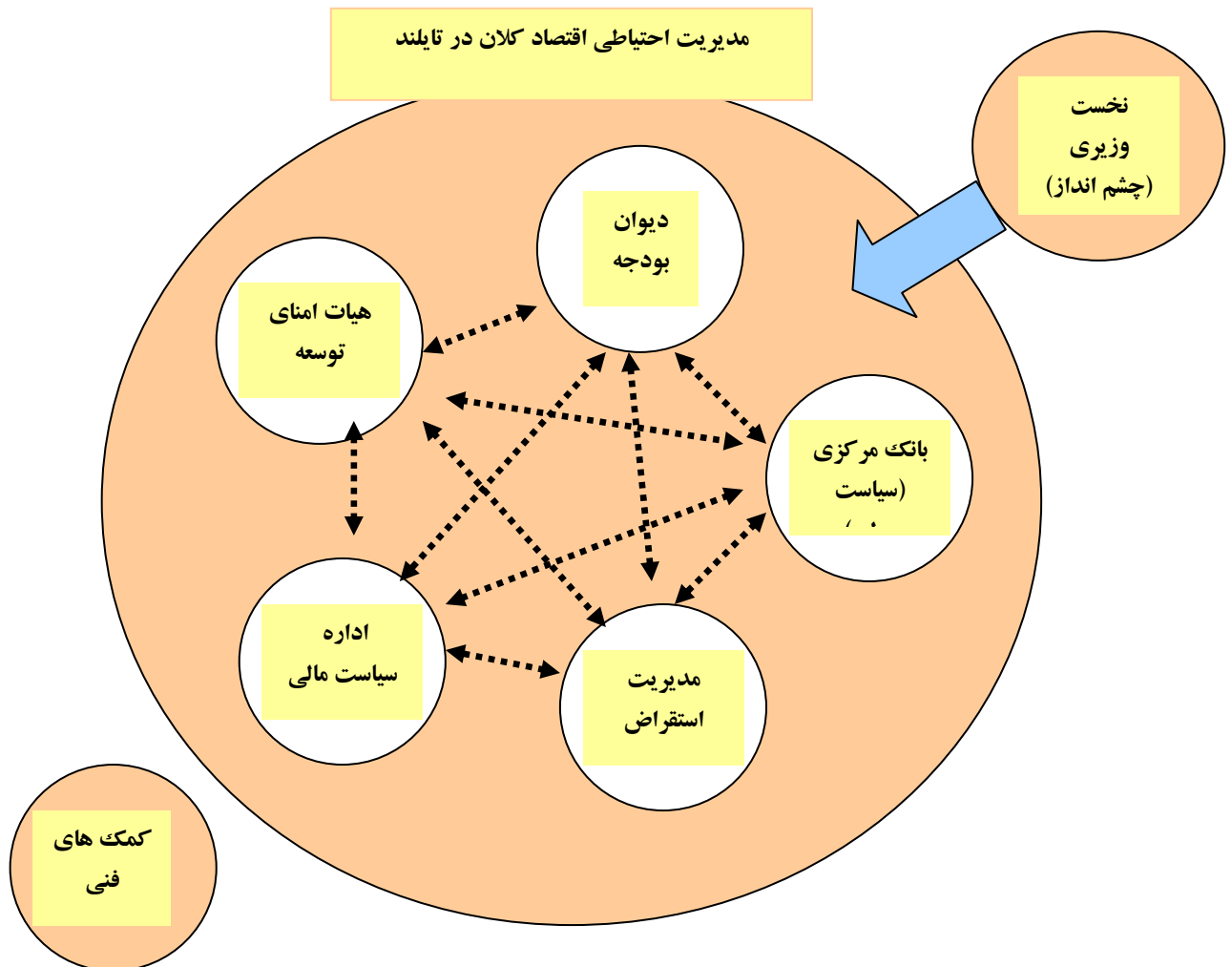
محفوظ نگه داشتن اقدامات فنی از مداخله های سیاسی

نقش کارشناسان فنی کارگزاران اقتصادی مرکز

همکاری بین سازمانی قوی : مسئولیت های مشترک

اعمال محدودیت های قانونی بر کسری های مالی و استقراض خارجی

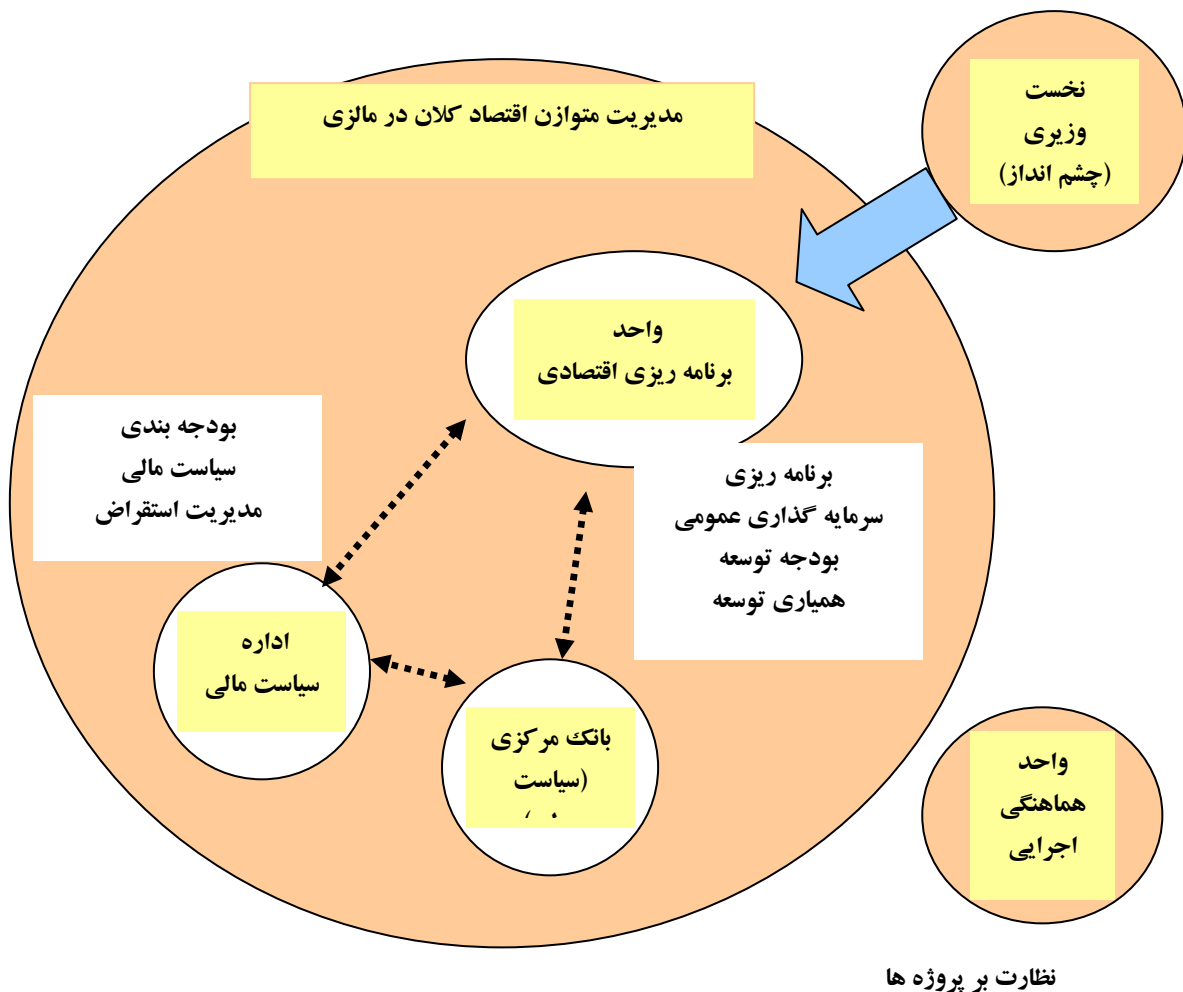
شکل شماره (۵) : مدیریت احتیاطی اقتصاد کلان در تایلند



## اقدامات کلیدی در مالزی

تمرکز قدرت در دفتر نخست وزیری  
واحد برنامه ریزی اقتصادی (EPU)  
واحد هماهنگی اجرایی (ICU)  
وزارت مالیه (MOF) و بانک مرکزی  
رهبری قوی سیاسی: فراهم کننده چشم انداز بلند مدت و جهت گیری تحولات  
نقش کارشناسان فنی  
کمک به واقعی کردن چشم انداز  
کمک به برنامه های توسعه و بودجه ها به عنوان برنامه های غلطان در جهت رسیدن به چشم انداز بلند مدت

شکل شماره (۶): مدیریت متوازن اقتصاد کلان در مالزی



سیستم رهگیری دوگانه: کانال های اجرایی در کنار مداخله کنگره

رئیس جمهور یا رهبر

مقام توسعه و اقتصاد ملی (NEDA)

وزارت مدیریت بودجه (DBM)

وزارت مالیه (DOF)

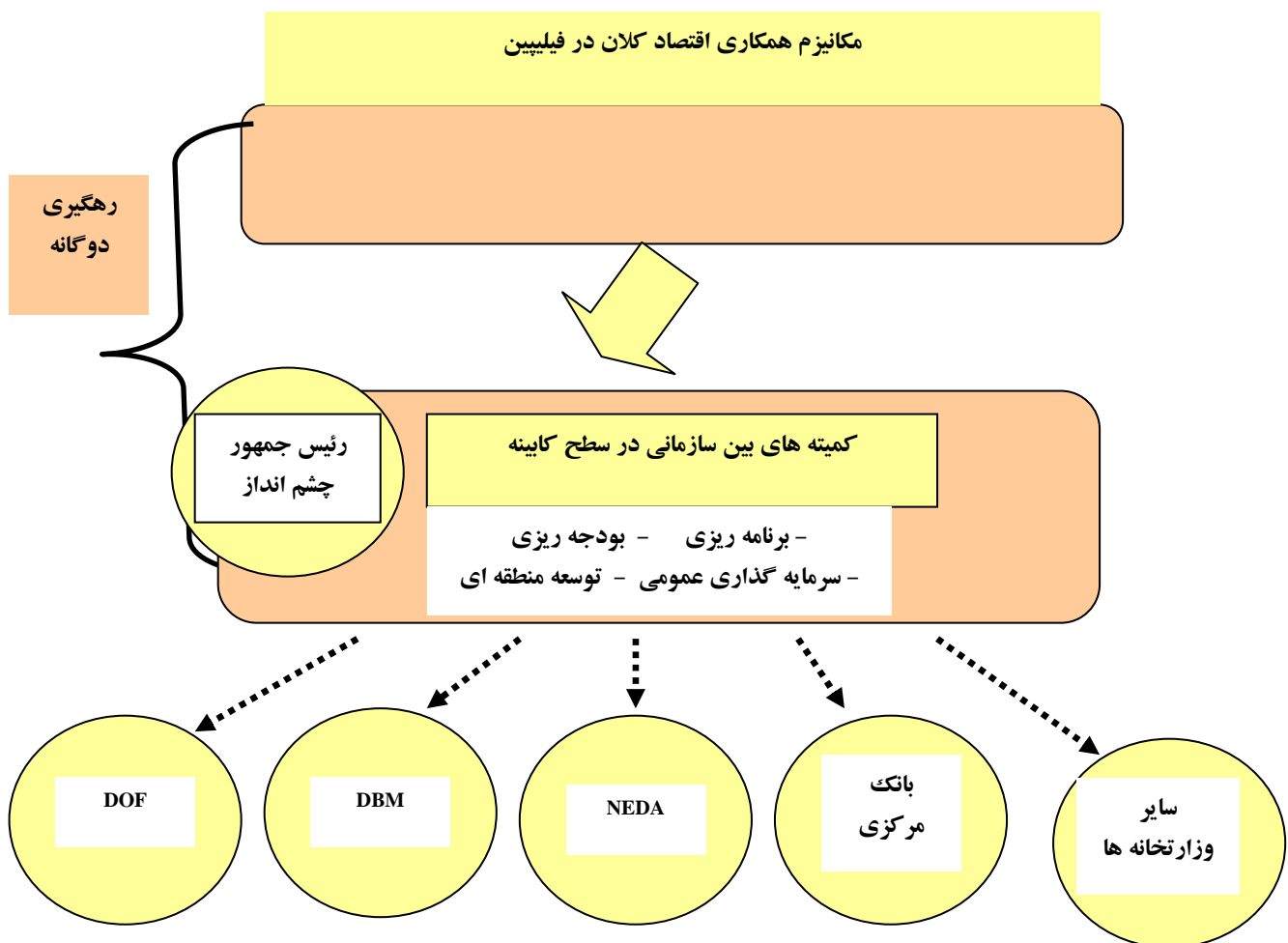
بانک مرکزی DOF

سطح کابینه، همکاری بین سازمانی

تلاش برای زمانبندی برنامه توسعه، طرح های سرمایه گذاری و بودجه های سالانه

تلاش برای تقویت نظارت بر شرکت های دولتی

شکل شماره (۷): مکانیزم همکاری اقتصاد کلان در فیلیپین



#### ۴-۲-۳. نتایج قابل استفاده در دیگر کشورهای در حال توسعه

تجربیات کشورهای تایلند، مالزی، و فیلیپین درسهای مفید زیر را برای کشورهای در حال توسعه که در حال تلاش برای استحکام بخشیدن به کارگزاری های اقتصادی مرکزی خود هستند در بر دارد:

- الگوهای متنوعی برای ایجاد هماهنگی میان ادارات مرکزی توسعه وجود دارد.
- اصول «کارکردی» مشخصی برای عملیات کارگزارهای اقتصادی مرکزی مهم است، بویژه از جهت اطمینان حاصل کردن از تطبیق سیاست ها با اولویت های توسعه
- محیط سیاسی شدت بر توان عاملان کلیدی مانند رهبران سیاسی و کارشناسان فنی برای کنار گذاشتن اصول «کارکردی» فوق اثرگذار است.
- به رغم تنوع در طرح نهادی و خصوصیات هماهنگی، مشترکاتی وجود دارند که کارگزاری های مرکزی را در تایلند و مالزی قادر می سازد که به عنوان مراکز مهم استراتژیک مدیریت توسعه عمل کنند. تفاوتی چند در جنبه هایی خاص از مکانیزم های همکاری وجود دارد، مانند درجه طرح های توسعه مرتبط با تخصیص منابع در کوتاه مدت و انتخاب پروژه ها می باشد. اما، در کل، این کارگزاری های اقتصادی مرکزی همچون طرح ریزی، هماهنگی، نظارت و اطمینان از این که پروژه ها اجرا شده در طرح های توسعه ملی وجود داشته و برای آنها بودجه منظور شده است.

بیشتر به طور خاص، اصول زیر بسیار به ایجاد کارکردهای محوری استراتژیک در کارگزاری های مرکزی اقتصادی یاری رسانیده است.

محتوی برنامه های توسعه استراتژیک است و در تنظیم متن محوری سیاست ها کمک خواهد کرد. مکانیزم های هماهنگی موجود میان واحد های کارگزاری اقتصادی مرکزی برای تنظیم بودجه، برنامه ریزی سرمایه گذاری عمومی و انتقال کمک ها به اولویت های توسعه. پیوندهای عمودی (و تا حدی افقی) میان واحدهای کارگزاری مرکزی و وزارتخانه ها و سازمانها برای اطمینان از تطبیق فوق با اولویت های توسعه ملی.

همزمان، تجربیات فیلیپین بیانگر آن است که ساختن موسسات «رسمی» به تنهایی کافی نیست. محیط سیاسی و نقش داخلی آن بارهبران و کارشناسان فنی بر عملیات واحدهای اقتصادی مرکزی و چگونگی آن تاثیر می گذارد. بطور خاص، وجود دخالت های فراگیر بیانگر اهمیت حیاتی تولید چشم اندازهای توسعه میان رهبران کلیدی سیاسی و کارشناسان فنی می باشد.

جدول شماره (۲۰) :: نوع مدیریت های اقتصادی و خصوصیت های کارکردهای مراکز اقتصادی مرکزی

فیلیپین (اواخر دهه ۸۰ تا کنون)	مالزی (بویژه در دهه های ۷۰ و ۸۰)	تایلند (بویژه در دهه های ۷۰ و ۸۰)	
مراکز استراتژیک محوری؟ مسائل کارآیی تخصیصی، بار سنگین بدهی استفاده گزینشی از کمک ها؟	مراکز استراتژیک محوری عملگرایی مالی مدیریت متوازن اقتصاد کلان استفاده فعال اما گزینشی از کمک ها طرح خروج از کمک ها	مراکز استراتژیک محوری انضباط مالی قوی مدیریت احتیاطی استقراض استفاده فعال اما گزینشی از کمک ها طرح خروج از کمک ها	نقش کارگزاری های اقتصادی مرکزی در مدیریت توسعه
سیستم رهگیری دو گانه با شاخه اجرایی مورد چالش مداخله های کنگره هماهنگی غیر مکتفی بین کارگزاری	سیستم متمرکز، تحت نظر نخست وزیری هماهنگی چند لایه و قاعده مند برای هم برنامه ریزی و هم اجرا	سیستم متمرکز، با هماهنگی قوی میان چهار کارگزار مرکزی اقتصادی بررسی ماهرانه و متوازن، تسهیم مسئولیت ها	چگونگی هماهنگی کلان اقتصادی
سیاست محدود و تطبیق منابع با برنامه های توسعه	سیاست راهنما و تطبیق منابع با اولویت های توسعه	سیاست راهنمای قابل تطبیق با اولویت ها ، تحت محدودیت های سخت بودجه ای	نقش برنامه های توسعه
محدود با استثنائات	جامع	جامع	اجرای خطوط کلان راهنما
شاخه اجرایی: برنامه ریزی توسعه، بودجه توسعه، گزینش سرمایه گذاری عمومی، کمکها بودجه سیاست مالی و مدیریت استقراض بانک مرکزی: سیاست پولی شاخه مجلس: شورای مشورتی اجرایی تسه مجلس	دپارتمان نخست وزیری: برنامه ریزی توسعه، بودجه توسعه، گزینش سرمایه گذاری عمومی، کمکها پایش سرمایه گذاری عمومی مدیریت پرسنلی وزارت مالیه: بودجه ، سیاست مالی و مدیریت استقراض بانک مرکزی: سیاست پولی	دفتر نخست وزیری: برنامه ریزی توسعه، بودجه توسعه، گزینش سرمایه گذاری عمومی، کمکها بودجه همکاری فنی وزارت مالیه: سیاست مای و مدیریت استقراض، کمک وام بانک مرکزی: سیاست پولی	مسئولیت های کارکردی کارگزاری های اقتصادی مرکزی

## ۳-۴: برنامه ریزی توسعه در ایران

### ۳-۴-۱. سابقه برنامه ریزی توسعه در ایران

سابقه برنامه ریزی در ایران به ۴۰ سال قبل از انقلاب اسلامی برمی گردد که در دو دوره قبل و پس از انقلاب اسلامی به شرح زیر می باشد.<sup>۱</sup>

#### الف: پنج برنامه عمرانی قبل از انقلاب

ایده‌های داشتن یک نظام برنامه‌ریزی مدرن را ابوالحسن ابتهاج در سال ۱۳۱۶ در دوران نخست‌وزیری محمود جم با تشکیل «شورای اقتصاد» بنیان گذاشت. تلاش‌های وی در نهایت در سال ۱۳۲۷ به بار نشست و اولین برنامه هفت ساله عمرانی کشور تدوین و به مجلس رفت و به قانون تبدیل شد. این برنامه بدون ابتهاج و با مدیر عاملی محمد تقی نصر از تیرماه سال بعد به اجرا درآمد. این برنامه در سال ۱۹۳۳ خاتمه یافته اعلام شد. برنامه دوم عمرانی را نیز ابتهاج بنیان نهاد. وی با این شرط که سازمان از دولت مستقل باشد ریاست آن را پذیرفت و برنامه عمرانی جدید را به سبک برنامه اول (مجموعه طرح‌ها) در چهار فصل، ۲۱ ماده و ۱۰ تبصره برای اجرا در مدت ۷ سال (اول مهر ۱۳۳۴ تا ۳۱ شهریور ۱۳۴۱) تهیه و تقدیم هیأت دولت کرد. این برنامه پس از کسب تأیید هیأت دولت، در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۳۴ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و به قانون تبدیل شد. در دو برنامه‌ای که ابتهاج تدوین آن را بر عهده داشت رشد اقتصادی برای کشور در نظر گرفته نشده بود.

تدوین برنامه سوم عمرانی کشور را محمد صفی اصفیا بر عهده داشت. این برنامه در ۱۰ فصل و ۴۲ ماده برای اجرا در مدت ۵/۵ سال با این استدلال که ۷ سال دوره طولانی است و برنامه باید با سال مالی هماهنگی داشته باشد برای اجرا طی اول مهر ۱۳۴۱ تا ۲۹ اسفند ۱۳۴۶ تهیه و به تقدیم دولت شد. این لایحه در ۱۵ شهریور سال ۱۳۴۱ به تصویب هیأت دولت رسید و سپس به مجلس رفت اما اصفیا برنامه سوم را از اول مهرماه ۱۳۴۱ بدون آنکه به تصویب مجلسین برسد و به قانون تبدیل شود، به اجرا گذاشت. مجلس اما با تاخیر زیاد در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۶ (سال آخر برنامه) و با ایجاد چند تغییر از جمله حدود دو برابر کردن اعتبارات برنامه سوم را به تصویب رساند. رشد اقتصادی سالانه برنامه سوم ۶ درصد هدف گذاری شده بود.

۱- به نقل از سایت فردانیوز به آدرس:

برنامه چهارم عمرانی کشور را باز هم اصفیاء مدیریت کرد. کارشناسان سازمان برنامه، برنامه چهارم عمرانی را در ۱۷ فصل، ۳۸ ماده و ۱۰ تبصره برای اجرا در مدت ۵ سال از اول فروردین ۱۳۴۷ تا ۲۹ اسفند ۱۳۵۱ تهیه کردند. برنامه چهارم در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۴۶ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و در تاریخ ۶ فروردین ۱۳۴۷ برای اجرا به دولت ابلاغ شد. رشد اقتصادی برنامه ۹/۴ درصد در سال پیش‌بینی شده بود.

در سال آخر دوره برنامه چهارم (۱۳۵۱)، برنامه پنجم عمرانی را خداداد فرمانفرمایان بر مبنای ایده‌های خود آماده و تقدیم هیأت دولت کرد. اما انتقاد از برنامه پنجم مقدماتی توسط دولت باعث کناره‌گیری فرمانفرمایان از مدیر عاملی سازمان برنامه شد. در نتیجه در ۱۹ دی ماه ۱۳۵۱ عبدالمجید مجیدی برنامه را تقریباً شبیه برنامه چهارم عمرانی تکمیل و به دولت برد. این برنامه در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۵۱ قانون برنامه و بودجه کشور به تصویب مجلسین رسید. رشد اقتصادی برنامه پنجم ۱۱/۲ درصد تعیین شده بود اما با افزایش قیمت جهانی نفت خام از سال ۱۳۵۱ و بالتبع افزایش درآمدهای ارزی ایران، سازمان برنامه زیر فشار هیأت دولت، بخشی افکار عمومی و فقر گسترده در مناطق مختلف ایران جهت هزینه کردن درآمدهای نفتی، با وجود مخالفت بعضی از کارشناسان ارشد آن، تصمیم به تهیه و اجرای یک برنامه توسعه بلند پروازانه گرفت. به همین منظور، برنامه پنجم عمرانی در مرداد ماه سال ۱۳۵۳ مورد تجدید نظر قرار گرفت و با افزایش شدید اعتبارات برنامه (حدود دوبرابر)، هدف رشد برنامه را به رقم نجومی ۲۵/۹ درصد افزایش داد.

#### ب: برنامه های توسعه بعد از انقلاب

پس از انقلاب نیز پایه تدوین برنامه کلان برای کشور خیلی زود پی‌ریزی شد، اما به بار نشست. در سال ۱۳۶۲ برنامه اقتصادی با مدیریت محمد تقی بانکی تهیه شد اما در نهایت به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید و بعدها این برنامه به برنامه صفر توسعه معروف شد. با روی کار آمدن دولت سازندگی برنامه‌ریزی اقتصادی برای بازسازی اقتصاد مجدداً مورد توجه قرار گرفت و سازمان برنامه به رأس هرم مدیریت اقتصاد ایران بازگشت. اولین تولید سازمان پس از احیای مجدد، برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی است. این برنامه در یک ماده واحده و ۵۲ تبصره برای اجرا در مدت ۵ سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ با رشد اقتصادی ۸,۱ درصد تهیه و به هیأت دولت ارائه شد و در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۶۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

پس از پایان برنامه اول در ۲۹ اسفند ۱۳۷۲ به دلیل بروز تحولات و مشکلات اقتصادی ناشی از اجرای آن، برنامه دوم با تاخیر دوساله تهیه و به اجرا گذاشته شد. این برنامه در یک ماده واحده و ۱۰۱ تبصره

برای اجرا در مدت ۵ سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ و با رشد اقتصادی ۵٫۱ درصد تهیه و به هیأت دولت و سپس مجلس ارائه شد و در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۷۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

جدول شماره (۲۱): کلیاتی از ۱۱ برنامه عمرانی و توسعه کشور

مدت برنامه	پایان برنامه	رشد اقتصادی مورد هدف (درصد)	آغاز برنامه	عنوان برنامه
هفت سال	۱۳۳۳	-	ابتدای ۱۳۲۸	برنامه عمرانی ایران
هفت سال	۳۱ شهریور ۱۳۴۱	-	اول مهر ۱۳۳۴	برنامه دوم عمرانی
۵٫۵ سال	۲۹ اسفند ۱۳۴۶	۶	اول مهر ۱۳۴۱	برنامه سوم عمرانی
۵ سال	۲۹ اسفند ۱۳۵۱	۹٫۴	۱۳۴۷	برنامه چهارم عمرانی
۵ سال	۱۳۵۶	۱۱	۱۳۵۲	برنامه پنجم عمرانی
-	۱۳۵۶	۲۵٫۹	۱۳۵۳	برنامه پنجم عمرانی تجدید نظر شده
۵ سال	۱۳۶۶		۱۳۶۲	اولیت برنامه توسعه پس از انقلاب
۵ سال	۱۳۷۲	۸٫۷	۱۳۶۸	برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۵ سال	۱۳۷۸	۸٫۷	۱۳۷۴	برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۵ سال	۱۳۸۳	۶	۱۳۷۹	برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۵ سال	۱۳۸۸	۸	۱۳۸۴	برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۵ سال	۱۳۹۲	۸	۱۳۸۹	برنامه پنجم پیشرفت و عدالت

پس از خاتمه برنامه دوم در سال ۷۶ با ریاست محمد علی نجفی، برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی توسط کارشناسان سازمان برنامه تهیه شد. سازمان برنامه، برنامه سوم را در ۳ بخش، ۲۶ فصل و ۱۹۹ ماده برای اجرا در مدت ۵ سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ و با رشد اقتصادی ۶ درصد تهیه و به هیأت دولت ارائه داد. این برنامه در تاریخ ۱۷ فروردین سال ۱۳۷۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

با تشکیل دولت دوم اصلاحات، محمد ستاری فر (با تحصیلات دکترای اقتصاد با گرایش برنامه ریزی و توسعه در آمریکا) به ریاست سازمان برنامه انتخاب شد. در سال پایانی برنامه سوم، برنامه چهارم با رویکردی متفاوت نسبت به برنامه‌های قبلی و مبتنی بر افق ۱۴۰۴ برای اجرا در دوره پنج ساله اول

چشم‌انداز ۲۰ ساله یعنی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ با رشد ۸ درصد تهیه و به تأیید هیأت دولت و در اسفند ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

تدوین برنامه پنجم توسعه که نام آن به برنامه پیشرفت و عدالت تغییر یافته در دولت نهم با مدیریت امیر منصور برقی دارای کارشناسی مکانیک از دانشگاه علم و صنعت در معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری تهیه و به دولت تقدیم شده و در حالی که برقی جای خود را به عزیزی داده این برنامه هنوز به تصویب نهایی دولت نرسیده است. رشد اقتصادی این برنامه ۸ درصد پیش‌بینی شده است.

خلاصه آماری برنامه های توسعه در ایران را در جدول شماره (۲۱) خلاصه شده است .

#### ۴-۳-۲. ساختار نهاد ریزی در ایران

هرم برنامه ریزی ایران طی ۶۲ سال اخیر همواره دچار تغییرات ساختاری بوده و ساختارهای اداری متفاوتی مانند سازمان ، وزارت و معاونت دولت را تجربه کرده است. همچنین در این نهاد علاوه بر رئیس ، مدیر عامل، قائم مقام نخست وزیر، وزیر و معاون رئیس جمهوری نیز انجام وظیفه کرده است. هر دولتی بر اساس ظن خود با نهاد برنامه ریزی یار شده و به دلیل برخورداری از قدرت آن را دچار تغییر و تحول کرده اما نکته مهم آن است که در نهایت هویت آن را نتوانسته تغییر دهد و لاجرم پس از مدتی سازمان به وظایف فرا بخشی خود مجددا خود را باز تولید کرده است.

اولین ساختار سازمانی نهاد برنامه ریزی در برنامه اول عمرانی پیش بینی شد. در ماده ۸ و ۹ این برنامه پیش‌بینی شده بود که سازمان مستقلی با شخصیت حقوقی و استقلال مالی به اسم «سازمان برنامه» برای مراقبت و نظارت بر اجرای برنامه عمرانی کشور تاسیس شود. این سازمان که برای طول برنامه اول و با عمر محدود پیش بینی شده بود در برنامه دوم عمرانی مجددا پیش بینی شد. این سازمان مستقل از دولت اما در سال ۳۷ استقلال خود را از دست داد.

دولت منوچهر اقبال (۱۳۳۶-۱۳۳۹) با تهیه لایحه‌ای در ۲۶ بهمن ۱۳۳۷، تغییر ساختار سازمان برنامه را در دستور کار قرار داد و با تصویب لایحه دولت در مجلس، سازمان برنامه زیر نظر نخست وزیر قرار گرفت و مدیرعامل آن قائم مقام نخست وزیر شد. در دوران اجرای برنامه سوم همچنین بنا به توصیه مشاوران هاروارد، هیات دولت تصمیم گرفت بودجه کشور را در سازمان برنامه متمرکز کند. به همین

منظور در ۱۴ تیرماه ۱۳۴۵ با تصویب یک لایحه قانونی در مجلسین، تهیه و تنظیم بودجه عمرانی و جاری کشور و تخصیص اعتبارات (که از وظایف وزارت دارایی بود) به سازمان برنامه سپرده شد و حوزه فعالیت سازمان برنامه گسترش یافته و در عوض سازمان موظف شد کلیه امور اجرایی طرح‌های عمرانی را به وزارتخانه‌ها محول کند. در نتیجه سازمان برنامه به «سازمان برنامه و بودجه» ارتقا پیدا کرد.

در ماه‌های آخر برنامه عمرانی چهارم، با تصویب «قانون برنامه و بودجه کشور» در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۵۱ سازمان برنامه از یک سازمان موقتی که برای نظارت بر اجرای اولین برنامه عمرانی (هفت‌ساله) ایجاد شده بود و با تهیه هر برنامه دوره فعالیت آن اجباراً تمدید می‌شد، به یک سازمان دائمی در راس هرم مدیریت اقتصادی کشور تبدیل شد.

قانون برنامه و بودجه کشور دو رکن داشت: رکن اول آن شورای اقتصاد بود که از وزرای دارایی، اقتصاد، کار، کشاورزی، تعاون و وزیر مشاور تشکیل می‌شد. و رکن دوم: سازمان برنامه و بودجه که موسسه‌ای دولتی بود و رئیس آن توسط نخست‌وزیر انتخاب شده و سمت وزیر مشاور داشت. در این قانون پیش‌بینی شده بود سازمان برنامه و بودجه زیر نظر رئیس دولت (نخست‌وزیر) فعالیت کند و وظایف آن تهیه برنامه‌های عمرانی و تهیه و تنظیم بودجه کل کشور تعیین شد. همچنین سازمان برنامه در سال ۱۳۵۱ دفاتر برنامه‌ریزی در مراکز ۱۴ استان و فرمانداری کل دایر کرد و در ادامه تا سال ۱۳۵۲، دفاتر برنامه‌ریزی در کلیه استان‌های کشور (۲۳ استان) تاسیس شد. پیش از این، سازمان برنامه با تشکیل دفاتر منطقه‌ای در یازده منطقه که در زمان فرمانمائی‌ان تشکیل شده بود بر روند اجرایی برنامه‌های عمرانی نظارت می‌کرد. پس از انقلاب در تاریخ ۲۷ دیماه سال ۱۳۶۳، سازمان برنامه و بودجه به «وزارت برنامه و بودجه» تغییر وضعیت داد و در ۱۳ اسفند همان سال مسعود روغنی زنجانی توسط میرحسین موسوی نخست‌وزیر وقت به سمت قائم‌مقام نخست‌وزیر در سازمان برنامه منصوب شد.

این تغییر سازمانی در سال ۱۳۶۸ یعنی تغییر وزارت برنامه و بودجه به سازمان برنامه و بودجه، مجدداً به حالت اول یعنی سازمان برنامه و بودجه برگشت داده شد. این سازمان تا سال ۷۸ تغییر ساختاری نداشت تا اینکه در تاریخ یازدهم اسفند سال مذکور با ادغام سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور استخدامی کشور، «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی» ایجاد شد. با روی کار آمدن دولت نهم در شهریور ۸۴ نگاه به ساختار برنامه‌ریزی متفاوت شد تا اینکه در ۱۸ تیرماه ۱۳۸۶ سازمان برنامه مجدداً تغییر ساختار داد و به دو معاونت رئیس‌جمهوری تنزل داده شد. همچنین دفاتر استانی از زیر نظر سازمان خارج و به

استانداری ها ملحق شد. نکته مهم آن است که تغییرات دولت نهم نتوانسته هویت سازمان را از بین ببرد بلکه از میزان اثرگذاری در نظارت بر اجرای برنامه های سالانه (قوانین بودجه) و برنامه های توسعه (قوانین برنامه های پنج ساله) کاسته است.

#### ۴-۳-۳. سلسله مراتب برنامه ریزی راهبردی توسعه در ایران

شکل زیر ساختار فعلی برنامه ریزی راهبردی توسعه را در ایران نمایش می دهد. همان طور که ملاحظه می شود، چشم انداز ۲۰ ساله مبنای تعیین سیاست های کلی نظام قرار گرفته است. مسئولیت تدوین سیاست های کلی را از جانب رهبری مجمع تشخیص مصلحت نظام بر عهده دارد. این مجمع پس از انجام مطالعه کارشناسی در قالب تیم های تخصصی نتیجه را در جلسات مجمع به بحث شورایی گذاشته و به تصویب می رساند. سیاست های کلی نظام (که شامل سیاست های کلی برنامه های توسعه و نیز سایر سیاست های کلی موضوعی می باشد) پس از تدوین توسط مجمع در اختیار رهبری برای توشیح و ابلاغ قرار می گیرد. رهبری نیز در صورتی که آن را مورد تایید قرار دهد به دولت برای ملاحظه آن سیاست ها در تدوین برنامه های توسعه به ریاست جمهور ابلاغ می نمایند.<sup>۱</sup>

دولت پس از دریافت سیاست های کلی برنامه توسعه اقدام به تدوین برنامه ۵ ساله توسعه و نیز بودجه های سالانه در قالب سیاست های ابلاغی می نماید به گونه ای که برنامه ها اولویت های مطرح شده در سیاست های کلی را پوشش داده و منویات آن را تحقق ببخشد.<sup>۲</sup> انتظار می رود چارچوب این سیاست ها و نقاط مورد تکیه در آن بتواند به تدوین برنامه های جامع و عملیاتی برای دوره پنج ساله بیانجامد. نسخه حاوی مجموعه سیاست ها همزمان برای مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت ارسال می شود.<sup>۳</sup>

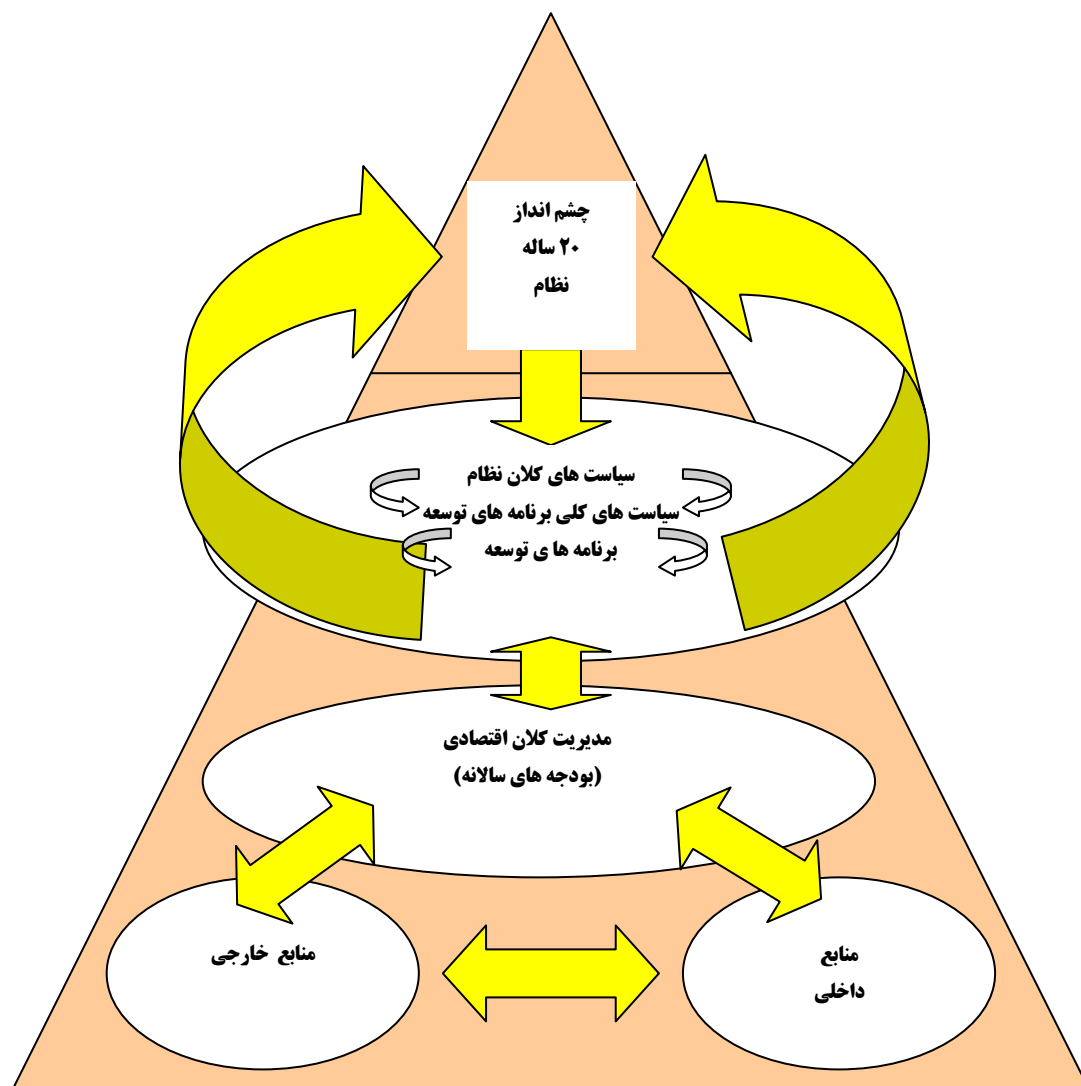
مدیریت کلان اقتصادی در قالب بودجه های سنواری ظهور و بروز پیدا می کند. این برنامه های عملیاتی و یکساله می باید هنر مدیریت منابع داخلی و منابع خارجی اقتصاد را در راستای اهداف و سیاست های برنامه توسعه داشته باشد. در این صورت یک گام در جهت برنامه و از آن طریق در جهت چشم انداز برداشته خواهد شد.

۱- در اصل ۱۱۰ قانون اساسی یازده مورد وظایف و اختیارات برای رهبر آمده است که موارد اول و دوم آن به صورت زیر است: وظایف و اختیارات رهبر: ۱- تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام. ۲- نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام.

۲- در پایان سیاست های کلی ابلاغی برنامه چهارم توسعه آمده است: ملاحظه: شاخص های کمی و نحوه انطباق محتوای برنامه ها و بودجه های سالانه متناسب با سیاست های کلی برنامه چهارم تهیه و ارائه شود.

۳- دو جمله اخیر در ابلاغیه سیاست های کلی برنامه چهارم آمده است.

شکل شماره (۸) : ساسله مراتب برنامه ریزی راهبردی توسعه در ایران



دولت پس از دریافت سیاست های کلی برنامه توسعه اقدام به تدوین برنامه ۵ ساله توسعه و نیز بودجه های سالانه در قالب سیاست های ابلاغی می نماید به گونه ای که برنامه ها اولویت های مطرح شده در سیاست های کلی را پوشش داده و منویات آن را تحقق ببخشد.<sup>۱</sup> انتظار می رود چارچوب این سیاست ها و نقاط مورد تکیه در آن بتواند به تدوین برنامه های جامع و عملیاتی برای دوره پنج ساله

۱ - در پایان سیاست های کلی ابلاغی برنامه چهارم توسعه آمده است : ملاحظه: شاخص های کمی و نحوه انطباق محتوای برنامه ها و بودجه های سالانه متناسب با سیاست های کلی برنامه چهارم تهیه و ارائه شود.

بیانجامد. نسخه حاوی مجموعه سیاست‌ها همزمان برای مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت ارسال می‌شود.<sup>۱</sup>

مدیریت کلان اقتصادی در قالب بودجه‌های سنواتی ظهور و بروز پیدا می‌کند. این برنامه‌های عملیاتی و یکساله می‌باید هنر مدیریت منابع داخلی و منابع خارجی اقتصاد را در راستای اهداف و سیاست‌های برنامه توسعه داشته باشد. در این صورت یک گام در جهت برنامه و از آن طریق در جهت چشم انداز برداشته خواهد شد.

نکته مهم در این چرخه آن است که برنامه‌های توسعه درست به منظور تحقق چشم انداز در یک افق زمانی مشخص تدوین و به اجرا درمی‌آیند. به عبارت دیگر مثلاً چشم انداز ۲۰ ساله را می‌باید از طریق به اجرا درآوردن چهار برنامه ۵ ساله محقق کرد. و لذا هر یک از برنامه‌ها با توانسته باشد اولویت‌های راهبردی مورد نظر خود را در جهت چشم انداز تحقق ببخشد. این مهم در عمل متولی مشخصی ندارد و اگر هم گفته می‌شود که مجمع تشخیص مصلحت نظام وظیفه پایش آن را بر عهده دارد در عمل اختیار قانونی برای اعمال این نظارت و یا انجام اقدامات تصحیح کننده را ندارد. در این صورت چند تورش می‌تواند برنامه‌ها را از چشم انداز منحرف سازد

۱- تورش تدوینی: تورش تطبیق میان برنامه با سیاست‌های کلی در هنگام تدوین برنامه توسط دولت

۲- تورش تصویبی: تورش مربوط به تطبیق میان برنامه تدوینی دولت با برنامه تصویبی مجلس در هنگام تصویب برنامه در مجلس.

۳- تورش اجرایی: تورش میان برنامه تصویبی مجلس با برنامه اجراشده توسط دولت در مرحله اجرا

این تورش‌ها جدی تر می‌شوند اگر دولت تدوین کننده برنامه همان دولت اجرا کننده نباشد. این مورد به دلیل این که عمر دولت‌ها و مجالس چهار ساله و عمر برنامه‌ها ۵ ساله است در عمل بسیار محتمل می‌باشد.

تنها جایی که می‌شود این خطاها و تورش‌ها را در جهت چشم انداز تصحیح و تعدیل نمود هنگام تدوین سیاست‌های کلی برنامه بعدی توسعه است. این مهم نیز زمانی می‌تواند انجام شود که گزارش عملکرد برنامه قبل به مجمع تشخیص مصلحت رسیده باشد که در عمل چنین چیزی هم اتفاق نمی‌افتد زیرا در حالت بسیار خوشبینانه معمولاً گزارش عملکرد برنامه حداقل ۳ ماه پس از اجرای آن مشخص و ارسال می‌گردد. بنا بر این آنچه بسیار مهم است داشتن ارزیابی کلی و در عین حال نسبتاً

۱ - دو جمله اخیر در ابلاغیه سیاست‌های کلی برنامه چهارم آمده است.

دقیق برای لحاظ کردن در مراحل تدوین سیاست ها و برنامه های بعدی حتی قبل از اتمام برنامه قبل می باشد. بری این منظور ساختار پیشنهادی کنترل راهبردی در این تحقیق در مبحث بعدی آمده است

#### ۴-۴. آسیب شناسی نظام برنامه ریزی در ایران

##### ۴-۴-۱. آسیب شناسی برنامه ریزی کلان راهبردی در ایران<sup>۱</sup>

برخی محققان به مهمترین مشکلات در زمینه برنامه ریزی استراتژیک در ایران به شرح زیر اشاره کرده اند:

۱. نبود اتفاق نظر در میان مسدولان کشور برای اقدام به برنامه ریزی استراتژیک
۲. فقدان تجزیه و تحلیل جامع فرصت ها و خطر های ملی
۳. روشن نبودن حدود تعهدات ملی در قبال سایر کشورها
۴. عدم توجه کافی به تجدید ارزشها
۵. میزان پایبندی به اولویت های استراتژیک کشور
۶. فقدان نگرش جامع در شناخت توانمندی های کشور
۷. روشن نبودن گزینه های مختلف استراتژیک در برخورد با مسائل
۸. اجرای ضعیف برنامه های استراتژیک در کشور
۹. نقصان در نظارت و ارزیابی نتایج عملی برنامه ریزی استراتژیک کشور
۱۰. ضعف ساختار اطلاعاتی کشور
۱۱. خلط برنامه ریزی استراتژیک با برنامه ریزی بلند مدت
۱۲. دخالت قدرتهای فراملی
۱۳. فقدان تصویری روشن و واحد از بیانات رهبری در تدوین استراتژی های ملی کشور.

۱ - اصغر مشبکی ، "بررسی موانع برنامه ریزی استراتژیک در جمهوری اسلامی ایران" مجله مدیریت دولتی شماره ۳۷ ، ۱۳۷۶.

بیش از نیم قرن تجربه برنامه‌ریزی توسعه در ایران و طراحی برنامه و اجرای چندین برنامه توسعه در سالهای قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی زمینه انجام ارزیابی‌های واقع‌بینانه و علمی از نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران را فراهم نموده است. براساس بازخوانی، تلفیق و تطبیق مجموعه اسناد، گزارشها و مقالات علمی موجود، مهم‌ترین ویژگی‌ها و عناصر مسلط در نظام برنامه‌ریزی توسعه ایران را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

۱. در هیچ یک از برنامه‌های توسعه، تعریف روشنی از مفهوم توسعه، ابعاد و ویژگی‌های آن به عنوان هدف اصلی برنامه‌ها ارائه نشده است. در اکثر موارد، رشد اقتصادی بصورت آشکار و اعلان شده یا مستتر به عنوان هدف برنامه‌ها معرفی گردیده و لذا اگر برنامه‌ریزی را سازماندهی برای اهداف مشخص بدانیم این هدف هرگز روشن و شفاف و دربرگیرنده توسعه همه جانبه نبوده است.

۲. برنامه‌ها فاقد رویکرد سیستمی، جامع و کل‌نگر بوده و همواره براساس تعریفی محدود از یک وجه توسعه و غالباً رشد کمی تولید ناخالص داخلی تعریف شده‌اند و حتی به‌رغم توصیف برنامه‌های سوم عمرانی به بعد، با عنوان برنامه‌های جامع، نامگذاری برنامه‌های اول، دوم و سوم با پسوند توسعه، این برنامه‌ها از برنامه‌ریزی فیزیکی و زیربنایی و تخصیص منابع در حوزه‌های مختلف فراتر نرفته است.

۳. نظام برنامه‌ریزی ایران همواره با درجه بسیار بالایی از تمرکز تعریف گردیده است. تمرکزگرایی در برنامه‌های توسعه ایران از مناطق به مرکز و بخشها، از بخشها به سازمان برنامه‌ریزی کشور و از این سازمان به مقامات عالی‌رتبه سیاسی گرایش داشته و به‌رغم تلاشها و تأکیدات بسیار بر ضرورت تمرکززدایی، نظام سیاسی و قانونی، نحوه تأمین مالی برنامه‌ها و... بطور جدی این تمرکز را پشتیبانی، بلکه تقویت نموده است.

۴. وجه مهمی از تمرکز در نظام برنامه‌ریزی، بی‌توجهی به نقش نهادهای مدنی و سیاسی، بخش خصوصی و عموم مردم در طراحی، اجرا، نظارت، ارزشیابی و تأمین مالی برنامه‌ها بوده است. برنامه‌های عمرانی و توسعه بطور جدی با اعتقاد به قدرت توسعه‌آفرینی ملی توسط یک نظام آمرانه و متمرکز طراحی و اجرا شده و هیچگاه مبتنی بر نیازها، تواناییهای مخاطبان آنها نبوده است.

۵. برنامه‌های توسعه غالباً برنامه‌های تخصیص منابع در بخش دولتی بوده و در بسیاری از موارد ضرورت سیاستگذاری، علامت‌دهی و هدایت فعالیت بخش خصوصی به عنوان یک عامل مهم اقتصادی نادیده گرفته شده است. حتی در غالب موارد، روش‌ها و ابزارهای برنامه‌ریزی در بخش‌هایی چون کشاورزی و مسکن که در فعالیتهای اقتصادی آنها بخش خصوصی نقش مسلط را دارد با

۱- سعید غلامی نتاج و میکائیل عظیمی، «آسیب شناسی برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی»، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ نخست شهریور ۱۳۸۸، صص ۱۲۸-۱۳۴.

بخشهای دیگری چون صنعت و بازرگانی که عمدتاً توسط دولت اداره می‌شده مشابه و یکسان بوده است.

۶. برنامه‌های توسعه همواره در حد بسیاری بالایی از تفصیل تهیه گردیده و برای یکایک بخشها و زیربخشها هدفگذاری، سیاستگذاری و تأمین مالی انجام شده است، بی‌آنکه از الزامات و ضرورت‌های اساسی این گونه برنامه‌ریزی از جمله وجود اطلاعات گسترده، جزیی و تفصیلی، منابع عظیم مالی، نظام کارشناسی بسیار قوی و گسترده برخوردار باشد. در عین حال این حد از تفصیل از منطق روشنی برخوردار نبوده و در برخی از بخشها تا حد بنگاه و حتی کالا هم پیش رفته و در برخی موارد به برنامه‌ریزی در حد بخش بسنده شده است.

۷. برنامه‌ریزی فضایی بر مبنای آمایش سرزمین و تقسیم کار ملی بین مناطق یا تقسیم کار منطقه‌ای بین نواحی هرگز مورد توجه قرار نگرفته و این امر بی‌توجهی و غفلت از امکانات، فرصتها، ظرفیتها و محدودیت‌ها، تنگناها و نیازهای منطقه‌ای و محلی در برشهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در پی داشته است. پیامد مشخص و روشن این وضعیت، توزیع تصادفی فرصتها، امکانات و منابع در پهنه مناطق و تشدید ناموزونی‌های توسعه در سطح منطقه‌ای و در مرحله بعد باز تولید آن با علیت‌های انباشتی ناشی از سرمایه‌گذاریهایی انجام شده قبلی است.

۸. فقدان همسازي و هماهنگی میان بخشها و مناطق و فقدان برنامه‌ریزی منطقه‌ای از یک سو به تشدید ناموزونی‌های توسعه و انطباق جغرافیایی توسعه نیافتگی بر جغرافیای قومی و فرهنگی منجر گردیده از سوی دیگر عملکرد به شدت انفعالی توزیع پرهزینه و پر از اتلاف منابع در مناطق، به مطالبات و فشارهای منطقه‌ای را در پی داشته است.

۹. برنامه‌های توسعه در ایران غالباً با پیگیری نظام کارشناسی و اعلان هشدارها و زنده‌های مبتنی بر نگرانی‌های ناشی از تداوم روندهای نامطلوب اقتصادی و اجتماعی تهیه گردیده و مدیریت سیاسی یا سفارش‌دهنده و متقاضی اصلی برنامه‌ها نبوده یا تعهد لازم را در اجرای آنها نداشته است. علاوه بر این، فرمان و رهنمودهای سیاسی همواره بر سیاستها و ابزارها و راهکارهای عقلانی برنامه‌ها، سایه انداخته و آنرا به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

۱۰. در بسیاری از برنامه‌ها از جمله برنامه‌های اول، سوم و پنجم عمرانی و اول و دوم و سوم توسعه آنچه در عمل اتفاق افتاده، یا اساساً در برنامه‌ها پیش‌بینی و مورد توجه قرار نگرفته یا سطح توجه، تناسبی با سطح عملی نداشته و در عمل نقش و تأثیر برنامه‌ها به شدت تحت الشعاع اتفاقات خارج از برنامه بوده است.

۱۱. به‌رغم ضرورت منطقی آغاز فرایند برنامه‌ریزی از برنامه‌های بلندمدت و پیش‌بینی‌های مبتنی بر چشم‌انداز دورنگر، هیچگاه در برنامه‌ریزی ایران قبل از تدوین برنامه چهارم توسعه برنامه‌های بلندمدت وجود نداشته و یا برنامه‌های میان مدت متناسب و ارتباطی با چشم‌انداز بلندمدت نداشته است.
۱۲. به‌رغم ضرورت هماهنگی میان بودجه‌های سالیانه با برنامه‌های میان‌مدت، غالباً در عمل این تناسب و هماهنگی از بین رفته و اهداف، راهبردها و سیاستهای میان مدت در برنامه‌ها تحت‌الشعاع تخصیص منابع و تصمیمات موقت و بودجه‌ای قرار گرفته و حتی ادبیات، ابزارها و شیوه‌های بودجه‌ریزی بر نظام برنامه‌ریزی حاکم و مسلط شده است.
۱۳. در بسیاری از موارد برنامه‌ریزی به طرح برخی راه‌حل‌های کلی در قوانین برنامه محدود شده و نه تنها به برنامه‌ها و عملیات اجرایی و مشخص منجر نشده بلکه حتی آئین‌نامه‌ها و مقررات اجرایی آن توسط دولت تهیه نشده است.
۱۴. نظام تهیه، تصویب، اجرا و نظارت برنامه‌های توسعه همواره از ناهماهنگی و گسیختگی‌های شدید رنج برده و در غالب موارد میان نسخه‌های کارشناسی پیشنهادی با قوانین مصوب و عملکردهای واقعی فاصله‌های بسیار زیادی وجود داشته و این امر به ویژه در برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه شدت بسیاری یافته است و بی‌اعتمادی یا رقابتهای سیاسی و فقدان تعاریف و حد و مرزهای قانونی یا عرفی روشن برای دخالت قوای مختلف یا احراز مختلف قوه مجریه و نیز بی‌توجهی به منطق برنامه‌ریزی توسعه به شدت به این گسیختگی دامن زده است.
۱۵. سازمان و تشکیلات مربوط به برنامه‌ریزی توسعه همواره موقت و محدود به دوره تهیه برنامه‌ها بوده و پس از اتمام مراحل تدوین و تصویب برنامه‌ها، این سازمان تعطیل شده است و در عمل امر نظارت و اصلاح برنامه‌ها و هدایت دائمی آن به یکی از سازمانها و اجزا این تشکیلات (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) سپرده شده و معنا و پیامد روشن این اتفاق عدم استمرار در برنامه‌ریزی و تبدیل آن به یک آیین اداری بوده است.
۱۶. مجموع قوانین و مقررات حاکم بر برنامه‌ریزی توسعه در ایران فاقد انطباق و انسجام لازم بوده و در برخی موارد با هم‌پوشانی و تناقض و در برخی موارد با خلاءهای قانونی مواجه‌اند.
۱۷. فقدان ارتباط نظام‌مند میان تهیه و تصویب برنامه توسعه یا گفتمان ارائه شده توسط رئیس جمهور منتخب و یا عبارت دیگر عدم انطباق دوره‌های قانونی فعالیت مجلس شورای اسلامی با دوره قانونی ریاست جمهوری و نیز دوره‌های اجرایی برنامه‌های توسعه، موجب تشنات‌های فراوان و صرف هزینه‌های گزاف ملی برای تغییرات موردنظر دولت یا مجلس در برنامه‌های توسعه می‌شود.
۱۸. معیارها و روش‌های طراحی و اجرای پروژه‌ها همواره به شدت متمرکز و مبتنی بر طراحی و اجرای پروژه‌های بزرگ و پرهزینه و انعطاف‌ناپذیر عمرانی و بی‌توجهی به ملاحظات خاص منطقه‌ای یا

محلی بوده که این امر از یک سو اتلاف منابع ناشی از غیراقتصادی بودن طرحها و پروژهها و از سوی دیگر آسیب پذیری شدید و تأخیرهای طولانی در اجرا، در شرایط کاهش منابع مالی، را در پی داشته است.

۱۹. نظارت بر اجرای برنامه‌های توسعه در ایران امری کاملاً مغفول و فراموش شده است. نظارت بر برنامه‌های توسعه در بهترین شرایط محدود به نظارت عملیاتی و پیشرفت فیزیکی پروژه می‌گردد و ارزیابی اثربخشی و معیارهای اساسی و معنادار برای ارزیابی با موانع معرفتی، ساختاری و حقوقی متعددی مواجه بوده است.

۲۰. سازمان متولی امر برنامه‌ریزی به ویژه در دو دهه اخیر با مشکلات و مسائل متعددی مواجه بوده که بسیاری از کاستی‌ها و ضعف‌های پیش گفته را تشدید نموده است و بطور خلاصه باید گفت این سازمان از قوه مرکزی اندیشه و برنامه‌ریزی توسعه ملی در عمل به سازمان تخصیص بودجه تنزل یافته است.

۲۱. عدم اهتمام و توجه دستگاههای اجرایی به بخش‌های کلیدی برنامه بخصوص اصلاحات ساختاری که بعضاً با منافع دستگاهی در تعارض می‌باشد و تلاش برای تغییر قانون برنامه از طریق تهیه و تصویب لوایح متمم و اصلاحیه از دیگر چالش‌های نظام برنامه‌ریزی توسعه در کشور می‌باشد. فهرست طولانی نقاط ضعف و کاستی‌های نظام برنامه‌ریزی ایران البته به موارد پیش گفته محدود نمی‌شود و موارد متعدد دیگری چون ناهماهنگی میان برنامه‌های توسعه با برنامه‌ریزی اداری، سیاستهای علمی و آموزشی و... را نیز بر آن باید افزود.

ارزیابی عالمانه نیم قرن برنامه‌ریزی توسعه در ایران بیشتر از همه دربردارنده این پیام مهم است که اولاً حجم عظیم منابع انسانی، مالی و طبیعی مصرف شده با دستاوردها تناسبی نداشته و به‌رغم آنکه پیشرفتهای مهمی در برخورداری از مواهب توسعه نسبت به گذشته ایجاد شده اما شکاف و فاصله تاریخی ایران با نظام جهانی و نیز آرمانها و اهداف ملی روز به روز افزایش یافته است.

#### ۴-۳-۴. آسیب شناسی حقوقی نظام برنامه‌ریزی<sup>۱</sup>

مبنتی بر مطالعات انجام شده مهم‌ترین نتیجه‌ای که مقایسه و تطبیق مجموعه قوانین آسیب شناسی حقوقی نظام برنامه‌ریزی ایران با ملاحظه قوانین مرتبط با حوزه برنامه‌ریزی شامل قانون اساسی، قانون برنامه بودجه، قانون محاسبات عمومی و قوانین برنامه‌های ۵ ساله بدست می‌دهد این است که به‌رغم نقش محوری برنامه‌های توسعه طی نیم قرن اخیر در هدفگذاری، تدوین استراتژی‌ها و سیاست‌ها و

۱- همان، صص ۱۳۷-۱۴۰.

تخصیص منابع در کشورمان داشته است، جز قانون برنامه و بودجه سایر قوانین نسبت به آن برخوردی حاشیه‌ای داشته‌اند. بطور کلی سه دلیل عمده را می‌توان به عنوان عوامل این نگاه حاشیه‌ای به نظام برنامه‌ریزی و لوازم قانونی آن برشمرد:

■ تسلط قدرت سیاسی بر تحولات نهادی و قانونی کشور

■ فقدان انطباق زمانی در تدوین قوانین فوق‌الذکر

■ فقدان توجه کارشناسانه به همگونی قوانین مذکور.

با بررسی تطبیقی وظایف و اختیارات قانونی اجزاء نظام برنامه‌ریزی ایران، بطور خلاصه مهم‌ترین کاستی‌ها و ناهماهنگی‌های قانونی در خصوص برنامه‌ریزی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. به‌رغم آنکه در مورد بودجه‌های سالیانه در اصل ۵۲ قانون اساسی حکم معینی وجود دارد ولی

نسبت به ضرورت و یا عدم ضرورت تدوین برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت حکمی وجود ندارد.

۲. به‌رغم آنکه قانون برنامه و بودجه وظایف تدوین برنامه‌های توسعه را بر عهده سازمان برنامه و

بودجه گذارده است، اما اصل ۱۰۲ قانون اساسی به شوراهای عالی استانها اجازه داده است که رأساً برنامه‌ای تهیه و برای تصویب به هیئت دولت یا مجلس شورای اسلامی تقدیم نمایند و این نکته اساساً با منطق برنامه‌ریزی و اعمال هماهنگی لازم مغایرت جدی دارد.

۳. به‌رغم اختیارات قانونی مجلس شورای اسلامی در موارد مهمی چون وامهای خارجی و

موافقتنامه‌های بین‌المللی و قانونگذاری عمومی، محدوده عمل قانونی این نهاد در مورد تغییر لوایح برنامه‌های توسعه مشخص نیست و از آنجا که قانوناً مسئولیت تدوین برنامه‌های توسعه به عهده دولت می‌باشد، به نظر می‌رسد در مواردی که تغییر جزئی بوده و در واقع نوعی برنامه‌ریزی تلقی می‌شود دخالت در وظایف قوه مجریه خواهد بود.

۴. از سوی دیگر به‌رغم اهمیت مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی به عنوان نمایندگان

منویات مردم، نقش آنها در تدوین اهداف آرمانی و کلی برنامه‌ها بطور روشن بیان نشده است.

۵. قانون اساسی وظیفه تدوین سیاستهای کلی را به عهده رهبری (پس از مشورت با مجمع

تشخیص مصلحت نظام) گذارده است. از سوی دیگر قانون برنامه و بودجه وظیفه تدوین سیاستهای اقتصادی را جزء وظایف دولت (پس از مشورت با شورای اقتصاد) برشمرده و حدود و تعریف سیاستها در این دو قانون مشخص نمی‌باشد.

۶. به‌رغم تأکیدهای زیادی که در قانون اساسی و قانون برنامه و بودجه به مشارکت بخشها و

مناطق در تدوین برنامه‌های توسعه وجود دارد و ضرورت منطقی توجه به آن متأسفانه در هیچ یک از نظام‌های برنامه‌ریزی گذشته سازوکاری برای جلب مشارکت نهادها، انجمن‌ها و مناطق مشخص نشده است.

۷. به‌رغم وظایف قانونی شورای عالی امنیت ملی (در اصل ۱۷۶ قانون اساسی) برای هماهنگی نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی کشور، برای این شورا قانوناً هیچ سازوکار و روشی برای اعمال هماهنگی با برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی که فعالیت‌های مهم این حوزه‌ها را مشخص می‌کند تعریف نشده است.
۸. قانوناً سازوکاری برای برقراری گفتگو و ارتباط دوجانبه کارشناسانه نظام برنامه‌ریزی با سیاستگذاران در مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی و شورای عالی امنیت ملی مشخص نشده است و نظام‌های برنامه‌ریزی گذشته نیز فاقد چنین سازوکاری بوده‌اند.
۹. به‌رغم اهمیت وافر نظارت بر برنامه‌های توسعه بسیاری از وظایف نظارتی نهادهای مختلف یا فاقد تعریف و تعیین محدوده یا ابزار نظارتی است یا دارای تداخل می‌باشد؛ بطور مثال به‌رغم وظایف نظارتی دیوان محاسبات، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ... سازوکار نظارتی دائمی برای نظارت معنادار و توسعه‌ای و اعمال اصلاحات وجود ندارد.
۱۰. به‌رغم وظایف قانونی شورای اقتصاد که می‌تواند، به عنوان ناظر بر فرآیند اجرای برنامه‌های توسعه، نهاد عالی نظام برنامه‌ریزی تلقی شود در ترکیب اعضاء و شرح وظایف آن نارسائی‌های جدی وجود دارد.
۱۱. بسیاری مفاهیم اساسی و مهم مانند «برنامه‌ریزی» و «بودجه» و... فاقد تعریف واحد، مشخص و روشن قانونی می‌باشد.

#### ۴-۴-۴. آسیب شناسی محیط سازمانی نظام برنامه‌ریزی<sup>۱</sup>

سومین سطح از محیط برنامه‌ریزی محیط سازمانی است. این سطح مربوط به دستگاه (سازمان اصلی) متولی برنامه‌ریزی توسعه یعنی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است. این سازمان چه مانند ایران تمرکز اصلی اختیارات و مسئولیت‌های مربوط به تدوین برنامه‌های توسعه را بر عهده داشته باشد و چه همانند برخی کشورها چون فرانسه وظیفه دبیرخانه‌ای در نظام برنامه‌ریزی را عهده‌دار باشد، به شدت بر محتوا، ساختار و صورتبندی برنامه‌های توسعه مؤثر است.

برنامه‌ریزان باید توانایی لازم برای شناخت درک استدلالها و عقلانیت‌های آئینی و احساسی را بدست آورند. این صلاحیت شرط مهم برای برخورداری آنان از توان متقاعدسازی در برخورد با سیاستمداران، مدیران و کارشناسان دستگاه‌های اجرایی، نهادهای مدنی و عمومی مردم است. سومین

۱- همان، صص ۱۴۵-۱۴۳

نوع از صلاحیت‌های لازم این کارشناسان، صلاحیت‌های علمی و فنی است. سه دسته صلاحیت علمی در سازمان مرکزی برنامه‌ریزی مورد نیاز است:

■ صلاحیت تعیین راهبردها

■ صلاحیت سیاستگذاری

■ صلاحیت فنی

سازمان مرکزی برنامه‌ریزی باید ضمن برخورداری از این سه دسته از کارشناسان آنها را در سطوح مناسب خود جای دهد و بهم‌ریختگی نقش‌ها ممکن است عواقب و پیامدهای خسارت‌باری دربر داشته باشد. در صورتیکه یک نهاد رهنموددهنده مرکزی (چون نهاد رهبری در ایران) وظیفه تعیین راهبردها را به عهده داشته باشد، انتظار می‌رود کارشناسان راهبرد ساز در این نهاد (همچون مجمع تشخیص مصلحت نظام و یا نهادهای وابسته به آن) حضور فعال داشته باشند و سازمان مرکزی برنامه‌ریزی از کارشناسان اقتصاد و علوم اجتماعی برای سیاستگذاری و از تعداد زیادی تکنسین تخصصی در زمینه‌های آمار، مدلسازی، نقشه‌برداری و در فراهم نمودن زمینه‌های فنی برخوردار شود.

شکل سازمانی سازمان مرکزی برنامه‌ریزی به جای شکل‌های دیوانی یا بروکراتیک، باید با شکل‌های دانشکده‌ای، پروژه‌ای و ماتریسی و یا تلفیقی از آنها تعریف شود. شکل‌های ماتریسی انعطاف‌پذیری برای جابجایی و بکارگیری کارشناسان و متخصصان در سطوح مختلف را فراهم می‌کند و می‌توان در پروژه‌های خاص آن را با شکل‌های پروژه‌ای تلفیق کرد.

همچنین بهترین شکل برای تقسیم کار سازمانی در سازمان مرکزی برنامه‌ریزی این است که بطور کارکردی سه واحد اصلی برای برنامه‌ریزی، ارزیابی و نظارت و بودجه‌ریزی طراحی شوند و معمولاً سه واحد پژوهش، آمار و اطلاعات و ارتباط با بخش‌های غیر دولتی این سه واحد اصلی را پشتیبانی می‌کنند.

#### ۴-۴-۵. آسیب شناسی ارکان نظام برنامه‌ریزی<sup>۱</sup>

نظام برنامه‌ریزی دارای ارکان خاص و تعریف شده‌ای می‌باشد. بدیهی است که برای توفیق نظام برنامه‌ریزی لازم و ضروری است که ارکان این نظام در پیوندی پیش‌برنده با یکدیگر قرار داشته باشند. براساس قوانین موجود راهبردهای کلان برنامه‌ها از طرف رهبری تعیین شده و برای تدوین متن برنامه به دولت ابلاغ می‌شود. جدای از آن که در تدوین این راهبردها که به منزله هدفگذاری برنامه می‌باشد، لازم و ضروری است منویات و نظرات نهادهای کارشناسی و مدنی بسیار جدی اثر گذاشته و در برآیند

۱- همان، صص ۱۴۹-۱۴۷.

خواست‌های نظری، مدنی و سیاسی راهبردهای کلان تدوین شده باشند؛ لازم و ضروری است که دولت (سازمان اجرای برنامه) به راهبردهای کلان به طور کامل وفادار بوده و متن برنامه در چارچوب این راهبردها تدوین شود. به طوری که بتوان کاملاً روشن کرد که مفاد و محتوای برنامه اجرایی شده و عملیاتی شده راهبردهای کلان است.

در مرحله بعد و در بررسی برنامه به قصد تصویب آن، مجلس نیز باید کاملاً رعایت انسجام و پرهیز از گسیختگی منطقی را داشته باشد و کاملاً با عنایت به ضرورت حفظ پیوستگی و سلسله مراتب منطقی، برنامه را مورد بررسی قرار دهد.

این همه در حالی است که بررسی سریع و گذرای تجربه تدوین چهار برنامه پس از انقلاب حکایت از آن دارد که نظام برنامه‌ریزی ایران در مواقعی حتی بدون راهبردهای کلان، اقدام به تدوین برنامه کرده و اگر هم پس از تدوین راهبردهای کلان، فرایند برنامه‌ریزی دنبال شده، بین راهبردهای کلان، متن لایحه برنامه و قانون برنامه انسجام و پیوند منطقی و مورد انتظار وجود نداشته است.

در ادامه بحث لزوم انسجام و پیوستگی مراحل مختلف برنامه، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی نظام برنامه‌ریزی ایران، عدم عنایت و توجه به سازوکار تحقق اهداف برنامه است. بدیهی است هر برنامه‌ای در افق زمانی خود اهدافی را مدنظر دارد به طوری که بدون ترسیم اهداف نمی‌توان ادعای برخورداری از فرایند برنامه‌ریزی کرد. اما نکته حایز اهمیت آنجاست که اولاً: لازم است اهداف در تعامل و گفتگوی سازنده و معنادار بین سه نهاد حاکمیت، کارشناسان و جامعه مدنی ترسیم شده باشند و دارای ابعاد واقعی بوده و از خیال‌پردازی و آرزوپروری کاملاً مبرا باشند. ثانیاً: اهداف مدنظر برنامه از مسیر طراحی و تدوین سازوکارهای منطقی در نهایت عملیاتی شوند. چرا که در غیر این صورت اهداف تنها در صفحه کاغذ و در متن برنامه اسیر شده و هیچ مابه‌ازای واقعی نخواهند یافت. معنای این سخن عدم تحقق اهداف و شکست برنامه می‌باشد. پس به این استناد لازم و ضروری است که اهداف برنامه در مجموعه‌ای سیستمی و تحلیلی، از طریق سازوکارهای منطقی و اثربخش عملیاتی شوند. شایان یادآوری است که نظام PPB بر این اساس شکل گرفته است. نظامی که برنامه (Plan) را نیازمند برنامه عملیاتی (Plogram) می‌داند تا براساس مفاد و محتوای برنامه عملیاتی بودجه (Budget) تدوین شود. این همه در حالی است که نظام برنامه‌ریزی ایران از این زاویه به ویژه از منظر ارتباط منطقی و در مسیر اهداف برنامه یا به طور خلاصه PPB دچار نقصان بسیار جدی است. به طوری که کمتر مشاهده شده که برنامه‌ها نماینده واقعی برنامه و اهداف آن باشند.

هیچ برنامه‌ای هر چه هم که خوب تنظیم شده باشد، نمی‌تواند تمام احتمالات را که ممکن است در جریان اجرای برنامه پیش آید، مدنظر ما قرار دهد. هیچ برنامه‌ریزی هر چند هم درست، نمی‌تواند تمام دشواری‌های توسعه را که در دنیای واقع وجود دارد، از میان بردارد. بنابراین لازم است ارزشیابی نظام‌یافته‌ای از نتایج و مسیر برنامه وجود داشته باشد تا میزان تحقق اهداف و توفیق برنامه، در کنار علل و عوامل ناکامی‌ها شناسایی شوند.

این همه در حالی است که نظام برنامه‌ریزی ایران در مقوله ارزیابی، یا موانع جدی و اثرگذاری روبه‌روست که در نهایت موجبات عدم توفیق نظام برنامه‌ریزی را فراهم می‌آورد. این موانع به طور کلی به شرح زیر می‌باشند:

**(الف) موانع ساختاری:** ساختار متمرکز، تفصیلی و متکی به پروژه‌های بزرگ و پیچیده درجه امکان‌پذیری نظارت توسط سازمان برنامه‌ریزی یا دولت مرکزی را تا حد زیادی کاهش داده است.

**(ب) موانع نهادی:** در بسیاری از موارد نهاد یا سازمان خاصی به طور قانونی و رسمی برای ارزیابی برنامه‌ها یا سیاست‌ها مشخص نشده یا وظیفه ارزیابی به طور مبهم و توأم به عهده سازمان‌های متعددی گذارده شده است.

**(ج) موانع معرفتی:** غالب کارشناسان و مدیران دستگاه برنامه‌ریزی و دستگاه‌های اجرایی با مبانی معرفتی و منطقی معیارهای برنامه‌ریزی آشنایی ندارند و ارزیابی به معیارهای فنی و بودجه‌ای یا اثربخش محدود شده است.

**(د) موانع مربوط به فقدان نهادهای نظارتی عمومی:** مطبوعات، احزاب و نهادهای مدنی (صنفی و سیاسی)، دانشگاه‌های مستقل در غالب کشورها نقش محوری را در ارزیابی و نظارت خود به خودی و مستمر برنامه‌ها بر عهده دارند. فقدان یا ضعف این نهادها در ایران تا حد بسیار زیادی ارزیابی و نظارت برنامه‌ها را غیرممکن کرده است.

**(ه) فقدان واحد مشخص مسئول نظارت در سازمان مرکزی برنامه‌ریزی کشور:** به طور سنتی هم در ساختار تشکیلاتی سازمان برنامه‌ریزی ایران و هم سایر کشورها یکی از معاونت‌های اصلی مسئولیت ارزیابی و نظارت بر برنامه‌ها را بر عهده دارد در حالی که با تغییر تشکیلات سازمان در سال ۱۳۶۴ این معاونت حذف و وظیفه آن در دفاتر بخشی ادغام شد تا اینکه در سال ۱۳۸۶ سازمان

مدیریت و برنامه‌ریزی در قالب معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی نهاد ریاست جمهوری باز تعریف گردید و امید است بتواند بعد نظارت بر برنامه‌های توسعه را تقویت نماید.

#### ۴-۴-۲. آسیب شناسی ساختاری نظام برنامه ریزی

در خاتمه بخش مربوط به چالش‌های ساختاری نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران به طور خلاصه و در مقایسه شرایط فعلی با شرایط مطلوب در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، می‌توان جدول زیر را ارائه کرد تا ضمن شناسایی شرایط و وضعیت فعلی، بسترهای مناسب برای نیل به توسعه همه‌جانبه در یک نظام برنامه‌ریزی کارآمد، فاصله شرایط موجود تا شرایط مورد انتظار مشخص شود:<sup>۱</sup>

جدول شماره (۲۲): موانع و بسترهای ساختاری نیل به توسعه همه جانبه

عناوین	ویژگیهای نامناسب وضعیت موجود ایران	ویژگیهای وضعیت مطلوب
<b>(۱) ویژگی‌های اقتصادی</b>		
ساختار بازارها	ایستا و غیر قابل انعطاف همراه با قیمت‌گذاری اداری متغیرهای کلیدی اقتصاد	پویا و انعطاف پذیر
فضا و عرصه رقابت	ملی (ناکارآمد، انحصاری، حمایتی و تحت تأثیر فضای سیاسی)	ملی، جهانی و منطقه‌ای
ساختار سازمانی	دیوان‌سالاری اداری	شبکه‌ای، الکترونیکی
بافت اقتصادی تولید	سنتی، تجاری و متکی به منابع طبیعی	صنعتی و خدماتی متکی به دانایی
منبع ارزش اقتصادی	نفت، مواد خام و سرمایه فیزیکی	سرمایه‌های انسانی و اجتماعی
<b>(۲) ویژگی‌های کسب و کار</b>		
ویژگی تولید	غیر رقابتی و در مقیاس داخلی	تولید محصول قابل انعطاف با سلیقه مشتری و تقاضای بازار و با کیفیت و استفاده بهینه از ظرفیتهای موجود با رویکرد جهانی
محركهای کلیدی رشد	درآمدهای نفتی	سرمایه، فناوری و ارتباطات
محركهای کلیدی فناوری	درآمدهای نفتی	فناوری اطلاعات و ارتباطات
منبع مزیت رقابتی	رانت‌های نفتی	نوآوری، ابداع، کیفیت و سرعت در مدیریت زنجیره عرضه
اهمیت تحقیق و نوآوری	بسیار کم	متوسط و زیاد
روابط بنگاهی	ضعیف، متمرکز و منفرد	تشریک مساعی و دریافت خدمات از بیرون

۱- همان، صص ۱۸۳-۱۸۰.

بنگاه		
<b>۳) ویژگی‌های مصرف‌کنندگان</b>		
سریعاً در حال تغییر	ایستا و با تغییر اندک	سلیقه‌ها
دامنه وسیعی از مهارت‌ها با قابلیت انطباق بالا	مهارت‌های خاص شغلی	مهارت‌ها
تحصیل و یادگیری در طول زندگی	مهارت‌های شغلی و مدرک تحصیلی	نیازهای آموزشی
تشریک مساعی و کار گروهی	اداری و ناهماهنگ	روابط محل کار
همراه با مخاطره و فرصت	ایستا و بدون خطرپذیری	ماهیت اشتغال
<b>۴) ویژگی‌های دولت</b>		
حمایت از فرصت‌های رشد	تحمیل مقررات با کنترل و نظارت نامناسب و توزیع نادرست رانت	روابط دولت با صاحبان کسب و کار
انعطاف‌پذیری، توأم با ایجاد فضای رقابت‌پذیری	دستوری همراه با کنترل و نظارت نامناسب و در نوسان	ماهیت قوانین و مقررات
هدفمند و توانمندساز	یارانه‌ای بدون هدف	خدمات دولتی
خلاقیت و کارآفرینی	بوروکرات	نقش مدیران
تأکید بر ستاده‌ها (هدفها و نتایج)	تأکید بر داده‌ها و فرآیندها (بودجه و کنترل در قوانین و مقررات)	تأکید سیستمی
مدت‌دار و براساس شایستگی	مادام‌العمر	شیوه استخدامی
حداقل مداخله و حداکثر نقش بازار، توأم با هدایت و حداکثر حضور در قلمرو تولید کالاهای عمومی	حداکثر مداخله و حداقل نقش بازار	نقش دولت و میزان مداخله آن
سلسه مراتبی و پاسخگو	بوروکراتیک و غیر پاسخگو	نوع پاسخگویی
<b>۵) ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی</b>		
شایسته‌گرایی	همراه با تجمل‌گرایی، ظاهرسازی، عوام‌گرایی و رابطه‌گرایی	نظام ارزش‌های
حضور همه‌جانبه و مؤثر در سطح جهانی	درون‌گرا	ارتباطات
آینده‌نگر با پذیرش الگوهای نوین بومی شده	درب‌گیرنده گذشته‌گرایی با تکیه بر الگوهای سنتی	تغییرپذیری
امیدوار، با نشاط و تلاشگر برای ساختن آینده‌ای روشن	همراه با بی‌اعتمادی نسبت به آینده و بی‌حرکی	رویکردهای فردی
توجه به خلاقیت و پرورش استعدادها برای یافتن مشکلات و حل آنها با بهره‌گیری از تفکر و اندیشه	تقویت محفوظات و دور کردن افراد از پرسشگری و پژوهش	نظام آموزشی
در اولویت قراردادن منافع سازمان و جامعه	همراه با توجه به منافع فردی و بی‌توجهی به منافع سازمانی و جامعه	منافع مادی
پشتکار و مسئولیت‌پذیری توأم با وجدان کار بالا	درب‌گیرنده وجدان ضعیف کار	فرهنگ کار

به نظر می‌رسد در چارچوب رویکردهای مرسوم و متعارف برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران، به دلایل روش‌شناختی، تعریف توسعه موضوعیت نمی‌یابد. سابقه برنامه‌های توسعه کشور در بیش از نیم قرن طی سالهای قبل و بعد از انقلاب نیز نشان می‌دهد که در هیچیک از آنها تعریف روشنی از توسعه ارائه نشده و برنامه مبتنی بر تعریف و طرز تلقی معینی از مفهوم توسعه نبوده است، لیکن عوارض این

خلاً اساسی همواره دامنگیر برنامه‌های مذکور بوده است. که یکی از نمودهای آن، گسست ایده‌های برنامه در درون طراحی و تدوین با آنچه به عنوان سند مورد تصویب قرار گرفته و بالاتر از آن گسست این دو با آنچه اجرا شده و در عینیت تحقق یافته، می‌باشد.<sup>۱</sup>

#### ۴-۴-۱. آسیب‌شناسی نظری نظام برنامه ریزی<sup>۲</sup>

بررسی‌ها نشان می‌دهد نظام برنامه‌ریزی ایران با سابقه نسبتاً طولانی در تدوین اصول و خط‌مشی برنامه‌های میان مدت و دراز مدت توسعه، دچار ضعف تئوریک می‌باشد. ارزیابی نظری برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی، این کاستی اساسی را تأیید می‌نماید. عدم پرداختن به این معضل اساسی در برنامه توسعه اجتماعی، اقتصادی ایران نزد مراکز علمی و متولیان امر برنامه‌ریزی به علت تمرکز بر ارزیابی اجرایی برنامه‌هاست. ارزیابی صرفاً اجرایی از برنامه باعث تقویت نگرش خردگرایانه، غیر سازمان‌یافته و عدم تشخیص علل واقعی در بحرانهای موجود برنامه می‌گردند. در این حالت عناصر اجتماعی - اقتصادی و سیاسی برنامه منقطع و بریده از یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته و بر حسب شرایط و ضرورت یکی از این عناصر بر ساختار نظام اجتماعی تسلط می‌یابد. بر این اساس سازمان نیافتگی نظام تشدید می‌گردد و سلیقه‌های فردی یا گروهی به جای تفکر سازمان یافته نظری که مورد اجماع نظری اندیشمندان باشد به ترسیم آرمان نظام اجتماعی و تدوین برنامه‌های توسعه می‌پردازد. بازیافت این شرایط ایجاد زمینه اجتماعی خاصی خواهد بود که در آن ثبات، تعادل و هماهنگی امکان ظهور و تقویت نمی‌یابند. در شرایط عدم تعادل، انحرافات اجتماعی، شکاف بین انتظارات و واقعیات اجتماعی و نهایتاً عدم مشروعیت ساختاری نظام اجتماعی و تقویت می‌گردند. کاهش مشروعیت ساختاری به معنای ظهور و گسترش ارزشهایی است که با واقعیات اجتماعی موجود در تعارض قرار می‌گیرند. در این حالت جهت‌تثبیت آن ارزشها ساختار اجتماعی دیگری مورد نیاز است.

آرمانهای انقلاب و ارزشهای موجود در ایدئولوژی اسلامی باعث گردیدند که در هر دوره اهداف متعالی خاصی ترسیم گردند. این اهداف در زمره آرمان‌ها، هنجارها و یا قوانین اجتماعی، اقتصادی به شمار می‌روند. آنچه اهمیت دارد طراحی این قوانین است. زمانی طراحی قوانین براساس اهداف معینی معنای نظری و علمی می‌یابند که در ابتدا «هویت نظری و یا تئوریک نظام اجتماعی» مورد نظر با روایی بالا ارائه گردد. در این حالت قوانین و هنجارها به صورت شفاف ارائه می‌گردند و فعالیت‌های هماهنگ و سازمان‌یافته به صورت نهادمند در درون نظام اجتماعی انجام می‌گیرند. این در حالی است که ضعف تئوریک در تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی به

۱- همان، ص ۲۳۶.

۲- همان، صص ۲۴۰-۲۳۸.

تعارضات روش‌شناختی و عدم ضمانت در اجرای قوانین جهت دستیابی به آرمانهای موجود در نظام منجر گردیده است.

جدول شماره (۲۳): چالش‌های نظری برنامه‌های توسعه در ایران

فقدان انسجام نظری و عدم التزام به یک استراتژی واحد و مشخص
انحراف و تغییر در سمت و سوی راهبردها در عمل، بدلائل گوناگون
ناسازگاری نظریه‌های منتخب با اقتضانات و فرهنگ بومی

تجربیات برنامه‌ریزان در ایران بیانگر این امر می‌باشند که طراحی و یا گزینش چارچوب نظری منطبق با شرایط و ساختار نظام اجتماعی از ملزومات اساسی نظام برنامه‌ریزی ایران به شمار می‌رود. در شرایط فعلی اجماع نظر اندیشمندان مورد اعتماد نظام جمهوری اسلامی که به دور از هر گونه تنش سیاسی، دیدگاه نظری روشنی را ارائه نماید و توسط دولت ملی در جامعه ارائه و اجرا گردد، می‌تواند به بن‌بست نظری فعلی به تدریج خاتمه دهد، تحت این شرایط تعدد مراکز قدرت به صورت سازمان یافته در خدمت نظام اجتماعی در می‌آیند، مفاهیم موجود در نظام برنامه‌ریزی تعاریف نظری و عملی می‌یابند، عدم انسجام سازمانی به تدریج کاهش می‌یابد و مدیریت‌های نظام اجتماعی براساس اصول و مقررات معینی گزینش و تحت یک نظارت علمی مداوم قرار می‌گیرند. مجموعه این شرایط می‌تواند یک بستر فعال و پویا را جهت تدوین سیستمی برنامه توسعه فراهم سازد.

جدول شماره (۲۴): شاخصه‌های نظریه توسعه بومی

ایجاد وفاق نسبی میان صاحب‌نظران و سیاستگذاران
توجه به خصلتها و ویژگیهای بومی جهت کاهش اثر موانع ساختاری
سازگاری میان اهداف و آرمانهای جامعه

بررسی تاریخ اقتصادی کشور طی سالهایی که نظام مدیریت کلان کشور، علی القاعده می‌بایست مبتنی بر برنامه‌های بلندمدت عمرانی توسعه حرکت نماید، نشان می‌دهد که، به‌رغم وجود یک برنامه قانونی و مصوب، در هر یک از مقاطع مختلف تاریخ اقتصادی، یک بحران، اضطراب و اجبار به ناچار به جامعه تحمیل شده، ساختارها و شرایط را تغییر داده و دولت را بخود مشغول داشته است.

اجرای برنامه اصلاحات اراضی در مواجهه با نفوذ تبلیغاتی بلوک شرق و گرایش‌های چپ کمونیستی، اوج‌گیری درآمدهای نفتی در دهه پنجاه و به تعجیل واداشتن حکومت برای پیشروی به سمت دروازه‌های تمدن بزرگ، وقوع انقلاب و مسائل مربوط به تثبیت نظام در ابتدای دهه شصت، تحریم و محاصره اقتصادی و تلاش برای تأمین امنیت غذایی و سایر کالاهای اساسی مورد نیاز جامعه بویژه حمایت از اقشار، مستضعف، فقیر و پر جمعیت و به تعبیری حامیان و پشتوانه‌های انقلاب، تأمین هزینه‌های سرسام‌آور جنگ تحمیلی و تهیه تجهیزات و ادوات جنگی مورد نیاز، تنزل شدید درآمدهای حاصل از فروش نفت خام بواسطه صدمات عظیم به مراکز تولید و پالایش نفت و بعضاً هم بدلیل افت قیمت جهانی، تقارن اتمام جنگ با اوج‌گیری انتظارات و مطالبات مردم خسته از تنگناهای جنگ و ضرورت بازسازی کارخانجات و مراکز صنعتی آسیب‌دیده از جنگ و احیاء توان نظام تولیدی کشور، سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی و ایجاد زیرساخت‌های کلان در جهت جبران مطالبات معوق مانده مردم برای کالاهای و خدمات عمومی (نظیر آب، برق، سوخت، تلفن، جاده و...) تحقق نیافتن درآمدهای ارزی و همزمان شدن با موعد سررسید شدن وام‌ها و اعتبارات خارجی (کوتاه مدت و گران‌قیمت) و وقوع بحران بدهی‌های خارجی، فقدان وجود انگیزه کافی برای مشارکت بخش خصوصی در نظام تولیدی کشور و ضرورت تقویت سرمایه‌گذاری‌های دولتی در برخی حوزه‌های استراتژیک (نظیر نفت، فولاد، خودرو و...) و در دهه اخیر نیز مسئله بیکاری ۲۰ میلیون جوان جویای کار که بواسطه سیاست‌های مشوق رشد جمعیت اوایل انقلاب، بروز کرده و ضرورت ایجاد حدود ۸۰۰/۰۰۰ شغل در هر سال به مدد درآمدهای نفتی انباشت شده در حساب ذخیره ارزی، توزیع مجدد درآمد و ثروت و تمرکززدایی و تفویض اختیار بیشتر به استانها، از جمله این مسائل می‌باشند.

در پایان این بخش جهت رویت شمایی عمومی از نحوه عملکرد دولت در قبال اقتصاد، طی تقریباً نیم قرن حضور نظام برنامه‌ریزی در کشور، در جدول ذیل بسترهای محیطی و دل‌مشغولی‌های دولت و نحوه واکنش و مواجهه‌اش با بحران‌های حادث شده، در مقاطع مختلف، ارائه شده است:

جدول شماره (۲۵): چرخشهای کارکردی دولت در اقتصاد ایران طی سالهای اجرای برنامه‌های توسعه

مقطع	شرایط موجود	دل مشغولی و دغدغه دولت	نحوه مواجهه دولت (نوع سیاستگذاری)	دلایل و انگیزه دولت
قبل از دهه ۴۰	دوره استقلال طلبی کشورهای مستعمره و مباحث داغ توسعه کشورهای جهان سوم	ایجاد مکانیسمی برای پیش بینی و مقابله با حوادث آتی به شکل از پیش تدوین شده و جلوگیری از تصمیمات آتی و مقطعی	تأسیس سازمان برنامه و تدوین برنامه‌های ۲ یا ۵ ساله	افزایش تأثیرگذاری سیاست‌ها
اوایل دهه ۴۰	جو عدالت طلبی، فاصله طبقاتی، رکود	نارضایتی عامه مردم، تبلیغات مارکیست‌ها، فشار آمریکا برای ایجاد تغییرات	اصلاحات ارضی، سهم کردن کارگران در سود کارخانه، واگذاری برخی صنایع به بخش خصوصی، حمایت از صنایع کوچک	جلوگیری از شورش‌های احتمالی و انقلابات
اوایل دهه ۵۰	افزایش قیمت نفت	نحوه مصرف نمودن درآمدهای (دلارهای) اضافی و مازاد، جبران محرومیت‌های گذشته	تغییر برنامه پنجم، شروع به انجام امور زیربنایی رشد سریع	توسعه سریع
۵۷-۵۹	وقوع انقلاب، فرار مدیران و متخصصان، شورش در کارخانه‌ها علیه مدیران، خطر محاصره اقتصادی	حفظ انقلاب، ادامه تولید جلوگیری از تعطیلی کارخانجات، تأمین ارزاق عمومی مردم	تدوین قانون حفاظت از صنایع و لایحه مدیریت و نفوذ دولت در صنایع، سفارش و خرید ارزاق عمومی یکساله کشور	جلوگیری از هرج و مرج
۵۹-۶۸	وقوع جنگ، تعطیلی بسیاری از کارخانجات تولیدی، کمبود و افزایش قیمت کالاها، هزینه فوق العاده جنگ، آسیب دیدن تأسیسات زیربنایی کشور، کاهش شدید درآمد نفتی	حفظ موجودیت کشور، حتی الامکان جلوگیری از تعطیلی واحدها، تأمین کالاهای اساسی مورد نیاز مردم و تأمین هزینه‌های جنگ	سهمیه‌بندی و کوپنی کردن ارزاق عمومی، جلوگیری از افزایش شدید کالاهای اساسی مورد نیاز مردم، استفاده از یوزانس، استقرار از بانک مرکزی	رضایت مردم بخصوص اقشار آسیب پذیر در داخل و مقابله با دشمن در خارج
۶۸-۷۶	پایان جنگ، افزایش انتظارات مردم، کمبود منابع مالی، تعطیل بودن بسیاری از واحدهای تولیدی، عدم شفافیت قیمت کالا و ارز، کارایی پایین واحدهای فعال	پاسخ سریع به نیازهای انباشته شده مردم، آغاز به کار هر چه سریعتر واحدهای تولیدی، افزایش کارایی واحدها، تأمین منابع مالی مورد نیاز، شفاف شدن قیمت‌ها، نشان دادن وضعیت مطلوب کشور پس از جنگ به خارجیان، بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ	استقرار خارجی، تصمیم و اجرای (ناقص) خصوصی سازی، تک نرخی کردن ارز (و سپس تغییر آن)، مداخله دولت در ساخت بسیاری از تأسیسات زیربنایی	رضایت مردم، آغاز فعالیتهای عادی و روزمره
۷۶-۸۳	بیکاری گسترده	ایجاد اشتغال	طرح‌های متنوع اشتغال‌زایی از جمله طرح ضربتی	جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و سیاسی
۸۳ به بعد	توجه محوری به سیاست‌های اقتصادی رشد محور و تمرکزگرا طی چهار دوره ریاست جمهوری گذشته	توجه به اقشار آسیب پذیر و گروه‌های درآمدی پایین و توجه ویژه به استان‌ها، بخصوص استان‌های کمتر توسعه یافته و محروم	توزیع مجدد درآمد و ثروت، تمرکززدایی و تفویض اختیار بیشتر به استانها	پاسخگویی به مطالبات مردم و تحقق وعده‌های انتخاباتی

همانگونه که ملاحظه گردید دولت طی این سالها، البته هر چند دیر هنگام و اغلب منفعلانه، تلاش نموده است تا تمام توان و انرژی خود را جهت ساماندهی بحران‌ها و به تعبیری عدم تعادل‌های حادّ و خطرناک، صرف نماید و بنظر می‌رسد که اساساً دوره تنفس و درنگی نیز وجود نداشته است، به تعبیری پایان هر دوره، با وقوع حادثه‌ای جدید و گسستی در نحوه نقش‌آفرینی دولت همگام شده است. هر چند که بعضاً تمرکز یافتن بر روی رفع یک عدم تعادل و بحران، خود عدم تعادل دیگری را در آینده سبب‌ساز شده است و لیکن تعداد و فراوانی این تحولات ساختاری در طول تقریباً پنجاه سال بسیار بالا می‌باشد، نکته حائز اهمیت دیگر کم‌رنگ بودن اقدامات و سیاست‌های پیشگیرانه و دوراندیشانه بوده است. از اینرو پیشنهاد و توصیه سیاستی منتج از این بخش می‌توان بدین شرح ارائه نمود:

دولت بایستی بصورت آگاهانه آینده‌نگری و پیش‌بینی تحولات ساختاری و گسست‌های تاریخی و عدم تعادل‌های حاد و بحران‌های اقتصادی محتمل‌الوقوع و سپس پیشگیری، مقاوم‌سازی و پایدارسازی بستر کسب و کار اقتصادی را در قالب نظام برنامه‌ریزی توسعه، دستور کار دائمی خود تلقی نماید. .

جدول شماره (۲۶): دل‌مشغولی‌های دولت در طی دوران حضور نظام برنامه‌ریزی توسعه

اصلاحات اراضی در مواجهه با نفوذ تبلیغاتی بلوک شرق در دهه چهل
اوج‌گیری درآمدهای نفتی در دهه پنجاه
وقوع انقلاب و مسائل مربوط به تثبیت نظام در ابتدای دهه شصت
تحریم و محاصره اقتصادی در سالهای آغازین بعد از انقلاب
تأمین هزینه‌های سرسام‌آور جنگ تحمیلی در دهه نخست بعد از انقلاب
وقوع بحران بدهی‌های خارجی و تروم در طی سالهای اجرای برنامه توسعه
تقارن اتمام جنگ با اوج‌گیری مطالبات مردم خسته از تنگناهای جنگ
فقدان وجود انگیزه کافی برای مشارکت بخش خصوصی در نظام تولیدی کشور
مسئله بیکاری ۲۰ میلیون جوان جویای کار و ضرورت اشتغالزایی
توزیع مجدد درآمد و ثروت و تمرکززدایی و تفویض اختیار به استانها

## ۴-۵- ساختار پیشنهادی نظارت راهبردی بر مبنای چشم انداز

### ۴-۵-۱. راهکارهای اصلاح نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران<sup>۱</sup>

۱. با توجه به مبانی معرفت‌شناختی و منطقی برنامه‌ریزی توسعه و ارزیابی عملکرد برنامه‌های گذشته؛ ضرورت دارد رویه‌های موجود یعنی برنامه‌ریزی تفصیلی و جامع برای همه بخش‌ها در یک افق پنج ساله با یک برنامه‌ریزی چهار مرحله‌ای به شرح زیر، هم در سطح ملی و هم مناطق جایگزین شود:

مرحله اول: شناسایی و تدوین چشم‌انداز بلندمدت توسعه ملی  
مرحله دوم: شناسایی مهم‌ترین مسایل ملی در دو برش بخشی و منطقه‌ای.  
مرحله سوم: تهیه برنامه جامع معطوف به مسایل اساسی شناسایی شده.  
مرحله چهارم: تبدیل برنامه‌های جامع به مجموعه‌ای از اقدامات اجرایی، نهادی و عملیاتی معطوف به حل مسایل.

۲. سازماندهی برنامه‌ریزی توسعه با دو رویکرد مشارکت‌یابی و استمرار اصلاح و سازمان و تشکیلات جدید در کلیه کمیته‌ها، شوراهای و نهادهای تصمیم‌گیری با ترکیبی سه جانبه از مدیران سیاسی، کارشناسان و صاحبان تخصص و نهادهای صنفی و مدنی تشکیل شود، نظام جدید به عنوان نهادهای دایمی وظیفه نظارت بر برنامه‌ها و سیاست‌ها و انجام اصلاحات لازم را بر عهده گیرد.

۳. با مطالعه دقیق و تفکیک وظایف و اختیارات دولت به سه سطح ملی، منطقه‌ای و محلی و با دو برش اعمال حاکمیت و اعمال تصدی، برنامه دقیق، منسجم و زمان‌بندی شده‌ای با رعایت کلیه وجوه سیاسی، اداری، مالی و اجتماعی برای تمرکززدایی تدریجی در نظام برنامه‌ریزی تدوین شود.

۴. نقشه آمایش سرزمین ملی به عنوان یک سند بالا دست و مهم در تهیه برنامه‌های ملی، منطقه‌ای و نیز تقسیم کار بین مناطق و هماهنگی برنامه‌های بخشی و منطقه‌ای تهیه و براساس آن و با رعایت حداکثر هماهنگی و انجام سطح‌بندی جدید منطقه‌ای و محلی تعریف گردد.

۵. مجموعه قوانین و مقررات حاکم بر برنامه‌ها و بودجه با رویکرد انسجام، روشنی، هماهنگی و مشارکت‌یابی اصلاح شود. به ویژه هم‌نوایی لازم میان قوانین زیر بسیار ضروری است:

■ قانون برنامه و بودجه

۱- همان، صص ۲۶۳-۲۶۰.

■ قانون محاسبات عمومی

■ قانون دیوان محاسبات

■ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی

۶. وظیف ارزیابی (اعم از قبل اجرا، حین اجرا و پس از اجرا) برنامه‌های توسعه به سه دانشگاه یا مرکز پژوهشی معتبر واگذار گردد و بررسی برنامه توسط مجلس منوط به جلب موافقت و نظر اصولی آنها شود.

۷. تشکیلات و سازماندهی وظایف در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اصلاح و سازماندهی کارکردی با ایجاد چهار معاونت ارزیابی و نظارت، برنامه‌ریزی توسعه، بودجه‌ریزی و معیارهای فنی اصلاح و آموزش و تجهیز علمی، فنی ارتباطی و طراحی نظام پرداخت مناسب برای کارشناسان در دستور کار قرار گیرد. در این میان اصلاح ساختار و تجهیز سازمان استانی از اولویت ویژه‌ای برخوردار است.

۸. لازم است یک مؤسسه پژوهشی در حوزه برنامه‌ریزی و توسعه سازماندهی لازم برای پشتیبانی آموزشی و پژوهشی و ارتباطی واحدهای اصلی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و ارتباطی دائمی با آن را بر عهده گیرد. در این میان ایجاد دبیرخانه دائمی نقد و ارزیابی برنامه‌های توسعه بسیار ضروری است.

۹. شایسته است تصویب لوایح برنامه توسعه دو مرحله‌ای گردد. در مرحله اول کلیات و جهت‌گیری‌های اصولی توسعه ملی جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم شود و طراحی سیاست‌ها و تخصیص منابع و سازماندهی اجرایی به دولت تفویض گردد.

۱۰. برای کاهش تغییرات لوایح، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه در مرحله طراحی و تدوین، نمایندگان عضو کمیسیون‌های مربوطه یا کارشناسان و مشاوران مرتبط با آنها در شوراها و کمیته‌های برنامه‌ریزی حضور داشته و با منطبق این برنامه‌ها آشنا باشند.

۱۱. سازماندهی و تقسیم کار کمیسیون‌های تخصصی در سه نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام، سازمان برنامه‌ریزی کشور و مجلس شورای اسلامی بطور هماهنگ و همسان اصلاح یابد.

#### ۴-۵-۲. اولویت‌های استراتژیک اقتصادی برنامه‌های توسعه

در نظارت راهبردی بر مبنای چشم انداز تمرکز بر اولویت‌های استراتژیک انجام می‌شود. در واقع آنچه در افق چشم انداز می‌باید تحقق یابد ابتدا در قالب اولویت‌های استراتژیک تعریف می‌شود. برای این منظور مراحل زیر طی می‌گردد:

۱- شناخت وضعیت موجود

۲- شناخت وضعیت مطلوب (چشم انداز)

۳- تحلیل فاصله میان وضع موجود و وضع مطلوب

۴- طراحی نقشه راه

در انجام مرحله چهارم گام های اساسی برای رفتن از وضع موجود به وضع مطلوب تعریف می شوند. این گام های اساسی مبنای تعیین اولویت های استراتژیک برنامه ها خواهد بود. این اولویت ها در سیاست های کلی برنامه ها نمود خواهد داشت. به عبارت دیگر سیاست های کلی چیزی جز بیان اولویت های استراتژیک بر مبنای چشم انداز نیست. برای نمونه در اینجا اولویت های استراتژیک برنامه چهارم توسعه که از سیاست های کلی برنامه چهارم قابل استنباط است آورده می شود. ابتدا مولفه اساسی در یک اقتصاد را می توان در سه دسته مولفه های رشد، مولفه های تثبیت و مولفه های توزیع دسته بندی کرد در این صورت عناصر این مولفه ها در سیاست های کلی برنامه چهارم به شرح زیر است.

#### ۱- مولفه های رشد

۱. رشد اقتصادی پیوسته، باثبات و پرشتاب متناسب با اهداف چشم انداز
۲. رشد بهره‌وری عوامل تولید
۳. پایدارسازی فرآیند توسعه (تبدیل درآمد نفت و گاز به دارایی‌های مولد)
۴. ارتقاء بازار سرمایه ایران و اصلاح ساختار بانکی و بیمه‌ای
۵. توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی و کاهش تصدی دولت (اصل ۴۴)
۶. تحقق رقابت‌پذیری و توسعه صادرات غیرنفتی
۷. دستیابی به اقتصادی متنوع و متکی بر منابع دانش و آگاهی، سرمایه انسانی و فناوری نوین.

#### ۲- مولفه های تثبیت

۱. مهار تورم
۲. کاهش نرخ بیکاری
۳. تأمین امنیت غذایی
۴. قطع اتکای هزینه‌های جاری به نفت
۵. نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای
۶. ثبات اقتصادی و مهار نوسانات
۷. تثبیت فضای اطمینان و ایجاد اعتماد
۸. حمایت از سرمایه‌گذاران

۱. کاهش فاصله بین دهک های بالا و پایین درآمدی
۲. افزایش قدرت خرید گروه های کم درآمد و محروم و مستضعف
۳. تأمین مسکن گروه های کم درآمد
۴. توسعه روستاها
۵. هم افزایی و گسترش فعالیت های اقتصادی در چارچوب سیاست های آمایش سرزمین.
۶. مشارکت عامه مردم در فعالیت های اقتصادی

۴-۵-۳. الگوی کنترل و ارزیابی راهبردی برنامه : (مورد مطالعاتی برنامه چهارم)

برای انجام کنترل راهبردی برنامه قبل از اجرا و یا ارزیابی راهبردی عملکرد برنامه پس از اجرا پس از استخراج اولویت های استراتژیک از سیاست های کلی برنامه می باید هر یک از مواد برنامه از جهت درجه تمرکز هر یک از اولویت های یاد شده در عناصر زیر مجموعه مولفه های اساسی مورد ارزیابی و قضاوت کارشناسی قرار گیرد. این درجه تمرکز را در ۵ دسته به صورت جدول زیر می توان تعیین کرد :

جدول شماره (۲۷) : طیف بندی درجه تمرکز

درجه تمرکز برنامه بر اولویت های استراتژیک				
۰	۱	۲	۳	۴
بدون تمرکز	تا ۲۵ درصد	۲۶ تا ۵۰ درصد	۵۱ تا ۷۵ درصد	۷۶ تا ۱۰۰ درصد

تعریف درجه تمرکز بر اساس طیف بر براین اساس صورت گرفته است که هیچ خطکش و معیار دقیقی برای قضاوت وجود ندارد. در این صورت وجود یک طیف برای قضاوت ارزیابی را تسهیل بخشیده ، جمع بندی را بهتر به انجام می رساند.

در اینجا برنامه چهارم توسعه را که اولین برنامه از چشم انداز بیست ساله می باشد، با محک الگوی مذکور مورد ارزیابی قرار می دهیم. در برآورد درجه تمرکز مواد برنامه بر اساس نظر محقق که خود دانش آموخته رشته اقتصاد است عمل شده و در این رابطه سعی شده است که دقت لازم صورت گیرد. در بهترین حالت بر اساس نظر خبرگی میانگین نظرات دو یا سه کارشناس می تواند لحاظ شود. در جداول بعد نتایج این ارزیابی به ترتیب در اولویت های استراتژیک برنامه چهارم در مولفه های رشد ، تثبیت و توزیع آمده است .

جدول شماره (۲۸): میزان تمرکز مواد برنامه چهارم بر اولویت های استراتژیک مولفه رشد در سیاست های کلی برنامه

برنامه مواد	درجه تمرکز برنامه بر اولویت استراتژیک		اولویت های استراتژیک رشد پایدار در سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه						
	بدون تمرکز	۰	رشد اقتصادی پیوسته، باثبات و رشد پرشتاب متناسب با اهداف چشم انداز	رشد بهره‌وری عوامل تولید	پایدارسازی فرآیند توسعه (تبدیل درآمد نفت و گاز به دارایی‌های مولد)	ارتقاء بازار سرمایه باکی و اصلاح ساختار بانکی و بیمه‌ای	توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی و کاهش تصدی دولت	تحقق رقابت پذیری و توسعه صادرات غیرنفتی	دستیابی به اقتصادی متنوع و متکی بر منابع دانش و آگاهی، سرمایه انسانی و فناوری نوین.
	تا ۲۵ درصد	۱							
	۲۶ تا ۵۰ درصد	۲							
	۵۱ تا ۷۵ درصد	۳							
	۷۶ تا ۱۰۰ درصد	۴							
عنوان برنامه های اصلی متمرکز بر اولویت های استراتژیک									
۱	ایجاد «حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت.	۳	۰	۰	۴	۱	۲	۰	
۲	تأمین اعتبارات هزینه‌ای دولت به طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیرنفتی.	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۰	
۳	تثبیت قیمت حامل های نفتی، گاز، برق و آب، همچنین نرخ خدمات فاضلاب، ارتباطات تلفن و مرسولات پستی در سال اول برنامه چهارم.	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	
۴	ممنوعیت برقراری هرگونه تخفیف، ترجیح و یا معافیت جدید مالیاتی و حقوق ورودی	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	
۵	هدفگذاری، سنجش و ارزیابی و تشویق عملکرد بهره‌وری دستگاههای اجرایی.	۱	۴	۰	۰	۰	۰	۰	
۶	استفاده از همه روشهای امکان پذیر، در خصوصی سازی و توانمند سازی بخش غیر دولتی.	۱	۰	۰	۰	۴	۰	۰	

ادامه جدول شماره (۲۸)

اولویت های استراتژیک رشد پایدار در سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه							عنوان برنامه	مواد برنامه
رشد اقتصادی پیوسته، باثبات و رشد پر شتاب متناسب با اهداف چشم انداز	رشد بهر دوری عوامل تولید	پایدارسازی فرآیند توسعه (تبدیل در آمد نفت و گاز به دارایی های مولد)	ارتقاء بازار سرمایه ایران و اصلاح ساختار بانکی و بیمه ای	توانمندسازی بخش های خصوصی و تعاونی و کاهش تصدی دولت	تحقق رقابت پذیری و توسعه صادرات غیر نفتی	دستیابی به اقتصاد متنوع و متکی بر منابع دانش و آگاهی، سرمایه انسانی و فناوری نوین.		
۱	۲	۰	۰	۴	۱	۰	ساماندهی شرکت های دولتی ( در راستای سیاست های کلی اصل ۴۴)	۷-۹
۲	۱	۰	۴	۰	۲	۰	تقویت فضای رقابتی در سیستم بانکی	۱۰-۱۲
۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	تنظیم تعهدات ارزی کشور	۱۳
۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	اکتشاف و توسعه میادین نفت و گاز	۱۴
۱	۰	۰	۰	۴	۲	۰	توسعه کمی و کیفی بورس	۱۵
۰	۰	۰	۴	۲	۱	۰	واگذاری شرکت های بیمه	۱۶
۰	۴	۰	۰	۰	۰	۱	مدیریت منابع آب	۱۷
۲	۱	۰	۰	۰	۰	۰	توسعه کشاورزی و منابع طبیعی	۱۸
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	توسعه روستایی و عشایری	۱۹
۲	۱	۰	۰	۲	۴	۲	توسعه صنعت و معدن	۲۱

ادامه جدول شماره (۲۸)

مواد برنامه	عنوان برنامه	اولویت های استراتژیک رشد پایدار در سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه					
		رشد اقتصادی پیوسته، باثبات و رشد پر شتاب متناسب با اهداف چشم انداز	رشد بهره‌وری عوامل تولید	پایداری فرآیند توسعه (تبدیل در آمد نفت و گاز به دارایی‌های مولد)	ارتقاء بازار سرمایه ایران و اصلاح ساختار بانکی و بیمه‌ای	توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی و کاهش تصدی دولت	تحقق رقابت‌پذیری و توسعه صادرات غیرنفتی
۲۳	اجرای طرح‌های زیر بنایی و آماده‌سازی سواحل و جزایر	۰	۰	۴	۰	۰	۰
۲۴	قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی،	۴	۰	۰	۰	۲	۲
۲۵	مشارکت بخش غیر دولتی در زمینه های نفت و نیروگاه	۰	۰	۰	۰	۴	۰
۲۷	تسهیلات متناسب با سهم متقاضیان سرمایه‌گذاری در طرح‌های اشتغال‌زا و نیز قسمتی از سود و کارمزد	۲	۰	۰	۰	۲	۰
۲۸-۲۹	توسعه حمل و نقل	۳	۲	۴	۰	۲	۰
۳۰	هویت بخشی، استحکام بخشی ساخت و سازها و بهبود محیط زندگی در شهرها و روستاها	۰	۰	۲	۰	۰	۰
۳۳	توسعه تجارت	۳	۱	۰	۰	۲	۱
۳۴	تسهیل تجارت و حمل و نقل	۰	۰	۰	۰	۱	۰
۳۵	ساماندهی مناطق آزاد	۱	۰	۰	۰	۰	۰
۳۷-۳۹	تقویت و تحکیم رقابت پذیری	۳	۱	۰	۰	۴	۲
۴۰	ارتقای سطح و جذب فن آوری‌های برتر	۱	۲	۰	۰	۰	۴

داده جدول شماره (۲۸)

اولویت های استراتژیک رشد پایدار در سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه							عنوان برنامه	مواد برنامه
رشد اقتصادی پیوسته، باثبات و رشد پرشتاب متناسب با اهداف چشم انداز	رشد بهره‌وری عوامل تولید	پایداری فرآیند توسعه	ارتقاء بازار سرمایه ایران و اصلاح ساختار بانکی و بیمه‌ای	توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی و کاهش تصدی دولت	تحقق رقابت‌پذیری و توسعه صادرات غیر نفتی	بر دستیابی به اقتصادی متنوع و متکی بر منابع دانش و آگاهی، سرمایه انسانی و فناوری نوین.		
۴	۰	۰	۰	۰	۲	۲	بهبود فضای کسب و کار	۴۱
۰	۰	۰	۰	۰	۴	۴	توسعه علمی و فن آوری	۴۳
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	تهیه و اجرای برنامه‌های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی	۹۵
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	گسترش نظام جامع تأمین اجتماعی	۹۶
۰	۰	۰	۰	۴	۰	۰	افزایش کارایی و بهره‌وری دستگاههای اجرایی، تقویت امور حاکمیتی دولت و توسعه مشارکت مردم در امور کشور،	۱۳۶
۰	۴	۰	۰	۰	۰	۰	اصلاح نظام بودجه‌ریزی	۱۳۸

جدول شماره (۲۹): میزان تمرکز مواد برنامه چهارم بر اولویت های استراتژیک مولفه تثبیت در سیاست های کلی برنامه

مواد برنامه	عنوان برنامه های اصلی در جهت اولویت های استراتژیک	اولویت های استراتژیک تثبیت اقتصاد در سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه						
		مهار تورم	کاهش نرخ بیکاری	تأمین امنیت غذایی	قطع اتکای هزینه های جاری به نفت	نظم و انضباط مالی و بودجه ای	ثبات اقتصادی و مهار نوسانات	تثبیت فضای اطمینان و ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه گذاران
۱	ایجاد «حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت».	۱	۰	۰	۰	۲	۴	۳
۲	تأمین اعتبارات هزینه ای دولت به طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیرنفتی.	۳	۰	۰	۴	۲	۰	۰
۳	تثبیت قیمت حامل های نفتی، گاز، برق و آب، همچنین نرخ خدمات فاضلاب، ارتباطات تلفن و مرسولات پستی در سال اول برنامه چهارم.	۴	۰	۰	۰	۰	۲	۱
۴	ممنوعیت برقراری هرگونه تخفیف، ترجیح و یا معافیت جدید مالیاتی و حقوق ورودی	۰	۰	۰	۴	۲	۰	۰
۵	هدفگذاری، سنجش و ارزیابی و تشویق عملکرد بهره وری دستگاه های اجرایی.	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۶	استفاده از همه روشهای امکان پذیر، در خصوصی سازی و توانمند سازی بخش غیر دولتی.	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲

ادامه جدول شماره (۲۹)

اولویت های استراتژیک تثبیت اقتصاد در سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه							عنوان برنامه	مواد برنامه
تثبیت فضای اطمینان و ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه گذاران	ثبات اقتصادی و بهار نوسانات	نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای	قطع اتکای هزینه‌های جاری به نفت	تأمین امنیت غذایی	کاهش نرخ بیکاری	بهار تورم		
۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	ساماندهی شرکت های دولتی (در راستای سیاست های کلی اصل ۴۴)	۷-۹
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۴	تقویت فضای رقابتی در سیستم بانکی	۱۰-۱۲
۰	۲	۴	۰	۰	۰	۰	تنظیم تعهدات ارزی کشور	۱۳
۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	اکتشاف و توسعه میادین نفت و گاز	۱۴
۴	۱	۰	۰	۰	۲	۰	توسعه کمی و کیفی بورس	۱۵
۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	واگذاری شرکت های بیمه	۱۶
۰	۰	۰	۰	۳	۰	۰	مدیریت منابع آب	۱۷
۲	۰	۰	۰	۴	۳	۱	توسعه کشاورزی و منابع طبیعی	۱۸
۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	توسعه روستایی و عشایری	۱۹
۳	۰	۰	۰	۰	۲	۰	توسعه صنعت و معدن	۲۱

ادامه جدول شماره (۲۹)

اولویت های استراتژیک تثبیت اقتصاد در سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه							عنوان برنامه	مواد برنامه
تثبیت فضای اطمینان و ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه گذاران	ثبات اقتصادی و مهار نوسانات	تنظیم و انطباق مالی و بودجه‌ای	قطع اتکای هزینه‌های جاری به نفت	تأمین امنیت غذایی	کاهش نرخ بیکاری	مهار تورم		
۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	اجرای طرح‌های زیر بنایی و آماده‌سازی سواحل و جزایر	۲۳
۲	۱	۰	۰	۰	۴	۰	قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی،	۲۴
۲	۰	۰	۰	۰	۱	۰	مشارکت بخش غیر دولتی در زمینه های نفت و نیروگاه	۲۵
۰	۰	۰	۰	۰	۴	۰	تسهیلات متناسب با سهم متقاضیان سرمایه‌گذاری در طرح‌های اشتغالزای نیز قسمتی از سود و کارمزد	۲۷
۲	۰	۰	۰	۰	۲	۰	توسعه حمل و نقل	۲۸-۲۹
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	هویت بخشی، استحکام بخشی ساخت و سازها و بهبود محیط زندگی در شهرها و روستاها	۳۰
۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	توسعه تجارت	۳۳
۲	۰	۰	۰	۰	۲	۰	تسهیل تجارت و حمل و نقل	۳۴
۲	۰	۰	۰	۰	۲	۰	ساماندهی مناطق آزاد	۳۵
۰	۲	۰	۰	۰	۰	۳	تقویت و تحکیم رقابت پذیری	۳۷-۳۹
۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	ارتقای سطح و جذب فن آوری‌های برتر	۴۰

ادامه جدول شماره (۲۹)

اولویت های استراتژیک تثبیت اقتصاد در سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه							عنوان برنامه	مواد برنامه
تثبیت فضای اطمینان و ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه گذاران	ثبات اقتصادی و مهار نوسانات	نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای	قطع اتکای هزینه‌های جاری به نفت	تأمین امنیت غذایی	کاهش نرخ بیکاری	مهار تورم		
۴	۰	۰	۰	۰	۲	۰	بهبود فضای کسب و کار	۴۱
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	توسعه علمی و فن آوری	۴۳
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	تهیه و اجرای برنامه‌های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی	۹۵
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	گسترش نظام جامع تأمین اجتماعی	۹۶
۰	۰	۲	۰	۰	۲	۰	افزایش کارایی و بهره‌وری دستگاههای اجرایی، تقویت امور حاکمیتی دولت و توسعه مشارکت مردم در امور کشور،	۱۳۶
۰	۰	۴	۲	۰	۰	۰	اصلاح نظام بودجه‌ریزی	۱۳۸

جدول شماره (۳۰) : میزان تمرکز مواد برنامه چهارم بر اولویت های استراتژیک مولفه توزیع در سیاست های کلی برنامه

اولویت های استراتژیک توزیع عادلانه در سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه	اولویت های استراتژیک توزیع عادلانه در سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه						عنوان برنامه های اصلی در جهت اولویت های استراتژیک	مواد برنامه
	افزایش قدرت خرید گروه های کم درآمد و محروم و مستضعفین	تأمین مسکن گروه های کم درآمد	توسعه روستاها	هم افزایی و گسترش فعالیت های اقتصادی در چارچوب سیاست های آمایش سرزمین	مشارکت عامه مردم در فعالیت های اقتصادی	کاهش فاصله دهک های بالا و پایین درآمدی		
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	ایجاد «حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت».	۱
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	تأمین اعتبارات هزینه ای دولت به طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیرنفتی.	۲
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	تثبیت قیمت حامل های نفتی، گاز، برق و آب، همچنین نرخ خدمات فاضلاب، ارتباطات تلفن و مرسولات پستی در سال اول برنامه چهارم.	۳
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	ممنوعیت برقراری هرگونه تخفیف، ترجیح و یا معافیت جدید مالیاتی و حقوق ورودی	۴
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	هدفگذاری، سنجش و ارزیابی و تشویق عملکرد بهره وری دستگاه های اجرایی.	۵
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	استفاده از همه روش های امکان پذیر، در خصوصی سازی و توانمند سازی بخش غیر دولتی.	۶

ادامه جدول شماره (۳۰)

اولویت های استراتژیک توزیع عادلانه در سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه							عنوان برنامه	مواد برنامه
افزایش قدرت خرید گروه های کم درآمد و محروم و مستضعفین	تأمین مسکن گروه های کم درآمد	توسعه روستاها	هم افزایی و گسترش فعالیت های اقتصادی در چارچوب سیاست های آمایش سرزمین	مشارکت عامه مردم در فعالیت های اقتصادی				
۰	۰	۰	۰	۴	۰	۰	ساماندهی شرکت های دولتی (در راستای سیاست های کلی اصل (۴۴)	۷-۹
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	تقویت فضای رقابتی در سیستم بانکی	۱۰-۱۲
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	تنظیم تعهدات ارزی کشور	۱۳
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	اکتشاف و توسعه میادین نفت و گاز	۱۴
۰	۰	۰	۰	۴	۰	۰	توسعه کمی و کیفی بورس	۱۵
۰	۰	۰	۰	۴	۰	۰	واگذاری شرکت های بیمه	۱۶
۰	۰	۴	۰	۰	۰	۰	مدیریت منابع آب	۱۷
۰	۰	۴	۰	۰	۰	۰	توسعه کشاورزی و منابع طبیعی	۱۸
۰	۲	۴	۰	۰	۰	۰	توسعه روستایی و عشایری	۱۹
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	توسعه صنعت و معدن	۲۱

ادامه جدول شماره (۳۰)

اولویت های استراتژیک توزیع عادلانه در سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه							عنوان برنامه	مواد برنامه
مشارکت عامه مردم در فعالیت های اقتصادی	در چارچوب سیاست های آمایش سرزمین هم افزایی و گسترش فعالیت های اقتصادی	توسعه روستاها	تامین مسکن گروه های کم در آمد	افزایش قدرت خرید گروه های کم درآمد و محروم و مستضعف	کاهش فاصله دهک های بالا و پایین در آمدی			
۰	۱	۰	۰	۰	۰	اجرای طرح های زیر بنایی و آماده سازی سواحل و جزایر	۲۳	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی،	۲۴	
۱	۰	۰	۰	۰	۰	مشارکت بخش غیر دولتی در زمینه های نفت و نیروگاه	۲۵	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	تسهیلات متناسب با سهم متقاضیان سرمایه گذاری در طرح های اشتغالزای نیز قسمتی از سود و کارمزد	۲۷	
۰	۱	۰	۰	۰	۰	توسعه حمل و نقل	۲۸-۲۹	
۱	۰	۰	۴	۲	۲	هویت بخشی ، استحکام بخشی ساخت و سازها و بهبود محیط زندگی در شهرها و روستاها	۳۰	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	توسعه تجارت	۳۳	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	تسهیل تجارت و حمل و نقل	۳۴	
۰	۲	۰	۰	۰	۰	ساماندهی مناطق آزاد	۳۵	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	تقویت و تحکیم رقابت پذیری	۳۷-۳۹	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	ارتقای سطح و جذب فن آوری های برتر	۴۰	

ادامه جدول شماره (۳۰)

اولویت های استراتژیک توزیع عادلانه در سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه							عنوان برنامه	مواد برنامه
مشارکت عامه مردم در فعالیت های اقتصادی	در چارچوب سیاست های آمایش سرزمین هم افزایی و گسترش فعالیت های اقتصادی توسعه روستاها	تأمین مسکن گروه های کم در آمد	افزایش قدرت خرید گروه های کم در آمد و محروم و مستضعف	کاهش فاصله دهک های بالا و پایین در آمدی	تأمین مسکن گروه های کم در آمد	افزایش قدرتی خرید گروه های کم در آمد و محروم و مستضعف		
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	بهبود فضای کسب و کار	۴۱
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	توسعه علمی و فن آوری	۴۳
۰	۰	۰	۰	۲	۴	۴	تهیه و اجرای برنامه های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی	۹۵
۰	۰	۰	۰	۳	۴	۴	گسترش نظام جامع تأمین اجتماعی	۹۶
۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	افزایش کارایی و بهره وری دستگاه های اجرایی، تقویت امور حاکمیتی دولت و توسعه مشارکت مردم در امور کشور،	۱۳۶
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	اصلاح نظام بودجه ریزی	۱۳۸

پس از ارزیابی درجه تمرکز مواد برنامه چهارم بر هر یک از اولویت های استراتژیک به محاسبه درصد تمرکز مواد برنامه بر اولویت ها می پردازیم. برای این منظور جمع اعداد در کل جداول سه گانه محاسبه می شود و سپس هر یک از اعداد جداول مذکور را بر این عدد بدست آمده تقسیم و حاصل را در ۱۰۰ ضرب می کنیم. نتایج این اقدام که اهمیت درصدی هر یک از مواد برنامه از منظر اولویت های استراتژیک خواهد بود را در جداول بعد ملاحظه می کنیم.

جدول شماره (۳۱): اهمیت درصدی مواد برنامه در هر یک از اولویت های استراتژیک رشد در مواد برنامه چهارم

شماره مواد برنامه	اولویت های استراتژیک برنامه چهارم در زمینه رشد اقتصادی						
	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم
۱	۰,۷۴	۰	۰,۹۹	۰,۲۵	۰,۷۴	۰	۲,۷۲
۲	۰	۰	۰,۵	۰	۰	۰	۰,۵
۳	۰	۰,۲۵	۰	۰	۰	۰	۰,۲۵
۴	۰	۰	۰,۲۵	۰	۰	۰	۰,۲۵
۵	۰,۲۵	۰,۹۹	۰	۰	۰	۰	۱,۲۴
۶	۰,۲۵	۰	۰	۰,۹۹	۰	۰	۱,۲۴
۷-۹	۰,۲۵	۰,۵	۰	۰	۰,۹۹	۰,۲۵	۱,۹۹
۱۰-۱۲	۰,۵	۰,۲۵	۰	۰,۹۹	۰	۰	۲,۲۴
۱۳	۰	۰	۰	۰,۲۵	۰	۰	۰,۲۵
۱۴	۰,۹۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۹۹
۱۵	۰,۲۵	۰	۰	۰,۹۹	۰,۵	۰	۱,۷۴
۱۶	۰	۰	۰	۰,۹۹	۰,۲۵	۰	۱,۹۸
۱۷	۰	۰,۹۹	۰	۰	۰	۰,۲۵	۱,۲۴
۱۸	۰,۵	۰,۲۵	۰	۰	۰	۰	۱,۲۵
۱۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۲۵	۰,۲۵
۲۱	۰,۵	۰,۲۵	۰	۰	۰	۰,۷۴	۲,۹۸
۲۳	۰	۰	۰,۹۹	۰	۰	۰	۰,۹۹
۲۴	۰,۹۹	۰	۰	۰	۰,۵	۰,۷۴	۲,۷۳
۲۵	۰	۰	۰	۰,۹۹	۰	۰	۰,۹۹
۲۷	۰,۵	۰	۰	۰	۰,۵	۰	۱
۲۸-۲۹	۰,۷۴	۰,۵	۰	۰	۰,۹۹	۰	۳,۴۷
۳۰	۰	۰	۰,۵	۰	۰	۰	۰,۵
۳۳	۰,۷۴	۰,۲۵	۰	۰	۰	۰,۹۹	۲,۷۳
۳۴	۰	۰	۰	۰,۲۵	۰,۹۹	۰	۱,۲۴
۳۵	۰,۲۵	۰	۰	۰	۰	۰,۹۹	۱,۲۴
۳۷-۳۹	۰,۷۴	۰,۲۵	۰	۰	۰	۰,۹۹	۲,۴۸
۴۰	۰,۲۵	۰,۵	۰	۰	۰	۰,۹۹	۱,۷۴
۴۱	۰,۹۹	۰	۰	۰	۰,۲۵	۰,۷۴	۲,۴۸
۴۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۹۹	۱,۹۸
۹۵	۰	۰,۲۵	۰	۰	۰	۰	۰,۲۵
۹۶	۰	۰,۲۵	۰	۰	۰	۰	۰,۲۵
۱۳۶	۰	۰,۲۵	۰	۰,۹۹	۰	۰	۱,۲۴
۱۳۸	۰,۲۵	۰,۹۹	۰	۰	۰	۰	۱,۲۴
جمع	۹,۶۸	۶,۷	۴,۴۷	۲,۴۸	۹,۱۸	۹,۶۸	۴۷,۶۵

جدول شماره (۳۲): اهمیت درصدی مواد برنامه در هر یک از اولویت های استراتژیک تثبیت در مواد برنامه چهارم

شماره مواد برنامه	اولویت های استراتژیک برنامه چهارم در زمینه تثبیت اقتصادی							جمع
	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	
۱	۰,۲۵	۰	۰	۰	۰,۵	۰,۹۹	۰,۷۴	۲,۴۸
۲	۰,۷۴	۰	۰	۰,۹۹	۰,۷۴	۰	۰	۲,۴۷
۳	۰,۹۹	۰	۰	۰	۰	۰,۵	۰,۲۵	۱,۷۴
۴	۰	۰	۰	۰,۹۹	۰,۵	۰	۰	۱,۴۹
۵	۰,۲۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۲۵
۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۵	۰,۵
۷-۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۵	۰,۵
۱۰-۱۲	۰,۹۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۲۵	۱,۲۴
۱۳	۰	۰	۰	۰	۰,۹۹	۰,۵	۰	۱,۴۹
۱۴	۰	۰	۰	۰	۰,۲۵	۰	۰	۰,۲۵
۱۵	۰	۰,۵	۰	۰	۰	۰,۲۵	۰,۹۹	۱,۷۴
۱۶	۰	۰	۰	۰	۰,۲۵	۰	۰	۰,۲۵
۱۷	۰	۰	۰	۰	۰,۷۴	۰	۰	۰,۷۴
۱۸	۰,۲۵	۰,۷۴	۰,۹۹	۰	۰	۰,۵	۰,۵	۲,۴۸
۱۹	۰	۰	۰	۰	۰,۵	۰	۰	۰,۵
۲۱	۰	۰,۵	۰	۰	۰	۰	۰,۷۴	۱,۲۴
۲۳	۰	۰,۲۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۲۵
۲۴	۰	۰,۹۹	۰	۰	۰	۰,۲۵	۰,۷۴	۱,۹۸
۲۵	۰	۰,۲۵	۰	۰	۰	۰	۰,۷۴	۰,۹۹
۲۷	۰	۰,۹۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۹۹
۲۸-۲۹	۰	۰,۵	۰	۰	۰	۰	۰,۷۴	۱,۲۴
۳۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۲۵	۰,۲۵
۳۳	۰	۰,۷۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۷۴
۳۴	۰	۰,۵	۰	۰	۰	۰	۰,۷۴	۱,۲۴
۳۵	۰	۰,۵	۰	۰	۰	۰	۰,۵	۱
۳۷-۳۹	۰,۷۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱,۲۴
۴۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۵	۰,۵
۴۱	۰	۰,۷۴	۰	۰	۰	۰	۰,۹۹	۱,۷۳
۴۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۹۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۹۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۳۶	۰	۰,۵	۰	۰	۰	۰	۰,۵	۱
۱۳۸	۰	۰	۰,۹۹	۰,۷۴	۰	۰	۰	۱,۷۳
جمع	۴,۲۲	۷,۶۹	۲,۲۳	۲,۷۳	۴,۷۱	۲,۹۸	۹,۶۸	۳۴,۲۴

جدول شماره (۳۳): اهمیت درصدی مواد برنامه در هر یک از اولویت های استراتژیک توزیع در مواد برنامه چهارم

شماره مواد برنامه	اولویت های استراتژیک برنامه چهارم در زمینه توزیع عادلانه						جمع
	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲	۰,۲۵	۰	۰	۰	۰	۰,۲۵	۰,۲۵
۳	۰	۰,۲۵	۰	۰	۰	۰	۰,۲۵
۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۶	۰	۰	۰	۰	۰,۹۹	۰,۹۹	۰,۹۹
۷-۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۹۹	۰,۹۹
۱۰-۱۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۵	۰	۰	۰	۰	۰,۹۹	۰,۹۹	۰,۹۹
۱۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۹۹	۰,۹۹
۱۷	۰	۰	۰,۹۹	۰	۰	۰	۰,۹۹
۱۸	۰	۰	۰,۹۹	۰	۰	۰	۰,۹۹
۱۹	۰	۰	۰,۹۹	۰,۷۴	۰	۰	۱,۷۳
۲۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲۳	۰	۰	۰	۰,۷۴	۰	۰	۰,۷۴
۲۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲۵	۰	۰	۰	۰	۰,۷۴	۰,۷۴	۰,۷۴
۲۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲۸-۲۹	۰	۰	۰	۰,۷۴	۰	۰	۰,۷۴
۳۰	۰,۵	۰,۵	۰,۹۹	۰	۰	۰	۲,۷۳
۳۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳۵	۰	۰	۰	۰,۵	۰	۰	۰,۵
۳۷-۳۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۹۵	۰,۹۹	۰,۷۴	۰	۰	۰	۰	۱,۷۳
۹۶	۰,۹۹	۰,۷۴	۰	۰	۰	۰	۱,۷۳
۱۳۶	۰	۰	۰	۰	۰,۹۹	۰,۹۹	۰,۹۹
۱۳۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۲,۷۳	۲,۲۳	۰,۹۹	۲,۹۸	۲,۷۳	۶,۴۵	۱۸,۱۱

جمع بندی جداول سه گانه اخیر را در جدول زیر ملاحظه می کنیم. نتیجه این جدول اهمیت درصدی هریک از مواد برنامه از منظر تحقق اهداف راهبردی برنامه و اهمیت کلی مواد برنامه است.

جدول شماره (۳۴) : اهمیت درصدی مواد برنامه در هر یک از اهداف راهبردی برنامه

جمع	اهمیت راهبردی مواد برنامه در هر یک از مولفه ها			شماره مواد برنامه
	توزیع	تثبیت	رشد	
۵.۲	۰	۲.۴۸	۲.۷۲	۱
۳.۲۲	۰.۲۵	۲.۴۷	۰.۵	۲
۲.۲۴	۰.۲۵	۱.۷۴	۰.۲۵	۳
۱.۷۴	۰	۱.۴۹	۰.۲۵	۴
۱.۴۹	۰	۰.۲۵	۱.۲۴	۵
۲.۷۳	۰.۹۹	۰.۵	۱.۲۴	۶
۳.۴۸	۰.۹۹	۰.۵	۱.۹۹	۷-۹
۳.۴۸	۰	۱.۲۴	۲.۲۴	۱۰-۱۲
۱.۷۴	۰	۱.۴۹	۰.۲۵	۱۳
۱.۲۴	۰	۰.۲۵	۰.۹۹	۱۴
۴.۴۷	۰.۹۹	۱.۷۴	۱.۷۴	۱۵
۳.۲۲	۰.۹۹	۰.۲۵	۱.۹۸	۱۶
۲.۹۷	۰.۹۹	۰.۷۴	۱.۲۴	۱۷
۴.۷۲	۰.۹۹	۲.۴۸	۱.۲۵	۱۸
۲.۴۸	۱.۷۳	۰.۵	۰.۲۵	۱۹
۴.۲۲	۰	۱.۲۴	۲.۹۸	۲۱
۱.۹۸	۰.۷۴	۰.۲۵	۰.۹۹	۲۳
۴.۷۱	۰	۱.۹۸	۲.۷۳	۲۴
۲.۷۲	۰.۷۴	۰.۹۹	۰.۹۹	۲۵
۱.۹۹	۰	۰.۹۹	۱	۲۷
۵.۴۵	۰.۷۴	۱.۲۴	۳.۴۷	۲۸-۲۹
۳.۴۸	۲.۷۳	۰.۲۵	۰.۵	۳۰
۳.۴۷	۰	۰.۷۴	۲.۷۳	۳۳
۲.۴۸	۰	۱.۲۴	۱.۲۴	۳۴
۲.۷۴	۰.۵	۱	۱.۲۴	۳۵
۳.۷۲	۰	۱.۲۴	۲.۴۸	۳۷-۳۹
۲.۲۴	۰	۰.۵	۱.۷۴	۴۰
۴.۲۱	۰	۱.۷۳	۲.۴۸	۴۱
۱.۹۸	۰	۰	۱.۹۸	۴۳
۱.۹۸	۱.۷۳	۰	۰.۲۵	۹۵
۱.۹۸	۱.۷۳	۰	۰.۲۵	۹۶
۳.۲۳	۰.۹۹	۱	۱.۲۴	۱۳۶
۲.۹۷	۰	۱.۷۳	۱.۲۴	۱۳۸
۱۰۰	۱۸.۱۱	۳۴.۲۴	۴۷.۶۵	جمع

از آنجا که در مجموع ۲۰ مورد اولویت استراتژیک در برنامه چهارم شناسایی شده است، به راحتی می توان جهت گیری برنامه را از نظر میزان توجه به هر یک از اولویت های مذکور بدست آورد. برای این منظور جمع درصدی هر یک از ستونهای جداول ۳۱-۳۳ را می باید بدست آوریم. به عبارت دیگر در این صورت مشخص خواهد شد که همه مواد برنامه به چه میزان بر هر یک از اولویت ها تمرکز و توجه داشته است. نتایج این مرحله را در جدول زیر به صورت مرتب شده از ضریب اهمیت بالاتر به پایین دیده می شود. این جدول از این جهت جالب است که با نگاه به آن به سرعت جهت گیری اصلی برنامه مشخص خواهد شد.

جدول شماره (۳۵): ترتیب اهمیت کلی اولویت اهداف استراتژیک در برنامه چهارم

رتبه	شرح اولویت استراتژیک	نوع اولویت	ضریب اهمیت
۱	رشد اقتصادی پیوسته، باثبات و رشد پرشتاب متناسب با اهداف چشم انداز	رشد	۹,۶۸
۲	تحقق رقابت پذیری و توسعه صادرات غیرنفتی	رشد	۹,۶۸
۳	تثبیت فضای اطمینان و ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه گذاران	ثبیت	۹,۶۸
۴	توانمندسازی بخش های خصوصی و تعاونی و کاهش تصدی دولت	رشد	۹,۱۸
۵	کاهش نرخ بیکاری	ثبیت	۷,۶۹
۶	رشد بهره وری عوامل تولید	رشد	۶,۷
۷	مشارکت عامه مردم در فعالیت های اقتصادی	توزیع	۶,۴۵
۸	دستیابی به اقتصادی متنوع و متکی بر منابع دانش و آگاهی، سرمایه انسانی و فناوری نوین.	رشد	۵,۴۶
۹	نظم و انضباط مالی و بودجه ای	ثبیت	۴,۷۱
۱۰	پایداری فرآیند توسعه (تبدیل درآمد نفت و گاز به دارایی های مولد)	رشد	۴,۴۷
۱۱	مهار تورم	ثبیت	۴,۲۲
۱۲	ثبات اقتصادی و مهار نوسانات	ثبیت	۲,۹۸
۱۳	توسعه روستاها	توزیع	۲,۹۸
۱۴	قطع اتکای هزینه های جاری به نفت	ثبیت	۲,۷۳
۱۵	کاهش فاصله دهک های بالا و پایین درآمدی	توزیع	۲,۷۳
۱۶	هم افزایی و گسترش فعالیت های اقتصادی در چارچوب سیاست های آمایش سرزمین	توزیع	۲,۷۳
۱۷	ارتقاء بازار سرمایه ایران و اصلاح ساختار بانکی و بیمه ای	رشد	۲,۴۸
۱۸	تامین امنیت غذایی	ثبیت	۲,۲۳
۱۹	افزایش قدرت خرید گروه های کم درآمد و محروم و مستضعف	توزیع	۲,۲۳
۲۰	تامین مسکن گروه های کم درآمد	توزیع	۰,۹۹
	جمع درصدی		۱۰۰

استفاده دیگری که از الگوی ارزیابی راهبردی می توان داشت بدست آوردن ترتیب اولویت برنامه در هر یک از مولفه های استراتژیک رشد ، تثبیت و توزیع و سپس اولویت بندی هر یک از عناصر مولفه ها در داخل مولفه می باشد . این کار به راحتی قابل انجام است و نتایج آن را برای برنامه چهارم در جدول زیر ملاحظه می کنیم .

جدول شماره (۳۶) : ترتیب اهمیت کلی اولویت مولفه های استراتژیک در برنامه چهارم

جمع درصد	درصد اهمیت	اولویت های استراتژیک در برنامه چهارم به ترتیب اهمیت	نوع اولویت
۴۸	۹,۶۸	انداز چشم اهداف با متناسب پرشتاب رشد و باثبات پیوسته، اقتصادی رشد	رشد اقتصادی
	۹,۶۸	غیرنفتی صادرات توسعه و پذیرش رقابت تحقق	
	۹,۱۸	دولت تصدی کاهش و تعاونی و خصوصی بخش های سازی توانمند	
	۶,۷	تولید عوامل وری بهره رشد	
	۵,۴۶	فناوری و انسانی سرمایه آگاهی، و دانش منابع بر مکی و متنوع اقتصادی به دستیابی نوین.	
	۴,۴۷	مولد) های دارایی به گاز و نفت در آمد (تبدیل توسعه فر آیند پایدار سازی	
	۲,۴۸	ای بیمه و بانکی ساختار اصلاح و ایران سرمایه بازار ارتقاء	
۳۴	۹,۶۸	گذاران سرمایه از حمایت و اعتماد ایجاد و اطمینان فضای تثبیت	تثبیت اقتصادی
	۷,۶۹	بیکاری نرخ کاهش	
	۴,۷۱	ای بودجه و مالی انضباط و نظم	
	۴,۲۲	تورم مهار	
	۲,۹۸	نوسانات مهار و اقتصادی ثبات	
	۲,۷۳	نفت به جاری های هزینه اتکای قطع	
	۲,۲۳	غذایی امنیت تامین	
۱۸	۶,۴۵	اقتصادی های فعالیت در مردم عامه مشارکت	توزیع عادلانه
	۲,۹۸	روستاها توسعه	
	۲,۷۳	آمایش های سیاست چارچوب در اقتصادی های فعالیت گسترش و افزایی هم سرزمین	
	۲,۷۳	درآمدی پایین و بالا های دهک فاصله کاهش	
	۲,۲۳	مستضعف و محروم و درآمد کم گروههای خرید قدرت افزایش	
	۰,۹۹	درآمد کم گروههای مسکن تامین	
۱۰۰		جمع درصدی	

از تحلیل فوق در قالب پیشنهادی مشخص شد که برنامه چهارم برنامه ای رشد محور بوده است . تثبیت در اویت دوم و توزیع در اولویت سوم بوده است . لذا توزیع عادلانه با داشتن ترتیب اولویت سوم و با درجه اولویت کمتر از ۲۰ درصد در کانون توجه نبوده است.

#### ۴-۵-۴. ارزیابی راهبردی عملکرد برنامه

اگر عملکرد برنامه را داشته باشیم، حاصلضرب درصد عملکرد هر یک از مواد برنامه و درصد تمرکز آن مواد بر هر یک از اولویت های استراتژیک به راحتی درصد تحقق هر یک از اولویت ها را مشخص خواهد ساخت. نتیجه این کار بدست آوردن ارزیابی عملکرد راهبردی برنامه از منظر اولویت های استراتژیک تعریف شده در سیاست های کلی آن خواهد بود. این نتیجه برای تدوین سیاست های کلی برنامه بعدی در جهت گیری به سمت چشم انداز بسیار ضروری و لازم است.

#### ۴-۶. نتیجه گیری بخش چهارم

برنامه ریزی استراتژیک نوعی برنامه ریزی کلان است که عناصر آن آرمان ها، اهداف، منافع و ارزشها، سیاست ها و استراتژی ها می باشند. یک استراتژی اهداف مشخصی را پی جویی می کند، به محدودیت ها و موانع موجود توجه دارد، به امکانات و مقدرات موجود توجه دارد و مجموعه ای از انتخاب هاست که با توجه به موارد فوق تدارک دیده می شود. منافع ملی چارچوب ها و راهنماهای دائمی برای حرکت و قدرت ملی براینده توانایی های یک نظام است. آرمان ها بالاترین و مهم ترین اهداف سیستم هستند و هدف ملی وضع نوینی است که مطلوب اکثریت مردم می باشد. بررسی تجربیات کشورهای موفق شرق آسیا نشان می دهد که کارگزاری های اقتصادی مرکزی تایلند، مالزی و فیلیپین از رویکردهای متفاوتی در مدیریت کلان اقتصادی بهره گرفته اند. در تایلند مدیریت احتیاطی اقتصاد کلان همراه با صرفه جویی مالی قوی و مدیریت احتیاطی استقراض، در مالزی مدیریت متوازن اقتصاد کلان در مالزی با رویکرد عملگرایی مالی و در فیلیپین سیستم رهگیری دوگانه (دولت-کنگره) بکار گرفته شد.

تجربیات کشورهای تایلند، مالزی، و فیلیپین نشان داد که الگوهای متنوعی برای ایجاد هماهنگی میان ادارات مرکزی توسعه وجود دارد، از تطبیق سیاست ها با اولویت های توسعه باید اطمینان حاصل کرد، محیط سیاسی بشدت بر توان عاملان کلیدی اثرگذار است و کارگزاری های اقتصادی مرکزی می باید برای اموری همچون طرح ریزی، هماهنگی، نظارت و اطمینان از این که پروژه ها اجرا شده در طرح های توسعه ملی وجود داشته و برای آنها بودجه منظور شده است بکار گرفته شوند.

سابقه برنامه ریزی در ایران به ۴۰ سال قبل از انقلاب اسلامی برمی گردد که در دو دوره قبل و پس از انقلاب اسلامی می باشد. طراحی و اجرای ۵ برنامه (شامل دو برنامه ۷ ساله و ۳ برنامه ۵ ساله) قبل از انقلاب اسلامی و چهار برنامه توسعه پس از انقلاب اسلامی زمینه مناسبی را برای آسیب شناسی نظام برنامه ریزی توسعه فراهم کرده است.

آسیب شناسی اجرایی نظام برنامه ریزی در ایران نشان می دهد که تعریف روشنی از مفهوم توسعه وجود ندارد، برنامه ها فاقد رویکرد سیستمی، جامع و کل نگر بوده و نظام برنامه ریزی ایران همواره با درجه بسیار بالایی از تمرکز. همراه با بی توجهی به نقش نهادهای مدنی و سیاسی، بخش خصوصی و عموم مردم تعریف گردیده است. فقدان همسازی و هماهنگی میان بخشها و مناطق و فقدان برنامه ریزی منطقه ای از یک سو به تشدید عدم توازن های منطقه ای منجر گردیده از سوی دیگر مطالبات و فشارهای منطقه ای را در پی داشته است.

هیچگاه در برنامه ریزی ایران قبل از تدوین برنامه چهارم توسعه برنامه های بلندمدت وجود نداشته و هماهنگی میان بودجه های سالیانه با برنامه های میان مدت، غالباً در عمل از بین رفته و اهداف، راهبردها و سیاستهای میان مدت برنامه ها تحت الشعاع تصمیمات بودجه ای قرار گرفته است و خلاصه این که نظام تهیه، تصویب، اجرا و نظارت برنامه های توسعه همواره از ناهماهنگی و گسیختگی های شدید رنج برده و نظارت بر اجرای برنامه های توسعه در ایران امری کاملاً مغفول و فراموش شده بوده است. نتیجه آن که حجم عظیم منابع انسانی، مالی و طبیعی مصرف شده با دستاوردها تناسبی نداشته و شکاف و فاصله تاریخی ایران با نظام جهانی و نیز آرمانها و اهداف ملی روز به روز افزایش یافته است.

آسیب شناسی حقوقی نظام برنامه ریزی ایران با ملاحظه قوانین مرتبط با حوزه برنامه ریزی شامل قانون اساسی، قانون برنامه بودجه، قانون محاسبات عمومی و قوانین برنامه های ۵ ساله حاکی از تسلط قدرت سیاسی بر تحولات نهادی و قانونی کشور، فقدان انطباق زمانی در تدوین قوانین فوق الذکر و فقدان توجه کارشناسانه به همگونی قوانین مذکور می باشد.

بررسی سریع و گذرای تجربه تدوین چهار برنامه پس از انقلاب حکایت از آن دارد که نظام برنامه ریزی ایران یا بدون راهبردهای کلان، اقدام به تدوین برنامه کرده و یا بین راهبردهای کلان، متن لایحه برنامه و قانون برنامه انسجام و پیوند منطقی و مورد انتظار وجود نداشته است.

همه برنامه ها نیازمند نظام ارزشیابی برای ارزیابی میزان تحقق اهداف و توفیق برنامه، در کنار شناسایی علل و عوامل ناکامی ها هستند. در حالی که نظام برنامه ریزی ایران در مقوله ارزیابی، با موانع جدی ساختاری و نهادی روبه روست که در نهایت موجبات عدم توفیق نظام برنامه ریزی را فراهم می آورد که یکی از نمودهای آن، گسست ایده های برنامه در درون طراحی و تدوین با آنچه به عنوان سند مورد تصویب قرار گرفته و بالاتر از آن گسست این دو با آنچه اجرا شده و در عینیت تحقق یافته، می باشد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد نظام برنامه‌ریزی ایران با سابقه نسبتاً طولانی در تدوین اصول و خط‌مشی برنامه‌های میان مدت و دراز مدت توسعه، دچار ضعف تئوریک می‌باشد که موجب انقطاع عناصر اجتماعی - اقتصادی و سیاسی برنامه از یکدیگر شده است. بر این اساس سازمان نیافتگی نظام تشدید می‌گردد و سلیقه‌های فردی یا گروهی به جای تفکر سازمان یافته مورد اجماع نظری اندیشمندان می‌نشیند و لذا ثبات، تعادل و هماهنگی امکان ظهور و تقویت نمی‌یابند. در شرایط عدم تعادل، انحرافات اجتماعی، شکاف بین انتظارات و واقعیات اجتماعی و نهایتاً عدم مشروعیت ساختاری نظام اجتماعی و تقویت می‌گردند. بخش زیادی از مشکلات کنونی جامعه ما معلول چنین واقعیتی است. دولت نیز طی این سالها، البته هر چند دیر هنگام و اغلب منفعلانه، تلاش نموده است تا تمام توان و انرژی خود را جهت ساماندهی بحران‌ها و به تعبیری عدم تعادل‌های حاد و خطرناک، صرف نماید در حالی که بعضاً تمرکز یافتن بر روی رفع یک عدم تعادل و بحران، خود عدم تعادل دیگری را در آینده سبب‌ساز شده است.

برای اصلاح نظام برنامه‌ریزی در ایران با توجه به مبانی معرفت‌شناختی توسعه و تجربیات گذشته؛ ضرورت دارد با عنایت به سند چشم‌انداز مهم‌ترین مسایل ملی در دو برش بخشی و منطقه‌ای مورد شناسایی قرار گرفته، برنامه جامع معطوف به مسایل اساسی تهیه شده و این برنامه‌ها به مجموعه‌ای از اقدامات اجرایی، نهادی و عملیاتی معطوف به حل مسایل تبدیل شود. در سازمان برنامه‌ریزی توسعه با رویکرد مشارکتی، ترکیبی سه جانبه از مدیران سیاسی، کارشناسان و نهادهای صنفی و مدنی می‌باید بکار گرفته شده و به عنوان وظیفه دائمی نظارت بر برنامه‌ها و سیاست‌ها و انجام اصلاحات لازم را بر عهده گیرند. تمرکززدایی تدریجی در نظام برنامه‌ریزی، تهیه نقشه آمایش سرزمین ملی و بکارگیری آن به عنوان یک سند بالا دست و مهم در تهیه برنامه‌های ملی، منطقه‌ای و اصلاح قوانین و مقررات حاکم بر برنامه‌ها با رویکرد انسجام بخشی و نیز واگذاری وظیفه ارزیابی برنامه‌های توسعه (اعم از قبل اجرا، حین اجرا و پس از اجرا) به دانشگاه‌ها یا مراکز پژوهشی معتبر از جمله راه کارهای لازم است.

از آنجا که در فرایند برنامه‌ریزی توسعه تورش میان سیاست‌های کلی با برنامه تهیه شده (تورش تدوین)، تورش میان برنامه تصویب شده با برنامه تهیه شده (تورش تصویب) و در نهایت تورش میان برنامه تصویب شده با برنامه اجرا شده (تورش اجرا) بسیار محتمل است، نظارت راهبردی بر این فرایند برای ترمیم مسیر در جهت تحقق چشم‌انداز ضروری و لازم است. در نظارت راهبردی بر مبنای چشم‌انداز تمرکز بر اولویت‌های استراتژیک انجام می‌شود. در این تحقیق الگوی کنترل راهبردی مبتنی بر اولویت‌های استراتژیک ارائه شد و برنامه چهارم توسعه مورد تحلیل قرار گرفت. ابتدا مولفه اساسی شامل مولفه‌های رشد، تثبیت و توزیع از سیاست‌های کلی برنامه بدست آمد و سپس درجه تمرکز هر ماده از برنامه بر هر یک از این مولفه‌ها به روش خبرگی مشخص شد. از تحلیل انجام شده در قالب

پیشنهادی مشخص شد که برنامه چهارم برنامه ای رشد محور بوده است. تثبیت در اویت دوم و توزیع در اولویت آخر با اهمیت نسبی کمتر از ۲۰ درصد جای داشته است. با داشتن عملکرد برنامه چهارم در هر یک از مواد آن براحتی عملکرد برنامه از جهت تحقق اولویت های استراتژیک مطرح در سیاست های کلی به صورت درصدی مشخص خواهد شد. به عبارت دیگر جمع درصدی هر سه تورش محتمل در فرایند برنامه ریزی که قبلا ذکر آن رفت یکجا معلوم خواهد شد و از این نظر می توان در تهیه سیاست های کلی برنامه بعدی (در این مثال برنامه پنجم) جهت گیری را اصلاح و تعدیل نمود.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. آوینی، مرتضی، در معنی توسعه، مرکز اطلاع رسانی موسسه فرهنگی هنری شهید آوینی، برگرفته از سایت AVINY.COM
۲. تاجیک، محمد رضا مقدمه ای بر استراتژی های امنیت ملی ج.ا.ا. تهران فرهنگ گفتمان ۱۳۸۰.
۳. حاتمی روزبه، دولت رانتیر و انتخاب عقلانی، روزنامه دنیای اقتصاد: شنبه ۱۵ دی ۱۳۸۶.
۴. حسینی نیک سیدعباس، قانون اساسی و مدنی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد تهران ۱۳۶۸.
۵. دوتوکویل، آلکسی، انقلاب فرانسه و تحلیل رژیم پیشین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۶.
۶. دیوب، اس.سی.، نوسازی و توسعه در جستجوی قالبهای فکری بدیل، مترجم: احمد موثقی، تهران، نشر قومس، چاپ دوم ۱۳۸۶.
۷. رتبه منطقه ای ایران از نظر نرخ تورم، دنیای اقتصاد - شماره روزنامه: ۱۴۲۸، یکشنبه ۱۶ دی ۱۳۸۶

۸. ره پیک، حسن "هدف وهدف گذاری در برنامه ریزی ملی و راهبردی" فصلنامه مطالعات راهبردی سال هفتم شماره دوم تابستان ۱۳۸۳.
۹. طباطبایی یزدی، رویا و فرزانه مافی، «وضعیت اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با برخی از کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی طی دهه گذشته»، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت پژوهش های اقتصادی، بهمن ماه ۱۳۸۶
۱۰. طباطبایی یزدی، رویا و زینب ابوطالبی، «وضعیت اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با کلیه کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی»، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه پژوهشی اقتصاد، تیر ماه ۱۳۸۶.
۱۱. طباطبایی یزدی، رویا و فرزانه مافی، «وضعیت اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با کلیه کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی»، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت پژوهش های اقتصادی، بهمن ماه ۱۳۸۶.
۱۲. طباطبایی یزدی، رویا و همکاران، «شاخص ترکیبی رتبه اقتصادی کشورهای مهم منطقه آسیای جنوب غربی و دورنمای آن»، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه پژوهشی اقتصاد، آبان ماه ۱۳۸۷.
۱۳. علینقی، امیر حسین. "جایگاه امنیت در استراتژی ملی" فصلنامه مطالعات راهبردی. سال پنجم شماره ۲ سال ۱۳۸۱.
۱۴. قهرمان پور، رحمن "مقدمه‌ای بر روش تدوین استراتژی امنیت ملی" فصلنامه راهبرد دفاعی سال دوم شماره ششم ۱۳۸۳.
۱۵. کاظمی، علی اصغر، نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل، نشر قومس، ۱۳۶۹.
۱۶. کالینز، جان ام، استراتژی بزرگ، ترجمه کورش بایندر، تهران ۱۳۷۳، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۱۷. کاظمی، علی اصغر. زنجیره تنازعی در سیاست و روابط بین الملل. نشر قومس. ۱۳۷۰.
۱۸. ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷.
۱۹. مشبکی، اصغر، "بررسی موانع برنامه ریزی استراتژیک در جمهوری اسلامی ایران" مجله مدیریت دولتی شماره ۳۷، ۱۳۷۶.
۲۰. مصلی نژاد، غلامعباس، «آسیب شناسی توسعه اقتصادی در ایران»، تهران، نشر قومس، چاپ اول ۱۳۸۴.

۲۱. میرزاامینی، محمدرضا، " چشم انداز ۲۰ ساله کشور در حوزه اقتصاد و فناوری "، (اندیشگاه شریف)، آذرماه ۱۳۸۴
۲۲. نفوذ شرکت ها در سیاست های دولت، روشی برای گسترش فساد، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ساساه گزارش های بررسی موضوع فساد اقتصادی، گزارش شماره ۷، دی ۱۳۸۷.

### **(ب) منابع انگلیسی**

23. GFS September 2008 - Government Finance Statistics ,GFS CD-ROM
24. Human Development Report .
25. Managing the Development Process and Aid Outline of Presentation,  
[www.grips.ac.jp/forum-e/pdf\\_e03/seminar2006/nov06/ohno8.pdf](http://www.grips.ac.jp/forum-e/pdf_e03/seminar2006/nov06/ohno8.pdf)
26. Merton, "Property Crime and Economic Behaviour: Some Emprical Results",  
Economic Bulletin, 1973.
27. World Development Report .